



علوم تربیتی از دیدگاه اسلام

شماره ۲۲

- تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه براساس تفاسیر ملاصدرا ۵
سارا طوسی‌ان خلیل آباد، سعید بهشتی، سیدصدرالدین شریعتی، ابولفضل غفاری
- اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی ۳۷
رحمت اله مرزوقی، فرزانه دیمه کار حقیقی
- الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول ۵۱
اشرف حمیدی، شادی نفیسی، محسن احتشامی‌نیا
- تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین^(ع) بر مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان ۸۱
مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی، کمال نصرتی هشی، ام‌کلثوم میرالی رستمی
- ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در دوره ابتدایی ۱۱۱
سحر کارگر خوش، زهرا طالب، زینب گلزاری
- مطلوبیت‌های نظام راهنمایی و مشاوره نهاد آموزش و پرورش در افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۴۱
مرتضی کرمی، سعید اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

علوم تربیتی از دیدگاه اسلام

دانشگاه امام صادق(ع) - پردیس خاوران

سال یازدهم - پاییز ۱۴۰۲ - شماره ۲۲

فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام در آخرین ارزیابی کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رتبه "الف" را اخذ نموده است.

فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

الف: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC):

www.ricest.ac.ir

ب: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری:

www.sid.ir

ج: پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی:

www.noormags.ir

د: پایگاه مجلات تخصصی نور:

با توجه به راه‌اندازی سامانه فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام به نشانی <https://esi.isu.ac.ir> ضروری است که علاقه‌مندان جهت هر گونه ارتباط با این مجله صرفاً از طریق سامانه مزبور اقدام کرده، موارد مربوط را پیگیری نمایند. مقالاتی که به روش دیگر ارسال شود، قابل پیگیری نخواهد بود.

تهران: میدان صنعت - بلوار شهید فرحزادی - خیابان شهید طاهر خانی دانشگاه امام صادق(ع) - پردیس خاوران

تلفن ۴-۲۲۰۹۴۹۰۱-۲۲۰۶۵۴۳۷ نامبر ۲۲۰۶۵۴۳۷ صندوق پستی ۱۱۱-۱۴۶۵۵

Email: esi@isu.ac.ir

www. <https://isuw.ac.ir>

<https://esi.isu.ac.ir>

فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام

شماره ۲۲ / سال یازدهم / پاییز ۱۴۰۲

صاحب‌امتیاز: دانشگاه امام صادق^(ع) - پردیس خاوران

مدیر مسئول: دکتر نیکو دیالمه

سردبیر: دکتر سعید بهشتی

مدیر داخلی و دبیر این شماره: دکتر نیره رحمانی

هیئت تحریریه (به ترتیب رتبه علمی و حروف الفبا):

- * دکتر معصومه اسماعیلی
استاد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی
- * دکتر حسنعلی بختیار نصرآبادی
استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان
- * دکتر منیجه شهنی ییلاقی
استاد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید چمران
- * دکتر سیدحمیدرضا علوی
استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان
- * دکتر رحمت اله مرزوقی
استاد برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز
- * دکتر احمدرضا نصر اصفهانی
استاد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان
- * دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم
استاد مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی
- * دکتر خدیجه ابوالمعالی
استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال
- * دکتر نیکو دیالمه
دانشیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق^(ع)
- * دکتر جمیله علم الهدی
دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی
- * دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی
دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق^(ع)
- * دکتر عباس مصلاهی پور
دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق^(ع)
- * دکتر زهره موسی زاده
دانشیار روان‌شناسی رشد و توسعه تحصیلی دانشگاه امام صادق^(ع)

داوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

آمنه احمدی، آرزو اصفا، اصغر افتخاری، محسن ایمانی‌نائینی، حسن بشیر، مهین چناری، زهره حاجیه‌ها، منیر حق‌خواه، نیکو دیالمه، زینب ربانی، شیرین رشیدی، سید احمد رهنمایی، محمدصادق شجاعی، محمدرضا شمشیری، زهرا صالحی‌متعهد، مرضیه عالی، سیدحمیدرضا علوی، ابوالقاسم عیسی‌مراد، اعظم غیائی‌ثانی، علی‌نقی فقیهی، ندا کریمیان، سوسن کشاورز، اکرم گودرزی، طاهره محسنی، مرضیه محمص، مریم‌السادات محقق، زهرا محمودکلایه، سیروس محمودی، خدیجه مرادی، پرستو مصباحی‌جمشید، عباس مصلاهی پور، زهره موسی زاده، محمد علی ناد، محمود نوذری، فاطمه وجدانی.

مدیر اجرایی: طاهره کیانی

ویراستار ادبی: دکتر الهه وحیدی

ویراستار ترجمه چکیده مقالات به زبان انگلیسی: دکتر سمیرا حیدری

چاپ: دانشگاه امام صادق (ع)

مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده یا نویسندگان است. فصلنامه حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد.

Email: esi@isu.ac.ir
www. https://isuw.ac.ir
https://esi.isu.ac.ir

راهنمای نگارش مقالات

- ۱- مقالات ارسالی باید در گستره علوم تربیتی با رویکرد اسلامی و برخوردار از صبغه تحقیقی و تحلیلی، با توجه به نیازها و چالش‌های موجود اعم از بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای باشد.
- ۲- چکیده مقله حداکثر دارای ۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه دربردارنده مسأله پژوهش، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌های پژوهش همراه با واژگان کلیدی حداکثر ۷ کلمه باشد.
- ۳- ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده، واژگان کلیدی همراه مقاله ارسال گردد.
- ۴- عناوین اصلی و فرعی مقاله مرتبط با موضوع و دارای ارتباط منطقی با یکدیگر باشد.
- ۵- ارجاع منابع و مآخذ در مقاله به شیوه درون‌متنی و به شکل زیر باشد:
(نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، شماره صفحه)
- ۶- فهرست منابع در پایان مقاله به صورت زیر آورده شود:
کتاب: نام خانوادگی، نام مؤلف. (سال انتشار). *عنوان کتاب (ایتالیک)*. مصحح یا مترجم. محل نشر: نام ناشر.
- مقاله:** نام خانوادگی، نام مؤلف. (سال انتشار). عنوان مقاله. *عنوان مجله (ایتالیک)*، دوره (شماره)، شماره صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
- ۷- حجم مقاله با احتساب تمامی بخش‌های آن حداقل ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای باشد در محیط^۱ WORD 2007 و با قلم ۱۳ B Lotus حروف چینی گردد (اطلاعات بیشتر در سامانه نشریه قسمت راهنمای نویسندگان در دسترس است).
- ۸- مقالات ارسالی نباید همزمان در مجلات داخلی یا خارجی چاپ و همزمان به سایر مجلات ارسال شده باشد.
- ۹- مقالات دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد با همراهی استاد دارای رتبه علمی درج خواهد شد.

فهرست

- ❖ تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه براساس تفاسیر ملاصدرا ۳۵-۵
سارا طوسیان خلیل آباد دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)
سعید بهشتی استاد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)
سیدصدرالدین شریعتی دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)
ابولفضل غفاری دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد
- ❖ اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی ۵۰-۳۷
رحمت اله مرزوقی استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز
فرزانه دیمه کار حقیقی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه شیراز
- ❖ الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش آموزان دوره متوسطه اول . ۸۰-۵۱
اشرف حمیدی دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی
شادی نفیسی دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران
محسن احتشامی نیا استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین^(علیهم السلام) بر مسئولیت پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش آموزان ۱۰۹-۸۱
مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان
کمال نصرتی هشی استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان
ام کلثوم میرالی رستمی دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه فرهنگیان
- ❖ ارائه الگوی بازی وارسازی تربیت دینی در دوره ابتدایی ۱۳۹-۱۱۱
سحر کارگر خوش دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی
زهرا طالب استادیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی
زینب گلزاری استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ مطلوبیت های نظام راهنمایی و مشاوره نهاد آموزش و پرورش در افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۶۷-۱۴۱
مرتضی کرمی استادیار گروه مشاوره و بهداشت روان، دانشگاه جامع امام حسین^(علیه السلام)
سعید اکبری دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)
- ❖ ترجمه چکیده مقالات به زبان انگلیسی 5

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه براساس تفاسیر ملاصدرا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

سارا طوسی‌ان خلیل آباد^۲

سعید بهشتی^۳

سید صدرالدین شریعتی^۴

ابولفضل غفاری^۵

DOI: 10.30497/esi.2024.245104.1672



چکیده

مقاله حاضر به تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه، براساس تفاسیر ملاصدرا، می‌پردازد. این پژوهش که با روش تحلیل محتوای قیاسی- استقرایی انجام شده است، برای تبیین چگونگی تربیت اخلاقی به تحلیل محتوای تفاسیر ملاصدرا پرداخته و اصول و روش‌های تربیت اخلاقی را واکاوی کرده است. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در دو دسته سلبی و ایجابی ناظر به دو مرحله اصلی تخلیه و تحلیله در تربیت اخلاقی متعالیه دسته‌بندی شده‌اند. براین اساس، در بخش سلبی، پنج اصل و هفت روش و در بخش ایجابی نیز هشت اصل و شش روش استخراج شده است. اصول بخش سلبی عبارتند از: تهذیب ظاهر، مراقبت از اعمال، تهذیب نفس، دوری از حب دنیا و مراقبت از خواطر ذهنی. اصول بخش ایجابی نیز عبارتند از: عقل‌ورزی، تفکر، مراقبت در مسیر کسب علم، تکرار، ایجاد ملکات نیکو، تعدیل قوای جسمانی و نفسانی، توجه به تفاوت و وسع‌ها و به‌گزینی در معاشرت. روش‌های سلبی عبارتند از: ریاضت، زهد، انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب، دوری از افراط و تفریط. روش‌های ایجابی نیز عبارتند از: اطاعت از شرع، عمل به مقتضای علم، برهان، تذکر، ایجاد عادات پسندیده و موقعیت‌مداری.

واژگان کلیدی: اصل و روش، تربیت اخلاقی، تفاسیر ملاصدرا، حکمت متعالیه.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «فلسفه تربیت اخلاقی متعالیه با تأکید بر آثار تفسیری صدرالمتألهین» دانشگاه علامه طباطبائی^(ره) است.

۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

saratusian@yahoo.com

beheshti@atu.ac.ir

shariati@atu.ac.ir

ghaffari@um.ac.ir

۳. استاد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(ره)، تهران، ایران.

۴. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(ره)، تهران، ایران.

۵. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

بیان مسئله

تربیت، مفهومی چندبعدی است که مشتمل بر ساحت‌های اعتقادی، دینی، اخلاقی، اجتماعی، حرفه‌ای و مانند این‌ها است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). اخلاق از مقولاتی است که از دیرباز تاکنون، مورد توجه بوده و در جامعه ما نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (آهنگری، ۱۳۸۶). با وجود چنین بار سنگینی که بر دوش نظام تربیتی قرار گرفته و انتظاراتی که از آن می‌رود، تحقیقات حاکی از ناکارآمدی نسبی تربیت رسمی در مواجهه با این مسئله است. نتایج تحلیل کتاب‌های درسی که نقش اساسی در انتقال مضامین اخلاقی برعهده دارند، نشان‌دهنده عدم پرداخت جدی و علمی به مقولات اخلاقی است. براساس پژوهش‌های انجام شده، مطالب موجود در این کتاب‌ها اغلب بدون توجه به رده سنی مخاطب بوده و در آن‌ها بیشتر از قالب‌هایی چون پند و اندرز استفاده شده است (پورموسوی، ۱۳۹۴؛ افکاری، ۱۳۹۳؛ بیرانوند، ۱۳۹۲؛ درامامی، ۱۳۹۰). حسنی و وجدانی (۱۳۹۵، ص ۱۵۴) با تحلیل محتوای کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌ای مدون برای ارائه ارزش‌های اخلاقی در کتاب‌های درسی وجود ندارد. همچنین بررسی کتب مطالعات اجتماعی بیانگر فقدان الگوی مفهومی برای تربیت اخلاقی در این کتاب‌هاست (حسنی و وجدانی، ۱۳۹۶، ص ۴۸). علاوه بر این، رویکردی که در تربیت اخلاقی رسمی و عمومی کشور جریان دارد، بیشتر به نوعی اطلاع‌رسانی اخلاقی فروکاهش یافته است (حسنی، ۱۳۹۵) و در واقع نوعی شبه تربیت اخلاقی در عمل جریان دارد (حسنی، ۱۳۹۴). در مراکز علمی و عرصه عملی نیز نظریات و رویکردهای غربی، گوی سبقت را ربوده و مرجع استفاده همه قرار گرفته است. لطف‌آبادی (۱۳۸۴، ص ۷۶) در پژوهشی به بررسی آسیب‌های رایج نظریه‌های غربی رشد اخلاقی در کشور پرداخته است. او نشان داده است که استفاده از چنین نظریه‌هایی به دلیل عدم سازگاری با مبانی دینی و فرهنگی و نادیده گرفتن بنیان‌های عقلانی، روحانی و انگیزشی جامعه ما، آسیب‌های بسیاری به دنبال دارد. این در حالی است که آموزه‌های دینی قرآن حکیم و سیره اهل بیت^(ع) مشحون نکات اخلاقی است؛ علاوه بر این، اندیشمندان بسیاری نیز با الهام از این آموزه‌ها به بحث و تأمل پرداخته و گنجینه ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. در این میان، حکمت متعالیه صدرالمتهلین، نقطه عطفی در تاریخ فلسفه محسوب می‌شود. صدرا با تسلطی مثال‌زدنی بر نظریات پیش از خود و نیز با آگاهی از مبانی

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی .../ سارا طوسیان خلیل آباد و دیگران ۷

دینی و اسلامی، تلفیقی کم‌نظیر میان عقل و برهان و کشف و عرفان و نقل و قرآن ایجاد کرد و دعوی دیرین میان عقل و عشق و نقل را از بین برد (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

صدرا برای انسان سه قوه شهویه، غضبیه و علمیه برمی‌شمارد. او معتقد است که هر یک از این قوا نقطه اعتدال و افراط و تفریطی دارند. نقطه اعتدال در قوه شهویه، عفت و در غضبیه، شجاعت و در علمیه، حکمت است. از نظر صدرا، حُسن خُلق برآیندی از حد اعتدال قوای یادشده است. در این میان، عدالت که متشکل از سه قوه دیگر است، جایگاه والاتری داشته و نمایانگر صورت خُلقی فرد است. با وجود این، اخلاق نیکو در نگاه صدرا المتألهین غایت امر و مقصود نهایی نیست؛ بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن غایت حقیقی که همان اتصاف به معبود و حق تعالی است، حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، صص ۲۷۵-۲۸۶).

همچنین او نفس انسان را متشکل از سه مرتبه نباتی، حیوانی و انسانی (ناطقه) دانسته و برای نفس انسانی دو قوه علامه و عماله (عقل نظری و عملی) را برمی‌شمارد. از نظر صدرا، کار ویژه عقل نظری ارتباط با مجردات و مافوق و کار ویژه عقل عملی ارتباط با مادون و تسلط بر بدن است. اما عقل نظری جایگاه والاتری داشته و عقل عملی، با همه کارکردهایش، در خدمت او قرار می‌گیرد. او فضائل و رذائل اخلاقی را از طریق قوه عماله، قابل شکل‌گیری و مدیریت دانسته و معتقد است که عقل عملی با ایجاد تعادل میان قوای مختلف، می‌تواند اعتدال را در انسان ایجاد کرده و ملکات اخلاقی را به وجود آورد (دهقان سیمکانی، ۱۳۹۱).

ادراک و علم، از دیدگاه این فیلسوف، اصالت وجودی امری وجودی است. وی معتقد است: «وجود، منشأ تمامی خیرات، امری است که هر چیزی به او شوق دارد و او را طلب می‌کند و به واسطه او هر چیزی به کمال ممکن خویش نائل می‌آید» (به نقل از طوسی، ۱۳۹۲، ص ۹۷). بر این اساس، می‌توان از نوعی «اخلاق وجودی» در نگاه ملا صدرا سخن گفت که مبنای آن در مبانی فلسفی وی، نظیر اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، قابل جستجو است.

این نگاه ویژه، می‌تواند بن‌مایه مورد نیاز برای پی‌ریزی یک نظام اخلاقی اسلامی و تربیت اخلاقی مبتنی بر آن فراهم آورده و ما را در پی‌ریزی فلسفه تربیت اخلاقی که همسو با اندیشه‌های دینی و متناسب با فرهنگ جامعه باشد، یاری رساند. اسلامی و ایرانی بودن نظریه، از آن‌رو، مورد تأکید است که امروزه یکی از نیازهای جدی جامعه، به‌ویژه در علوم انسانی،

توجه به اندیشه‌هایی است که از یک سو با مبانی اعتقادی و دینی جامعه سازگار بوده و از سوی دیگر با فرهنگ بومی و ایرانی عجین باشد. حکمت متعالیه یکی از بهترین مصادیقی است که می‌تواند هر دو دغدغه را تأمین نماید.

در این پژوهش، تلاش شده است تا با استفاده از تفاسیر ملاصدرا به استخراج اصول و روش‌های تربیت اخلاقی پرداخته شود؛ بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: تربیت اخلاقی مبتنی بر مبانی فلسفی ملاصدرا چگونه محقق می‌شود؟ تلاش خواهد شد تا از خلال پرداختن به اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه، براساس تفاسیر ملاصدرا، به این پرسش پاسخ داده شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تحلیلی استنباطی است. برای این منظور در بخش تحلیلی از تحلیل محتوای کیفی قیاسی- استقرایی استفاده شده است. در یک تعریف ساده، تحلیل محتوا را می‌توان بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز از دل متن مورد نظر نامید (تبریزی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). مهمترین گام در تحلیل محتوا، کدگذاری است. به‌طور کلی، فرآیند کدگذاری در تحلیل محتوای کیفی، بسته به مسئله یا اهداف پژوهش، می‌تواند به صورت قیاسی یا استقرایی صورت پذیرد. در رویکرد قیاسی، با توجه به نظریه خاصی، شروع می‌کنیم و ضرورت‌های آن نظریه را که به صورت فرضیه مطرح می‌شود، در نظر داریم؛ در حالی که در رویکرد استقرایی، پژوهشگر بدون سوگیری و توجه به نظریه شروع به خواندن متن و سپس تحلیل آن می‌کند که در بهترین حالت (نظریه داده‌بنیاد) می‌تواند منجر به نظریه شود (مؤمنی راد، علی آبادی، فردانش و مزینی ۱۳۹۲، ص ۲۰۶).

براین اساس، در این پژوهش، ابتدا تعاریفی از مبنا، اصل و روش متناسب با پرسش‌های پژوهش ملاک قرار داده شده و مبنای کار تحلیل محتوای قیاسی قرار گرفت. پس از تعیین مقولات و ایجاد سازه مفهومی مورد نظر، براساس تعاریف گفته شده، محقق به

۱. اصول و روش‌های به دست آمده در پژوهش حاضر، مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی و اخلاق‌شناختی است که ابتدا از تفاسیر ملاصدرا استخراج شده و براساس آن اصول و روش‌ها به دست آمده‌اند. اما به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، از آوردن مبانی به صورت مجزا، خودداری شده و به‌طور ضمنی، در توضیحات هراصل و روش تلاش می‌شود تا به آن اشاره شود.

جستجوی مصادیقی برای آنها در متن تفاسیر ملاصدرا پرداخته و کوشیده است تا تفاسیر را با عینک مقولات یادشده واکاوی نماید.

در بخش دوم و گام بعد، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، به تحلیل تفاسیر ملاصدرا پرداخته و کوشیده است تا این بار با نگاهی استقرایی به واکاوی مبانی فلسفی اخلاق و تربیت اخلاقی، از نگاه ملاصدرا، بپردازد و این مفاهیم را تحلیل نموده و در نهایت به استنباط مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه بپردازد.

یافته‌های پژوهش

ملاصدرا برای نفس انسانی، دو قوه عقل نظری و عملی را به‌طور خاص، در نظر گرفته و برای هرکدام مراحل را نام می‌برد. عقل عملی انسان مدیریت قوای بدنی و ارتباط با مادیات را برعهده داشته و از نگاه صدرا اخلاق با این بعد از وجود انسان بیشتر در ارتباط است. او برای عقل عملی مراحل در نظر می‌گیرد که براساس آن می‌توان برای تربیت اخلاقی متعالیه دو بعد اصلی سلبی و ایجابی در نظر گرفت.^۱ بعد سلبی ناظر به دو مرحله اول و تهذیب ظاهر و باطن است که تخلیه و پیراستن در دو بعد ظاهری و باطنی در آن مورد توجه است. بعد ایجابی نیز ناظر بر دو مرحله پایانی و آراستن به فضائل اخلاقی و صور علمی است که تخلیه و آراستن دو مفهوم کلیدی آن است. براین اساس، اصول تربیت اخلاقی متعالیه ذیل دو بخش کلی سلبی و ایجابی تدوین شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

اصول تربیت اخلاقی متعالیه

منظور از اصول، مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشائی یا بایدمحور هستند که در این پژوهش، براساس متون تفسیری ملاصدرا^۲، استخراج شده‌اند (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). در ادامه، چنان‌که گفته شد، اصول تربیت اخلاقی متعالیه، ذیل دو بخش کلی سلبی و ایجابی مورد بحث قرار خواهند گرفت:

۱. توضیح این مراحل به‌طور مجزا در مقاله دیگری، تحت عنوان تربیت اخلاقی متعالیه، از عمل اخلاقی تا شهود عرفانی، نویسندگان آورده‌اند که در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی در نوبت چاپ است.

۲. در پژوهش‌های فلسفه تربیت اسلامی، این اصول معمولاً با توجه به متون اسلامی نظیر قرآن و آیات آن یا روایات و سیره معصومین^(ع) استخراج می‌شود و یا فلسفه اسلامی و آثار فیلسوفان مسلمان منبای اصول تربیتی قرار می‌گیرد که در پژوهش حاضر، حالت دوم رخ داده است.

۱- اصول سلبی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحله تخلیه و پیراستن

۱-۱- تهذیب ظاهر

از نگاه صدرا، ظاهر اهمیت داشته و مراتب اولیه سلوک و حرکت انسان بدون در نظر گرفتن ظواهر و توجه به آن میسر نخواهد بود. منظور از ظاهر، آن اموری است که به بعد شهادتی و ظاهری انسان مربوط می‌شود؛ چراکه از نگاه صدرا، انسان دارای دو بعد ملکوتی و شهادتی است. منظور از بعد ملکوتی جنبه برتر وجود او و جهت الهی و ماوراء دنیایی آن است و منظور از بعد شهادتی نیز جهتی از انسان است که مربوط به عالم دنیا و ظواهر است. او معتقد است که این دو بعد در هم آمیخته و نمی‌توان هیچ‌یک را نادیده گرفت؛ بنابراین، ابعاد ظاهری اگرچه اثرگذاری کمتری دارند، اما حائز اهمیت بوده و شرع نیز به آنها توجه کرده است؛ به همین دلیل است که بسیاری از تکالیف شرعی با انجام اعمال ظاهری همراه بوده و بر آن تأکید می‌شود.

هدف از پرداختن به ظواهر و تهذیب آن از طریق اعمال نیکو نیز معرفت به افعال خداوند و حرکت در مسیر تحقق علوم مکاشفه و دستیابی به معارف ایمانی است؛ چنانچه صدرا به آن تصریح می‌کند: «بالاترین علوم مکاشفه، معارف ایمانی بوده و بزرگ آن معرفت خداوند و سپس معرفت صفات و اسماء اوست. سپس معرفت افعال اوست که غایتی است که به خاطر آن تهذیب ظواهر با اعمال صورت می‌گیرد» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۵۰). براین اساس، عبادات و تکالیف شرعی در مرتبه اول، مشمول اصل حاضر شده و حتی با وجود قلت توجه و حضور قلب، حداقل تأثیر را بر وجود انسان بر جای می‌گذارند؛ بنابراین در مقام اولین گام در مسیر تخلیق به اخلاق الهی و تشبه به خداوند مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۲- مراقبت از اعمال

یکی از مهمترین اهداف در تربیت اخلاقی، تخلیق به اخلاق الهی و شبیه شدن به خداوند است. تکرار اعمال سبب ایجاد ملکات اخلاقی و آسان شدن صدور فعل نیک گشته و در نهایت تعیین‌کننده سرنوشت و جایگاه انسان در آخرت است. این اصل با اصل تهذیب ظاهر که پیشتر اشاره شد و نیز اصل تهذیب باطن که در ادامه به آن اشاره می‌شود، تفاوت دارد. یکی از وجوه تفاوت این اصل با دو اصل مذکور، تلاش برای تشبه به خداوند در افعال است که در این اصل مورد تأکید است. از نگاه صدرا، پاداش اخروی نتیجه اعمال و شنیدن کلام حق است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰۱). ملاصدرا دامنه اعمال را گسترده دانسته و

آن را از اعمال ذهنی تا اعمال ترک‌کردنی تعریف کرده و بسط داده و عامل دستیابی به مراتب عقل معرفی می‌کند؛ بنابراین، نقش اعمال در تعیین جایگاه وجودی انسان، هویت و سرنوشت او بسیار بوده و باینکه جایگاهی ابزاری و واسطه‌ای دارد، نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و به آسانی از کنارش عبور کرد.

۱-۳- تهذیب نفس

ملاصدرا تهذیب نفس را اصلی‌ترین پیام دین معرفی کرده و با تأکید بر اهمیت تزکیه نفس، تخلیق به اخلاق روحانی و الهی را راهی برای برون‌رفت از ظلمات اوصاف نفسانی و پیروزی بر آن برمی‌شمارد: «این تزکیه از طریق پنهان کردن ظلمات اوصاف حیوانی در پیدایش اخلاق روحانی و آراستگی به این اخلاق اتفاق می‌افتد تا زمانی که نور روح بر ظلمت نفس غلبه کرده و پیروز شود و آن را در عدم خفا پنهان کند» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۶۸).

او تقوا را پرهیز و پاک‌کننده قلوب از امراض درونی دانسته و آن را مقدمه به دست آوردن افعال نیکو و ایمان و طاعت معرفی می‌کند؛ بنابراین، تهذیب نفس، تقوا و زدودن ردائل اخلاقی یکی از مهمترین اصول در تربیت اخلاقی متعالیه محسوب شده و همان‌طور که اشاره شد، ملاصدرا با عبارات و شکل‌های گوناگون به آن تصریح می‌کند.

۱-۴- دوری از حبّ دنیا

از نگاه صدرا، شرط دستیابی به علوم حقیقی و تابش نور ایمان بر وجود انسان نیز دوری از حبّ دنیا و شهوات نفسانی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های مورد اشاره حبّ دنیا و پیروی از شهوات است:

از جهت عمل، مثل علمای غیرحقیقی مثل مریض است؛ زمانی که نسخه دارو را گرفته و به تکرار آن و تعلیم آن می‌پردازد. مانند کسی که بواسیر یا برسام گرفته و روبه‌مرگ است و نیاز به دارو دارد و مشغول تعلیم داروی استحاضه است و شب و روز آن را تکرار می‌کند؛ باینکه می‌داند نه حیض است و نه استحاضه، اما می‌گوید شاید زنی دچار استحاضه شود و از من سؤال کند و این نهایت غرور است. این چنین است حال فقیه بیچاره‌ای که بر او حبّ دنیا و پیروی از شهوات غلبه کرده و حسد و کبر و ریا و سایر مهلکات باطنی بر او غلبه کرده است و چه‌بسا قبل از توبه و جبران، مرگ او فرا برسد و خدا را درحالی که از او غضبناک است ملاقات کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۴۰).

چنانچه گفته شد، یاد دنیا و آمال و آرزوهای آن و شهوات نفسانی، زمینه را برای بروز وسوسه شیطان و غلبه آن بر قلب انسان فراهم می‌آورد: «بنابراین، هرگاه یاد دنیا و برآیندهای آرزو و لذت‌های شهوات بر نفس آدمی چیره باشند، شیطانی که در پوشش نفس پنهان شده، فرصتی می‌یابد و به وسوسه او می‌پردازد...» (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۸).

۱-۵- مراقبت از خواطر ذهنی

ملاصدرا مبادی صدور افعال ارادی را تصور، تصدیق، شوق، عزم و تحریک قوای جسمانی دانسته و پس از آن، به تعریف خواطر می‌پردازد و معتقد است که درحقیقت این خواطر هستند که بروز افعال را سبب می‌شوند. درواقع، خواطر اندیشه‌ها و یادآوری‌هایی هستند که وارد ذهن انسان شده و آغازکننده افعال او است. این خواطر یا دعوت به خیر می‌کنند و یا دعوت به شر؛ در ادبیات دینی، خاطر دعوت‌کننده به خیر را الهام و خاطر دعوت‌کننده به شر را وسوسه می‌نامند.

قلب انسان آمادگی پذیرش هردو حالت را داشته و براساس غلبه شهوات و اوهام یا براهین و معارف یقینی و تشبه به حق، به سمت یکی از این دو متمایل می‌گردد. ملاصدرا معتقد است که اگر انسان مغلوب هوی و هوس و قوای شهوانی خود باشد و وجودش در خدمت آنها باشد، قلب محلی برای حضور شیطان و لشگریانش خواهد شد. اما اگر با شهوات مبارزه کند و از طریق برهان و علم، اوهام دروغین را از خود دور کند، دراین صورت، با اخلاق فرشتگان تشبه جسته و با کسب علوم یقینی و دوری از دنیا و زهد، قلبش محل رفت و آمد ملائکه و منزلگاه ایشان خواهد شد (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۶ و ۳۰۷)؛ بنابراین انسان می‌تواند با مراقبت از نفس و مبارزه با شهوات و دوری از دنیا و کسب علم و معرفت نیز از وسوسه‌ها و خواطر شر دوری کرده و امکان بروز خواطر نیکو و الهام فرشتگان را افزایش دهد.

۲- اصول ایجابی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحل؛ تحلیله و آراستن

۲-۱- عقل‌ورزی

عقل نزد ملاصدرا جایگاه ویژه‌ای داشته و اساساً از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات، داشتن مراتب مختلف عقل است. او برای انسان قوای مختلف شهویه، غضبیه، وهمیه و عقل را برشمرده و هرکدام را به موجودی تشبیه می‌کند و در توصیف کارکرد آنها، تعقل را به معنای تجرید حقائق از زوائد و تنقیح مقاصد از اضافات و حشویات و جدا کردن ذاتی از

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسی‌ان خلیل آباد و دیگران ۱۳

عرضی در هر بابی دانسته و معتقد است که معنای مصطلح تعقل، تجرید و توحید است و با کثرت فعل تجرید و توحید، انسان به مرتبه تجرد از خلایق و توحید از حجاب‌های بدنی رسیده تا جایی که منزّه بودن و توحید خداوند را شناختند و مشاهده کردند و او را آن‌طور که شایسته است ستایش کردند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۹۹).

از رؤسای لشگریان عقل، شهوت و غضب است... عقل در ورای این دو لشگر، یک لشگر الهی نیز دارد و آن علم و حکمت است و حق این است که عقل از این دو لشگر که از حزب الهی هستند، علیه دو لشگر دیگر که به حزب شیطان (یعنی وهم) می‌پیوندند، یاری بگیرد؛ زیرا هرکس از یاری جستن از لشگر الهی کوتاهی کند، بدون شک، شهوت و غضب را بر خود چیره ساخته و به یقین هلاک گردیده و زبانی آشکار نموده است (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۳ و ۳۰۴)؛ بنابراین حاکمیت عقل بر سایر قوا و مدیریت اعمال و افعال و بدن، براساس فرمان و کنترل عقل، می‌تواند انسان را در موقعیت‌های مختلف راهنمایی کرده و با نور بصیرت به سوی خیر رهنمون سازد.

۲-۲- تفکر

ملاصدرا تفکر را یکی از ویژگی‌های عالم حقیقی دانسته و آن را در کنار ویژگی‌هایی مانند تلاش برای کسب علم باطن و مراقبه و مجاهده معرفی می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۳۱).

از نگاه صدر، تأمل در اسرار معرفت-الله و آیات الهی و تفکر در امر آخرت یکی از راه‌های خروج از ظلمات جهل و نقصان و وارد شدن به نور معرفت و کمال است:

همانطور که انسان با تأمل در اسرار معرفت‌الله و شنیدن آیات ملکوتش و تفکر در امر آخرت، از ظلمات جهل و نقصان به نور معرفت و کمال خارج می‌شود، همان‌طور نیز با ارتکاب شهوات دنیا و متابعت هوی و شیطان، از نور ادراکات حسی به ظلمات کوری و محرومیت از لذات دنیا خارج می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۸۵).

بنابراین یکی از اصولی که در تربیت اخلاقی باید به آن توجه کرد، اصل تفکر است. تفکر در اسرار و آیات الهی، آغاز و انجام انسان، آخرت و حضور نزد حق یکی از مهمترین راه‌هایی است که می‌تواند انسان را به علم حقیقی و شهود حق رهنمون سازد و باید در مسیر تربیت اخلاقی به آن توجه شود.

۲-۳- مراقبت در مسیر کسب علم

ملاصدرا پرداختن به نفس و تهذیب اخلاق را به‌ویژه برای عالمان دینی، امری ضروری دانسته و معتقد است که عدم مراقبت در مسیر کسب علم، آفات بسیاری داشته و خود حجابی بزرگ در مسیر کسب معارف حقیقی است. او بر خطری که کسب دانش‌های رسمی برای نفس انسان و ایجاد غرور در او ممکن است به همراه داشته باشد، هشدار داده و می‌گوید:

[دراین‌میان، آنچه از همه خطرناک‌تر است]؛ به‌ویژه همین دانش‌های رسمی و فنون مشهور است که حجابش ستبرتر و کنار زدندش دشوارتر و تباهی‌اش بیشتر و تأثیرش در خودشیفتگی انسان و فریب خوردنش از حال خود بیشتر است. این حالتی است که برای غالب شباهت‌جویان به دانش‌وران راستین روی می‌دهد (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۳).

باتوجه به اینکه تربیت اخلاقی از مرحله عمل آغاز شده، اما افق آن دستیابی به معارف کلی عقلی و رسیدن به علم حقیقی است، بنابراین می‌توان گفت که مراقبت در این مسیر برای دچار نشدن به آفاتی چون غرور، شهرت و تفاخر امری ضروری است.

۲-۴- تکرار

صدرا معتقد است که انسان‌ها برحسب فطرت نخستین خود، نوع واحدی هستند و تمایزی با هم ندارند. آنچه موجب تفاوت آنها می‌شود، ملکات و اخلاقی است که در اثر تکرار اعمال در هر فرد ایجاد شده و متناسب با آن صورتی در آخرت برای آن فرد بروز خواهد کرد. او ملکه را نیز بر همین اساس، تعریف کرده و می‌گوید: «پابرجا شدن (رسوخ) هیئت‌ها و شدت یافتن صفات در اثر تکرار کارهای خوب و بد، نزد حکیمان، ملکه نامیده می‌شود و در زبان اهل شریعت و عرفان به فرشته و شیطان موسوم است» (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

از نگاه او، تکرار یک عمل خاص رد پای آن عمل را در قلب مستحکم کرده و در جان انسان ملکه‌ای متناسب با آن عمل ایجاد می‌کند که در نتیجه آن، عمل مزبور به‌آسانی از نفس سر می‌زند. همچنین در اثر این تکرار است که حقیقت ملکه حاصله به‌شکلی متناسب در آخرت، نمود یافته و صورتی از عذاب یا پاداش را جلوه‌گر خواهد ساخت.

بنابر آنچه به آن اشاره شد، مکانیسم ایجاد ملکات اخلاقی به‌گونه‌ای است که تنها تکرار و ممارست بر انجام اعمال، منجر به ایجاد اخلاق مطلوب خواهد شد؛ بنابراین برای دستیابی به صفات مطلوب اخلاقی و تحقق غایات مورد نظر در تربیت اخلاقی، باید متربی به انجام

اعمال متناسب با آن اهداف مبادرت ورزیده و با تکرار آن به سوی شکل‌گیری ملکات مناسب اخلاقی حرکت کند.

۲-۵- ایجاد ملکات نیکو

پس از آنکه در بخش پیشین به اصول ناظر بر تخلیه اشاره شد، در این بخش در ادامه اصول ایجابی و درپی آراستن فرد به فضایل اخلاقی، به لزوم شکل‌گیری ملکات نیکو در نفس تأکید می‌شود. نفس از رذائل اخلاقی تخلیه شد و آمادگی لازم را کسب کرد؛ مرحله بعد، آراستن آن به وسیله فضائل اخلاقی است؛ امری که یکی از اهداف ارسال پیامبر^(ص) بوده و از اهداف دین محسوب می‌شود:

خداوند پیامبر^(ص) را با صفت رحمت و لطف مبعوث کرد تا نفوس را از ظلمت صفات و اخلاق سوء تزکیه کرده و به نور ارواح آراسته کند تا مستحق نزدیکی به حق و ملکوت و قرب او در زمره ارواح مطهره شود. این تزکیه از طریق پنهان کردن ظلمات اوصاف حیوانی در پیدایش اخلاق روحانی و آراستگی به این اخلاق اتفاق می‌افتد تا زمانی که نور روح بر ظلمت نفس غلبه کرده و پیروز شود و آن را در عدم خفا پنهان کند. این مقام اولیاء الهی است: آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌کند^۱ (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، صص ۲۶۸ و ۲۶۹).

به عبارت دیگر، در این اصل به آراستن نفس با ملکات اخلاقی تأکید شده و توجه به ملکات و تلاش برای ایجاد ملکات نیکو، یکی از اصول ایجابی تربیت اخلاقی متعالیه است که در مرحله ایجاد آرایش اخلاقی مناسب می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

۲-۶- تعدیل قوای جسمانی و نفسانی

ملاصدرا ضمن در نظر گرفتن قوای شهویه، غضبیه و وهمیه برای نفس انسان، معتقد است که انسان در استفاده از این قوا، نه باید دچار افراط گردد و نه مسیر تفریط را در پیش گیرد. همچنین عفت، شجاعت، حکمت و عدالت را رئوس فضائل عملی دانسته و اطراف هشتگانه آنها را که در اثر افراط و تفریط ایجاد می‌شود، از رذائل اخلاقی معرفی می‌کند و بنا بر آن به تعریف حسن خلق می‌پردازد.

وی در معنای عدالت و میانه‌روی، امر را منحصر بر اخلاق ندانسته و معتقد است که این اعتدال به لحاظ جسمانی نیز باید مطرح شود. به عبارت دیگر، منظور از اعتدال مورد تأکید

۱. يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (بقره، ۲۵۷).

صدرا، هم اعتدال در مزاج و سلامت جسمانی و هم اعتدال در اخلاق و رسیدن به حسن خلق است:

اشاره به این نکته که به لحاظ جسمانی انسان در حالت اعتدال قرار داشته و مزاج معتدل انسانی برترین مزاج‌ها است و همچنین میزان به بحث اخلاق هم اشاره داشته و منظور از آن، هم اعتدال مزاج در جسم و هم عدالت در اخلاق نفسانی است، زیرا قرآن بطون و معانی مختلفی دارد، بلکه این وجه با تعبیر جسمانی هماهنگ است، زیرا عوالم با هم مطابقت داشته و نشأت با هم تناظر دارند؛ بنابراین اعتدال در مزاج باعث می‌شود که صورت انسانی بر مبنای عدل در صفات معنوی و اصول اخلاقی باشد (که اینها در واقع به منزله صورت‌هایی برای کیفیات جسمانی هستند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۸۹).

بنابراین، اهمیت رعایت اعتدال، هم در جنبه‌های جسمانی و هم در جنبه‌های روحانی، مورد تأکید ملاحظه شده و برای پیمودن مراتب کمال و سعادت، ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس در تربیت اخلاقی نیز یکی از اصول مهم در راستای دستیابی به حسن خلق و اهداف غایی، نظیر تخلیق به اخلاق الهی، دوری از افراط و تفریط، در استفاده از قوای نفسانی و دستیابی به اعتدال و حد وسط است.

۲-۲- توجه به تفاوت وسع‌ها

ملاحظه می‌شود که انسان‌ها براساس تفاوت در ادراکات و اراده‌ها و شوق‌ها و تفاوت‌هایی که در بهره‌گیری عقلی دارند، با یکدیگر متفاوت بوده و همین امر نیز اسباب تفاوت آنها در عاقبت و سعادت و شقاوت آنها می‌شود. او دلیل این تفاوت‌ها را شرح می‌دهد:

دلیل این تفاوت در تفاوت آنها در صفا و کدورت و قوت و ضعف و شرافت و خست است و به حسب برتری از اسباب بدنی و احوال دنیوی، از جمله استعدادهای مادی و عوارض اتفاقی و سلسله‌واری که منتهی به امور علوی و قضای سابق بدنی می‌شود... پس دانستی که تفاوت نفوس بشری در تفاوت اصول و معادن عقلی و کلیدهای درهای الهی است و به دلیل تفاوت آنها در ادراکات و اراده‌ها و شوق‌ها، میان آنها در هدایت و گمراهی و طاعت و گناه و توفیق و خذلان و سعادت و شقاوت و حسن عاقبت و سوء عاقبت و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم، اختلاف پیش می‌آید (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۱۸).

بنابراین، توجه به تفاوت‌های فردی و تفاوت وسع انسان‌ها با یکدیگر در تربیت اخلاقی نیز تأثیر بسزایی داشته و مربی باید به ظرفیت‌متربی نظر داشته باشد و متناسب با ظرفیت او اعمال و افعال را انتظار داشته باشد.

۲-۸- به‌گزینی در معاشرت

همان‌طور که در مبانی گفته شد، نفس انسان می‌تواند در اثر هم‌نشینی و مجاورت با امور مختلف، صفاتی شبیه به آنها را به خود بگیرد:

هر جوهری قوه و استعدادی برای به دست آوردن اشیاء مختلف دارد، و برحسب کثرت انفعالات حاصل از نوع خاصی از صفت، صورت جوهری که مبدأ آن صفت است، در او به وجود می‌آید؛ همان‌طور که کثرت مجاورت آتش برای هیزم حالت سوزندگی را به وجود می‌آورد و نیز مجاورت با زمین باعث می‌شود که شیء ویژگی خاک را بروز دهد، شکی نمی‌ماند که وقتی امری مجاور و شبیه شده و دارای استعدادی باشد و در کنار امری که می‌تواند شبیه آن شود، قرار گیرد، از آن به آسانی اثر می‌پذیرد؛ چنانچه تأثیر هیزم خشک از آتش در مجاورت با آن (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۹۸).

براساس این اصل، در فرآیند تربیت اخلاقی، لزوم انتخاب هم‌نشین و همراه مناسب اهمیت یافته و هم‌مربی و هم‌متربی باید نسبت به آن دقت نمایند. مربی باید در فرآیند تربیت اخلاقی، شرایط را برای تشکیل جمع‌های اخلاقی مثبت و قرار گرفتن افراد با ویژگی‌های مثبت اخلاقی در کنار یکدیگر فراهم نماید. متربی نیز باید همواره بر انتخاب هم‌نشین و همراه مناسب در سلوک خود توجه نموده و با مجالست مناسب، حرکت خود را تسهیل نماید.

روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه

روش تربیتی گزاره‌ای، تجویزی است که راه رسیدن به یک هدف تربیتی را به ما نشان داده (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳) و نسبت به اصل تربیتی، جزئی‌تر و به عمل نزدیک‌تر است. در بخش بعد، به روش‌های تربیتی در دو عنوان پرداخته شده است:

۳- روش‌های سلبی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحله تخلیه و پیراستن

در این بخش نیز روش‌ها تحت دو عنوان کلی سلبی و ایجابی مورد بحث واقع خواهند شد؛ در بخش روش‌های سلبی، هفت روش به دست آمده است که عبارتند از: ریاضت، زهد،

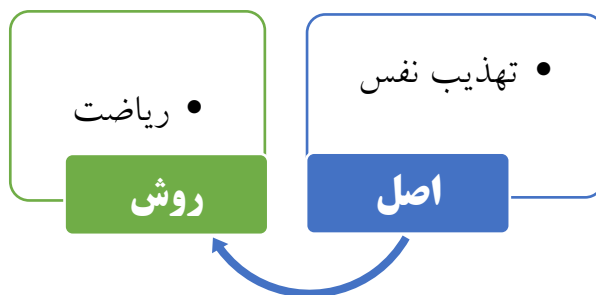
انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب و دوری از افراط و تفریط. در ادامه به توضیح این روش‌ها پرداخته شده است:

۳-۱- ریاضت

ملاصدرا پیروی از شهوات حیوانی و لذات نفسانی را عامل ایجاد بسیاری از اخلاق ناپسند دانسته و معتقد است که ترک شهوات از طریق مجاهده و ریاضت، عامل مهمی در دوری از این اخلاق و کسب مکارم اخلاق و طهارت قلب محسوب می‌شود؛ همچنین در توصیف ویژگی افرادی که می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند، بر روی ریاضت تأکید کرده و می‌گوید، کسی که فقط به دنبال مقام و ثروت است، باید این کار را ترک کرده و با هوای نفسش مخالفت کند تا جایی که به نفسش ریاضت بدهد و دین و یقینش را قوی کرده و از فتنه نفسش در امان باشد؛ در این صورت، می‌تواند با قضاوت یا تدریس، مردم را موعظه کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۶۴).

ملاصدرا گاهی از اعمال دینی و عبادات نیز با عنوان ریاضت یاد کرده و آنها را از آن جهت که در جهت رهایی از محسوسات و بالفعل ساختن عقل یاری می‌نمایند، مورد تأکید قرار داده است؛ بنابراین مجاهده و ریاضت در راه زدودن رذائل اخلاقی و مبارزه با نفس و دوری از شهوات و لذات دنیایی، یکی از روش‌هایی است که مورد توجه ملاصدرا در تفاسیر بوده و می‌تواند زمینه تحقق اهداف تربیت اخلاقی متعالیه را فراهم سازد.

روش مذکور با اصل دوری از حب دنیا در ارتباط بوده و می‌تواند راهی برای تحقق آن در نظر گرفته شود:



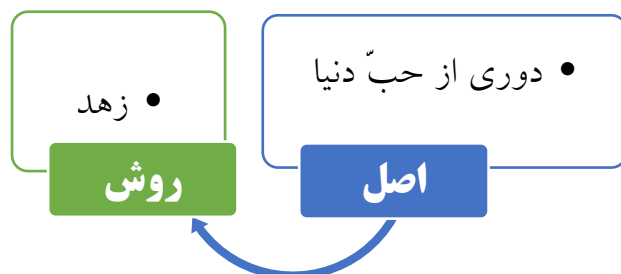
شکل ۱. ارتباط اصل تهذیب نفس با روش ریاضت

۳-۲- زهد

ملاصدرا ضمن معرفی معرفت که اصل هر سعادت است، زهد و تقوا و عبادات و ریاضات را وسیله تصفیه باطن و مقدمه کسب معرفت و حکمت معرفی کرده و این نکته را مجدداً مورد توجه قرار می‌دهد که تصفیه و صیقل دادن قلب اصالتاً مورد تأکید نبوده، بلکه آنچه موجب ظهور آیات حق می‌شود، زهد در این دنیا است. سپس در ادامه به بررسی مراتب زهد پرداخته و برای آن سه مرتبه ذکر می‌کند؛ زهد در دنیا، زهد در آخرت، زهد از زهد و به‌طور کلی، روی آوردن به سوی خدا. مرتبه اول سبب رهایی نفس، مرتبه دوم سبب رهایی قلب و مرتبه نهایی سبب رهایی روح انسان می‌شود؛ همچنین ترک دنیا و زهد پیشه کردن را یکی از عوامل مؤثر در طهارت قلب و تبدیل شدن آن به قرارگاهی برای نزول و تردد فرشتگان دانسته و این‌گونه توضیح می‌دهد:

اگر با شهوت‌ها به مبارزه برخیزد و نگذارد آنها بر او چیره شوند و تسلیم آنها نگردد، بلکه به یاری برهان یقینی (که دلالت بر وجود جهانی دیگر می‌کند که پایدار و در نقطه مقابل این جهان فرساینده و فانی است) به معارضه با شهوات اقدام نماید و گمان‌ها و اوهام دروغین را (که خواهان شهوت‌ها و تکیه زدن بر دنیا و اعتماد به لذت‌های آن و میل به جاودانگی در زمین و قناعت ورزیدن به این جهان ناقص و رو به زوال می‌باشند) از خود براند و با اخلاق فرشتگان همانندی جسته، به اندوختن معارف الهی و یادآوری معلومات یقینی همت ورزد و با نیروی ایمان به اجرای سنت انبیا و اولیا^(ع) پرداخته، به ترک دنیا و زهد پیشه کردن در آن روی آورد؛ در این صورت است که قلب او قرارگاه فرشتگان و منزلگاه ایشان گردیده، هرروز برای دیدار او فرود می‌آیند... (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۶-۳۰۸).

این روش نیز می‌تواند به تحقق اصل دوری از حب دنیا کمک کند و در ارتباط با آن مطرح شود:



شکل ۲. ارتباط اصل دوروی از حبّ دنیا با روش زهد

۳-۳- انفاق

به دلیل اهمیت و نقشی که مال در تقویت حبّ دنیا و شهوات نفسانی دارد، یکی از مهمترین راه‌های مبارزه با این دو، دوروی از مال و بخل ورزیدن و جمع کردن آن است؛ بنابراین، انفاق مال یکی از مهمترین روش‌های مبارزه با حبّ دنیا و غلبه شهوات نفسانی بوده و ملاصدرا بر آن تأکید بسیار دارد. او بخشش مال و انفاق را به خونی تشبیه می‌کند که هنگام حجامت از بدن خارج شده و سبب دوروی بیماری از انسان است؛ به همین ترتیب، بخشش مال نیز سبب دوروی بیماری‌های درونی نفس است:

اینها متوجه نشدند که آن درمانده‌ای که مالی از تو می‌گیرد [که همان مال سرانجام نابودکننده تو است] با این ستاندن، خود بیماری بخل را که نابودکننده تو است، از تو دور می‌کند و دوستی دنیا را که مبدأ هرگناه است و علاقه به دنیا را که اساس هرکار ناپسند است، از دل تو بیرون می‌کند؛ آن‌چنان‌که شخص حجامت‌کننده با خونی که از تو می‌گیرد، بیماری نابودکننده را از درون تو می‌زداید... صدقات و بخشش‌های مالی و خوراکی نسبت به درماندگان نیز به همین شکل پاک‌کننده باطن -ها و تصفیه‌کننده قلب‌ها از ملکات خبیث و از بیماری‌های ناشی از صفات هلاک-کننده هستند (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸).

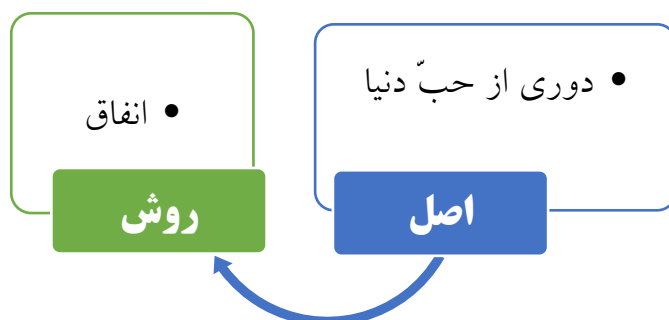
از نظر صدرالمتألهین، انفاق مال که ممکن است کنایه از زهد باشد، برترین اعمال است و یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن را نیز انفاق در راه خدا دانسته و می‌گوید: «ویژگی دیگر آنها انفاق از آنچه روزی آنها شده است، به این معنا که با دادن زکات از مال‌شان و تعلیم

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسی‌ان خلیل آباد و دیگران ۲۱

معارف و حقایق به افراد دارای استعداد این کار را انجام می‌دهند» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۰۲).

باتوجه به موارد گفته شده و تأکید بسیار ملاحظه بر اهمیت انفاق و بخشش‌های مالی، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مؤثر در تربیت اخلاقی که دوری از رئوس ذمائم اخلاقی اثرگذار نظیر حبّ دنیا است، گذشتن از مال و بخشش آن است؛ بنابراین در تربیت اخلاقی متعالیه این روش می‌تواند راهگشا بوده و با زدودن موانع اخلاقی، راه را برای کسب فضائل و ملکات اخلاقی مثبت هموار سازد.

روش‌های زهد و انفاق، دو روش مهم هستند که ناظر بر اصل دوری از دنیا قرار می‌گیرند، زیرا تأکید هر دو بر دوری از حبّ دنیا و ارائه راه‌هایی برای دوری از آن و رهایی از آسیب‌های مترتب بر آن است:



شکل ۳. ارتباط اصل دوری از حبّ دنیا با روش انفاق

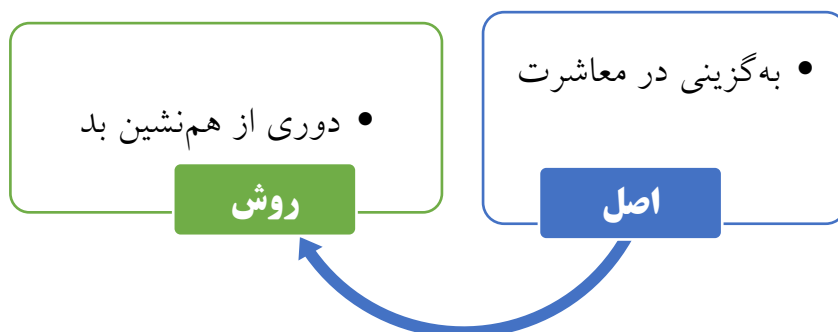
۳-۴- دوری از هم‌نشینی بد

نفس انسان استعداد پذیرش ویژگی‌های گوناگون در اثر هم‌نشینی با امور مختلف را دارا است؛ بر همین اساس در تربیت اخلاقی نیز یکی از راه‌های دستیابی به اهداف تربیت اخلاقی و رهایی از محسوسات مادی، دوری از هم‌نشینی بد است. او دوری از هم‌نشینی با چند گروه را مورد تأکید قرار داده و می‌گوید:

لذا برای کسی که می‌خواهد سالک راه اهل حق و یقین باشد، لازم است که بعد از تطهیر نفسش از رذائل اخلاق، اولاً از هم‌نشینی با معطلین گمراه دوری کند، زیرا آنها بر قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌های‌شان قفل زده شده و نمی‌فهمند. ثانیاً دوری از

مبتدعین گمراه، زیرا آنها نیز وقتی پیامبر با دلایل آشکار مبعوث شد، به علمی که خودشان داشتند خوشحال بودند و استهزاء می‌کردند. این دو گروه اولیای شیطان و اهل طاغوت هستند و از اینها به خدا پناه می‌بریم؛ چنانچه از شیطان به خدا پناه می‌بریم و آثار آنها را با نور فطرت قلب سلیم دفع می‌کنیم و... (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲).

بنابراین، باتوجه به تأثیری که مجاورت و هم‌نشینی در انسان می‌گذارد، باید در تربیت اخلاقی بر انتخاب نوع هم‌نشین و تعامل با گروه‌ها و افراد مختلف توجه داشته و در کمترین حالت از هم‌نشین بد دوری کرده و در حالت مطلوب نیز تلاش نمود تا با دقت در انتخاب هم‌نشین از یک‌سو و از سوی دیگر، مجالست و انس با افعال نیکو و روحانی، به سوی تشبه بیشتر به خداوند حرکت نماید:



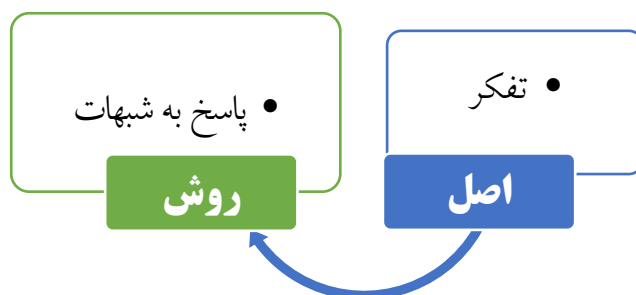
شکل ۴. ارتباط اصل به‌گزینی در معاشرت با روش دوری از هم‌نشین بد

۳-۵- پاسخ به شبهات

ملاصدرا در تفسیر سوره جمعه و توضیح دلیل عدم آرزوی مرگ کفار، تکرار اعمال شهوی، غضبی و حیوانی و غرق شدن در لذات و شهوات مادی را دلیل چنین امری می‌داند. او در ادامه به تبیین ریشه تکرار چنین اعمالی پرداخته و می‌گوید: «ریشه تمامی این اعمال و افعال تباهی در اعتقاد و شک در بقا و پایداری نفس در معاد و بازگشتش به سوی خداوند است...» (شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۶۵)؛ بنابراین باورها و عقائد انسان نقش مهمی در دستیابی به سعادت یا شقاوت داشته و در صورت بیراهه رفتن در عقاید، می‌تواند منجر به سوء عاقبت انسان

شود. ملاصدرا درباره‌ی خطر اندیشه‌ها و عقاید نادرست هشدار داده و انسان را از گرفتار شدن به شبهات و مغالطات پرهیز می‌دهد.

همچنین یکی از آثار تفکر را دوری از شبهات و مغالطات دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۶). در واقع تفکر صحیح از نگاه صدرا دو وجه دارد؛ وجه اول که روش سلبی است، ناظر بر دور شدن از عقائد نادرست و شبهات فکری است که در اینجا اشاره شده است. وجه دوم پس از ایجاد زمینه مناسب، از طریق دوری از شبهات، ناظر بر کسب عقاید صحیح از طریق برهان است که در بخش ایجابی به آن اشاره شده است. براساس آنچه گفته شد، می‌توان روش پاسخ به شبهات را یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی در جهت دستیابی به علوم حقیقی و آثار تفکر و نیز دوری از عقاید نادرست و مغالطات دانست:



شکل ۵. ارتباط اصل تفکر با روش پاسخ به شبهات

۳-۶- دوری از عادات نامناسب

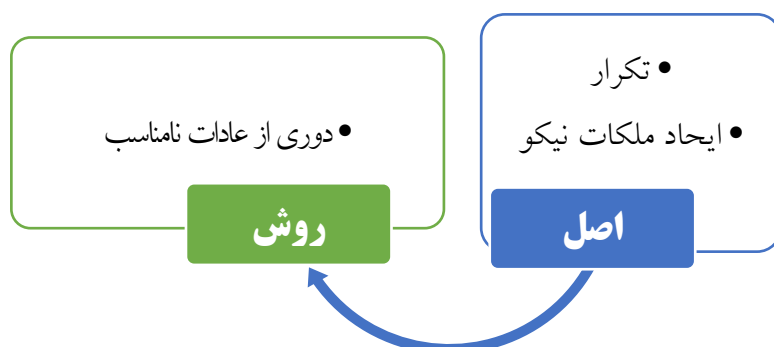
عادت از نگاه ملاصدرا اهمیت بسیاری داشته و از هر دو جنبه سلبی و ایجابی بدان پرداخته است که در اینجا جنبه سلبی آن مورد نظر است. در بسیاری از موارد، ملاصدرا نگاهی منفی به عادت داشته و آن را مانع معرفی می‌کند. او معتقد است که عادات نامناسبی که انسان از زمان کودکی و نوجوانی کسب می‌کند، یکی از مهمترین موانع او محسوب می‌شود، زیرا انسان در این دوران بدون تفکر به لذات دنیایی و نفسانی خو گرفته و چنین وابستگی راه را برای دستیابی به سعادت دشوار می‌سازد؛ بنابراین، انسان برای طی کردن مراتب علمی و دستیابی به سعادت، راهی جز رهایی از عادات نامناسب ندارد. اهمیت عادت در نگاه ملاصدرا

تا جایی است که آن را یکی از عوامل روی گردانی مردم از گوش فرادادن به آیات الهی معرفی می‌کند. او معتقد است که قلب سالم، فقط از یاد و معرفت خداوند لذت می‌برد، اما اگر قلب انسان در اثر عادات ناپسند، آلوده شده و از مسیر صحیح دور افتد، از غیر خداوند لذت می‌برد.

همچنین ملاصدرا در تبیین عذاب گناهکاران در آخرت، خود فرد را عامل عذاب دانسته و به نقش عادات بد در گرفتار شدن به عذاب اشاره می‌کند. عذاب در این نگاه، برای گرفتن انتقام نبوده و امری خارج از نفس فرد نیست، بلکه فرد، خود، حامل هیضم‌های آتش خود است و در آتش ناشی از عقاید باطل و اخلاق و عادات ناپسند خود می‌سوزد:

عقاب برای انجام گناهان به جهت انتقام خارجی فردی عصبانی از دشمنش برای فروکش کردن غیظ و غضب نیست، بلکه در واقع نفس فرد گناهکار حامل هیضم آتش خود در روز قیامت است. این شخص درحقیقت در آتش عقاید باطل و شهوات خود و رتیل‌ها و عقرب‌های ناشی از اخلاق و عادات ناپسند خودش می‌سوزد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۴۷).

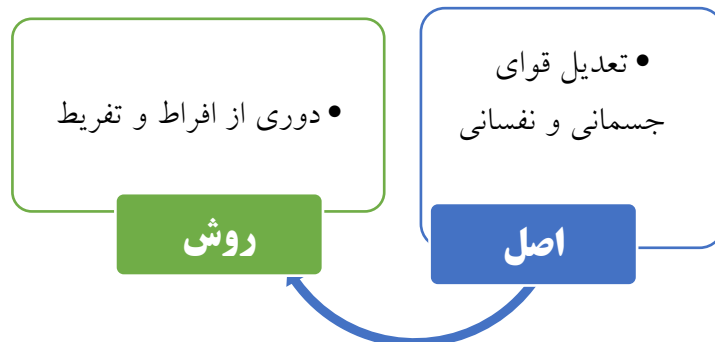
بنابراین عادات نامناسب، یکی از موانع جدید در مسیر انسان بوده و دستیابی به سعادت جز با رفع این مانع و از بین بردن عادات مناسب میسر نمی‌شود. لذا در تربیت اخلاقی که تکرار در آن به عنوان یکی از اصول، جایگاه جدی داشته و ایجاد ملکات اخلاقی نیز وابسته به آن است؛ تلاش برای دوری از عادات نامناسبی که حاصل تکرار اعمال هستند، می‌تواند نقش کلیدی در دوری از ملکات نامناسب و سپس ایجاد ملکات نیکوی اخلاقی ایفا نماید:



شکل ۶. ارتباط اصول تکرار و ایجاد ملکات نیکو با روش دوری از عادات نامناسب

۲-۳- دوری از افراط و تفریط

همان‌طور که اشاره شد، از نگاه ملاصدرا نفس دارای قوای شهوی، غضبی و علمی است. در صورتی که عقل بر این قوا حاکم شود، این قوا در حالت اعتدال قرار گرفته و فضائلی نظیر عفت، شجاعت و حکمت برای انسان حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۷۶). یکی از راه‌هایی که برای برقراری اعتدال به انسان کمک می‌کند، دوری از افراط و تفریط در شرایط و موقعیت‌های گوناگون است. ملاصدرا این امر را مورد توجه قرار داده است. او افراط و تفریط را عامل ایجاد رذائل اخلاقی دانسته و بر ضرورت دوری از آن و تلاش برای برقراری اعتدال در نفس تأکید می‌کند؛ بنابراین دوری از افراط و تفریط یکی از راه‌هایی است که به وسیله آن انسان از رذائل اخلاقی در امان مانده و ملکه عدالت و همچنین رئوس فضائل اخلاقی، یعنی عفت، شجاعت و حکمت ایجاد می‌شود. بنابراین، توجه به این روش در تربیت اخلاقی می‌تواند راهگشای تحقق اصل اعتدال و دستیابی به حسن خلق در انسان باشد:



شکل ۷. ارتباط اصل تعدیل قوای جسمانی و نفسانی با روش دوری از افراط و تفریط

۴- روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به تحلیله و آراستن

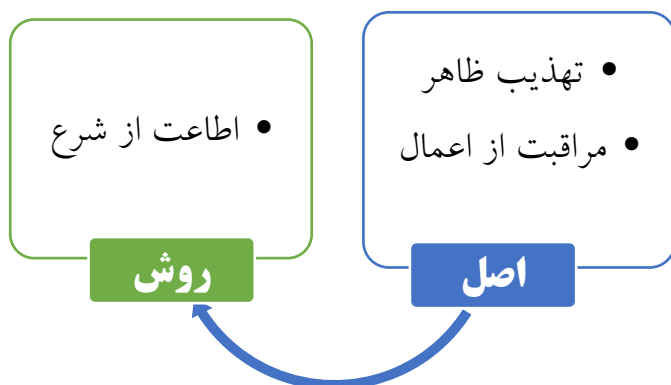
۴-۱- اطاعت از شرع

توجه به اوامر شرعی و پیروی از شرع که در بسیاری موارد نمود بیرونی داشته و در قالب اعمال شرعی نمایانگر می‌شود، یکی از راه‌های پرداختن به ظواهر است. دوری از گناهان و مراقبت نفس از آلودگی به آن نیز برای تهذیب ظواهر و تطهیر آن امری ضروری است که باید مورد توجه قرار گیرد. او طاعات را به دارو و گناهان را به سموم کشنده تشبیه کرده و می‌گوید: «طاعات مانند داروهایی نافع و گناهان مانند سمومی کشنده هستند و تأثیر این دو

بر قلب مانند تأثیر دارو و سم بر بدن هستند. بنابراین تنها کسی نجات می‌یابد که با قلب سلیم در نزد پروردگارش حاضر شود» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۰). همچنین اطاعت از شرع و مجاهدات دینی راه رسیدن به مراتب عالی و مقام مورد رضای حق بودن است. هدف از اعمال واجب و مستحب شرعی که بر انجام آنها تأکید می‌شود، تصفیه قلب و رفع موانع و حجاب‌ها در مسیر رسیدن به حق است و بنا بر آن مورد توجه و تأکید ملاصدرا هستند:

اما اعمال و افعال واجب یا مستحب به تصفیه قلب برمی‌گردند، تصفیه قلب امری عدمی است و عبارت است از رفع مانع و از بین بردن حجاب وصول به حق و حقیقت از مهر و آلودگی که در آینه قلب برحسب غبار هیئت ناشی از عالم حواس و معدن و سواس ایجاد شده است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۴).

او در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید نیز به هدف اوامر شرعی و ارتباط آن با ملکات اخلاقی اشاره می‌کند: «پس هدف از اوامر شرعی (چه انجام فعل و چه ترک فعل) نیکو کردن عادت‌ها و قوام بخشیدن به ملکات و تبدیل عادات و ملکات بد به خوب است به توفیق و تأیید الهی» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۴۷)؛ بنابراین اوامر شرع و اطاعت از آن که گاهی تحت عنوان انجام واجبات و ترک محرمات ذکر شده، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند فرد را در راستای تهذیب ظاهر و باطن یاری نموده و مقدمه دریافت حقایق و تشبه به خداوند محسوب می‌شود:



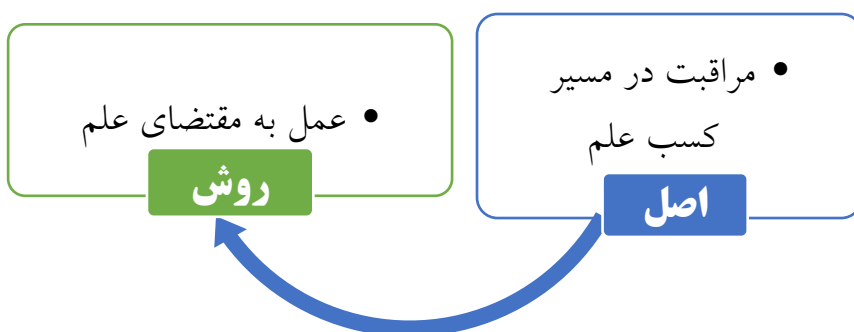
شکل ۸. ارتباط اصول تهذیب ظاهر و مراقبت از اعمال با روش اطاعت از شرع

۲-۴- عمل به مقتضای علم

ملاصدرا همواره بر علم و عمل، دو عامل مؤثر در کمال انسان، تأکید کرده و معتقد است که آنچه سبب دستیابی به سعادت، کمال و پاداش است، کسب علم و عمل به مقتضای آن است. او کمال انسان را وابسته به علم و عمل دانسته و می‌گوید: «... دلیل چنین پاداشی این است که کمال انسان منوط به علم و عمل است تا از طریق آن ذات عقلی او با معارف حقه و الاهیات آراسته شود و نفس عملی او از تعلق به شهوات موزی با به دست آوردن فضائل و دوری از رذائل نجات یابد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۷۹).

عمل به مقتضای علم، یکی از روش‌های اصل مراقبت در مسیر کسب علم محسوب

می‌شود:



شکل ۹. ارتباط اصل مراقبت در مسیر کسب علم با روش عمل به مقتضای علم

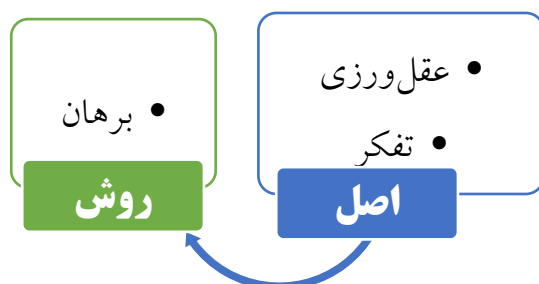
۳-۴- برهان

صدرالمتألهین ضمن تشبیه تفکر به تنفس، برای تفکر دو اثر ذکر می‌کند؛ دستیابی به حجت، برهان و یقین و رهایی از اعتقادات نادرست و شبهات:

برای تنفس دو اثر وجود دارد: ورود هوای پاک به قلب و ابقاء اعتدال و سلامت آن و خروج هوای فاسد و بد و گرم از قلب. همچنین برای فکر نیز دو اثر است: اول رسیدن نسیم حجت و روح برهان و سرمای یقین به قلب حقیقی و ابقاء ایمان و معرفت برای آن و دوم خروج هواهای فاسد و اعتقادات دردناکی که ناشی از شبهات است. این امر نیز فقط وقتی حاصل می‌شود که فرد بداند که محسوسات فانی دنیوی نهایتاً از بین می‌روند و بداند که بهترین چیزی که خدا به بنده‌اش نعمت می‌دهد، مجرد از محسوسات و نورانی کردن قلبش با معارف الهی است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۶).

صدرالمتهلین با تأکید بر اهمیت تفکر و اندیشیدن، میان دو نوع تفکر تمایز قائل شده است؛ گونه اول که تفکر صحیح و مورد تأکید است، تفکری است که با قوانین دین و حکمت و اصول هستی‌های دائمی و حقیقی چون خداوند و سخنان پیامبران و کتب آسمانی و روز قیامت هماهنگ بوده و گونه دوم که مورد نهی و نکوهش اوست، تفکر و اندیشه‌ای است که با شبهات و مغالطات آمیخته باشد و موجب پوشاندن حق گردد.

او استفاده از برهان را راهی برای رهایی از عقاید نادرست و دوری از مغالطه‌ها دانسته و بر ضرورت تمایز میان برهان و مغالطه تأکید کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت، استفاده از برهان و استدلال که از نتایج تفکر نیز می‌باشد، می‌تواند برای ایجاد اعتقادات صحیح و دستیابی به آثار تفکر اثرگذار باشد. همچنین در سطحی بالاتر، استفاده از برهان می‌تواند راهی برای تقویت عقل‌ورزی نیز محسوب شود:



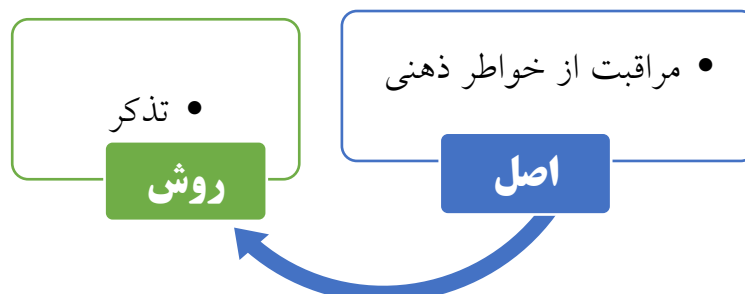
شکل ۱۰. ارتباط اصل عقل‌ورزی و تفکر با روشن برهان

۴-۴- تذکر

ملاصدرا در تفسیر آیات ابتدایی سوره انفال، مؤمن حقیقی و عارف یقینی را کسی می‌داند که خدا با قلم عنایتش در قلب او ایمان حک کرده و او را با نوری از جانب خودش تأیید کرده است. چنین فردی وقتی یاد خدا می‌کند، قلبش در اثر شنیدن ذکر خدا و معرفت و حکمت به خدا و صفات و افعال او لرزان می‌شود؛ زیرا حکمت نور منبسط ایمانی است که خدا در قلب‌های‌شان چیره می‌کند و از شأن‌های نور ایمان این است که قلب را از کدورات صفات نفس و تاریکی آن صاف کند و قساوت آن را به ذکر خدا نرم کرده و شوق به خدا

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسیان خلیل آباد و دیگران ۲۹

در او ایجاد کند. این حال کسانی است که در مراحل اولیه سلوک هستند، اما حال کسانی که در مراتب بالا هستند، طمأنینه و سکون با ذکر است^۱ (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۲). بنابراین زیاد شنیدن قرآن و تلاوت آن را از شروط حصول ایمان در قلب قرار داده، زیرا قرآن شامل ذکر خدا و معارف الهی است. این بدان دلیل است که ایمان حقیقی نوری است واقع در قلبها به میزانی که روزنه قلب از انوار تجلی خورشید صفات و حقائق افعال باز باشد. برای قلوب مشتاقی که خالی از آلودگی حب دنیا بوده و به سبب آن نور به پروردگارشان می نگرند، از آنجایی که ایمان سبب افزایش ایمان شده و با معرفت، معرفت به دست می آید، هر زمان آیات بر اینها تلاوت شود یا یاد خدا شود، روزنه قلب آنها به میزان صدق و شوق و تناسب آن گشوده شده و به نور ایمان آنها افزوده می شود. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۳) او فراموشی از یاد خدا را یکی از عوامل محرومیت فرد از لقاء الله و ماندن در سختی جهنم معرفی می کند؛ بنابراین یکی از راههایی که می توان به وسیله آن امکان بروز خواطر خیر را تقویت کرد، یاد خداست:



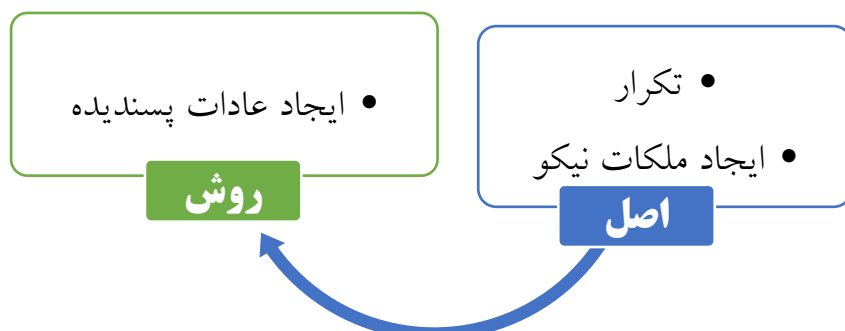
شکل ۱۱. ارتباط اصل مراقبت از خواطر ذهنی با روش تذکر

۴-۵- ایجاد عادات پسندیده

همان طور که در روش دوری از عادات نامناسب اشاره شد، عادت در نگاه ملاصدرا در بیشتر موارد، بار معنایی منفی داشته و نسبت به از بین بردن عادات نامناسب تذکر داده شده است؛ اما در برخی موارد نیز به نقش ایجابی عادت توجه شده و عادات پسندیده راهکاری برای ایجاد ملکات نیکو معرفی شده اند. همچنین هدف از آداب شرعی و تکالیف الهی نیز ایجاد

۱. الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸).

عادات نیکو در انسان بیان شده است: «پس هدف از اوامر شرعی (چه انجام فعل و چه ترک فعل) نیکو کردن عادت‌ها و قوام بخشیدن به ملکات و تبدیل عادات و ملکات بد به خوب است به توفیق و تأیید الهی» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۴۷). لذا می‌توان ایجاد عادات پسندیده را راهی برای قوام بخشیدن به ملکات نیکو و نیز جایگزینی برای عادات ناپسندی دانست که پیش‌تر اشاره شد؛ عاداتی که حاصل عدم بصیرت کافی در زمان کودکی و نوجوانی است:



شکل ۱۲. ارتباط اصل تکرار و ایجاد ملکات نیکو با روش ایجاد عادات پسندیده

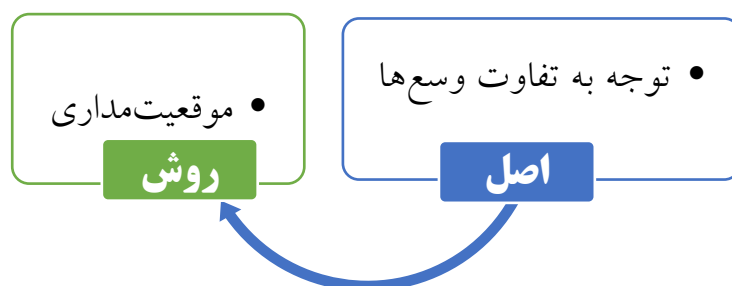
۴-۶- موقعیت‌مداری

چنانچه گفته شد، ملاصدرا قائل به تفاوت نفوس بشری بوده و بر ضرورت توجه بر این تفاوت‌ها تأکید می‌کند. او تأثیر تفاوت‌های فردی را به‌گونه دیگری نیز توضیح می‌دهد و معتقد است که گناهان و طاعات براساس ویژگی‌های فردی و موقعیت فرد، تأثیر متفاوتی بر افراد گذاشته و نمی‌توان در مورد میزان تأثیر عملی واحد در افراد مختلف، به‌راحتی قضاوت کرد. اعمال مختلف با توجه به موقعیت زمانی و ویژگی‌های فردی، اثرهای مختلفی بر افراد می‌گذارند:

گناهان از جهت تأثیری که بر تاریکی و قساوت قلب می‌گذارند، متفاوت هستند. طاعات نیز از جهت نورانی کردن قلب و تصفیه آن درجاتی دارند. این اختلاف نیز با توجه به زمان و شخص متفاوت است. چه‌بسا برای فردی قیام در شب از صدقه به ایتام با فضیلت‌تر باشد و بالعکس. یا چه‌بسا ۶۰ روز روزه برای کفاره از آزاد کردن برده به‌دست سلاطین اهل دنیا بالاتر باشد. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص.

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسیان خلیل آباد و دیگران ۳۱

باتوجه به چنین تأثیری، تربیت اخلاقی، موقعیت زمانی و مکانی فرد و ویژگی‌های فردی او نیز مورد توجه قرار گرفته و براساس آن دستورالعمل‌های مناسب تجویز شود. در واقع در این روش، توجه بر زمینه موجود از جهت زمانی، مکانی و ویژگی‌ها فردی بوده و متناسب با این ویژگی‌ها مسیر حرکت او تعیین می‌شود. این روش را می‌توان در تمام مراحل تربیت اخلاقی جهت بهبود کیفیت و دور شدن از ملاک‌های ظاهری به‌ویژه در زمینه توصیه به اعمال نیکو در نظر گرفت؛ بدین معنا که نمی‌توان هر عملی را برای هر فردی در هر شرایطی توصیه کرد؛ هر چند آن عمل در ظاهر عمل حسنه‌ای بوده و آثار فراوانی برای آن ذکر شده باشد، بلکه باید باتوجه به شرایط فرد و ظرفیت وجودی او، توصیه‌ها انجام شود. در غیر این صورت، احتمال افتادن به ورطه افراط و تفریط و در نتیجه دور شدن فرد از اعتدال وجود داشته و از اهداف تربیت اخلاقی دور خواهیم شد. این روش باتوجه به تفاوت وسع‌ها در ارتباط است:



شکل ۱۳. ارتباط اصل توجه به تفاوت وسع‌ها با روش موقعیت‌مداری

اصول و روش‌های مذکور را می‌توان به‌طور خلاصه در جدول زیر نشان داد:

جدول ۱. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه

اصول تربیت اخلاقی متعالیه	روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه
تهذیب ظاهر	اطاعت از شرع
مراقبت از اعمال	
تهذیب نفس	ریاضت
دوری از حب دنیا	زهد
	انفاق
مراقبت از خواطر ذهنی	تذکر

اصول تربیت اخلاقی متعالیه	روش های تربیت اخلاقی متعالیه
عقل‌ورزی	برهان
مراقبت در مسیر کسب علم	عمل به مقتضای علم
تفکر	پاسخ به شبهات
تکرار	دوری از عادات نامناسب
ایجاد ملکات نیکو	ایجاد عادات پسندیده
تعديل قوای جسمانی و نفسانی	دوری از افراط و تفریط
توجه به تفاوت و سعها	موقعیت‌مداری
به‌گزینی در معاشرت	دوری از هم‌نشین بد

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت تحول آموزش و پرورش و ابتناء آن بر مبانی اسلامی و بومی، مسئله‌ای است که از مدت‌ها پیش، مطرح بوده و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. حکمت متعالیه به عنوان فلسفه‌ای که کوشیده است تا امتزاجی میان شرع، عقل و عرفان برقرار کند، دارای ظرفیت‌های مناسبی برای آموزش و پرورش است. پژوهش حاضر به بررسی تفاسیر ملاصدرا با نگاهی تربیتی پرداخته و کوشیده است تا تربیت اخلاقی را واکاوی کرده و اصول و روش‌های آن را تبیین نماید. این اصول و روش‌ها در دو دسته کلی سلبی و ایجابی ناظر به تخلیه و تحلیه تشریح شده است. در بخش سلبی پنج اصل و هفت روش استخراج شده است و در بخش ایجابی نیز هشت اصل و شش روش حاصل شده است.

اصول بخش سلبی عبارتند از: تهذیب ظاهر، مراقبت از اعمال، تهذیب نفس، دوری از حبّ دنیا و مراقبت از خواطر ذهنی. اصول بخش ایجابی نیز عبارتند از: عقل‌ورزی، تفکر، مراقبت در مسیر کسب علم، تکرار، ایجاد ملکات نیکو، تعديل قوای جسمانی و نفسانی، توجه به تفاوت و سعها و به‌گزینی در معاشرت.

روش‌های سلبی عبارتند از: ریاضت، زهد، انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب، دوری از افراط و تفریط. روش‌های ایجابی نیز عبارتند از: اطاعت از شرع، عمل به مقتضای علم، برهان، تذکر، ایجاد عادات پسندیده و موقعیت‌مداری.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان گفت تا تربیت عبادی در فرد محقق نشود، امکان تحقق تربیت اخلاقی نیز فراهم نمی‌شود. همچنین ارتباط میان تربیت عقلانی و اخلاقی نیز قابل توجه است. اساساً اخلاق در این نگاه در ذیل عقل عملی که یکی از مراتب عقلی انسان است، مطرح می‌شود. تحقق اخلاق حسنه نیز با حاکمیت عقل بر سایر قوا امکان‌پذیر است. بنابراین، تربیت اخلاقی و عقلانی با یکدیگر گره خورده و می‌توان از ارتباط نزدیکی میان تعقل و تزکیه سخن گفت.

علاوه بر آن، یکی از وجوه تمایز جدی دیدگاه مذکور، توجه به جایگاه خواطر ذهنی و ارتباط آن با وقوع افعال و ضرورت توجه به الهام و وسوسه در خواطر خیر و شر، است. توجه به این اصل، تنها با داشتن معیاری قرآنی و وحیانی امکان‌پذیر است که از محسوسات مادی فراتر رفته و مبدأ افعال را در خواطر ذهنی خیر و شر نیز جستجو می‌نماید. توجه به خواطر، مراقبت از آن و تلاش برای دوری از یادآوری‌ها و اندیشه‌های آغازکننده شر، می‌تواند در گام بعدی از بروز افعال قبیح جلوگیری کرده و در مقابل، امکان انجام افعال نیکو را تقویت نماید. تکرار این چرخه، احتمال ایجاد ملکات نیکو را افزایش داده و با توجه به جایگاهی که ملکات در تعیین موقعیت اخروی انسان دارند، در نهایت، امکان دستیابی به شاکله وجودی و هویت مطلوب را در فرد افزایش می‌دهند.

باتوجه به اصول و روش‌های استخراج شده نیز می‌توان گفت که در تربیت اخلاقی متعالیه، اهمیت تهذیب و طهارت نفس بسیار بالا بوده و لذا بخش قابل توجهی از اصول و روش‌ها ناظر بر تحقق طهارت نفس و تخلیه است. براین اساس در تربیت اخلاقی و در مرحله اول، به جای آنکه تأکید بر آموزش‌های مستقیم مفاهیم اخلاقی باشد، باید تمرکز بر آماده‌سازی مخاطب از طریق تخلیه باطن و رعایت اصول و روش‌های مرتبط با آن باشد. پس از ایجاد آمادگی مذکور، به تدریج و با رعایت تفاوت‌های فردی، می‌توان اصول و روش‌های ایجابی را مورد نظر قرار داد و مفاهیم و مسائل اخلاقی را آموزش داد.

منابع

افکاری، فرشته (۱۳۹۳). «نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی بخوانیم، بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمان، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه

- درسی». پایان‌نامه دکتری. گروه برنامه‌ریزی درسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- آهنگری، فرشته (۱۳۸۶). "پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران و جهان". *اخلاق در علوم و فناوری*. (۲) ۳ و ۴، ۱۱-۲۲.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۱). «آیین خردپروری (پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی(ع))». تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). «تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۳). "مختصات حرکت جوهری انسان در حکمت متعالیه و کاربردهای آن در شناسایی اصول حاکم بر تحول آموزش و پرورش". *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. (۱۰) ۳۱، ۸۲-۱۰۷.
- بیرانوند، فضل‌الله (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه نظری از نظر توجه به رویکردهای تربیت اخلاقی». پایان‌نامه ارشد. گروه برنامه‌ریزی درسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- پورموسوی، جعفر (۱۳۹۴). «تبیین تربیت اخلاقی عقل‌محور در اسلام و بررسی کتب دین و زندگی دوره متوسطه براساس آن». پایان‌نامه ارشد. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). "تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی". *فصلنامه علوم اجتماعی*. (۶۴) ۱۳۸-۱۰۵.
- حسینی، محمد و فاطمه وجدانی (۱۳۹۵). "بررسی و نقد الگوی تربیت اخلاقی در کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی". *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. (۳۲) ۲۴، ۱۳۷-۱۶۱.
- حسینی، محمد و فاطمه وجدانی (۱۳۹۶). "تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی". *تربیت اسلامی*. (۲۵) ۱۲، ۲۹-۵۴.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۴). *تجارب تربیت اخلاقی کارگزاران نظام تربیت رسمی و عمومی در دوره ابتدایی (دبستان)*. نوآوری‌های آموزشی. (۵۶) ۱۴، ۷-۳۷.
- حسینی، محمد (۱۳۹۵). "بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی ابتدایی". *تربیت اسلامی*. ۲۲، ۱-۲۸.
- درامامی، نرگس (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب‌های بخوانیم، تعلیمات اجتماعی (مدنی)، هدیه‌های آسمانی و قرآن پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی سال ۱۳۸۸ به منظور بررسی برخی مؤلفه‌های

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسیان خلیل آباد و دیگران ۳۵

تربیت اخلاقی». پایان‌نامه ارشد. گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.

دهقان سیمکانی، رحیم (۱۳۹۱). "موانع اخلاق‌ورزی از دیدگاه ملاصدرا". پژوهش‌نامه اخلاق. (۱۸)، ۱۲۵-۱۴۴.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران».

شیرازی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۶۶). «تفسیر القرآن الکریم». ج ۱ تا ۶. قم: بیدار.

شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۳). «ترجمه و متن تفسیر سوره جمعه». ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.

شیرازی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۹۶). «ترجمه تفسیر سوره یس». ترجمه سید صدرالدین طاهری.

چاپ اول. تهران: بنیاد حکمت صدرا.

طوسی، خلیل‌الرحمان (۱۳۹۲). «درآمدی بر اخلاق فلسفی در حکمت متعالیه». چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). "نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیاژه و کولبرگ و باندورا و ارائه الگویی

نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان". نوآوری‌های آموزشی. ۱۱، ۷۶-۱۰۴.

مؤمنی‌راد، اکبر و خدیجه علی‌آبادی و هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲). "تحلیل محتوای کیفی

در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج". فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی. (۱۴)، ۴، ۱۸۷-۲۲۲.

اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی

رحمت اله مرزوقی^۱
فرزانه دیمه کار حقیقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

DOI: 10.30497/esi.2024.245622.1722



چکیده

پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی انجام شد. رویکرد پژوهش کمی و روش مورد استفاده توصیفی-پیمایشی بود. اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری رشته الهیات، معارف و تعلیم و تربیت اسلامی و دبیران و آموزگاران آموزش و پرورش، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۳۱۷ نفر برای نمونه پژوهش انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته، براساس مطالعات نظری و پیشینه پژوهشی، استفاده گردید و روایی و پایایی پرسشنامه از طریق روش روایی محتوایی و آلفای کرونباخ تأیید و به شیوه تحلیل عاملی تأییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس نتایج بخش کمی، مقیاس «حیات طیبه» به‌دست نمونه پژوهش تأیید و نتایج تحلیل عاملی تأییدی معناداری تمامی مؤلفه‌های مقیاس و اعتبار آن را نشان داد.

واژگان کلیدی: اعتباریابی، «حیات طیبه»، متون اسلامی، مقیاس.

۱. استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

۲. دکتری مطالعات برنامه‌دستی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. farzanedeimehakrahighi@gamil.com

بیان مسئله

آدمی، فراتر از حیات و زندگی دنیوی، زندگی حقیقی برتر و کاملتری نیز دارد و زمانی به آن دست پیدا می‌کند که تمامی استعدادهای درونی وی شکوفا شده باشد. برطبق آیه ۹۷ سوره نحل^۱ این زندگی برتر «حیات طیبه» نام دارد و حکم کلی برای دستیابی به «حیات طیبه» تلقی شده است؛ در واقع این آیه بیان می‌کند که اگر فردی عمل صالح انجام دهد، فقط قید به اینکه صاحب عمل، مؤمن باشد، «حیات طیبه» به او افزوده خواهد شد؛ در غیر این صورت، عمل برای کسی که مؤمن نیست، حبط می‌شود و اثری بر آن مترتب نیست. اصطلاح «حیات طیبه» معانی مختلفی در لفظ دارد. واکاوی این اصطلاح نشان می‌دهد که واژه حیات در مقابل واژه موت، به معنای زندگی، زنده بودن، نیروی رشد و حرکت و احساس است (راغب، ص ۲۶۹). و در آیات متعدد قرآن کریم (هود، ۱۰۸؛ ذاریات، ۵۶؛ نحل، ۳۶؛ انبیا، ۲۵؛ مؤمنون، ۲۳ و ۳۲؛ بقره، ۳۰؛ آل عمران، ۱۵) تحت تعابیر متفاوتی، مانند حیات نباتی، حیات حیوانی و حیات انسانی معرفی می‌گردد. واژه طیب نیز در لغت به معنای پاک و پاکیزه است و در مقابل خبث و ناپاکی قرار می‌گیرد. (ابن منظور، قرن ۷، ۱۴۱۴). نهج البلاغه (حکمت ۲۲۹) و سایر متون اسلامی نیز «حیات طیبه» را تحت عناوین روزی حلال، قناعت و رضا دادن به نصیب، رزق روزانه، عبادت توأم با روزی حلال، توفیق بر اطاعت فرمان خدا، سعادت، بهشت، شناخت پروردگار و استغنا از خلق و نیاز به پروردگار معنا نموده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴؛ طبرسی، ۱۳۸۹؛ طبری، ۱۴۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷؛ قمی، ۱۳۸۰؛ علامه طباطبایی، ۱۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴؛ حمدان ورام، ۶۰۵ به نقل از چراغی، ۱۳۹۰؛ سفیان ثوری، ۱۴۰۳ به نقل از دیلمی، ۱۳۷۷؛ خواجه بمی، ۱۴۰۱).

علامه جعفری با بیان «حیات طیبه» در معنای حیات معقول، آن را حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخورداری از نیروی اختیار، در مسیر هدف تکامل نسبی قرار داده و شخصیت انسانی را در این گذرگاه ساخته و وارد هدف اعلای زندگی می‌کند، تعریف می‌نماید (علامه جعفری، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۱۴۵).

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ۹۷ سوره نحل در توضیح مفهوم «حیات طیبه» به این نکته

۱. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

تأکید دارد که اعطای «حیات طیبه» وعدهٔ جمیلی است که مصداق رحمت رحیمیه حق- تعالی در همین دنیا و در همهٔ شئون فردی و اجتماعی زندگی، به همهٔ زنان و مردان مؤمن که عمل صالح انجام می‌دهند، داده می‌شود و ثمرهٔ طبیعی آن در حیات آخرت، جنت و رضوان حق تعالی است (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۴۱۹). همچنین استاد جوادی آملی «حیات طیبه» را امری فراطبیعی و آن را حیات متألّهانه می‌نامند که عالی‌ترین مرتبه برای انسان کامل است. ایشان ایمان و عمل صالح، رشد عقلانی، معرفت نفس، اخلاص و کرامت انسانی را بنیادهای این نوع از حیات معرفی کرده که برای آدمی حق محوری، بصیرت و نصرت الهی را به ارمغان خواهد آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۰). از منظر استاد مصباح یزدی نیز «حیات طیبه»، معرفت و التزام به احکام الهی در این دنیا است که این نوع از حیات از آثار ایمان و عمل صالح بوده و کمال را هم در این دنیا و هم در آخرت برای انسان ایجاد خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۱).

در رابطه با مفهوم‌شناسی «حیات طیبه»، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. درخشه و تبشیری (۱۳۹۹) بیان می‌کنند که حیات مطلوب در اندیشهٔ نوصدرائیان همان «حیات طیبه» است که در آن انسان کامل تحقق پیدا می‌کند و ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، خدمت به خلق، تشکیل حکومتی سعادت‌گرا از ملزومات این ایده به شمار می‌آید. در پژوهش سیدطاهرالدینی، وکیلی و ایزدی (۱۳۹۸) «حیات طیبه» مظهری از حیات حقیقی خداوند است؛ حیاتی که از پاکی و طهارت متبلور است و عاری از هر نوع خبثات و آلودگی است؛ از ایمان و عمل صالح شروع شده تا در مراتب کمال، انسان را مقرب درگاه پروردگار خویش کند. در مطالعه‌ای دیگر، حاجی علیان و کینا (۱۳۹۶) حیات را بر دو نوع کلی تقسیم می‌کنند که شامل حیات طبیعی و حیات حقیقی (پاک) است. تمامی مخلوقات اعم از انسان، حیوان، نباتات از حیات طبیعی برخوردارند؛ اما حیات حقیقی (پاک) فقط نصیب انسان‌هایی خواهد شد که به عالی‌ترین قابلیت‌های زندگی می‌اندیشند و حیات را در جاذبه‌های معنوی پی می‌گیرند.

در این پژوهش ایمان و عمل صالح راه‌های دستیابی انسان به «حیات طیبه» معرفی شده است. حاجی صادقی و بخشیان (۱۳۹۳) نیز به این نتیجه رسیدند که «حیات طیبه» نشئت گرفته از روحی جدید در انسان است. این روح اگرچه جدید است، اما در واقع، مرتبهٔ

فائزۀ روح تلقی شده که با فراهم شدن بستر مناسب، به اذن الهی، پدیدار می‌گردد و با اجابت دعوت خدا و رسول، با ایمان و عمل صالح و همچنین شکوفایی عقل از جانب خدا افاضه شده و انسان واقعی را به ظهور می‌رساند. زندیه و رضایی (۱۳۹۶) در پژوهش خود، ضمن معرفی حقیقت مراحل «حیات طیبه»، موانع وصول آن را از منظر علامه طباطبایی مورد واکاوی و مذاقه قرار داده و بیان نمودند که از راه‌های وصول به این حیات معنوی می‌توان به داشتن ایمان، عمل صالح، صبر، توکل و شکوفایی عقل اشاره نمود. قربانی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود، بیان می‌کند که «حیات طیبه» در مقام زندگی جدید و پاکیزه، تمام ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان و هم آخرت انسان تأمین می‌شود. «حیات طیبه» علاوه بر اینکه زندگی فردی را تأمین می‌کند، زندگی اجتماعی را نیز به سعادت و شادکامی رهنمون می‌سازد؛ در واقع، آنچه در این فرآیند اهمیت دارد، درونی‌سازی این نوع از حیات و تبدیل آن به فلسفۀ زندگی فردی و اجتماعی است. پرورش روح تعبد و توجه به نقش دین و ایمان و تقویت قوه درک، از جمله مواردی است که در این زمینه به افراد کمک می‌کند.

یکی از پژوهش‌هایی که به صورت گسترده، مفهوم «حیات طیبه» را مورد واکاوی و بررسی قرار داده است، پژوهش دیمه‌کار حقیقی، مرزوقی، جهانی و ترک‌زاده (۱۳۹۹) تحت عنوان «کاوش مفهوم «حیات طیبه» از منظر متون اسلامی: یک مطالعه کیفی» است. این پژوهش با استفاده از متون اسلامی (قرآن مجید، نهج‌البلاغه، صحیفۀ سجادیه و کلیۀ پژوهش‌های مرتبط با «حیات طیبه»)، الگوی مفهومی آن را در قالب شش مضمون پیش-نیازها، ویژگی‌ها، ساحت و عوامل زمینه‌ای، موانع، راهبردها و پیامدها/ دستاوردها تدوین نموده است. در این مطالعه که با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفته، پیش‌نیازهای دستیابی به مراتب «حیات طیبه» با توجه به آیه ۹۷ سورۀ نحل، ایمان و عمل صالح معرفی شده است؛ در واقع، ایمان معیار «حیات طیبه» و شرط ورود به آن است و عمل صالح که دارای مصادیق گسترده‌ای است، زمینه‌ساز «حیات طیبه» و معیار نهایی آن تلقی می‌شود و در صورت وجود هر دو، انسان به مراتب «حیات طیبه» دست پیدا خواهد کرد.

این پژوهش مفاهیمی را تحت عنوان ویژگی‌ها و پیام‌های ایجابی معرفی می‌کند که «حیات طیبه» باید واجد آن باشد و مصداق، مؤلفه‌های زمینه‌ساز و قواعد کلی آن هستند که

اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» .../رحمت اله مرزوقی و فرزانه دیمه کار حقیقی ۴۱

از اصول و فروع دین به دست آمده است؛ در واقع، ویژگی‌ها به مثابه بایدهایی بیان می‌شود که هرانسانی برای دستیابی به مراتب «حیات طیبه» باید آن را در وجود خویش نهادینه نماید. ویژگی‌ها به همراه ایمان و عمل صالح برای آدمی سرشتی پاک و الهی و مزین به ارزش‌های اخلاقی ایجاد کرده و این امر صعود انسان به سوی کمال را امکان‌پذیر خواهد نمود. در مقابل، مفاهیم سلبی، آن بخش از مفاهیمی هستند که در مغایرت و تضاد با ویژگی‌های «حیات طیبه» قرار می‌گیرد و باید از آن‌ها اجتناب شود. این پیام‌ها موانع «حیات طیبه» شناسایی شده‌اند. در این پژوهش، موانع به دو دسته موانع شکل‌گیری «حیات طیبه» و موانع استمرار آن در انسان، تقسیم شده که شامل موانع درونی و بیرونی است. شناخت و آگاهی از این موانع بسیار ضروری و پر اهمیت است؛ چراکه از جمله آسیب‌هایی است که تحقق «حیات طیبه» در انسان را دچار تهدید می‌کند.

از سویی، این مطالعه سرمایه‌ها و ارزش‌های درونی و معنوی انسان را راهبردها و شاخص‌های زندگی آرمانی و اسلامی، بر مبنای «حیات طیبه»، می‌داند که اگر به کار افتد و به بار بنشیند، می‌توان شاهد ظهور و بروز «انسان کامل» و صاحب کمال بود (مرزوقی، ۱۳۹۵)؛ در واقع، نگرش جامع انسان به هستی و هستی‌شناسی، تمامی زندگی، نیرو و استعداد‌های او را تحت پوشش قرار می‌دهد و با هم‌نگری و جامعیت این شاخص‌ها و راهبردها، سبب بیدارسازی و بسیج تمامی نیروهای مثبت و سرمایه‌های درونی انسان شده و آنگاه است که آدمی از همه ظرفیت‌های خود بهره خواهد برد. از منظر پژوهش دیمه‌کار حقیقی، مرزوقی، جهانی و ترک‌زاده (۱۳۹۹) شکل‌گیری مؤلفه‌های «حیات طیبه» در انسان، تحت تأثیر دو جریان درونی و بیرونی است و زمین و زمینه که فرد در آن قرار می‌گیرد یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر رشد و تعالی او اثر بگذارد. از این روی، آدمی در بستر محیط عمومی زندگانی (خرد یا کلان، فردی یا جمعی) که شامل نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، آموزشی و امثال آن است، می‌تواند مراتب دستیابی به «حیات طیبه» را طی نماید.

در نهایت، باتوجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، مجموعه‌ای از اعتقادات، در مقام منشأ و اخلاقیات نیکو و اعمال صالح، ثمره بخش‌های جزئی و کلی و ظاهر و باطن زندگی طاهر، سالم، طیب و معنوی انسان را تشکیل می‌دهند که باعث رشد و صعود او به مقام

انسان مقرب شده و حیات جمعی و فردی را قداست و معنویت و صفا می‌بخشد. این مجموعه رفتارها و اعمال صالح تأثیر جدی بر طهارت و معنویت زندگی انسان داشته و باعث سلامت و صلاحیت فرد و جامعه اسلامی می‌گردد و در اصلاح و تقویت اخلاقی و ایمانی او نیز مؤثر است؛ بنابراین تمامی این رفتار و اعمال که مصادیق متنوعی از عمل صالح هستند در این مطالعه، پیامدها و دستاوردهای فردی و اجتماعی مفید و معنویت‌سازی تلقی شده که قرآن و متون اسلامی بر آن تأکید داشته و در صورت تحقق «حیات طیبه»، در انسان پدیدار خواهد گشت و زندگی فردی و اجتماعی را در ابعاد مختلف آن پاک و طاهر نموده و منتج به رشد و کمال مادی و معنوی بشریت و جامعه بشری می‌گردد (دیمه‌کار حقیقی، مرزوقی، جهانی و ترک‌زاده، ۱۳۹۹).

بنابراین باتوجه به نتایج پژوهش دیمه‌کار حقیقی، مرزوقی، جهانی و ترک‌زاده (۱۳۹۹)، «حیات طیبه» و دستیابی به مراتب آن در زندگی فردی و جمعی، نیازمند شناخت معنا و شناسایی شاخصه‌های زمینه‌ساز این مفهوم است که در قالب ۶ مضمون پیش‌نیازها، ویژگی‌ها و موانع شاخص‌ها و راهبردها، ساحت‌ها و عوامل زمینه‌ای و دستاوردها و پیامدها معرفی شد؛ لذا در راستای تلاش صورت‌گرفته جهت بررسی نظری و مفهومی «حیات طیبه» که به صورت جامع و کامل، این مفهوم را با تأمل و تفکر و براساس متون اسلامی و قرآنی مورد بررسی قرار داده است، فرض اصلی پژوهش حاضر برآزش و اعتباریابی مقیاس ارائه‌شده مرزوقی، دیمه‌کار، جهانی و ترک‌زاده (۱۳۹۹) با استفاده از داده‌های کمی است تا از این رهگذر به این پرسش پاسخ داده شود که آیا مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر متون اسلامی دارای اعتبار است یا خیر؟

روش پژوهش

نوع پژوهش در اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی با هدف کاربردی و روش پژوهش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری رشته الهیات، معارف و تعلیم و تربیت اسلامی و همچنین دبیران و آموزگاران آموزش و پرورش که سابقه تدریس در دوره‌های تحصیلی و دروس قرآنی و معارف را داشتند، تشکیل دادند. جهت انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و ۳۱۷ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند. ملاک اصلی گزینش نمونه مطالعاتی

اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» .../رحمت اله مرزوقی و فرزانه دیمه کار حقیقی ۴۳

تجربه کاری، تحصیل، تألیف، پژوهش و اجرا در حوزه معارف اسلامی، علوم دینی و قرآنی و تعلیم و تربیت اسلامی بود. نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی نشان داد که ۱۷۵ نفر از پاسخگویان تحصیلات کارشناسی، ۱۲۳ نفر کارشناسی ارشد و ۲۴ نفر دکتری تخصصی دارند. همچنین ۴۲ نفر از پاسخگویان کمتر از ۵ سال، ۱۵۵ نفر بین ۶ الی ۱۵ سال، ۱۱۰ نفر بین ۱۶ الی ۲۵ سال و ۱۵ نفر بیش از ۲۵ سال سابقه کاری داشتند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر همین اساس، مجموعه مؤلفه‌ها و گویه‌های مقیاس «حیات طیبه» به پرسشنامه تبدیل شد. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین صورت که پرسش‌ها برای تعدادی از خبرگان و اساتید دانشگاه ارسال و از آنان خواسته شد که پس از مطالعه پرسشنامه، نظرات و اصلاحات خود را در مورد روایی آن اعلام نمایند. همچنین برای روایی محتوایی از نسبت روایی CVR و آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. باتوجه به اینکه تعداد متخصصان ۱۰ نفر بود و حداقل مقدار برای روایی با ۱۰ متخصص، ۰/۶۲ است، مقدار عددی تمام آیتم‌ها بیشتر از حداقل مقدار به دست آمد و نتایج روایی محتوایی پرسشنامه را نشان داد. ضریب پایایی پرسشنامه، با استفاده از روش آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS برای الگوی «حیات طیبه» و مؤلفه‌های آن، ۰/۹۳۷ گزارش گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی رابطه بین اجزای الگوی پژوهش (الگوی مفهومی «حیات طیبه» مبتنی بر متون اسلامی)، از تحلیل عاملی تأییدی و نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، برای ارزیابی مضمین الگوی «حیات طیبه» از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید؛ بنابراین ابتدا اعتبار مدل بررسی شده و سپس بارهای عاملی مورد ارزیابی قرار گرفت. بدیهی است که شاخص‌های برازش سه نوع مطلق، تطبیقی و مقتصد دارند که گزارش هر کدام ضروری است. اگر حداقل سه مورد از شاخص‌ها قابل‌پذیرش باشند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل از اعتبار کافی برخوردار است.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی برای شبکه مضمین «حیات طیبه»، نشان می‌دهد که مقدار شاخص نسبت بحرانی به درجه آزادی (CMIN/DF) ۳/۴۰۵ است که مقدار مطلوبی برای اعتبار الگو است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز

۰/۰۷۴ است که باتوجه به کوچکتر از ۰/۰۸ بودن، قابل قبول و نشان‌دهنده تأیید الگوی پژوهش است. همچنین شاخص برازش تطبیقی (CFI) ۰/۹۲۱ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) ۰/۶۸۸ است که همگی نشان‌دهنده اعتبار مطلوب و تأیید الگوی پژوهش است (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی شبکه مضامین «حیات طیبه»

مضامین	شاخص برازش	میزان	ملاک	تفسیر
حیات طیبه	CMIN/DF	۳/۴۰۵	کمتر از ۵	برازش مطلوب
	RMR	۰/۰۳۹	کمتر از ۰/۰۵	برازش مطلوب
	RMSEA	۰/۰۷۴	کمتر از ۰/۰۸	برازش مطلوب
	PNFI	۰/۶۸۸	بیشتر از ۰/۶	برازش مطلوب
	CFI	۰/۹۲۱	بیش از ۰/۹	برازش مطلوب

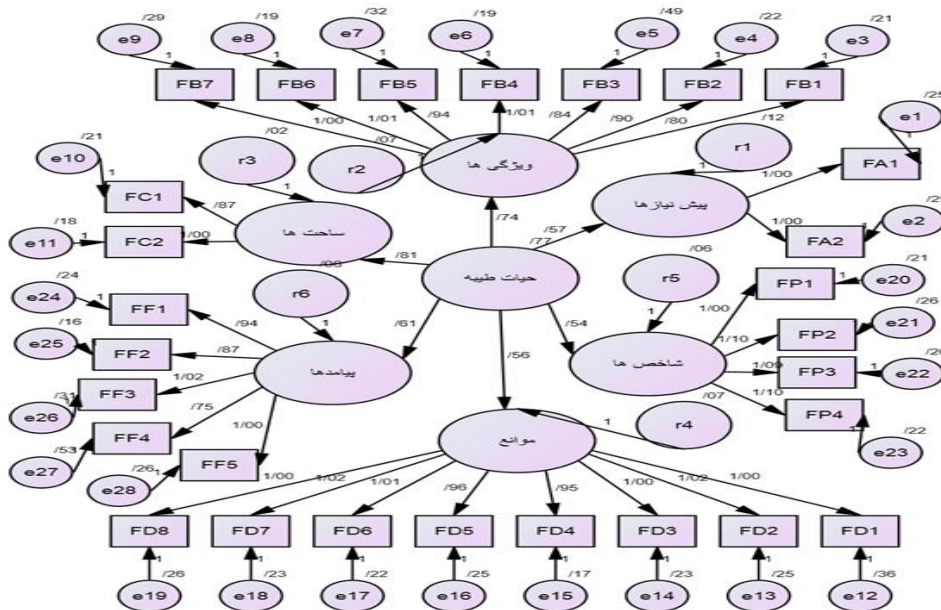
ضریب برآورد شده استاندارد (بار عاملی) برای زیرمؤلفه‌ها، بزرگتر از ۰/۵ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد، معنی‌دار هستند ($p < ۰/۰۵$)؛ در نتیجه مؤلفه‌های تعیین شده به صورت معنی‌داری، می‌توانند شبکه مضامین «حیات طیبه» را تبیین کنند (جدول ۲).

جدول ۲. برآوردهای رگرسیونی استاندارد و غیراستاندارد شبکه مضامین «حیات طیبه» در مرتبه دوم

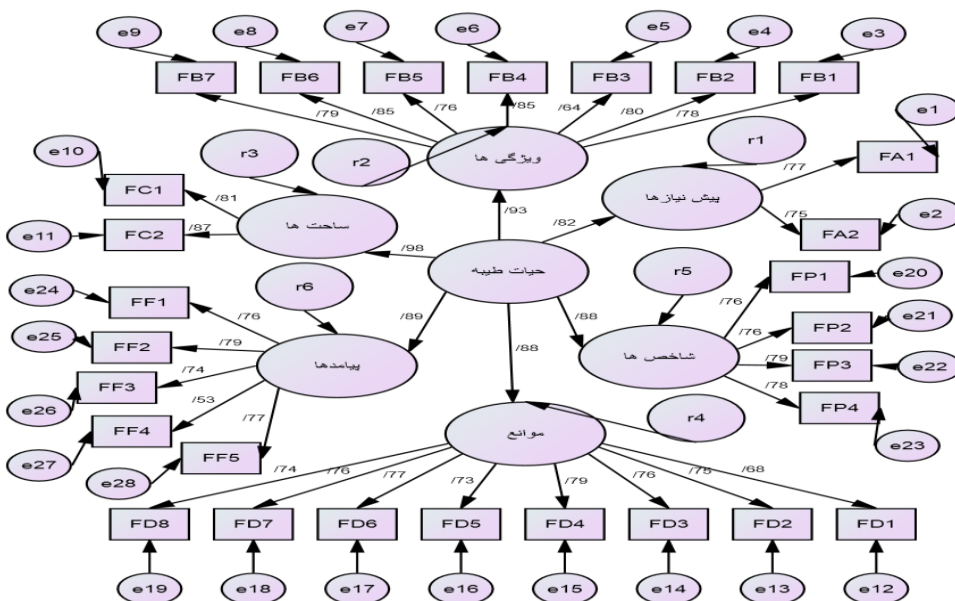
مضامین سازمان-دهنده	مضامین پایه	نماد	ضریب	خطای	نسبت	سطح	ضریب
			برآورد-شده	معیار برآورد	بحرانی	معنی‌داری	برآوردشده استاندارد
پیش‌نیازها	ایمان	FA1	۱	-	-	۰/۰۰۱	۰/۷۷۴
	عمل صالح	FA2	۱/۰۰۴	۰/۰۸۲	۱۲/۱۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۴۸
ویژگی‌ها	توکل به خدا و اخلاص	FB1	۰/۷۹۹	۰/۰۵۲	۱۵/۴۱۷	۰/۰۰۱	۰/۷۷۵
	اطمینان قلبی و احساس ارزشمندی	FB2	۰/۹۰۲	۰/۰۵۶	۱۶/۱۴۳	۰/۰۰۱	۰/۸۰۳
	خوش اخلاقی و فروتنی	FB3	۰/۸۴۳	۰/۰۶۹	۱۲/۲۲۹	۰/۰۰۱	۰/۶۴۳
	بردباری و خودکنترلی	FB4	۱/۰۱۰	۰/۰۵۸	۱۷/۵۱۷	۰/۰۰۱	۰/۸۵۴
	واقع‌بینی و عقلانیت	FB5	۰/۹۴۴	۰/۰۶۳	۱۵/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۷۵۹
	بخشنده‌گی و فداکاری	FB6	۱/۰۱۰	۰/۰۵۸	۱۷/۳۷۵	۰/۰۰۱	۰/۸۴۹

اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» .../رحمت اله مرزوقی و فرزانه دبمه کار حقیقی ۴۵

مضامین سازمان-دهنده	مضامین پایه	نماد	ضریب برآورد-شده	خطای معیار برآورد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری	ضریب برآوردشده استاندارد
	آگاهی و تعهد	FB7	۱	-	-	۰.۰۰۱	۰.۷۹۰
ساحت‌ها	محیط خُرد	FC1	۰.۸۷۳	۰.۰۴۸	۱۸.۲۶۱	۰.۰۰۱	۰.۸۰۹
	محیط کلان	FC2	۱	-	-	۰.۰۰۱	۰.۸۶۵
موانع	خودپرستی و غرور	FD1	۱	-	-	۰.۰۰۱	۰.۶۸۰
	حسادت و زیاده‌طلبی	FD2	۱.۰۱۹	۰.۰۸۲	۱۲.۳۶۸	۰.۰۰۱	۰.۷۵۰
	رفاه‌طلبی و هواس‌رانی	FD3	۰.۹۹۵	۰.۰۸۰	۱۲.۵۰۶	۰.۰۰۱	۰.۷۵۹
	بدگمانی و افترا	FD4	۰.۹۴۸	۰.۰۷۳	۱۲.۹۸۳	۰.۰۰۱	۰.۷۹۲
	بدعهدی و تزویر	FD5	۰.۹۵۶	۰.۰۷۹	۱۲.۰۴۶	۰.۰۰۱	۰.۷۲۸
	دوگانگی و نفاق	FD6	۱.۰۰۸	۰.۰۸۰	۱۲.۶۰۱	۰.۰۰۱	۰.۷۶۶
	اسراف و ستیزه‌گری	FD7	۱.۰۱۶	۰.۰۸۱	۱۲.۵۴۳	۰.۰۰۱	۰.۷۶۲
	بدخلقی و ناشکری	FD8	۰.۹۹۷	۰.۰۸۲	۱۲.۱۶۸	۰.۰۰۱	۰.۷۳۷
شاخص‌ها / راهبردها	خداشناسی و خودشناسی	FP1	۱	-	-	۰.۰۰۱	۰.۷۶۲
	ولایت‌محوری	FP2	۱.۱۰۴	۰.۰۸۰	۱۳.۷۳۹	۰.۰۰۱	۰.۷۵۷
	معرفت و تربیت-محوری	FP3	۱.۰۸۹	۰.۰۷۵	۱۴.۴۵۶	۰.۰۰۱	۰.۷۹۳
	کمال‌محوری	FP4	۱.۱۰۳	۰.۰۷۷	۱۴.۲۷۱	۰.۰۰۱	۰.۷۸۳
پیامدها / دستاوردها	رستگاری و مصلحت‌اندیشی	FF1	۰.۹۴۳	۰.۰۶۸	۱۳.۹۵۶	۰.۰۰۱	۰.۷۶۰
	فرزانگی و خویش‌سازی	FF2	۰.۸۶۹	۰.۰۵۹	۱۴.۶۴۵	۰.۰۰۱	۰.۷۹۴
	حق‌طلبی و خیرخواهی	FF3	۱.۰۲۳	۰.۰۷۵	۱۳.۶۲۴	۰.۰۰۱	۰.۷۴۴
	شایستگی‌های رفتاری	FF4	۰.۷۴۷	۰.۰۸۰	۹.۳۱۴	۰.۰۰۱	۰.۵۲۷
	استقلال‌طلبی	FF5	۱	-	-	۰.۰۰۱	۰.۷۶۷



شکل ۱. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم شبکه مضامین «حیات طیبه» در حالت غیر استاندارد



شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم شبکه مضامین «حیات طیبه» در حالت استاندارد

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به اینکه مبنای اصلی این پژوهش، مطالعه مرزوقی، دیمه کار، جهانی و ترکزاده (۱۳۹۹) باعنوان «کاوش مفهوم "حیات طیبه" از منظر متون اسلامی: یک مطالعه کیفی» می باشد؛ هدف پژوهش حاضر اعتباریابی مقیاس «حیات طیبه» مبتنی بر منابع اسلامی است. مقیاس «حیات طیبه» شش مضمون سازمان دهنده، تحت عناوین پیش نیازها، ویژگی ها، ساحت و عوامل زمینه ای، موانع، راهبردها و پیامدها و دستاوردها است. مؤلفه پیش نیازها شامل مضامین ایمان و عمل صالح، مؤلفه ویژگی ها شامل مضامین پایه توکل به خدا و اخلاص، اطمینان قلبی و احساس ارزشمندی درونی، خوش اخلاقی و فروتنی، بردباری و خودکنترلی، واقع بینی و عقلانیت، بخشندگی و فداکاری، آگاهی و تعهد، مؤلفه شاخص ها و راهبردها شامل مضامین خداشناسی و خودشناسی، ولایت محوری، معرفت و تربیت محوری، کمال محوری، مضمون سازمان دهنده پیامدها/ دستاوردها شامل مضامین پایه رستگاری و مصلحت اندیشی، فرزنگی و خویشتن سازی، خیرخواهی، شایستگی های رفتاری، استقلال- طلبی، مؤلفه موانع شامل مضمون پایه خودپرستی و غرور، حسادت و زیاده طلبی، رفا- خواهی و هوس رانی، بدگمانی و افترا، بدعهدی و تزویر، دوگانگی و اختلاف، اسراف و ستیزه گری، بدخلقی و ناشکری و درنهایت، مؤلفه ساحت ها/ عوامل زمینه ای شامل مضمون پایه محیط خرد و محیط کلان است (مرزوقی، دیمه کار، جهانی و ترکزاده، ۱۳۹۹). بنا بر این مبانی، مقیاس «حیات طیبه» باتوجه به منابع اسلامی و قرآنی ارائه گردید و از آنجا که با جامعیت و کل نگرایی به این مفهوم پرداخته شده است، می تواند زمینه را برای برخورد نظام مند و منسجم با مفهوم «حیات طیبه» فراهم نماید.

همچنین، در این پژوهش تلاش شد تا این مقیاس با استفاده از داده های کمی مورد اعتباریابی قرار گیرد؛ بنابراین، نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی برای شبکه مضامین «حیات طیبه» نشان می دهد که مقدار شاخص نسبت بحرانی به درجه آزادی $3/405$ است که مقدار مطلوبی برای اعتبار الگو است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد نیز $0/074$ است که باتوجه به کوچکتر از $0/08$ بودن، قابل قبول و نشان دهنده تأیید الگوی پژوهش است. همچنین شاخص برازش تطبیقی $0/921$ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده $0/688$ است که همگی نشان دهنده اعتبار مطلوب و تأیید الگوی «حیات طیبه»

مبتنی بر متون اسلامی هستند. ضریب برآوردشده استاندارد (بار عاملی) برای زیر مؤلفه‌های الگوی «حیات طیبه» مبتنی بر متون اسلامی، بزرگتر از ۰/۵ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد، معنی‌دار هستند ($p < 0/05$)؛ بنابراین مؤلفه‌های تعیین‌شده به صورت معنی‌داری، شبکه مضامین «حیات طیبه» را در قالب پیش‌نیازها، ویژگی‌ها، شاخص‌ها/ راهبردها، ساحت‌ها/ عوامل زمینه‌ای، موانع و دستاوردها تبیین کرد.

نتایج به دست آمده در این بخش، نشان می‌دهد که مقیاس «حیات طیبه» می‌تواند در موقعیت‌ها و موضوعات مختلف و برای پژوهش‌های آتی نیز در حوزه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی، مبنا و الگوی نظری جامعی در راستای تدوین چارچوب‌های برنامه درسی تلقی شود که این امر اعتبار بیرونی این مقیاس را نشان می‌دهد. در این پژوهش، مواردی همچون محدودیت‌های ذاتی (خطاهای اندازه‌گیری، پاسخ‌های قابل‌پذیرش اجتماعی و...) در روش‌های جمع‌آوری و اندازه‌گیری یافته‌ها، احتیاط در تعمیم یافته‌ها، با توجه به جامعه آماری محدود، تعداد زیاد پرسش‌های پرسشنامه‌ها و طولانی شدن زمان اجرای آن و سوگیری و جهت‌گیری پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه که خارج از کنترل محقق بود، محدودیت‌های پژوهش مطرح می‌گردد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان به پژوهشگران آینده در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی نیز تدوین نقشه علمی و عملی زندگی پاک (حیات طیبه) را پیشنهاد نمود تا در این راستا، زمینه مناسبی جهت توسعه، ایجاد و درونی‌سازی نظامی از نگرش‌ها، دانش‌ها، روش‌ها، رفتارها و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی برای جامعه فراهم گردد و از این رهگذر بستر رشد و ارتقای معنوی، عقلانی، عاطفی و اخلاقی میسر شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات فاطمه الزهرا، ۱۳۸۰، چاپ دوم.
نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی. قم: آل علی (ع)، ۱۳۹۱، چاپ سوم.
صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان. مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۹۵، چاپ اول.
مفاتیح الجنان، ترجمه موسی کلانتری دامغانی. قم: نشر بخشایش، ۱۳۸۰، چاپ اول.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). «لسان العرب»، محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی، ج ۳.

بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷). «حیات معقول». تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). «تفسیر انسان به انسان»، چاپ پنجم. قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). «فطرت در آئینه قرآن». فصلنامه انسان پژوهی. ۷(۲۳).

چراغی، صدیقه (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی آراء علامه جعفری و آیت الله جوادی آملی در خصوص حیات طیبه و جنبه‌های تربیتی آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات حاجی صادقی، عبدالله و ابوالقاسم بخشیان (۱۳۹۳). «مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن». انسان پژوهی دینی، (۳۱)، ۱۱-۱۶۵-۱۸۵.

حاجی علیان، نیره؛ کینخا، احمد (۱۳۹۶). تبیین چیستی و چرایی حیات طیبه در اسلام، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات مدیریت، تهران: مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

خواججه بمی، محمد حسین (۱۴۰۱). «شاخصه‌ها و آثار حیات طیبه در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی». مطالعات فهم قرآن. (۱)، ۱-۱۹۵-۱۷۷.

درخشه، جلال و حمیدرضا تبشیری (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های «حیات طیبه» در اندیشه سیاسی نوصدرائیان با تأکید بر آراء علامه طباطبایی و شهید مطهری». دانش سیاسی، (۱)، ۱۶-۱۱۷-۱۴۴.

دیمه کار حقیقی، فرزانه و رحمت‌اله مرزوقی و جعفر جهانی و جعفر ترک‌زاده (۱۳۹۹). «کاوش مفهوم «حیات طیبه» از منظر متون اسلامی: یک مطالعه کیفی». عقل و دین. (۲۳)، ۱۲-۱۵۹-۱۳۴.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). «معجم مفردات الفاظ القرآن». بیروت: انتشارات دارالعلم.

زندیه، مهدی و صدیقه رضایی (۱۳۹۶). «واکاوی حقیقت حیات طیبه، مراحل و عوامل وصل به آن از دیدگاه علامه طباطبایی». مفتاح (مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی). (۵)، ۷۹-۱۰۰.

«سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۸۹). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

سیدطاهرالدینی، سیدعلی، ایزدی، مهشید، و کیلی، نجمه (۱۳۹۸). «ایضاح خوانش قرآنی «قناعت» به عنوان عاملیت بهم‌تنیدگی حیات طیبه در نهج البلاغه». فصلنامه مطالعات قرآنی، (۴۰)، ۱۰-۹۳-۱۰۹.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). «بررسی‌های اسلامی»، جلد ۲، چاپ ۲. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسين حوزه علميه.

طباطبائی سید محمدحسین (۱۳۶۳). «تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم:

دفترتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۹). «تفسیر جوامع الجامع». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طبری، محمد بن حریر (۱۳۴۶). «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، جلد ۱۴، ترجمه محمد باقر

خالصی. قم: دارالعلم.

فیض کاشانی، ملاحسن (۱۳۸۷). «تفسیر الصافی». تهران: انتشارات صدر.

قربانی، اکبر (۱۳۹۲). «چیستی حیات طیبه، ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاه اندیشمندان

مسلمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام. دانشکده الهیات و

معارف اسلامی.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). «الجامع الأحكام القرآن». تهران: ناصرخسر.

مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۵). «نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت اسلامی». تهران: آوای

نور.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). «آیین پرواز»، چاپ هفتم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی (ره).

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۴). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

اشرف حمیدی^۲

شادی نفیسی^۳

محسن احتشامی نیا^۴

DOI: 10.30497/esi.2024.245441.1701



چکیده

پژوهش حاضر با هدف کلی ارائه الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول انجام شد. پژوهش از حیث هدف، اکتشافی و کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها و چارچوب حاکم بر فضای آن، کیفی محسوب می‌شود که برپایه رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین در روش داده‌بنیاد انجام شد. در زمینه مطالعات اسنادی، از امکان حداکثری و در دسترس بودن پژوهش‌ها، مطالعات، مقالات و کتاب‌های مرتبط به گونه‌ای هدفمند استفاده شد؛ و از بین صاحب‌نظران، متخصصان و صاحبان تجربه در زمینه تعلیم و تربیت، تعدادی به روش نمونه‌گیری هدفمند، نظری و گلوله برفی شناسایی، انتخاب و بر پایه قاعده اشباع نظری با عنوان اطلاع‌رسان در این پژوهش، مشارکت داده شدند. از ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. متن مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و مفهوم‌پردازی دلالتی لازم انجام پذیرفت که در نتیجه، تعداد ۴۰۶ جمله کلیدی، ۳۰ خرده‌مقوله، ۴۰ بعد یا مقوله فرعی و ۲۰ مقوله اصلی به دست آمد و الگو ارائه شد. پژوهش حاضر نشان داد که اگر نگرش افراد نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی از سنین پایین‌تر به‌ویژه در دوره حساس نوجوانی، به‌گونه‌ای مناسب، مثبت و کارآمد شکل گیرد، احتمال انتخاب این نوع از سبک زندگی در دوره‌های سنی بعدی و میزان پایبندی به آن نیز بالا خواهد بود؛ به همین منظور، شرکای تربیتی در امر تربیت دینی بایستی در برنامه‌ریزی و فعالیت‌ها با آموزش و پرورش همسو و هم‌افزا باشند.

واژگان کلیدی: ایجاد نگرش، تغییر نگرش، سبک زندگی، سبک زندگی ایمانی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی ایجاد نگرش مناسب به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» است.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hamidi2018a@yahoo.com

shadinafisi@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.

m.ehteshaminia@yahoo.com

بیان مسئله

دوره سنی نوجوانی از دیدگاه صاحب نظران علم روان‌شناسی و شاخه‌های آن (به‌ویژه دو شاخه تربیتی و اجتماعی)، که دوره‌ای حساس و حائز اهمیت است، مورد توجه ویژه است (حسینی‌نسب، ۱۳۷۶، صص ۵۶-۴۱). برخی این دوره سنی را دوره شکل‌گیری نگرش‌ها و هویت‌یابی دانسته‌اند. با ورود به دوره نوجوانی، فرد با تغییراتی بنیادی و اساسی در زمینه جسمی و روانی روبه‌رو می‌شود. زمینه ژنتیکی و عوامل محیطی و اجتماعی که نوجوان با آن‌ها مواجه است، منشاء این تغییرات شناخته شده است. خانواده، مدرسه و گروه همسالان از جمله عواملی هستند که در ایجاد این تغییرات بهنجار و ناهنجار تأثیرگذارند و نقش‌آفرینی می‌کنند؛ بنابراین، مناسبات و برخورد ناصحیح خانواده، مدرسه و همسالان و تغییرات جسمی و روانی نوجوان، به‌ویژه با اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری نگرش‌ها، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و اختلالات در این دوره و دوره‌های بعدی زندگی خواهد بود (طاهرزاده و سایه‌میری، ۱۴۰۰، ص ۱).

مادیگان^۱ نگرش را مهم‌تر از دانش و مهارت فرد می‌داند و عقیده دارد که این نگرش است که رفتار فرد را هدایت می‌کند و بر سازگاری‌های اجتماعی او تأثیر دارد و فرد را به راه سازندگی یا انحراف هدایت می‌کند (شیرکوند، ۱۳۸۳، ص ۱۶). ورما^۲ نگرش را از باورهایی متشکل می‌داند که در بازه زمانی مشخص و در یک موقعیت فرهنگی-اجتماعی خاص در موضوعی معین، رشد یافته‌اند و هرچند که لزوماً تعیین‌کننده رفتار نیست، اما بر آن تأثیر قابل توجهی دارد (Verma, 2008, p. 6).

امروزه نمونه‌های توسعه‌یافته مدل «ارزش-نگرش-رفتار»^۳ فهم و بصیرت پیش‌بینی‌کننده‌ای درباره رفتار فراهم می‌سازد (Kim & Hall & Kwon & Sohn, p. 2024). در یک رویکرد، نگرش، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر گرفته شده است که عنصر شناختی^۴ آن را باورها، ارزش‌ها و اطلاعات مرتبط با هدف شناخته‌شده فرد، شکل می‌دهد. عنصر عاطفی^۵ شامل احساس‌ها و عواطف درباره هدف، فکر، رخداد،

-
1. Madigan.
 2. Verma, M, H.
 3. Value-Attitude-Behavior Model.
 4. Cognitive.
 5. Feeling or Affective or Emotional.

شیء و یک موقعیت است. عنصر رفتاری^۱ نیز به نیت مرتبط با رفتار معین، برمی گردد (رضائیان، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲). شیفمن و کانوک^۲ (2004) این سه عنصر را تحت عنوان مدل CAC یا مدل سه بخشی نگرش^۳ طراحی و ارائه داده اند (Jain, 2014, p.5). هرنگرش یک موضوع را دربرمی گیرد. نگرش ها به طور معمول، ارزشیابانه هستند و از ثبات و دوام قابل توجهی برخوردارند. جهت (مثبت یا منفی بودن)، نیرومندی یا شدت (میزان و درجه جهت در هر سه سطح نگرش) و درجه پیچیدگی^۴ یا تکثر (محدود و سادگی یا جامع و گسترده نگرش در هر سه سطح آن) نیز از دیگر مشخصه های نگرش به حساب می آیند. ترکیب جهت و نیرومندی والانس^۵ نامیده شده است. از بین عناصر سه گانه، عنصر «عاطفی» یا «احساسی» و از بین ویژگی ها، خصوصیت «ارزشیابانه بودن» مهم ترین مؤلفه های نگرش را تشکیل می دهند (کریمی، ۱۳۷۹، صص ۱۴-۱۲).

روانشناسان اجتماعی مؤلفه های متعددی را در شکل گیری نگرش نقش آفرین می دانند که باورها، تجربیات و محیط از مهم ترین آن ها شناسایی شده اند (کریمی، ۱۳۷۹، صص ۴۹-۴۷؛ یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۵، ص ۶). نتایج بسیاری از پژوهش ها بر نقش آموزش، تربیت و یادگیری در ایجاد و یا تغییر نگرش ها صحه گذاشته اند. مرکز پژوهشی مشترک کمیسیون خدمات علم و معرفت اروپا در گزارش خود، نقش آموزش در ایجاد نگرش مثبت نسبت به موضوع مهاجرت و مهاجران در اروپا را تأیید کرده است (Borgonovi & Pokropek, 2018, p. 2).

برخی تغییر نگرش را از ایجاد نگرش متمایز می دانند و به پیدایش و یا شکل گیری نگرش جدید، تغییر نگرش را اطلاق کرده اند. بُهنر^۶ (2010) اظهار می دارد که وقتی فرد تغییر نگرش می دهد، نگرش تغییر یافته محو و نابود نمی شود، بلکه در ذهن باقی می ماند (عرب نژاد خانوکی، ۱۳۹۷، ص ۲۲). از دیدگاه ریچارد^۷ (2006) نگرش های قدیمی می توانند در حافظه باقی بمانند و رفتارهای بعدی را تحت تأثیر قرار دهند؛ بنابراین

1. Action Tendency or Behavioral.
2. Schiffman, L, G & Kanu Schiffman k, L, L.
3. Cognitive – Affective – Conative Model.
4. Multiplexity.
5. Valence.
6. Bohner, G.
7. Richard, E.

نگرش‌هایی که برای اولین بار شکل می‌گیرند، ثبات و پایداری بیشتری خواهند داشت، اما تثبیت نگرش‌هایی که تغییر می‌یابند، نیاز به تلاش بیشتر و سخت‌تری دارد. نظریه‌های متعددی در زمینه ایجاد و تغییر نگرش (یا رفتار) مطرح و دسته‌بندی شده‌اند که نظریه شرطی‌سازی کلاسیک، نظریه شرطی‌سازی کنش‌گر، نظریه ناهماهنگی شناختی، مدل هاوولد^۱ و مدل پذیرش فناوری از جمله آن‌ها به‌شمار می‌روند. هاوولد (1953) در مدل خود (یادگیری و ایجاد یا تغییر نگرش) به‌طور مشخص فرض را بر این می‌گیرد که نگرش‌ها نیز به مانند سایر عادات‌ها، اکتسابی هستند. این به این معناست که فرایندهای اساسی یادگیری می‌تواند در شکل‌دهی به نگرش‌ها به‌کار رود (اسدی مله‌خان و حسینی پاکدهی، ۱۳۹۴، ص ۳۶). مدل پذیرش فناوری (ادراک سودمندی و ایجاد یا تغییر نگرش) که از بنیادی‌ترین و نافذترین نظریه‌های رفتار انسانی است، توسط دیویس^۲ (1989) مطرح شد و درباره چرایی پذیرش یا امتناع کاربران از یک فناوری خاص، بحث می‌کند (حبیبی، محمودی و منصورزاده، ۱۳۹۵، ص ۳۵۹). این مدل برای پیش‌بینی سطح وسیعی از رفتارها به‌کار می‌رود و مفهوم پذیرش در آن، یک پدیده چندبعدی است که مجموعه وسیعی از متغیرهای کلیدی مانند ادراک‌ها، باورها و نگرش‌ها را دربرمی‌گیرد (قنبری و کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱).

در دهه‌های اخیر با ورود مفهوم و موضوع سبک زندگی به جامعه و ادبیات علمی کشور، محققان ایرانی با هدف تبیین حدود و ثغور و معرفی روش و یا سبک ویژه‌ای از زندگی، بر محتوای بلند و جامع مضامین قرآن و سیره عملی حضرات معصومین (علیهم السلام) متمرکز بوده و هستند و در همین راستا، نتایج یافته‌های خود را ذیل عناوینی چون «سبک زندگی اسلامی»؛ «سبک زندگی قرآنی» و «سبک زندگی ایمانی» ارائه داشته‌اند. برخی معتقدند مفهوم سبک زندگی ابتدا توسط روان‌شناس اتریشی، آلفرد آدلر^۳ (1956)، مطرح شد و برخی آن را به جامعه‌شناس آلمانی، ماکس وبر^۴ (1968)، نسبت می‌دهند (جباران، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴)؛ بر همین اساس، در ارائه و بسط تعاریف از سبک زندگی دو رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه شناسایی و پی‌گیری شده است. رویکرد سومی هم با عنوان

-
1. Hovland, Carl.
 2. Davis.
 3. Adler, Alfred.
 4. Weber, Karl Emil Maximilian "Max".

رویکرد دین‌شناسانه به سبک زندگی، شناخته شده است که همان‌گونه که اشاره شد، در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در بین اندیشمندان مسلمان و همچنین کشورمان، مورد توجه قرار گرفته است. در رویکرد دین‌شناسانه به مفهوم سبک زندگی، این موضوع که دین چگونه و در چه مواردی می‌تواند با سبک زندگی پیوند داشته باشد و بر آن تأثیر بگذارد، مورد توجه است. در این چارچوب در تعریفی آمده است که سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته را شامل می‌شود که با تأثیر از باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و وضعیت محیطی، وجه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

هنگامی که از نگرش به سبک زندگی سخن به میان می‌آید، جهت، شدت و پیچیدگی نگرش فرد نسبت به آن مد نظر قرار می‌گیرد. دیدگاه لارنس کلبگ^۱ (1987) باعنوان «استدلال اخلاقی» و قدری امروزی‌تر و مشهورتر باعنوان «فلسفه برای کودکان» در دیدگاه متیو لیپمن^۲ (1993) و همچنین دیدگاه رابرت استرنبرگ^۳ (2002) باعنوان «خردمندی» از آنجا که بر تربیت اخلاقی و آموزش خرد متمرکز بوده‌اند را می‌توان در راستای زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش در کودکان و نوجوانان، به‌ویژه نسبت به سبک زندگی، ارزیابی کرد. از نگاه برخی، پذیرش روش و سبک توصیه‌شده و مورد تأیید دین اسلام برای زندگی آدمی در مقام موجودی صاحب اراده و اختیار و گرایش او به عمل و رفتار بر پایه آن، بیش از هر عاملی به نوع نگرش انسان (مثبت یا منفی) در این زمینه بستگی دارد. برای مثال، نگرش مناسب و مثبت به دین اسلام که در حد تکامل‌یافته و اعلائی خود باعنوان نگرش توحیدی شناخته می‌شود، در تحول و تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان مؤثر است و می‌تواند برای کسب رضایت خداوند و دفع و رفع موانع کمال‌بسترسازی کند و سبب تحکیم روابط اجتماعی و رعایت حقوق دیگران در بعد اجتماعی شود و «حیات طیبه»^۴ را برای انسان به ارمغان آورد (نظری پشت‌کوهی و باقری، ۱۴۰۲، ص ۱). در همین راستا، کندوکاو درباره علل کم‌توجهی یا حتی بی‌توجهی اشخاص در بافتار فرهنگی ایران به

1. Kohlberg, Lawrence.

2. Lipman, Matthew.

3. Sternberg, Robert.

۴. این مفهوم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد توجه بوده و ۱۲ بار تکرار شده است.

زندگی در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ایمانی و تلاش برای یافتن راهکارهای رفع موانع و یا به حداقل رساندن آثار آسیب‌زای آن‌ها، از زمره موضوعات حائز اهمیت به‌شمار می‌رود. شواهد عینی و گزارش‌های ارائه‌شده دربارهٔ جامعهٔ ایران تا زمان انجام این تحقیق از حیث پذیرش روش و سبک زندگی مورد تأیید و تأکید اسلام و گرایش به عمل و رفتار بر پایهٔ آن، به‌ویژه در کلان‌شهر تهران، با عنوان مرکز سیاسی کشور، حکایت از واقعیتی نه‌چندان مطلوب دارد؛ به‌این‌معنا که ما از حدِّ مورد انتظار یا همان وضعیت مطلوب، فاصلهٔ قابل‌تأملی داریم. براساس آنچه توصیف و تبیین شد، می‌توان اذعان داشت که این مشکل می‌تواند ناشی از این باشد که نگرشی منفی (نامناسب و ناکارآمد) در این زمینه در افراد شکل گرفته و احتمال اینکه شکل‌گیری نامناسب و ناکارآمد نگرش مذکور در نوجوانی افراد، رخ داده باشد، بالاست.

آموزه‌های دین اسلام نگرش آدمی را به خدا، دین و زندگی مؤمنانه در دو سطح، شناسایی و معرفی می‌کند. از منظر اسلام، سطحی از نگرش به خدا، دین و زندگی ریشه در مفهوم دینی فطرت دارد و در مقام تکوین اولیه و الهی نگرش فرد نسبت به خدا، دین و زندگی شناخته شده است. براساس تفاسیر متعدد، این معنا، به‌ویژه از آیهٔ شریفهٔ ۳۰ از سورهٔ مبارکهٔ روم، قابل دریافت است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...»؛ پس روی خویش به سوی دین حق و راستین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.» بر همین پایه، سطحی از نگرش نسبت به خدا، دین و زندگی در مسیر رشد آدمی و در جریان تربیت و آموزش، به‌ویژه در جریان تربیت دینی و ایمانی انسان، شکل می‌گیرد. تربیت دینی فرایندی است که منجر به ساخت نظام ارزشی باورهای متکی بر اصول و انگاره‌های مذهبی می‌شود و عوامل فردی و اجتماعی متعدد و متنوعی در آن نقش‌آفرینی‌سازنده و مؤثری دارند (شاگری صفت، حاج‌حسینی و خداپاری فرد، ۱۴۰۲، ص ۶). شاید همان‌گونه که در برخی از تفاسیر معاصر آمده است^۱، بتوان این معنا را به‌ویژه در آیهٔ شریفهٔ ۸۴ از سورهٔ مبارکهٔ اسراء، جستجو کرد؛ آنجا که

۱. تفسیر المیزان (علامه طباطبایی) جلد ۱۳ بخش ۱۰.

می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو هر کس بر حسب شاکله خود (خَلَق و خوی خویش که اکتسابی است و عادت شده است) عمل می‌کند».

بررسی‌ها و جستجوها نشان می‌دهد که تلاش‌های علمی و پژوهشی در کشور، درباره موضوع ایجاد نگرش مثبت نسبت به سبک زندگی ایمانی در دوره‌های سنی، به‌ویژه دوره نوجوانی و ارائه الگوهای خاص در این زمینه نیز مورد توجه نبوده و در این خصوص، اقدام پژوهشی مشخص و مؤثری صورت نپذیرفته است. برای مثال، تاج‌بخش و موسوی (۱۳۹۳) در پژوهش خود، عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان را بررسی کردند و نشان دادند که از میان ابعاد نگرش دینی، میانگین بعد احساسی بالاتر از دیگر ابعاد است و بعد رفتاری و ذهنی در مراتب بعدی اولویت قرار دارند. حسن‌زاده و رنجبر (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین عوامل مؤثر دینی و حالت فراشناختی بر نگرش دینی دانش‌آموزان پرداخته و نشان دادند که بین اعتقاد، احساس و پیامد دینی دانش‌آموزان و وضعیت دینی والدین، رابطه مثبت و معنادار، بین اعتقاد دینی دانش‌آموزان و وضعیت دینی دوستان، رابطه مثبت و معنادار و بین اعتقاد دینی و احساس دینی دانش‌آموزان و استفاده از ماهواره، رابطه منفی و معنادار و استفاده از اینترنت و تلویزیون، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تلاش علمی باقرپور (۱۳۹۷)، ارتباط باورها و نگرش‌های دینی و سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی معلمان، مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که در جامعه معلمان مورد مطالعه، بین باورها و نگرش‌های دینی و ابعاد آن (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری) با عملکرد شغلی، بین سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی و در نهایت بین باورها و نگرش‌های دینی و ابعاد آن با سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن (زمان‌شناسی، امنیت دفاعی، تفکر و علم، سلامت روان، خانواده، مالی، اخلاقی، باورها، عبادی و اجتماعی)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در پژوهش عرب‌نژاد خانوکی (۱۳۹۷)، از آنجاکه متون اسلامی و متون ادبیات پایداری در راستای هدایت افکار و نگرش‌های تحول‌یافته، مؤثر و موفق دانسته شده‌اند، برای دستیابی به شیوه‌های تغییر نگرش، مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ در نتیجه روش‌های استدلالی، سؤالی، مقایسه‌ای، داستانی، تمثیلی، تأکیدی، ایجاز و تفصیلی (باتوجه به بعد عقلانی انسان)، روش‌های طنز، شکوه، تبشیر و تنذیر، بیان حماسی و عبرت‌آموزی

(باتوجه به بعد عاطفی انسان)، روش‌های اسطوره‌سازی، تقدیس، فراطبیعی جلوه‌دادن امور (با در نظر گرفتن بعد اخلاقی انسان)، روش بیان مزایا (باتوجه به سودجویی و منفعت‌طلبی انسان)، روش مرحله‌ای (باتوجه به ضعف بودن انسان)، روش جدلی (باتوجه به خصیصه مجادله‌گر بودن انسان)، روش اشتراک‌یابی (با اذعان به اجتماعی بودن انسان)، روش موعظه (باتوجه به فراموش‌کار بودن انسان)، ارائه دوسویه اطلاعات (باتوجه به مختار بودن انسان) مناسب تشخیص داده شده و استخراج گردیده و کارآیی آن‌ها برای تغییر نگرش تأیید شده است.

در پژوهش ارشادیان و فروتن (۱۳۹۸)، نگرش دینی در ایران مورد تحلیل اجتماعی و جمعیت‌شناختی قرار گرفت و نشان داده شد که قالب‌های کلی نگرش دینی به‌طور قابل-ملاحظه‌ای متأثر از متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل و تحصیلات است؛ به‌طوری‌که روستائیان بیش‌از شهرنشینان، متأهلان بیش‌از مجردان، بزرگسالان و سالمندان بیش‌از نوجوانان و جوانان، کم‌سوادان و بی‌سوادان بیش‌از افراد با تحصیلات عالی، دارای نگرش دینی قوی‌تر و شدیدتری هستند.

در تلاش علمی خالصی اردکانی (۱۳۹۹)، رابطه بین پیوند والدینی و سبک زندگی اسلامی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر، بررسی و نشان داده شد، بین بعد مراقبت پیوند والدینی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه، رابطه مثبت معنادار و بین بعد حمایت افراطی پیوند والدینی با نگرش به زندگی آنان، رابطه منفی معنادار و همچنین بین سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن (اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاقی، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، امنیتی- دفاعی و زمان‌شناسی) با نگرش به زندگی دانش‌آموزان، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در پژوهش پاپی، صفایی مقدم، ولوی و هاشمی (۱۴۰۱)، اصول تغییرات درونی مطلوب در ساحات درونی شخصیت (باورها، احساسات و خواسته‌ها) با به‌کارگیری صورت بازسازی‌شده الگوی استنتاج عمل فرانکنا^۱ شناسایی و احصاء شده است. توجه جدی و فعالانه به فطرت، اعتقاد به معاد، آزادی، مسئولیت‌پذیری، زمینه‌سازی برای تغییر و رشد مطلوب، عبرت‌گیری، تغییر تدریجی و گام‌به‌گام، باور به وجود خدای آگاه

1. Frankena.

(خداباوری)، تکریم شخصیت انسان، به‌کارگیری ابزار معرفت و عاملیت معیارمند از اصول مستخرج در پژوهش مذکور به‌شمار می‌روند.

مرور همین حجم از پیشینه بر این ادعا که فعالیت‌های علمی و پژوهشی در ایران در زمینه ایجاد نگرش مثبت (مناسب و کارآمد) نسبت به سبک زندگی ایمانی، به‌ویژه در دوره سنی نوجوانی، کافی نبوده است، صحنه می‌گذارد. پژوهش‌گران در تحقیق حاضر، پس از تشخیص خلاء پژوهشی موجود، مبتنی بر چارچوب ادراکی خویش، دریافتند که پذیرش سبک زندگی ایمانی و تنظیم نیت، گفتار، رفتار و اعمال بر آن اساس، بیش از هر چیز مستلزم این است که سیاست‌گذاران و در پی آن متولیان امور، به‌ویژه ارکان نظام کلان تعلیم و - تربیت، پیش از هر نوع اقدام ایجابی و سلبی، به جریان (فرایند) ایجاد نگرش در افراد نسبت به این نوع از سبک زندگی و اهمیت آن، به‌ویژه در دوره سنی نوجوانی، به‌درستی واقف شوند و در این خصوص تلاش درست و مؤثری داشته باشند؛ بنابراین بر پایه تجربه زیسته خویش، برش ۱۲ سال تمام تا ۱۵ سال تمام را از دوره سنی نوجوانی مورد ملاحظه قرار دادند که حداکثری دانش‌آموزان دوره متوسطه اول را دربردارد و پاسخ‌دهی به هفت پرسش ذیل را متناظر با اهداف ویژه پژوهش دنبال کردند که در نهایت، منتج به ارائه الگوی ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول نسبت به سبک زندگی ایمانی از نگاه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت شد.

پرسش ۱: مقوله محوری یا مقوله‌های پدیده^۱ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول»، کدامند؟

پرسش ۲: مقوله‌های شرایط علی^۲ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟

پرسش ۳: مقوله‌های زمینه^۳ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟

1. Phenomenon.
2. Causal Conditions.
3. Context.

- پرسش ۴: مقوله‌های عوامل مداخله‌گر^۱ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۵: مقوله‌های راهبردها^۲ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۶: مقوله‌های پیامدها^۳ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۷: الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی^۴ است که برای انجام آن از روش «داده‌بنیاد» یا «نظریه مبنايي»^۵ رهیافت نظام‌مند اشتراوس^۶ و کوربین^۷ (1990) استفاده شد. در جامعه مورد مطالعه، افرادی که تجربه مشترکی با موضوع پژوهش داشته باشند و بتوانند اطلاعات سودمندی ارائه نمایند، جستجو شدند و از بین صاحب‌نظران، صاحبان تجربه و دست‌اندرکاران عرصه تعلیم و تربیت تعدادی به روش نمونه‌گیری هدفمند^۸، نظری^۹ و گلوله برفی^{۱۰} و به صورت غیرتصادفی شناسایی و انتخاب شدند و مصاحبه با آن تعداد از ایشان که پذیرفتند با پژوهش همراهی داشته باشند تا رسیدن به اشباع یا کفایت نظری^{۱۱}، یعنی تا

-
1. Intervening Conditions.
 2. Actions / Interactions.
 3. Consequences.
 4. Qualitative Research.
 5. Grounded Theory.
 6. Strauss, A.
 7. Corbin, J.

۸. هدفمند به این معنا که برحسب موضوع، مسئله و موقعیت پژوهش بتواند گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف کند.
۹. نظری به این معنا که برای رساندن ما به سطح انتزاع نظری و اکتشاف نظریه، از کفایت لازم برخوردار باشد.
۱۰. در این روش، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات درباره خود، درباره واحدهای دیگر از جامعه نیز به پژوهش‌گر اطلاعات ارائه می‌کنند.

11. Theoretical Saturation.

مرحله‌ای که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله‌ها پدید نمی‌آیند، ادامه یافت. در نهایت، تعداد ۱۱ نفر اطلاع‌رسان^۱ در پژوهش مشارکت داده شدند. در زمینه مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز از حداکثر پژوهش‌ها، مطالعات، مقالات و کتاب‌های مرتبط به روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد.

«مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته»^۲ که ابزار اصلی گردآوری داده‌های اولیه این پژوهش است، مورد استفاده قرار گرفت؛ علاوه‌براین، تهیه فیش از مطالعات عمیق کتابخانه‌ای و ثبت مشاهدات نیز از دیگر ابزار گردآوری در زمینه داده‌های ثانویه بود که برای تکمیل مبانی جهت‌دهنده، صورت‌بندی مناسب چارچوب ادراکی و تقویت حساسیت نظری در پژوهش‌گران مورد بهره‌برداری قرار گرفت. کوهنو مانیون^۳ (1986) برای فرایند مصاحبه، شش گام را برشمرده‌اند: ۱. تعیین هدف، ۲. طراحی، ۳. انجام مصاحبه، ۴. نگارش، ۵. تجزیه و تحلیل و ۶. تهیه و ارائه گزارش از فرایند صورت‌پذیرفته (کریمی و نصر، ۱۳۹۲، صص ۷۵-۷۴). بر همین اساس، ابتدا راهنما و پرسش‌های مصاحبه طراحی و براساس مشورت با اساتید محترم راهنما و مشاور و نیز چند تن از دیگر متخصصان، نهایی گردید. تعداد ۸ مصاحبه به صورت حضوری و تعداد ۳ مصاحبه غیرحضوری انجام شد. زمان مصاحبه‌ها متفاوت و این تفاوت، دامنه‌ای بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه را شامل شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل مفهومی^۴ با رویکردی دلالتی، طی مراحل سه‌گانه ۱. کدگذاری باز^۵، ۲. کدگذاری محوری^۶ و ۳. کدگذاری انتخابی^۷ تحقق یافت. نخست، صوت هر مصاحبه بی‌درنگ و پس از انجام آن، شنیده شد و پیاده‌سازی گردید. سپس متن حاصل بارها با دقت مرور شد و طی این رفت و برگشت‌ها، جملات کلیدی ساده و یا مرکبی که در بردارنده مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش بودند و در تعبیر دیگر بر عناصر

-
1. Informant.
 2. Semi-structured & in-depth interview.
 3. Cohen, L. & Manion, L.
 4. Concept Analysis.
 5. Open Coding.
 6. Axial Coding.
 7. Selective Coding.

شش‌گانه در رهیافت نظام‌مند داده‌بنیاد دلالت می‌کردند، شناسایی و به هر کدام یک شناسه و برچسب مفهومی ابتدایی اختصاص داده شد (کدگذاری باز). در گام بعدی، جملاتی که از حیث معنا به هم نزدیک بودند، دسته‌بندی گردید و برچسب‌های مفهومی متناسب و مرتبط جدید تخصیص داده شد؛ سپس این برچسب‌های مفهومی مقوله‌بندی شدند و مفهوم‌پردازی همچنان استمرار یافت و در ادامه، ارتباط بین این مقوله‌ها شناسایی گردید (کدگذاری محوری). در نهایت، الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول»، از نگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در قالب ترسیمی شماتیک، ارائه شد (کدگذاری انتخابی). جدول (۱) بیانگر نحوه کدگذاری باز در این پژوهش است:

جدول ۱. نمونه‌ای از نحوه کدگذاری باز

مفهوم	جملات کلیدی
۱. ایمان	کد ۱ از مصاحبه ۴: براساس مبنای انسان‌شناختی قرآن، میل به خداوند، معنویات، دین و ایمان
۲. فطرت آدمی	ریشه در فطرت آدمی دارد. / کد ۵ از مصاحبه ۴: درونیات و فطرت خداجوی توحیدگرا در آدمی
۳. نوجوان	(نوجوان) در عرصه امر تربیت دینی و ایمانی، علت به حساب نمی‌آید، بلکه زمینه محسوب می‌شود. شاید با تساهل و تسامح بتوان آن را علت معده ^۱ تصور کرد. / کد ۲۴ از مصاحبه ۸: انسان
۴. نوجوان	(نوجوان) میل درونی به معنویات دارد. / کد ۱۴ از مصاحبه ۹: انسان (نوجوان) به‌طور فطری نسبت
۵. خدا	به خدا و دین علاقه‌مند است و در نوجوانی، به‌ویژه در آستانه بلوغ، شاهد پدیدار شدن تمایلات و
۶. نیازهای فطری	نیازهای فطری در این زمینه هستیم. / کد ۱۵ از مصاحبه ۹: حس خداجویی در ابتدای نوجوانی
۷. پدیدار می‌شود	پدیدار می‌شود. / کد ۳ از مصاحبه ۱۰: حس پرسشگری در نوجوانی جوشش دارد، به‌ویژه، پرسش درباره خدا و خود در مقام مخلوق خدا.

برای برآورده‌شدن روایی و پایایی تحقیق، از شیوه ارزیابی پژوهش‌های کیفی گوبا^۲ و لینکلن^۳ (۱۹۹۴) استفاده شد که چهار معیار را دربردارد. این چهار معیار عبارتند از:

۱. علت‌های معده یا اعدادی وقوع یک واقعه یا حادثه را تقویت می‌کنند و به تعبیری شامل برخی زمینه‌های وقوع‌اند و نسبت آن‌ها با واقعه عینی، نسبت امکان است؛ ولی این نسبت در علت تامه یا ایجاد، نسبت ضرورت است (علم‌الهدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۹).

2. Guba.
3. Lincoln.

۱. اعتبار^۱، شامل فعالیت‌هایی است که احتمال به‌دست‌آوردن یافته‌های معتبر و قابل‌قبول را افزایش می‌دهد و خود چهار عامل را شامل می‌شود: الف) درگیری طولانی‌مدت و مشاهده^۲ مستمر^۳ که از آن باعنوان «غوطه‌وری»^۳ نیز یاد می‌شود، ب) سه‌سویه‌سازی^۴، پ) بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان^۵ و ت) بررسی توسط همکاران^۶؛ ۲. انتقال‌پذیری^۷، ناظر بر کسب نظر و تأیید متخصصان، اعتباریابی از روش‌ها و منابع متعدد و گاهی اوقات از طریق بررسی‌های چندگانه^۸؛ ۳. اطمینان‌پذیری^۹، ناظر بر ثبت و ضبط جزئیات و یادداشت‌برداری در مراحل پژوهش و ۴. تأییدپذیری^۹، ناظر بر نگاهداری مستندات پژوهش (حسنی، طباطبایی، طباطبایی‌چهر و مرتضوی، ۱۳۹۲، صص ۶۶۵-۶۶۴؛ پورسلیم، فتحی و اجارگاه و عارفی، ۱۳۹۶، صص ۲۱-۲۰).

درهمین‌راستا، قابل‌ذکر است که در گردآوری داده‌ها، سه شیوه^۱ مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای)، ۲. انجام مصاحبه عمیق و ۳. ثبت مشاهدات و تجربیات همزمان مورد ملاحظه قرار گرفت. در مطالعات اسنادی، سه گروه ۱. کتاب‌ها، ۲. مقالات و ۳. پژوهش‌ها در زمینه موضوعات مرتبط باعنوان پژوهش، به‌ویژه موضوع «آسیب‌شناسی تربیت دینی و ایمانی»، موردتوجه بوده‌اند. در انجام مصاحبه عمیق نیز سه گروه: ۱. صاحب‌نظران دانشگاهی، ۲. صاحب‌نظران حوزوی و ۳. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت که خود دانش‌آموخته سطوح عالی بودند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، داده‌های کیفی گردآوری‌شده به شیوه تحلیل مفهومی با رویکردی دلالتی، تحلیل شد. در گام‌های نخست مفهوم‌پردازی، از مجموع ۴۰۶ جمله کلیدی احصاء شده، ۷۱ مفهوم خلق و تولید شد و در ادامه در مرحله‌ای، ۱۰ مفهوم و در گام‌های پایانی، ۹ مفهوم جدید دیگر نیز موجودیت یافتند. با این حساب، عدد مفاهیم

-
1. Credibility.
 2. Prolonged engagement and persistent.
 3. Immersion.
 4. Triangulation.
 5. Member checking.
 6. Peer debriefing.
 7. Transferability.
 8. Consistency or Dependability.
 9. Confirmability.

برساخته از داده‌های کیفی مطالعه ۹۰ بوده است. در این میان، تعداد ۳۰ مفهوم به‌عنوان خرده‌مقوله‌ها، ۴۰ مفهوم به‌عنوان ابعاد یا مقوله‌های فرعی و ۲۰ مفهوم به‌عنوان مقوله‌های اصلی انتخاب شده‌اند. در ادامه، جدول (۲) که گویای فراوانی و توزیع جملات کلیدی و مقوله‌ها است، ارائه شده است.

جدول ۲. عناصر شش‌گانه، جملات کلیدی و مقوله‌ها

ردیف	عنصر	فراوانی در جملات کلیدی	درصد فراوانی در جملات کلیدی	مقوله فرعی	بعد یا مقوله	مقوله اصلی
۱	پدیده	۱۹	۴/۷	-	-	۱
۲	شرایط علی	۲۰	۴/۹	-	-	۵
۳	زمینه	۴۴	۱۰/۸	۷	۱+۲	۳
۴	عوامل مداخله‌گر	۷۸	۱۹/۲	۱۲	۲+۲	۴
۵	راهبردها	۲۱۹	۵۴	۳۰	۳+۱۰	۴+۴
۶	پیامدها	۲۶	۶/۴	-	۸	۲+۱
	جمع	۴۰۶	۱۰۰	۳۰	۳۰+۱۰	۱۱+۹

❖ پاسخ به پرسش ۱ (مقوله محوری یا مقوله‌های پدیده در الگو کدامند؟): در فرایند تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و در جریان مفهوم‌پردازی، ۱۹ جمله کلیدی به مفهوم «نگرش به سبک زندگی ایمانی» دلالت نمودند که به‌عنوان پدیده در نظر گرفته شد و در مرکز الگو قرار گرفت. این مفهوم از نوع مقوله‌های اصلی انتخاب شد.

جدول ۳-۱. مقوله‌های پدیده در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

خرده‌مقوله	بعد یا مقوله فرعی	مقوله اصلی
-	-	نگرش به سبک زندگی ایمانی

❖ پاسخ به پرسش ۲ (مقوله‌های شرایط علی در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۰ جمله کلیدی، ۵ کد یا برجسب مفهومی به گروه شرایط علی اختصاص داده شد. مفاهیم احصاء‌شده از نوع

مقوله‌های اصلی در نظر گرفته و انتخاب شدند و در واقع ضرورت‌بخش پدیده به حساب می‌آیند.

جدول ۳-۲. مقوله‌های شرایط علی (ضرورت‌بخش) در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

خرده‌مقوله	بعد یا مقوله فرعی	مقوله اصلی
-	-	نقش نگرش در شکل‌گیری رفتار
-	-	نقش نگرش در انتخاب سبک زندگی
-	-	تأثیرات متقابل سبک زندگی و هویت فردی، اجتماعی و ملی
-	-	تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ
-	-	ترجیحات سبک زندگی در نگاه اسلام

❖ پاسخ به پرسش ۳ (مقوله‌های زمینه در الگو کدامند؟): بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، باتوجه به امتیازات روان‌شناختی مترتب بر دوره نوجوانی و پیدایش و بروز اشتیاق و تمایل درونی نسبت به آفریدگار هستی و هویت‌یابی دینی و ایمانی در آن دوره، خود دوره نوجوانی را زمینه مناسبی برای شکل‌گیری نگرش به دین و سبک زندگی ایمانی ارزیابی کردند. آنان تدوین، تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن را که امکان بازخوانی و روزآمدسازی نیز دارند، به شرط عمل به آن به نحو درست و کامل، مقوله‌ای زمینه‌ای و بسترساز برای ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در نوجوانان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول، معرفی کردند. مبتنی بر ۴۴ جمله کلیدی، ۳ مقوله اصلی و ۷ بعد یا مقوله فرعی در گروه زمینه شناسایی، انتخاب و چینش شدند. راهبردها با ملاحظه این مقوله‌ها و در این بستر قابل پی‌گیری هستند.

جدول ۳-۳. مقوله‌های زمینه در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

خرده‌مقوله	بعد یا مقوله فرعی	مقوله اصلی
-	جوشش حس خداجویی	توجه به آغاز تحول ایمان
-	پدیدار شدن میل به هویت‌یابی اعتقادی	فطری در نوجوانی
-	اشتیاق به تنظیم شئونات زندگی برپایه ارزش‌های دینی و ایمانی	توجه به امتیازهای روان‌شناختی نوجوانی
-	شروع استدلال و تفکر منطقی	
-	عرصه تأثیرپذیری	
-	شوق همانندسازی و الگوپذیری	

مقوله اصلی	مقوله فرعی	خرده مقوله
	میل به استقلال‌گرایی در عین حس نیاز به تعلق‌گروهی	
توجه به اجرای کامل سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش	-	-

❖ پاسخ به پرسش ۴: (مقوله‌های عوامل مداخله‌گر در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۷۸ جمله کلیدی، ۴ مقوله اصلی و ۱۲ بعد یا مقوله فرعی در گروه عوامل مداخله‌گر شناسایی، انتخاب و چینش شدند که به‌نحو مثبت یا منفی بر راهبردها تأثیر می‌گذراند.

جدول ۳-۴. مقوله‌های عوامل مداخله‌گر در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	خرده مقوله
نگرش پیشینی دانش‌آموز نوجوان		-
	کیفیت حضور و فعالیت در فضای سایبری / مجازی	
	کیفیت تنظیم روابط با والدین و سایر اعضای خانواده و تأثیرپذیری از آنان	
	کیفیت تنظیم روابط با گروه همسالان و تأثیرپذیری از آنان	
کنش‌گری دانش‌آموز نوجوان	کیفیت بهره‌مندی از هدایت و برنامه‌های تربیتی عالمان و مبلغان دینی	-
	کیفیت تنظیم روابط با معلمان و مسئولان مدرسه و تأثیرپذیری از آنان	
	کیفیت رژیم رسانه‌ای، بهره‌مندی و تأثیرپذیری از رسانه‌ها	
	تأثیرپذیری از چهره‌های سیاسی-اجتماعی، فرهنگی-هنری و ورزشی	
	رویکرد فرزندپروری والدین و کیفیت تربیت دینی و ایمانی در نهاد خانواده	
	رویکرد و کیفیت تربیتی-تبلیغی نهاد حوزه علمیه	
کنش‌گری دیگران	کیفیت تعامل معلمان، مربیان و دیگر مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان	-
	کیفیت تولیدات رسانه ملی (تلویزیون) ناظر بر کارکرد تربیتی-آموزشی	
	رویکرد و کیفیت حکمرانی در فضای سایبری / مجازی کشور	
سطح بهره‌مندی از عدالت اجتماعی و شرایط اقتصادی		-

❖ پاسخ به پرسش ۵ (مقوله‌های راهبردها در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۱۹ جمله کلیدی، ۴ مقوله اصلی و ۱۳ بعد یا مقوله فرعی و ۳۰ خرده‌مقوله در گروه راهبردها شناسایی، انتخاب و چینش شدند. راهبردها و راهکارهای احصاء‌شده مرتبط با آنها در الگو، درنهایت، به شکل‌گیری نگرش مثبت به زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول خواهد انجامید.

جدول ۳-۵. مقوله‌های راهبردها در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	بعد یا مقوله فرعی	خرده‌مقوله
تدبیر نظری و عملی حکیمانه در تربیت ایمانی	مبتنی بر ابتنای تربیت ایمانی بر اصول الهی- عقلانی	مبتنی بر درک درست از مفهوم ایمان و زندگی مؤمنانه
		مبتنی بر درک درست از تربیت و چگونگی نقش‌آفرینی مربی
		مبتنی بر درک درست از جایگاه و چگونگی نقش‌آفرینی متربی
		مبتنی بر به‌رسمیت شناختن حق الهی «پرسش‌گری»
		مبتنی بر به‌رسمیت شناختن موهبت‌های الهی «اختیار» و «عقل»
	مانع‌زدایی از مسیر تحول ایمانی	مبتنی بر توجه لازم به دو اصل «ادراک سودمندی» و «پذیرش»
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی جسمانی
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی روانی
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی عاطفی
		انتخاب درست روش‌ها و ابزار
پرخش‌های هوشمندانه در امر تربیت ایمانی	اتخاذ رویکرد بهره‌ورانه در تربیت ایمانی	به کارگیری درست روش‌ها و ابزار
		باهم‌اندیشی و خردورزی به‌جای تلقین به‌مثابه اختلال در بعد شناختی
	از تک‌گویی و مشی آمرانه به گفتگو و تعامل صادقانه- صمیمانه	هم‌آوایی و همدلی به‌جای اکراه به‌مثابه اختلال در بعد عاطفی
		هم‌گرایی اراده‌ها به‌جای تحمیل به‌مثابه اختلال در بعد ارادی
		تولید محتوای متناسب با نیازها و توانمندی‌ها
	از محتوای منفعل به محتوای فعال	تولید محتوای فعالیت‌محور منطبق با اقتضائات عصر و دوران
		تولید محتوای موقعیت‌آفرین برای تفکر تأملی- انتقادی

مقوله اصلی	مقوله	خرده مقوله	بعد یا مقوله فرعی
		تولید محتوای فرصت‌ساز برای مدیریت بهینه هوش هیجانی	
		توزیع وظایف در گروه بر پایه تفاوت‌های فردی	از تکلیف انفرادی به تکلیف گروهی
		استقبال از پذیرش داوطلبانه وظایف در گروه	
		تشویق عمل‌محور از سوی مربی و خودپایی	
		از سوی متربی	از ارزیابی یک‌سویه
		تنبیه عمل‌محور از سوی مربی و مسئولیت‌پذیری	به ارزیابی دوسویه
		از سوی متربی	
		آگاهی‌بخشی به والدین درباره شیوه مطلوب فرزندپروری	
		همیاری با حوزه برای تقویت جذابیت آموزش‌های دینی و ایمانی	از خودمحوری
		همیاری با حوزه با هدف مواجهه درست با مسائل نوظهور	به هم‌افزایی با شرکای تربیتی
		ارتقای کمی و کیفی تولیدات مشترک در رسانه ملی و فضای مجازی	
		-	بهره‌مندی از بازی‌وارسازی
		-	نمایشنامه‌نویسی و اجرای نمایش
		-	التزام مربیان به صدق در گفتار و عمل
		روایت تلاش‌گری اسوه برای کسب حلال	نکوداشت اسوه‌های دینی و ایمانی
		روایت مصادیق عملی زندگی اسوه در زمینه ارزش‌های ایمانی	دینی و ایمانی
		مشاهده میدانی و مصاحبه با مؤمنان موفق در زندگی	ترغیب به شناسایی و معرفی مؤمنان موفق در دسترس
		جستجو در آثار منتشرشده از مؤمنان موفق در زندگی	

تبدیل زنگ دینی به زنگ نشاط

الگو سازی و اسوه‌پردازی همراه با الگویی

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۶۹

❖ پاسخ به پرسش ۶ (مقوله‌های پیامدها در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۶ جمله کلیدی، ۳ مقوله اصلی و ۸ بعد یا مقوله فرعی در گروه پیامدها شناسایی و چینش شدند. عملیاتی شدن راهبردها و راهکارهای مرتبط به پیامدها خواهد انجامید.

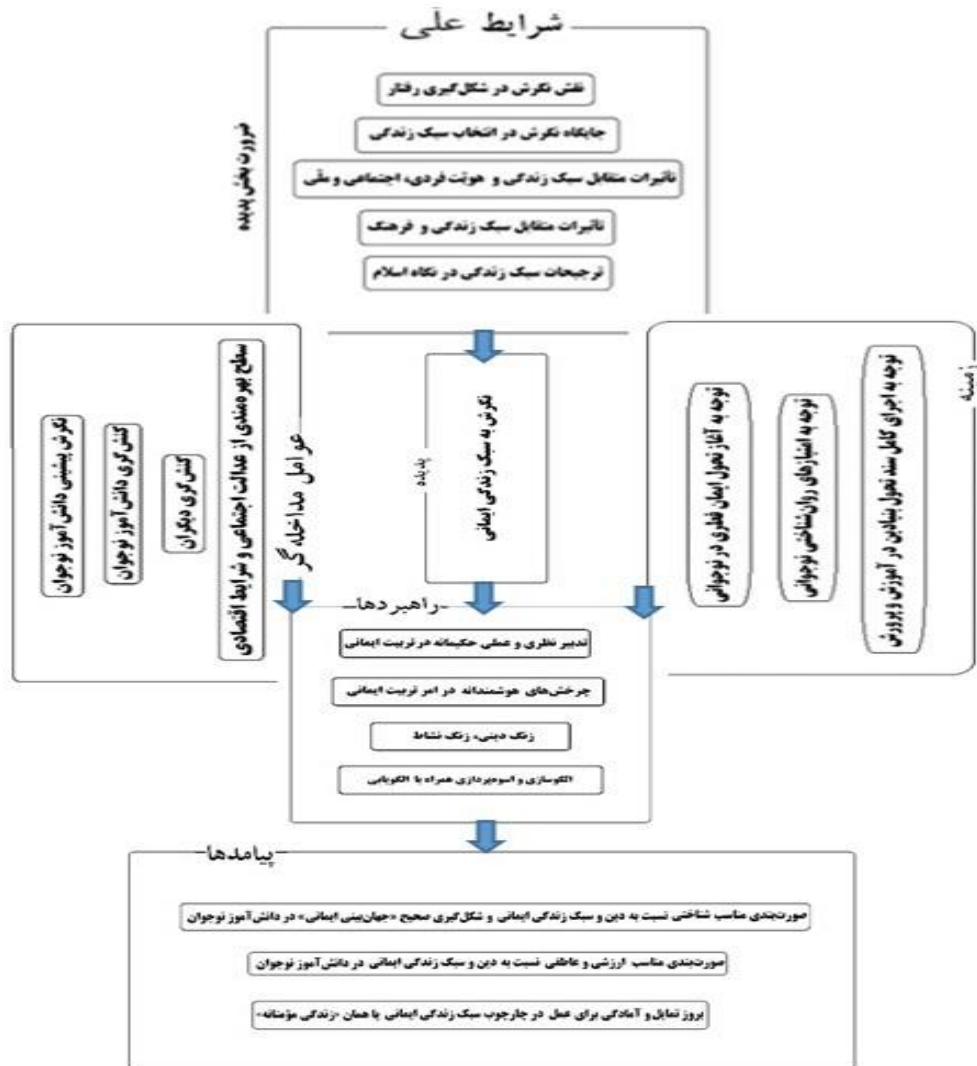
جدول ۳-۶. مقوله‌های پیامدها در موضوع ایجاد نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	مقوله خردمقوله	بعد یا مقوله فرعی
صورت‌بندی مناسب شناختی نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی	-	-
	-	تقویت حس همدلی و همراهی
	-	تقویت حس امنیت و اعتماد به نفس
	-	تقویت مهارت انتخاب درست
صورت‌بندی مناسب ارزشی و عاطفی نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی	-	تقویت توانمندی نقادی مصلحانه- منصفانه
	-	تقویت توانمندی حفظ آرامش
	-	تقویت مهارت برقراری ارتباط مؤثر
	-	تقویت انگیزه تلاش برای اصلاح خود
	-	ارتقای اعتبار، مجذوبیت و محبوبیت فضاهای تربیتی
بروز تمایل و آمادگی برای عمل در چارچوب سبک زندگی ایمانی	-	-

❖ پاسخ به پرسش ۷ (الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» چگونه است؟): بر پایه یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، از نگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، الگوی احصاء شده در شکل کامل خود در قالب ترسیم شماتیک ۹۰ مفهومی قابل ارائه است.

همان‌طور که در جدول (۲) نمایش داده شد، ۳۰ مفهوم در جایگاه خردمقوله‌ها، ۴۰ مفهوم در جایگاه ابعاد یا مقوله‌های فرعی و ۲۰ مفهوم در جایگاه مقوله‌های اصلی نشانده شدند. الگوی احصاء شده نظری- بومی است و در واقع طرح‌واره مفهومی نظام‌مندی است که در آن علت‌های پرداختن به موضوع ایجاد و شکل‌گیری نگرش به سبک زندگی ایمانی به واسطه ارکان نظام کلان تعلیم و تربیت، به‌ویژه آموزش و پرورش، عوامل مؤثر بر آن و همچنین راهبردهایی که به ایجاد و شکل‌گیری نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در

نوجوانان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول می‌انجامد، مورد توجه و ملاحظه بوده است. پژوهش‌گران با ارائه این الگو، تلاش داشته‌اند تا پاسخ‌های مستدل و به نسبت رضایت‌بخشی را برای پشتیبانی نظرورزانانه از سیاست‌گذاری و عمل تربیتی در عرصه تربیت دینی و ایمانی ارائه دهند. در ادامه، ترسیمی از الگو به کمک شکل (۱) ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی ۲۰ مفهومی (مدل پارادایمی) ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی

بحث و نتیجه گیری

موضوع ایجاد نگرش مثبت (مناسب و کارآمد) به سبک زندگی ایمانی در دوره سنی نوجوانی که به جهت برخورداری از یک سری ویژگی‌های روان‌شناختی ممتاز می‌توان آن را دوره شکل‌گیری نگرش‌ها و در پی آن دوره شکل‌گیری هویت آدمی دانست، حائز اهمیت ویژه‌ای است که ناگزیر بایستی مورد ملاحظه نظام کلان تعلیم و تربیت کشور، به‌ویژه، وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد. بیشتر دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول در رده سنی نوجوانی قرار دارند؛ بنابراین بهبودبخشی کیفیت فرایندهای تربیتی و آموزشی، به‌ویژه در امر تربیت دینی و ایمانی، می‌تواند در این زمینه اثربخشی آن‌ها را بالا برد و متولیان امر مذکور را در تحقق حداکثری اهداف تعیین شده مدد رساند. از آنجاکه پیش از انجام این تحقیق، درباره طراحی و ارائه الگویی مشخص که ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی را در دانش‌آموزان نوجوان دوره متوسطه اول مورد توجه قرار دهد، فعالیتی صورت نپذیرفته است، انجام این مهم و احصاء الگو از منظر صاحب‌نظران، صاحبان تجربه و دست‌اندرکاران در عرصه تعلیم و تربیت ضروری و نوآورانه تشخیص داده شد. در پژوهش کیفی حاضر تحلیل داده‌ها، کدگذاری سه‌مرحله‌ای و مفهوم‌پردازی دلالتی پژوهش‌گران را به ۳۰ خرده‌مقوله و ۴۰ بعد یا مقوله فرعی و ۲۰ مقوله اصلی و استقرار آن‌ها در شش گروه مطرح در رهیافت و چارچوب اندیشگانی^۱ اشتراوس و کوربین (شرایط علی، پدیده، زمینه، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) دلالت داده‌اند. همه مفاهیم نودگانه برساخته از داده‌های پژوهش حاضر، به‌ویژه در گروه راهبردها (که خرده‌مقوله‌ها در آن به‌نوعی راهکارهای مورد تأکید اطلاع‌رسان‌ها و مشارکت‌کنندگان محسوب می‌شوند)، در یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های پیشینی از مؤید برخوردارند. نتایج این تحقیق که در قالب نهایی الگو، بروز و ظهور یافته، به‌ویژه با نتایج پژوهش عرب‌نژاد خانوکی (۱۳۹۷) و همچنین پژوهش پاپی، صفایی مقدم، ولوی و هاشمی (۱۴۰۱) که در مرور پیشینه به آن‌ها پرداخته شد، همسو بوده است.

ناظر بر اهمیت نگرش و تأثیر آن بر اندیشه و رفتار فرد، کد یا برچسب مفهومی «نگرش به سبک زندگی ایمانی»، مقوله محوری یا پدیده برای استقرار در مرکز الگوی

«ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» انتخاب شده است.

نتایج مطالعه‌ای نشان داده است که چنانچه فرد ارتباطات خود را مبتنی بر نگرش فطرت‌گرا به نحوی متعادل تنظیم و رعایت کند، رفتاری اثربخش در جهت توسعه خود خواهد داشت (فرهی بوزنجانی، عابدی جعفری و مهدوی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). این نتایج مؤید درستی انتخاب مقوله «نقش نگرش در شکل‌گیری رفتار» برای گروه شرایط علی می‌باشد. نتایج پژوهشی نشان داده است که ارائه اطلاعات از طریق رسانه‌ها در زمینه سبک‌های زندگی سلامت‌محور، سبب می‌شود تا به‌طور خودکار، ابتدا نگرش‌ها تغییر یابد و سپس اصلاح رفتارها در قالب انتخاب سبک زندگی سلامت‌محور، صورت گیرد و بروز یابد (خاشعی و مهدی‌زاده، ۱۳۹۷، صص ۵۴-۵۱). این نتایج مؤید درستی انتخاب مقوله «نقش نگرش در انتخاب سبک زندگی» برای این گروه است. یافته‌ها و نتایج مطالعه‌ای حکایت از این دارد که سبک زندگی مذهبی در جهت تقویت هویت ملی عمل می‌کند (خواججه‌نوری، روحانی و هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶). همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که بین متغیرهای سبک زندگی مذهبی و هویت اجتماعی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (خواججه‌نوری، پرنیان و همت، ۱۳۹۳، ص ۶۹). نتایج مذکور مؤید درستی انتخاب مقوله «تأثیرات متقابل سبک زندگی و هویت فردی، اجتماعی و ملی» در گروه شرایط علی می‌باشند. مطالعه‌ای به واکاوی رویکرد اسلام به هویت، فرهنگ و سبک زندگی و بررسی رابطه آن‌ها در زمینه جهانی‌شدن پرداخته و تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ را تبیین و تأیید کرده است (التیامی‌نیا و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹) که بر درستی انتخاب مقوله «تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ» در این گروه صحه می‌گذارد. پژوهشی دیگر نشان داده است که سبک زندگی دارای سه لایه شناختی، گرایشی و رفتاری است و درست در تعامل همین سه لایه است که سبک زندگی اسلامی با غیر آن متفاوت می‌شود. تفاوت سبک زندگی اسلامی و غیر اسلامی در مبنای ترجیحات و تمایلات است (یوسف‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۳). این نتیجه مؤید درستی انتخاب مقوله «ترجیحات سبک زندگی در نگاه اسلام» برای گروه شرایط علی است. مقوله‌های پنج‌گانه برشمرده که برای گروه شرایط علی انتخاب شده‌اند، همگی بر اهمیت و ضرورت توجه لازم و کافی آموزش و پرورش و

شرکای تربیتی آن به پدیده «نگرش به سبک زندگی ایمانی»، به ویژه طی فرایند تربیت دینی، تأکید دارند.

از آنجاکه دوره سنی نوجوانی در بردارنده امتیازات روان‌شناختی است و بر پایه آموزه‌های دین اسلام، سرآغاز تحول ایمان فطری به‌شمار می‌رود، از نگاه صاحب‌نظران مشارکت‌کننده در این پژوهش، دوره آموزشی متوسطه اول که بیشتر جمعیت دانش‌آموزی شاغل به تحصیل در آن را نوجوانان ۱۲ سال تمام تا ۱۵ سال تمام تشکیل می‌دهند، خود زمینه مناسبی برای شروع شکل‌گیری نگرش نسبت به سبک زندگی ایمانی محسوب شده است. آن‌ها همچنین معتقد بودند که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن نیز زمینه‌های مناسبی در این عرصه فراهم کرده است. در یک مطالعه، اذعان شده است که در دوران نوجوانی و هم‌زمان با بیدار شدن غرایز و نیازهای روانی، وجدان دینی و اخلاقی نیز در درون نوجوان بیدار و فعال می‌شود و او را به تفکر درباره معنویات و حقایق دینی، از جمله وجود قادر متعال و پروردگار هستی، وا می‌دارد. به‌همین علت، یکی از نیازهای اصیل نوجوانان نیازها و انگیزه‌های دینی و الهی و در رأس آن خداجویی است (رمضان‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶).

صاحب‌نظران اطلاع‌رسان در این پژوهش، کیفیت کنش‌گری دانش‌آموز نوجوان و میزان تأثیرپذیری وی از عوامل پیرامونی و نیز کنش‌گری و تأثیرات دیگران (خانواده، مدرسه، حوزه علمیه، رسانه‌ها، چهره‌ها و گروه همسالان) و شرایط اقتصادی را از نظر دور نداشته و نگرش شکل‌گرفته پیشینی را در نوجوان حائز اهمیت دانسته‌اند. گائو^۱، ا تیم^۲ و ایگودی^۳ در مطالعات خود، نشان دادند که تأثیرپذیری نوجوان از شیوه‌های درست تربیتی خانواده و کنش‌گری همسوی او در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار و رفتارهای بزهکارانه تأثیر مثبت دارد (ظهیری و هنرپروران، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

مشارکت‌کنندگان در پژوهش همچنین اذعان داشتند که چنانچه در زمینه مفروض، عملکرد عوامل مداخله‌گر از همسویی و در تعبیری کامل‌تر، از هم‌افزایی لازم برخوردار باشند، اثربخشی آن‌ها بیشتر و بالاتر خواهد بود و موانع بیشتری از مسیر تربیت، به‌ویژه

1. Gao.
2. Etim.
3. Egodi.

تربیت دینی و ایمانی، برداشته خواهد شد و بستر بهتری برای شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان نوجوان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول، فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مقوله‌های گروه عوامل مداخله‌گر در تسهیل‌گری، سرعت‌دهی یا حتی مانع‌تراشی و کاهش سرعت تحقق اهداف راهبردهای انتخابی و راهکارهای مربوط به آن‌ها در این عرصه، نقش بسزایی دارند.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر اتخاذ تدابیر نظری و عملی اثربخش در تربیت ایمانی، تأکید داشتند که در برچسب مفهومی تخصیصی به آن، لفظ حکیمانه نیز انتخاب و به کار گرفته شد؛ چراکه مفاهیمی چون ابتدای تربیت ایمانی بر اصول الهی-عقلانی (که درک درست از ایمان، مربی و متربی و به رسمیت شناختن موهبت‌های الهی عقل و اختیار و حق الهی پرورش‌گری در آدمی را سرلوحه خود دارد)، مانع‌زدایی از مسیر تحول ایمانی و اتخاذ رویکرد بهره‌ورانه در امر تربیت دینی، ریشه در حکمت عقلانی-و حیانی دارند. آنان در همین راستا، اظهار داشتند که راهبردها و راهکارهای مرتبط با آن‌ها که توسط سیاست‌گذاران نظام کلان تعلیم و تربیت اتخاذ و عملیاتی می‌شوند، بایستی به درستی انتخاب شوند و باید توجه داشت که تلاش برای پیاده‌سازی درست آن‌ها در عمل، نتایج مطلوبی در پی خواهد داشت و در غیر این صورت، حاصل کار جز خسارت و زیان نخواهد بود. در پژوهشی اظهار شده است که توجه به بعد عقلانی در بشر و تلاش در راستای پرورش خرد، ارتقای معرفت و رسیدن به بصیرت از اهداف حضرات معصومین (علیهم السلام)، تأویل‌کنندگان و مفسران اصلی کتاب هدایت قرآن، بوده است که ایشان برای نائل شدن به این مهم، برخی اصول و روش‌هایی را پیشنهاد داده‌اند که مربیان می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها برای خود و متربی مسیر همواری را مهیا سازند (صفری، ۱۳۹۵، ص ۸۵).

چرخش‌های درست و مؤثر در امر تربیت ایمانی نیز که در مفهوم‌پردازی، صفت هوشمندانه، برای آن انتخاب شد؛ از جمله، چرخش از محتوای منفعل به محتوای فعال، از ارزیابی یک‌سویه به ارزیابی دوسویه، از تک‌گویی و مشی آمرانه به گفتگو و تعامل صادقانه-صمیمانه، از تکلیف انفرادی صرف به تکلیف گروهی و از خودمحوری به هم‌افزایی با شرکای تربیتی، مورد توجه و تأکید صاحب‌نظران بود.

ناظر بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، می‌توان گفت که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعریف فعالیت‌های میدانی در امر تربیت دینی و ایمانی، باید با این ملاحظه صورت پذیرد که جریان پیدایش و شکل‌گیری نگرش دانش‌آموز نوجوان نسبت به مقوله‌های دین، ایمان و سبک زندگی ایمانی، هم‌راستا با فطرت او استقرار و استمرار یابد تا درنهایت، نوجوان با ادراک سطحی از سودمندی نسبت به دین و سبک زندگی متناسب با آن، بتواند با اتکا به نگرش شکل‌گرفته که باعنوان نگرش مثبت، مناسب و کارآمد از آن یاد می‌کنیم، برای زندگی خود انتخاب درستی داشته باشد. بر همین اساس، به‌ویژه تبدیل کلاس و زنگ درس دینی به زنگ نشاط با بهره‌مندی از روش‌هایی چون بازی‌وارسازی، نمایشنامه‌نویسی و اجرای نمایش در کلاس درس دینی و توجه همزمان به الگوسازی عینی (که در عمل مربیان و معلمان قابل مشاهده است)، اسوه‌پردازی (که باید در تولید محتوا ملاحظه شود) و الگویابی (که باید در فعالیت‌های درسی و کلاسی مورد توجه باشد) از سوی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تأکید و توصیه شده است. شواهد و مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که در جریان تربیت و یادگیری به‌طور معمول، آنچه با ناراحتی همراه باشد یا موجب پیدایش اضطراب شود، زودتر به فراموشی سپرده می‌شود. در مقابل آن، هر آنچه با خوشحالی و شادمانی همراه است، بهتر در خاطر می‌ماند (شریف‌زاده: ۱۳۹۱، ص ۱۰۵).

همان‌طور که پیش از این بیان شد، عنصر عاطفی نگرش در بین عناصر سه‌گانه و همچنین خصلت ارزشیابانه‌بودن آن حائز اهمیت بیشتری است و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، به‌ویژه در امر تربیت دینی و ایمانی، باید بر این نقاط تمرکز و دقت بیشتری داشته باشند و ظرافت عمیق‌تری را به منصه ظهور برسانند؛ چراکه تربیت دینی و ایمانی و نگرش دانش‌آموز نوجوان به دین و سبک زندگی ایمانی بر یکدیگر به شدت مؤثرند. با وجود تدوین، تصویب و ابلاغ اسناد تحولی در آموزش و پرورش کشور، مشاهدات حاکی از این است که به‌نحو شایسته و بایسته به «دانایی مسئولانه»، به‌ویژه در زمینه تربیت دینی و ایمانی، توجه نشده است. در این بین، به‌خاطر سپردن و حفظ محتویات نه‌چندان سودمند بر پایه اصل نمره‌گرایی در طول تعلیم و تربیت رسمی عمومی و در سال‌های انتهایی آن توجه به مهارت‌هایی برای موفقیت در آزمون کنکور، همچنان گریبان‌گیر دانش‌آموزان است.

ازسوی دیگر، آنچه که تاکنون نیز همسو با اسناد تحولی، به ویژه در بخش تولید محتوا و روش‌ها، به کار گرفته شده، در حدّ مطلوب، اثربخشی نداشته است. برای مثال در زمینه پرورش تفکر و آموزش مهارت‌های پژوهش‌گری و تحقیق، موقعیت‌ها و فضاهایی که در مدرسه و کلاس درس ایجاد شده و می‌شوند، بیشتر به سرگرم ساختن اذهان جست‌وجوگر ذینفعان (دانش‌آموزان) به مفاهیمی کلی و شبه‌فلسفی می‌پردازند. توسل به شیوه‌های نادرست و روش‌های غیرمؤثر در زمینه‌های تربیتی، به ویژه در عرصه تربیت دینی و ایمانی نیز همچنان به گونه‌ای آسیب‌زا نقش‌آفرین است. در پژوهش حاضر، این مطلب تأیید شده است که لزوم و ضرورت نوآوری در تربیت دینی و ایمانی از مباحثی است که با نگرش و گرایش‌های فطری انسان تطابق حداکثری دارد. این مهم با الهام از روش تربیتی قرآن کریم و سیره حضرت معصومین (علیهم السلام) دست‌یافتنی است؛ به گونه‌ای که حتی مطالب آشنای دینی هنگامی که در قالب‌های نوآورانه عرضه شوند نیز موجب ایجاد و افزایش انگیزه در ذی‌نفع، تعمیق یادگیری و حتی تغییر رفتار خواهند بود (رضاداد، صالحی و موسوی، ۱۴۰۰، صص ۸-۹).

از آنجا که بخش عمده و اساسی جریان شکل‌گیری و تکوین نگرش نسبت به سبک زندگی ایمانی در دوره نوجوانی و در مسیر تربیت و تحول ایمانی، صورت تحقق می‌پذیرد، بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر اهمیت نقش نگرش پیشینی نوجوان شاغل در دوره متوسطه تأکید داشته‌اند. این نگرش در دوران کودکی و در جمع خانواده و دبستان شکل گرفته است؛ اما شاهد هستیم که تحلیل داده‌های کیفی راهبرد مشخصی که متوجه این مهم باشد، ارائه نداده است. چنانچه خواسته باشیم تا بر فرایند شکل‌گیری نگرش نوجوان نسبت به دین، ایمان و سبک زندگی ایمانی تأثیر سوئی نداشته باشیم و به تعبیری دیگر، اگر قصد مطلوب ما این است تا فضایی فراهم شود که این نگرش به نحو مناسبی شکل گیرد، نخست باید برای سنجش دقیق نگرش پیشینی نوجوان، تدابیر لازم را بیندیشیم. باید دقت داشت که راهکارها به گونه‌ای انتخاب شوند که فرایند سنجش نزد ذی‌نفع به صحنه بازپرسی و امری مداخله‌گرانه در حریم شخصی و خصوصی، حس و تعبیر نشود؛ بنابراین در این بین، بیش از هر چیز، نیازمند ابزار و روش‌های مناسب سنجش هستیم. براساس نتایج پژوهش حاضر و با عنایت به فقر پژوهشی محسوس در زمینه

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۲۷

سنجش متغیر «نگرش به سبک زندگی ایمانی در دوره نوجوانی»، پیشنهاد می‌شود که در این خصوص، به‌ویژه در ارتباط با طراحی ابزار و اتخاذ روش‌های مناسب سنجش، پژوهش‌های لازم انجام گیرد و کاربست نتایج آن‌ها در دوره متوسطه اول مورد توجه جدی باشد.

آگاهی‌بخشی و تقویت مهارت‌های تربیتی و فرزندپروری در پدران و مادران نیز مورد توجه صاحب‌نظران اطلاع‌رسان در این پژوهش بوده که در بخش راهبردهای، الگو ظهور یافته است. بر پایه نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که این مهم، به‌ویژه در سایه تعامل نهاد خانواده با دو رکن دیگر نظام کلان تعلیم و تربیت، یعنی آموزش و پرورش و رسانه ملی (تلویزیون)، دنبال شود و برنامه‌ریزی و اجرای مشارکتی آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم فرزندپروری خاص خانواده در قالب‌هایی نوآورانه مورد توجه جدی قرار گیرد؛ تولید محتوای مورد نیاز و تأمین کارشناسان و مدرسان را می‌توان به آموزش و پرورش سپرد. بخش عمده‌ای از این محتواهای تولیدی را می‌توان در قالب‌های متنوع جذاب و اثربخش رسانه‌ای (فیلم، نمایش، سریال، پویانمایی و مسابقات تلویزیونی و یا برنامه‌های ترکیبی) در رسانه ملی (تلویزیون) ارائه داد و بهتر آن است که تولید برنامه‌های مذکور حتی الامکان در صحن مدارس اتفاق بیفتد. همچنین استفاده از پدران و مادرانی که پیش‌ازین، خود آموزش‌های لازم را دیده‌اند، برای آموزش دیگر والدین، به جد، توصیه می‌شود.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- اسدی مله‌خان، سید عباس و علیرضا حسینی پاکدهی (۱۳۹۴). "نگرش مخاطبان به دیجیتال شدن شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران". *مطالعات رسانه‌های نوین*، (۲)، ۱-۳۲.
- ارشادیان، مینا و یعقوب فروتن (۱۳۹۸). "تحلیل اجتماعی و جمعیت‌شناختی نگرش دینی در ایران". *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، (۱)، ۱۰-۱۹۴.
- التیامی‌نیا، رضا و علی حسینی (۱۳۹۴). "هویت، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی در عصر جهانی شدن". *الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، (۵)، ۳-۱۴۱.
- باقرپور، معصومه (۱۳۹۷). "ارتباط باورها و نگرش‌های دینی و سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی معلمان مقطع ابتدایی". *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، (۱۱)، ۶-۹۳.

پاپی، سمیه؛ مسعود صفایی مقدم؛ پروانه ولوی و سیدجلال هاشمی (۱۴۰۱). "الگوی درونی تغییرات مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی". مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷(۲) (پیاپی ۲۳)، ۷-۳۱.

پورسلیم، عباس؛ کورش فتحی و اجارگاه و محبوبه عارفی (۱۳۹۶). "طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران: مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد". اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۳)، ۷-۳۵.

تاج‌بخش، غلامرضا و عباس موسوی (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر سوسنگرد)". توسعه اجتماعی، ۸(۳)، ۱۱۹-۱۱۴.

جباران، محمدرضا (۱۳۹۴). "تحلیل مفهومی سبک زندگی". قبسات، ۲۰(۷۵)، ۱۸۷-۱۷۳. حبیبی، حمدا؛ فیروز محمودی و محمد منصورزاده (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات در بین دانشجویان براساس الگوی پذیرش فناوری ۳". راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۹(۵)، ۳۷۰-۳۵۷.

حسن‌زاده سورشجانی، رضا و یوسف رنجبر سودجانی (۱۳۹۴). «رابطه بین عوامل مؤثر دینی و حالت فراشناختی بر نگرش دینی دانش‌آموزان پایه ششم». تهران: کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.

حسینی، پرخیده؛ امیر طباطبایی؛ محبوبه طباطبایی چهر و حامد مرتضوی (۱۳۹۲). "راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی". مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۵(۳)، ۶۷۰-۶۶۳.

حسینی‌نسب، سید داود (۱۳۷۶). "انواع علائق در دوره نوجوانی". نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید (۱)، ۵۶-۴۱.

خاشعی، رضا و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۷). "نقش رسانه‌ها در انتخاب سبک‌های زندگی سلامت‌محور (با تأکید بر مصرف رسانه‌ای شهروندان شهر تهران)". پژوهش‌های ارتباطی، ۲۵(۲) (پیاپی ۹۴)، ۷۸-۵۱.

خالصی اردکانی، اکرم (۱۳۹۹). «بررسی رابطه بین پیوند والدینی و سبک زندگی اسلامی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اردکان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی محمد اخوت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۷۹

- خواججه نوری، بیژن؛ لیلا پرنیان و صغری همت (۱۳۹۳). "مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندر عباس)". *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۱)، ۶۹-۹۴.
- خواججه نوری، بیژن؛ علی روحانی و سمیه هاشمی (۱۳۸۹). "سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)". *مطالعات ملی*، ۱۱(۴۴)، ۱۵۲-۱۲۷.
- رضاداد، علیّه؛ منیره صالحی و مهسا موسوی (۱۴۰۰). "تحلیل محتوای کتاب درسی آموزش قرآن، هدیه‌های آسمان و محتوای سامانه شاد به لحاظ توجه به بازی و بازی‌وارسازی". *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۳) (پیاپی ۲۰)، ۳۶-۷.
- رضائیان، علی (۱۳۹۵). «مدیریت رفتار سازمانی». تهران: انتشارات سمت.
- رمضان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی کشور". *کنفرانس بین‌المللی مدیریت (اقتصاد و علوم سیاسی)*، استانبول، ترکیه.
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات (۱۳۹۱). "تلویزیون و تربیت دینی کودکان". *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، پیش شماره ۲، ۱۱۰-۹۲.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۴). «سبک زندگی اسلامی-ایرانی». تهران: آفتاب توسعه.
- شاکری‌صفت، فاطمه؛ منصوره حاج‌حسینی و محمد خدایاری‌فرد (۱۴۰۲). "همایندی ادراک دانش‌آموزان درباره نقش متوازن خانواده و مدرسه در تربیت دینی: پژوهشی پدیدارشناختی". *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۱(۲۰)، ۳۳-۵.
- شیرکوند، شهرام (۱۳۸۳). "شکل‌گیری و تغییر نگرش". *توسعه مدیریت*، ۵(۷)، ۲۰-۱۶.
- صفری، علی‌آقا (۱۳۹۵). "الگوی تربیت عقلانی در روایات". *مطالعات حدیث‌پژوهی*، ۱(۲)، ۸۸-۶۵.
- طاهرزاده قهفرخی، سجاد و احسان سایه‌میری (۱۴۰۰). "بررسی تغییرات مختلف جسمانی، شناختی و اجتماعی دوره نوجوانی از دیدگاه‌های مختلف و مشکلات و اختلالات روانی این دوره". *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۳)، ۲۶-۱.
- ظهوری، مژگان و هنرپروران، نازنین (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان سال ۱۳۹۴. *مجله سلامت جامعه*، ۱۰(۴)، ۳۸-۴۶.
- عرب‌نژاد خانوکی، فاطمه (۱۳۹۷). «روش‌شناسی ایجاد تغییر نگرش و رفتار متریبان با توجه به متون اسلامی و متون ادبیات پایداری». رساله دکتری، استاد راهنما: سیدحمیدرضا علوی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

علم الهدی، جمیله (۱۳۹۸). «نظریه اسلامی رشد انسان». تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

فرهی بوزنجانی، برزو؛ حسن عابدی جعفری و موسی مهدوی (۱۳۸۷). "طراحی و تبیین الگوی منابع انسانی استادان دانشگاه مبتنی بر نگرش فطرت‌گرا و توسعه ارتباطات چهارگانه". پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ۱(۱)، ۱-۱۹.

قنبری، سیروس و ایمان کریمی (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر ICT بر پذیرش اثربخش فناوری اطلاعات". چشم‌انداز مدیریت دولتی، (۳۰)، ۹۷-۱۱۵.

کریمی، صدیقه و احمدرضا نصر (۱۳۹۲). "روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه"، پژوهش، ۴(۱) (پیاپی ۷)، ۷۱-۹۴.

کریمی، یوسف (۱۳۷۹). «نگرش و تغییر نگرش». تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

نظری پشت‌کوهی، محمد و عیسی باقری (۱۴۰۲). "کارکرد نگرش توحیدی بر سبک زندگی از منظر نهج‌البلاغه"، تهران: یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.

یوسف‌زاده، حسن (۱۳۹۷). "مؤلفه‌های سبک زندگی با تأکید بر دیدگاه اسلامی". مطالعات فرهنگی-اجتماعی حوزه، ۲(۴)، ۳۳-۵۶.

یوسفی، فرزانه و مهشید تجربه‌کار (۱۳۹۵). "نگرش و تغییر نگرش". تهران: مؤسسه آموزش عالی مهراروند، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

Borgonovi, F. & Pokropek, A. (2018). *The role of education in promoting positive attitudes towards migrants at times of stress*. Joint Research Centre, the European Commission's science and knowledge service, doi:10.2760/321350.

Jain, Vishal. (2014). 3D Model OF Attitude. *International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences*, 3(3), pp 1-12.

Kim, Myung Ja & Hall, C. Michael & Kwon, Ohbyung & Sohn, Kwonsang. (2024). Space tourism: Value-attitude-behavior theory, artificial intelligence, and sustainability. *Journal of Retailing and Consumer Services*, (77), <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2023.103654>.

Verma, M. H. (2008). *Learner's attitude and Its impact on language Learning*. International conference: Language Issues in English-medium Universities: A Global Concern, Hong Kong.

تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام بر مسئولیت‌پذیری، نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی^۱

کمال نصر تی هشی^۲

ام کلثوم میرالی رستمی^۳

DOI: 10.30497/esi.2024.245361.1692



چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بر مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان پسر، مقطع متوسطه دوم، صورت گرفت. این تحقیق به روش شبه‌آزمایشی با دو گروه آزمایش و دو گروه گواه انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان پسر، مقطع متوسطه دوم در شهرستان نجف‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، بود و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، چهار مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس انتخاب شد و ۴۸ نفر در دو گروه آزمایش و ۵۱ نفر نیز در دو گروه گواه شرکت کردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری چندبعدی، بر مبنای متون اسلامی و پرسشنامه نگرش و توانایی معنوی استفاده گردید. روایی این پرسشنامه‌ها به‌دست متخصصان موضوعی و پایایی پرسشنامه‌ها نیز به‌دست آلفای کرونباخ بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد، آموزش سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بر روی یکی از مؤلفه‌های مسئولیت، همچون مسئولیت در برابر طبیعت، دارای تأثیر معنی‌دار نیست. اما بر روی بقیه مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، همچون مسئولیت در برابر خود، مسئولیت در برابر اجتماع و مسئولیت در برابر خداوند، تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین اجرای برنامه آموزش سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام در گروه آزمایش بر روی نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان دارای تأثیر معنی‌داری داشت؛ در نتیجه با توسعه برنامه‌های آموزشی، مبتنی بر سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مراکز آموزشی، می‌توان مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان را ارتقاء بخشید.

واژگان کلیدی: سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، مسئولیت‌پذیری، نگرش و توانایی معنوی، متوسطه دوم، دانش‌آموزان.

۱. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mah.abolghasemi@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.

kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

rostomekolsoomami@gmail.com

بیان مسئله

مسئولیت، عبارت است از افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط تا به جای پیروی از فشارهای بیرونی، از الزام‌های درونی تبعیت کند که احساس مسئولیت یا احساس تکلیف نامیده می‌شود (باقری، ۱۳۷۴). فرد مسئولیت‌پذیر با انجام دادن به‌موقع تکالیف، موفقیت‌های زیادی به دست آورده و این امر در ارتقاء عزت نفس و همچنین در باور به توانمندی‌های افراد تأثیرگذار است؛ بنابراین، معمولاً افراد با مسئولیت‌پذیری بالا خودکارآمدی تحصیلی بیشتری از خود نشان می‌دهند (شفیعی، علیدادی و زاده صفری، ۱۴۰۰). مسئولیت‌پذیری تأثیر مثبتی بر یادگیری دارد (Macaskill & Denovan, 2013). وقتی افراد مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند، یادگیری افزایش می‌یابد؛ زیرا به شانس واگذار نمی‌شود (Larmar & Lodge, 2014؛ Stupnisky, Renaud, Daniels, Haynes, 2008 & Perry). چنین یادگیری به‌صورت خودجوش، افراد را تشویق می‌کند تا حس عاملیت ایجاد کنند که می‌تواند به حفظ رشد و توسعه آنها در طول زمان کمک کند (Fishman, 2014). در واقع، «فراگیران تشخیص می‌دهند که کیفیت تجربه آنها صرفاً وابسته به چیزی نیست که به آنها ارائه می‌شود، بلکه با تلاش و مشارکت آنها در دوره‌های آموزشی مرتبط است» (Soilemetzidis, Bennett, Buckley, Hillman & Stoakes, 2014 p.38). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌دلیل اهمیت بالای مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (۱۳۹۰)، نقشه راه تعلیم و تربیت نسل جدید در جامعه، بر تربیت افراد مسئول و دارای مسئولیت‌پذیری بالا تأکید شده است و نظام‌های آموزشی باید نسل جدید را به یاری خانواده‌ها، افرادی با مسئولیت‌پذیری بالا تربیت نمایند.

در ارتباط با معنویت نیز شایان ذکر است، نگاهی که از همه کامل‌تر باشد و همه وجوه اشتراک با دیدگاه‌های دیگر را شامل شود و در کنار آن بهترین روش‌های عملی برای حرکت در مسیر رشد معنوی و دستیابی به تعالی را ارائه دهد، طبق آیاتی از قرآن که در زمینه خلقت خاص انسان است، دیدگاه مطرح‌شده از جانب قرآن و دین اسلام است (آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره و آیه ۳۰ سوره روم: «پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست؛ این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.») و می‌توان چنین نتیجه

گرفت که همه آدمیان دارای گرایش‌های معنوی بالقوه‌ای هستند که خاص نوع بشر و وجه برتری او بر سایر مخلوقات است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۰)؛ بنابراین شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱) برای معنویت، دو بعد نگرش مذهبی و توان معنوی معرفی می‌کنند. توانایی معنوی دربرگیرنده نوعی سازگاری رفتار حل مسئله است و سبب رشد در سطوح مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین‌فردی و دست‌یابی درونی و بیرونی می‌شود. زوهار و مارشال^۱ (۲۰۰۰) توانایی معنوی را استعداد ذاتی می‌دانند که انسان در حل مسائل معنوی و ارزشی خود به‌کار گرفته و در همه ابعاد زندگی از غنا گرفته تا معنویت برخوردار می‌سازد و به‌طور کلی، طبق تعریف شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱)، معنویت تحت عناوین نگرش معنوی و توانایی معنوی نام‌گذاری می‌شود. مؤلفه اول بعد شناختی نگرش معنوی را دربرمی‌گیرد و شامل ایمان به خدا و درک حضور او، درک معنا و هدف زندگی، اعتماد به خدا، امید، توجه به خود و خدا و باور به درستی اعمال مذهبی و... است. مؤلفه دوم نیز بعد رفتاری نگرش را که شامل رابطه خوب با دیگران، گذشت و بخشش، تلاش برای کمال و رسیدن به تعالی، توکل به خدا، خدمت به دیگران، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به خود است، دربرمی‌گیرد. بنابراین یکی از اجزای زندگی سالم در حیات انسان‌ها، توجه کردن به نیازهای معنوی است؛ به این دلیل که آدمی موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است (حمیدیه و شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). اهمیت معنویت و رشد معنوی انسان‌ها در چند دهه قبل، به‌صورت فزاینده، توجه متخصصان بهداشت روانی را جلب کرده است. توسعه دانش روان‌شناسی از یک‌طرف و ماهیت متحرک و پیچیده جوامع مدرن از طرف دیگر، سبب شده است نیازهای معنوی بشر در برابر نیازهای مادی قد علم کند و معنویت از اهمیت بالاتری برخوردار باشد. این‌چنین به‌نظر می‌رسد که در جهان امروز، انسان‌ها بیش‌ازپیش به معنویت و امور معنوی گرایش دارند (وست^۲، ۱۳۷۸، ص ۹). با عنایت به مطالب اذعان‌شده، توجه به معنویت و رشد معنوی در هر فرد، از اهمیت والایی برخوردار است؛ چون قرار گرفتن در راه تعالی معنوی همان مسیر و راه دست‌یابی به کمال و سعادت است که مورد رضایت خدا برای همه انسان‌ها و آرزوی انسان‌های رشدیافته و متعالی است و

1. D, Zohar & I, Marshal.

2. West, W.

به دلیل اهمیت معنویت و تعالی آن در زندگی انسان‌ها، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز به آن توجه شده است و یکی از ساحت‌های ششگانه تربیت رسمی و عمومی کشور ایران، توجه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی قلمداد شده است و انتظار می‌رود در نظام‌های آموزشی کشور، فرصت‌هایی را در جهت رشد و توانمندسازی معنوی فراگیران فراهم سازند.

علی‌رغم تأکید بر توجه و ارتقای مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان و گرایش به معنویت دانش‌آموزان در اسناد بالادستی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، مطالعه وضع موجود نشان می‌دهد، کاستی‌های زیادی در این زمینه وجود دارد؛ برای مثال، در زمینه مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان در سایت آفتاب یزد (۱۳۹۹)، با موضوع دانش‌آموز بی‌مسئولیت، اذعان شده است که مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مدرسه و کودکان در محیط خانواده و اجتماع، پایین آمده و با وضعیت مطلوب فاصله دارد و از عواقب عدم مسئولیت‌پذیری به رفتار غیرمسئولانه، خودسرانه و عدم شناخت واقعی از خود و عدم اعتماد به نفس در جوانان، می‌توان اشاره کرد. طبق گزارش ایرنا (۱۳۹۸)، در زمان‌های قدیم حرف پدر و مادر برای ما به مانند قانونی نانوشته تلقی می‌شد؛ نسل امروز این‌طور به گفته‌ها، نصایح و تجارب خانواده بها نمی‌دهد، مسئولیت‌پذیر نیست و از تجربه‌های دیگران درس نمی‌گیرد. برای نسل امروز، همواره خواست‌ها و نیازها فراهم و براین اساس، مسئولیت‌پذیری رنگ باخته است. حال اگر این مشکل جدی گرفته نشود، خود موجب ایجاد مسائل متفاوت در نسل جدید خواهد بود؛ برای مثال، طبق پژوهش بخشی (۱۳۸۸)، بی‌مسئولیتی خود سبب شکست، به وجود آمدن عقده حقارت، حس خودکم‌بینی و ضعف مسئولیت‌پذیری در انجام کارها و شکل‌گیری افکار و توقعات منفی می‌گردد و عامل مؤثری در بالا رفتن مفاسد اجتماعی و بزهکاری نوجوانان و جوانان تلقی می‌شود. طبق پژوهش احمدی آخورمه (۱۳۹۱)، نبود مسئولیت‌پذیری و اخلاق در نوجوانان عامل بسیاری از معضلات و مشکلات در جامعه، از قبیل ضعف در تحقق وظایف شرعی، عرفی و عدم اجرای درست شئون زندگی می‌شود. در ارتباط با معنویت نیز ریاحی (۱۳۹۹) در پژوهشی، به دنبال کشف میزان گرایش جوانان به عضویت در عرفان‌های نوظهور بوده و درصدد بود تا برخی از عوامل اجتماعی مرتبط با این گرایش را توضیح

دهد. در واقع نوجوانان و جوانان در پاسخ به نیازهای معنوی خود، به چنین عرفان‌هایی گرایش دارند، اما در جامعه ایران که خود دارای حکومت دینی است، طبیعتاً گرایش به چنین عرفان‌هایی نیازمند تحقیقات جدی است. در گفت‌وگویی با شریفی دوست (۱۳۹۱)، اذعان شد که امروزه، بیشتر نوجوانان و جوانان به عرفان‌های نوظهور یا شیطان‌پرستی گرایش پیدا کرده‌اند. در واقع، جوامع مختلف شدت گرایش متفاوتی به این عرفان‌ها نشان داده‌اند، اما به جرئت می‌توان گفت، کشور ایران از لحاظ شیوع و میزان گرایش در بین بقیه کشورها، رتبه بالاتری دارد و یکی از علل گرایش به این جریانات عرفانی این است که بسیاری از این افراد تجارب عمیق روحی در ارتباط با خداوند ندارند و احساس خلأ روحی می‌کنند. اگر کسی بتواند در قالب نماز و دعا و روزه ارتباط روحی با خالق خویش داشته باشد، حضور در این جلسات، بهره جدید روحی نخواهد داشت و حتی احساس دل‌زدگی و اتلاف وقت می‌کند. شاهد دیگر پدیده کاهش معنویت در بین دانش‌آموزان، کاهش تقید به وظایف شرعی، مانند نماز و روزه، است (سلطانی و رضا علی، ۱۳۹۱؛ رعیتی و علمی منش، ۱۳۹۶). بنابراین به‌طور کلی، توجه جدی در این زمینه، جهت غلبه بر چالش‌های موجود، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در زمینه مسئولیت‌پذیری و گرایش به معنویت، پژوهش‌های مختلفی انجام شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود: شفیع، علیدادی و زاده صفری (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسیدند که برخورداری از حس مسئولیت‌پذیری به مثابه سرمایه ارزشمند حیاتی در همدلی انسان‌ها و همچنین عامل مهمی در پیشرفت تحصیلی، جامعه‌پذیری و سازگاری اجتماعی با گروه همسالان محسوب می‌گردد. یافته‌ها در پژوهش صالحی متعهد، باختری و سادات سیدین (۱۳۹۹)، نشان می‌دهد که هرچند میزان توجه به مؤلفه‌های مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کتاب مطالعات اجتماعی متفاوت است، اما تمامی مؤلفه‌های مستخرج از نهج‌البلاغه در کتاب درسی مطالعات اجتماعی انعکاس دارند و در نتیجه براساس نتایج پژوهش، توازن محتوای کتب مطالعات اجتماعی، براساس مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از نظر تصاویر، فعالیت‌ها و متن و همچنین میزان توجه به مهارت‌ها و محتوای دانشی، نگرش در طراحی کتب مذکور پیشنهاد می‌شود. جامعی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه شیوه‌های

فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان» به این نتیجه رسید که بین شیوه فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. حیدریه زاده (۱۳۹۸)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسید که در بین مسئولیت‌پذیری با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری برقرار است. دودمان (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «رابطه شیوه فرزندپروری والدین بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر مهر» به این نتیجه رسید که شیوه فرزندپروری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌تواند تأثیر داشته باشد. رودریگز گومز، لویز پرز، گارد سانچز و آرکو کاسترو^۱ (2022)، در پژوهشی تحت عنوان «افزایش تعهد دانشجویان به مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق آموزش عالی»، نشان دادند که آموزش‌های داده‌شده، آموزش خانواده (ارزش‌ها) و بینش اجتماعی با جهت‌گیری دانش‌آموزان نسبت به مسئولیت اجتماعی، ارتباط مستقیم دارند. توره گینی، پرستون، آ. دریک، گلدرینگ و کاناتا^۲ (2017)، در پژوهشی با عنوان «جان‌بخشیدن به مسئولیت-پذیری دانش‌آموزی»، مدلی را توسعه دادند که توضیح می‌دهد چگونه ارتباطات دلسوزانه و شخصی‌شده بین دانش‌آموزان و معلمان، با کارآمدی معلم برای تأثیرگذاری بر خودکارآمدی دانش‌آموز، دل‌بستگی دانش‌آموز به مدرسه و در نهایت پیشرفت بیشتر دانش‌آموز، تعامل دارد. در نتیجه داده‌ها چندین ساختار و فرآیند مرتبط به هم را نشان دادند که از کارآمدی معلم و دانش‌آموز حمایت می‌کنند و در نهایت مسئولیت‌یادگیری خود را به دانش‌آموز القا می‌کنند. ایوری، منچینی و فراگری^۳ (2015)، براساس نتایج پژوهش خود، گزارش کردند که هرچه خانواده از کارکرد و عملکرد مطلوب‌تری برخوردار باشد، میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان افزایش می‌یابد. رومی، لویس و جی. کاتز^۴ (2009) در پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزی و نظم و انضباط کلاس در استرالیا، چین و اسرائیل»

-
1. Rodríguez Gómez, López Pérez, Garde Sánchez & Arco Castro.
 2. Torre Gibney, Daniela., Preston, Courtney., A. Drake, Timothy., Goldring, Ellen., & Cannata, Marisa.
 3. Everri, M., Mancini, T., & Fruggeri, L.
 - 4 . Romi, Shlomo., Lewis, Ramon., & J. Katz Yaacov.

نشان دادند، معلمانی که از تکنیک‌های انضباطی فراگیر بیشتری استفاده می‌کنند، دانش‌آموزانی دارند که مسئولیت بیشتری برای رفتار خود و رفتار همسالان خود می‌پذیرند. در زمینه معنویت نیز پژوهش‌های زیادی انجام شده است؛ برای مثال جعفری و زارعی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه» نشان دادند که کانونی‌ترین نقطه ثقل معنویت و اخلاق، اتکا بر اعتقاد به خداوند متعال است و به تبع این باور اصیل، اصول معنوی امیرالمومنین علیه‌السلام در حوزه فرماندهی نظامی، خدامحوری، معادباوری و ولایت‌مداری است که این اصول، خود، مولد اصول اخلاق توحیدی است. ارباب، حسینی و توکلی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل رویکردها و نشانه‌های معنویت در گفتمان اقتصادی با رویکرد اسلامی» نشان دادند که در اقتصاد اسلامی (باتوجه به ماهیت معنویت اسلامی)، برخلاف نگرش ابزارگرایانه در ادبیات توسعه نسبت به معنویت، نمی‌توان به معنویت از روزه سرمایه مادی نگریست؛ معنویت در اقتصاد اسلامی در مقام یک هدف عالی، دربردارنده مفهوم متعالی توحید بوده و به هیچ وجه، نباید آن را ابزار رشد ثروت انگاشت. حبیبی سی‌سرا (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی و نقد مؤلفه‌های معنویت پساتجددی از منظر معنویت اسلامی پرداخت و نشان داد که معنویت اسلامی قادر به ارائه نسخه‌ای جایگزین برای این نوع معنویت‌ها است؛ معنویتی که به دلیل سرچشمه گرفتن از وحی و برخورداری از پشتوانه مستحکم عقل، افزون بر جلب اعتماد پیروان خود، ثمربخش بودن اجرای دستورالعمل‌های خود را تضمین می‌کند. ایراندوست (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «چیستی معنویت و سیر معناپذیری آن در غرب»، به این نتیجه رسید که معنویت با همه مقومات و پیش فرض‌هایش، جدا از زندگی در این دنیا نیست و میان معنویت مدرن با معنویت دینی دو اختلاف اساسی هست؛ یکی در روش و دیگری در منشأ و بیشترین اشکال معنویت مدرن از مفاهیم ماهوی شهودی هستند. پونگ^۱ (2021)، در پژوهشی با عنوان «پرورش رفاه معنوی دانشجویان دانشگاه در آموزش کل‌نگر: مطالعه با روش‌های ترکیبی طولی»، نشان داد که زمان بر سلامت معنوی دانش‌آموزان تأثیرگذار است؛ اگرچه هیچ اثر متقابل معناداری بین زمان و

1. H.-K, Pong.

سایر متغیرها، از جمله جنسیت، سن و رشته‌های اصلی، یافت نشد. ون رنسبورگ^۱ (2020) در پژوهشی با عنوان «معرفی مقیاس معنویت آفریقای جنوبی جهت اندازه‌گیری معنویت در بین دانشجویان پزشکی»، نشان داد که همه خرده‌مقیاس‌ها به‌طور قابل‌توجهی، همبستگی داشتند؛ بنابراین، از این نتایج برای توسعه بیشتر معیار محلی معنویت می‌توان استفاده کرد. ویس‌سیستما، ون‌جینکل و لیوون^۲ (2019)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر راهبرد آموزشی، مبتنی بر تمرین بر رشد شایستگی‌های معنوی دانشجویان پرستاری»، به این نتیجه رسیدند که آموزش و به‌ویژه تمرین بالینی، برای رشد شایستگی‌های معنوی دانشجویان پرستاری تأثیر بسیار مهمی دارد. پونگ (2017)، پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین بهزیستی معنوی دانشجویان دانشگاه در هنگ‌کنگ و عملکرد تحصیلی آنها»، انجام داد و نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت متوسط بین بهزیستی معنوی پاسخگویان و عملکرد تحصیلی آنان بود؛ بنابراین، براساس تحقیقات اشاره‌شده در بالا می‌توان اذعان داشت، در سال‌های اخیر، جهت غلبه بر مسائل ذکر شده، تحقیقات زیادی در زمینه مسئولیت‌پذیری و نگرش معنوی دانش‌آموزان انجام شده است؛ اما در مقایسه با تحقیقات انجام‌شده، وجه امتیاز و نوآوری پژوهش حاضر این است که در این تحقیق جهت غلبه بر مسائل ذکر شده در بالا به بررسی تأثیر آموزش سیره تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر مسئولیت‌پذیری و نگرش معنوی دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم پرداخته شد که در تحقیقات اشاره‌شده، چنین تحقیقی صورت نگرفته بود و به این دلیل، پژوهش حاضر یک کار جدید و نو در این زمینه محسوب می‌شود.

مبنای نظری ایده پژوهش از اینجا نشئت می‌گیرد که سیره تربیتی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام سرشار از تعالیم غنی در بحث تأکید بر مسئولیت‌پذیری و همچنین رسالت دین بر تقویت نگرش و توانایی معنوی انسان‌ها است؛ برای مثال در قرآن و نهج‌البلاغه و سایر آموزه‌های اسلامی، درباره مسئولیت‌پذیری انسان و مسئولیت او در قبال خداوند متعال و آیین و شریعت پاک الهی و مسئولیت انسان در قبال خود، دیگران و جهان هستی مطالب فراوانی به چشم می‌خورد (آل عمران، ۳۲ و ۱۳۲؛ النساء، ۵۹؛ المائده، ۹۲؛ الحشر، ۱۸؛

1. A. B, Van Rensburg.

2. Van der Vis-Sietsma, Y., de Man-van Ginkel, J. M., & van Leeuwen, R. R.

تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام ... / مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی و دیگران ۸۹

مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۱۶؛ باقری، ۱۳۸۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۵؛ همچنین در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، درباره معنویت، چنین آمده است که معنویت در الهیات اسلامی چیزی است که ما می‌توانیم آن را عنصر اصلی دینداری قرار دهیم.

از نظر الهیات اسلامی، هدف اساسی برای بعثت انبیای الهی همان (معنویت) است؛ بنابراین منظور از سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام سیره عملی و نظری آن بزرگواران است. سیره عملی، سبک و شیوه زندگانی عملی و رفتاری حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها است و مقصود از سیره نظری، بررسی دیدگاه‌های آن بزرگواران در شیوه رفتار تربیتی و اخلاقی با مطالعه احادیث نقل شده و روایات معتبر وارده است و در بحث اهمیت و جنبه‌های مثبت سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام شایان ذکر است، برای بهتر زیستن و زودتر به مراتب کمال انسانیت رسیدن، توجه به شیوه‌های تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام بهترین و کامل‌ترین الگو برای آموزش و پرورش انسان‌ها در راه دستیابی به سعادت و پیشرفت است (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱). بنابراین، در پژوهش حاضر، در کاری شبه‌آزمایشی و به دلیل اهمیت آموزش سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، پژوهشگران به دنبال مطالعه تأثیر آموزش سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و مشاهده تأثیر آن بر مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم هستند. دلیل انتخاب دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم این است که در این دوره، یعنی سن بلوغ، فرد به دنبال هویت‌یابی و کسب استقلال است.

بر اساس دیدگاه مک‌نلی، نان‌مکر و بلوم^۱ (2002)، در این دوره، فرد از خانواده و محیط مدرسه روی‌گردان شده و به دنبال محیط‌های جایگزین برای آن می‌گردد و این محیط‌ها می‌تواند چالش‌های زیادی را برای نوجوان ایجاد کند؛ به‌ویژه برای پسران که به‌لحاظ ویژگی‌های جنسیتی خود در معرض چالش‌های بیشتری هستند؛ بنابراین در این تحقیق، تأثیر سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بر روی دو متغیر چالش‌برانگیز این دوره، یعنی مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. و با دو پرسش زیر روبه‌رو هستیم:

1. McNealy, Nonnemaker & Blum.

- ۱- آیا آموزش سیره تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بر روی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر در مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار است؟
- ۲- آیا آموزش سیره تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بر روی نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان پسر در مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار است؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی در گروه تحقیقات شبه‌آزمایشی محسوب می‌شود. برای انجام این پژوهش از دو گروه آزمایش و گواه به پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. دیاگرام آن در زیر ارائه شده است؛ در این تحقیق با استفاده از پیش‌آزمون و گروه کنترل، سعی شده است، اثر متغیرهای مزاحم حذف شود.

گروه آزمایش	T	X	T
گروه کنترل	T	-	T

جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر در مقطع متوسطه دوم شهرستان نجف‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است. دلیل انتخاب دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم، رسیدن آن‌ها به سن بلوغ و لزوم ایجاد و تثبیت نگرش‌های مثبت در ایشان است. و با توجه به گستردگی حجم جامعه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که به صورت تصادفی، از میان مدارس پسرانه متوسطه در شهرستان نجف‌آباد ۴ مدرسه انتخاب و سپس از هر مدرسه یک کلاس انتخاب گردید و کلاس‌های انتخاب شده به دو گروه آزمایش و گواه اختصاص داده شد. به طور کلی، حجم نمونه در گروه آزمایش ۴۸ نفر و در گروه گواه ۵۱ نفر بود.

برای اندازه‌گیری متغیر مسئولیت‌پذیری از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری چندبعدی برمبنای متون اسلامی (احمدی آخورمه، سهامی، رفاهی و شمشیری، ۱۳۹۲)، استفاده شد. این پرسشنامه از ۲۰ گویه و ۴ خرده‌مقیاس مسئولیت در برابر خداوند (۷ پرسش)، مسئولیت در برابر اجتماع (۶ پرسش)، مسئولیت در برابر طبیعت (۴ پرسش) و مسئولیت در برابر خود (۳ پرسش) تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت، ۵

درجه‌ای است که برای گزینه‌های «هرگز»، «به ندرت»، «گاهی اوقات»، «اغلب» و «همیشه» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲، ۳ و ۴ در نظر گرفته می‌شود.

در پژوهش‌های گذشته، روایی و پایایی این پرسشنامه بررسی و تأیید شده است؛ برای نمونه در پژوهش احمدی آخورمه و همکاران (۱۳۹۲) روایی سازه این پرسشنامه با تحلیل عاملی تأیید شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به دست آمده است. همچنین ضریب همبستگی این پرسشنامه به پرسشنامه مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا در سطح ۰/۴۳، بوده است که در سطح ۰/۰۵، معنادار است. در این پژوهش نیز روایی محتوایی پرسشنامه به دست سه متخصص موضوعی بررسی و تأیید شد؛ ضریب پایایی این پرسشنامه نیز به وسیله آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

برای اندازه‌گیری نگرش معنوی از پرسشنامه نگرش و توانایی معنوی (شهیدی و فرج-نیا، ۱۳۹۱) استفاده شد. این پرسشنامه از ۴۳ گویه و ۲ خرده‌مقیاس نگرش معنوی (۲۴ پرسش) و توانایی معنوی (۱۹ پرسش) تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «تاحدودی موافقم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم»، به ترتیب، امتیازات ۰، ۱، ۲، ۳ و ۴ در نظر گرفته شده است. شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهش خود، پایایی پرسشنامه را با روش «بازآزمایی»، روی ۴۰ آزمودنی به فاصله زمانی ۵ هفته (۳۵ روز) آزمودند که ضریب همبستگی به دست آمده از این بازآزمایی، ۰/۶۱ بود. همچنین همسانی درونی پرسشنامه از طریق «آلفای کرونباخ» محاسبه و ضریب به دست آمده برای کل آزمون، ۰/۹۱ به دست آمد. در این پژوهش، روایی محتوایی به دست دو متخصص موضوعی بررسی و تأیید شد و در نهایت پایایی کلی پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد.

برای پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس ANCOVA) استفاده شد و داده‌های به دست آمده با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نخست در چهار کلاس منتخب، شامل دو کلاس گروه آزمایش و دو کلاس گروه گواه، دو پرسشنامه مسئولیت‌پذیری و نگرش معنوی برای پیش‌آزمون اجرا شد و پس از آن در گروه آزمایش، آموزش سیره تربیتی پیامبر و ائمه اطهار به دانش‌آموزان ارائه گردید. این

آموزش‌ها شامل دوازده جلسه آموزش، طبق سرفصل‌های جدول شماره ۱ است که دبیر درس دین و زندگی در کلاس‌های گروه آزمایش به دانش‌آموزان تدریس کرد. مدت زمان کلاس‌ها نود دقیقه بود و برای هماهنگی بیشتر دو معلم کلاس‌های گروه آزمایش، جلساتی برای هماهنگی روش آموزش و تبادل نظر بین دو دبیر برگزار می‌شد. برای اثربخشی بیشتر تدریس، دبیران از فیلم‌ها و انیمیشن‌های آموزشی مرتبط نیز استفاده می‌کردند. خلاصه جلسات برنامه آموزش سیره تربیتی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام برای گروه آزمایش، به شرح زیر است.

جدول ۱. رئوس مطالب عنوان شده در جلسات آموزشی

جلسه‌ها	محتوای جلسات	فعالیت‌ها و تکالیف کلاسی
جلسه اول	بحث مفهوم‌شناسی شامل مفاهیم سیره، سنت، تربیت، اهل بیت و سیره تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام.	تحقیق درباره جایگاه سیره در زندگی فردی و اجتماعی انسان.
جلسه دوم	مفهوم معنویت و آثار و پیامدهای آن در قرآن و اسلام و مقایسه آن با سایر مذاهب، همچون مسیحیت.	تحقیق دانش‌آموزان، درباره نقش و جایگاه معنویت در زندگی انسان‌ها و ارائه در کلاس.
جلسه سوم	تعریف داستان‌هایی از زندگی امامان علیهم‌السلام که اوج اعتقادات و زندگی همراه با معنویت در آن به تصویر کشیده می‌شود.	بررسی و تحلیل زندگی پیامبر و امام و شناسایی اعمال و رفتارهایی که ریشه در معنویت و اعتقادات عمیق آنها داشت.
جلسه چهارم	رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث.	باتوجه به موضوع جلسه، دانش‌آموزان باید در کلاس، محیط خانه و جامعه اقداماتی را انجام دهند که در راستای رشد معنویت باشد و گزارش در کلاس.
جلسه پنجم	تبیین نحوه و چگونگی توسعه و بهبود هوش معنوی افراد و مهارت‌های اکتسابی مورد نیاز.	معرفی چند مقاله در ارتباط با هوش معنوی و الزام دانش‌آموزان به مطالعه آنها و تمرین راهکارهای تقویت و رشد هوش معنوی در منابع.
جلسه ششم	سلامت معنوی؛ چارچوب، محدوده و مؤلفه‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلام.	تهیه برنامه‌ای جهت تقویت سلامت معنوی و دعوت از اعضای خانواده برای اجرای مؤلفه‌های سلامت معنوی و گزارش پایانی در کلاس.
جلسه هفتم	معرفی و تفهیم آسیب‌شناسی معنویت	تهیه گزارش درباره عواقب انسان‌هایی که از

جلسه‌ها	محتوای جلسات	فعالیت‌ها و تکالیف کلاسی
		معنویت فاصله گرفته‌اند و شناسایی راهکارهایی جهت غلبه بر آسیب‌ها و موانع.
جلسه هشتم	معرفی اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	تحقیق و پژوهش درباره میزان توجه آموزه‌های دینی به امر مسئولیت‌پذیری و ارائه گزارش در کلاس.
جلسه نهم	اهداف تربیت نوجوانان مسئولیت‌پذیر از منظر پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و معصومین <small>علیهم‌السلام</small>	دانش‌آموزان باید به کمک والدین و بررسی منابع، مشخص کنند که چگونه می‌توانند افرادی مسئولیت‌پذیر باشند.
جلسه دهم	استفاده از اصول، روش، شیوه و آداب تربیت اسلام جهت تقویت مسئولیت‌پذیری افراد.	دادن نقش و مسئولیت به دانش‌آموزان در مدرسه و خانه. و از آنها خواسته شد تا در انجام مسئولیت خود به اصول مسئولیت-پذیری توجه نمایند.
جلسه یازدهم	تحلیل ابعاد مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی: بُعد اعتقادی (در ارتباط با خالق)؛ بُعد فردی (در ارتباط با خویشتن).	دانش‌آموزان با راهنمایی اولیا، فهرستی از وظایف و مسئولیت خود در ارتباط با خالق و خویشتن، شناسایی و در ادامه، نحوه انجام مسئولیت و وظایف‌شان را در کلاس، گزارش دادند.
جلسه دوازدهم	تحلیل ابعاد مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی: بُعد اجتماعی (در ارتباط با دیگران)؛ بُعد زیست‌محیطی (در ارتباط با جهان هستی).	دانش‌آموزان با راهنمایی اولیا، فهرستی از وظایف و مسئولیت خود در ارتباط با دیگران، جهان هستی و طبیعت شناسایی و در ادامه، نحوه انجام مسئولیت و وظایف‌شان را در کلاس، گزارش دادند.

شایان ذکر است، محتوای این جلسات براساس منابعی همچون قرآن، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹)، رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث (شیخ قمی، ۱۳۹۶)، معنویت در اسلام در مقایسه با دیدگاه روانشناسی معاصر (فقیهی، ۱۳۹۸)، مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام (محمدنژاد، بحیرایی و حیدری، ۱۳۸۸)، هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه‌های دینی (عسکری وزیری و زارعی متین، ۱۳۹۱)، سلامت معنوی شامل چارچوب، محدوده و

مؤلفه‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلام (سام آرام، هزار جریبی، فداکار، کرمی و شمسایی، ۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی معنویت (بابایی، ۱۳۸۷)، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام (رستمیان، ۱۳۹۳)، تبیین عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، براساس رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام با تأکید بر نقش مدرسه (گودرزی، دیالمه و احمدی زمانی، ۱۳۹۸)، تبیین اهداف تربیت اسلامی نوجوانان با رویکرد مسئولیت‌پذیری (مجیدپورخوبی و محبی، ۱۳۹۸)، سبک زندگی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴)، اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی (داداشی کلایی، صفار حیدری و سادات شریف‌زاده، ۱۳۹۷)، سبک زندگی امام علی علیه‌السلام و خانواده در معیشت (احسانی، ۱۳۹۴) و تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی (سبحانی نژاد و نجفی، ۱۳۹۳) تدریس شده است؛ درواقع، برای آشنایی گروه آزمایش از منابع ذکرشده جهت معرفی سیره عملی و نظری استفاده شد تا با زندگی بزرگان دینی و سبک زندگی آنها و یا دیدگاه‌شان آشنا شوند و درواقع سعی شده است به مسئولیت‌هایی که بزرگان دینی داشتند و نحوه اجرای آن و زندگانی معنوی آنها، چه در نظر و چه در عمل، پرداخته شود و درباره رفتار و عملکرد آنها بین معلم و دانش‌آموزان بحث و بررسی‌هایی انجام شود و گاه معلم سعی نموده تا فضا را طوری برنامه‌ریزی و پیش‌برد که دانش‌آموزان خود را در فضای زندگی بزرگان دینی تصور کنند. شاید تعداد جلسات آموزشی خیلی زیاد نبود، اما به‌خاطر ارائه تکالیف هدفمند در راستای موضوع پژوهش سعی شد، دانش‌آموزان بیشتر با موضوع پژوهش درگیری فکری و ذهنی داشته باشند؛ بنابراین، محتوای آموزش در برخی از جلسات، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به سیره نظری و یا به سیره عملی بزرگان دینی اختصاص داده شد و درطول تمام جلسات، محتوای جلسات قبل نیز تا حد امکان مرور می‌شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، به‌ترتیب، پرسش‌های پژوهش ذکر و داده‌ها و یافته‌های مربوط به هر پرسش، تحلیل می‌شود:

۱- آیا آموزش سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر روی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

متوسطه تأثیرگذار است؟

همان‌گونه که گفته شد، برای تحلیل پرسش‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در این راستا، نخست پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس، یعنی همگنی واریانس‌ها و همگنی ضریب شیب خط رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل در جدول شماره ۲ ارائه شد.

جدول ۲. پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس مسئولیت‌پذیری

متغیرها	همگنی شیب رگرسیونی		همگنی واریانس‌ها	
	sig	f	F	sig
مسئولیت در برابر خداوند	۰/۰۵	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۳۲
مسئولیت در برابر اجتماع	۰/۳۲	۰/۵۶	۰/۰۱	۰/۹۷
مسئولیت در برابر طبیعت	۲/۶۴	۰/۱۰	۲/۰۶	۰/۱۵
مسئولیت در برابر خود	۲/۸۹	۰/۰۹	۰/۱۷	۰/۸۹
نمره کلی مسئولیت‌پذیری	۱/۱۲	۰/۲۹	۰/۸۴	۰/۳۶

باتوجه به نتایج جدول شماره ۲، می‌توان گفت که پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب رگرسیونی در تمام مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و همچنین نمره کلی آن رعایت شده است؛ بنابراین می‌توان از تحلیل کوواریانس برای پاسخ‌گویی به این پرسش استفاده کرد. در جدول شماره ۳، آمار توصیفی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری ارائه شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری

متغیرها	گروه	پیش آزمون		پس آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت در برابر خداوند	آزمایش	۱/۸	۰/۷۵	۳/۱۴	۰/۵۸
	گواه	۱/۹	۰/۷۲	۳/۰۸	۰/۶۸
مسئولیت در برابر اجتماع	آزمایش	۲/۳۳	۱/۲۰	۲/۹۸	۱/۰۲
	گواه	۲/۵۰	۱/۱۲	۱/۹۶	۱/۲۸
مسئولیت در برابر طبیعت	آزمایش	۲/۱۲	۱/۰۶	۳/۳۳	۱/۰۱
	گواه	۲/۱۷	۰/۹۱	۲/۳۱	۰/۸۶
مسئولیت در برابر خود	آزمایش	۲	۰/۷۷	۳/۲۹	۰/۷۱
	گواه	۲/۰۳	۰/۸۹	۱/۹۸	۰/۶۴
نمره کلی مسئولیت‌پذیری	آزمایش	۲/۰۸	۰/۵۶	۳/۲۱	۰/۴۵
	گواه	۲/۱۴	۰/۵۲	۲/۲۹	۰/۴۴

در جدول شماره ۳، نتایج آمار توصیفی در پیش‌آزمون، پس‌آزمون در گروه گواه و کنترل، به تفکیک، ارائه شده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، تفاوت‌هایی بین میانگین‌ها در دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود دارد. برای اطمینان از اینکه این تغییرات نتایج مداخله آزمایشی است، از تحلیل کوواریانس استفاده شده که نتایج در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس مسئولیت‌پذیری

متغیرها	مجموع مجزورات	df	میانگین جذورات	f	sig
مسئولیت در برابر خداوند	۲۲/۳۷	۱	۲۲/۳۷	۱۲۱/۶۰	۰/۰۰۰۱
مسئولیت در برابر اجتماع	۲۷/۰۴	۱	۲۷/۰۴	۸۶/۸۷	۰/۰۱
مسئولیت در برابر طبیعت	۱/۲۵	۱	۱/۲۵	۳/۱۲	۰/۲۱
مسئولیت در برابر خود	۴۱/۵۲	۱	۴۱/۵۲	۱۷۲/۶۲	۰/۰۰۰۱
نمره کلی مسئولیت‌پذیری	۲۲/۳۴	۱	۲۲/۳۴	۲۷۱/۵۱	۰/۰۰۰۱

باتوجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره ۴، می‌توان گفت، آموزش سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بر روی مؤلفه مسئولیت در برابر طبیعت، تأثیر معنی‌دار در سطح ۰/۰۵، ندارد، ولی بر روی بقیه مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در سطح ۰/۰۵، تأثیر معنی‌داری دارد. در جدول شماره ۵، میانگین اصلاح شده، پس از برداشتن اثر پیش‌آزمون از پس‌آزمون، ارائه شده است.

جدول ۵. میانگین اصلاح شده مسئولیت‌پذیری

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	sig	حدود اطمینان در سطح ۰/۹۵
				سطح بالا / سطح پایین
مسئولیت در برابر خداوند	۱/۲۲	۰/۱۱	۰/۰۰۰۱	۱/۴۴ / ۱/۰۰۶
مسئولیت در برابر اجتماع	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲ / ۰/۳۴
مسئولیت در برابر طبیعت	۱/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۰۰۱	۱/۲۸ / ۰/۸۳
مسئولیت در برابر خود	۱/۳۱	۰/۱۰	۰/۰۰۰۱	۱/۵۰ / ۱/۱۳
نمره کلی مسئولیت‌پذیری	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰۱	۱/۰۶ / ۰/۸۳

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌کنید، به جز مؤلفه مسئولیت در برابر طبیعت، بقیه مؤلفه‌ها با برداشتن اثر پیش‌آزمون، تفاوت میانگین معنی‌داری در گروه کنترل و آزمایش دارند.

۲- آیا آموزش سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر نگرش و توانایی معنوی دانش-آموزان متوسطه تأثیرگذار است؟ همانگونه که گفته شد، برای تحلیل سئوالات از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در این-راستا، نخست پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس، یعنی همگنی واریانس‌ها و همگنی ضریب شیب خط رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل در جدول شماره ۶ ارائه شد.

جدول ۶. پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس؛ نگرش و توانایی معنوی

متغیرها	همگنی شیب رگرسیونی		همگنی واریانس‌ها	
	f	sig	F	sig
نگرش معنوی	۲/۱۴	.۱۲	۲/۸۳	۰/۰۹
توانایی معنوی	۱/۲۵	۰/۴۱	۰/۰۳	۰/۸۶

باتوجه به نتایج جدول شماره ۶، می‌توان گفت که پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب رگرسیونی در تمام مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و همچنین نمره کلی آن رعایت شده است؛ بنابراین، می‌توان از تحلیل کوواریانس برای پاسخ‌گویی به این پرسش استفاده کرد. در جدول شماره ۷، آمار توصیفی مؤلفه‌های نگرش و توانایی مذهبی، ارائه شده است.

جدول ۷. آمار توصیفی مؤلفه‌های نگرش و توانایی مذهبی

متغیرها	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش معنوی	آزمایش	۲/۰۸	۱	۳/۲۲	۰/۷۷
	گواه	۱/۶۴	۰/۷۱	۱/۹۶	۰/۷۲
توانایی معنوی	آزمایش	۲/۱۶	۰/۹۹	۳/۳۷	۰/۹۵
	گواه	۲/۱۵	۱/۰۴	۲/۱۳	۰/۹۸

در جدول شماره ۷، نتایج آمار توصیفی در پیش‌آزمون، پس‌آزمون در گروه گواه و کنترل، به تفکیک، ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، تفاوت‌هایی بین میانگین‌ها در دو

گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون، وجود دارد. برای اطمینان از اینکه این تغییرات نتایج مداخله آزمایشی است، از تحلیل کوواریانس استفاده شده است که نتایج در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس نگرش و توانایی مذهبی

متغیرها	مجموع مجزورات	df	میانگین جذورات	f	sig
نگرش معنوی	۲۴/۸۴	۱	۲۴/۸۴	۷۱/۷۳	۰/۰۰۰۱
توانایی معنوی	۳۷/۱۴	۱	۳۷/۱۴	۱۲۰/۱۲	۰/۰۰۰۱

باتوجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره ۸، می‌توان گفت، آموزش سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بر روی مؤلفه‌های نگرش و توانایی معنوی در سطح ۰/۰۵، تأثیر معنی‌داری دارد. در جدول شماره ۹، میانگین اصلاح شده، پس از برداشتن اثر پیش‌آزمون از پس‌آزمون ارائه شده است.

جدول شماره ۹. میانگین اصلاح شده نگرش و توانایی مذهبی

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	sig	حدود اطمینان در سطح ۰/۹۵
				سطح بالا / سطح پایین
نگرش معنوی	۱/۰۳	۰/۱۲	۰/۰۰۰۱	۱/۲۷ / ۰/۷۹
توانایی معنوی	۱/۲۳	۰/۱۱	۰/۰۰۰۱	۱/۴۵ / ۱

همان‌گونه که در جدول شماره ۹ دیده می‌شود، با برداشتن اثر پیش‌آزمون، هردو مؤلفه تفاوت میانگین معنی‌داری در گروه کنترل و آزمایش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که امروزه، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مدرسه و کودکان در محیط خانواده و اجتماع پایین آمده و با وضعیت مطلوب فاصله دارد، آنچه از عواقب آن نشئت می‌گیرد، رفتار غیرمسئولانه، خودسرانه و عدم شناخت واقعی از خود و عدم اعتماد به نفس در جوانان است یا در ارتباط با معنویت، امروزه، بیشتر نوجوانان و جوانان به عرفان‌های نوظهور یا شیطان‌پرستی گرایش پیدا کرده‌اند و به جرئت می‌توان گفت، کشور ایران نیز از لحاظ شیوع و میزان گرایش در بین بقیه کشورهای، رتبه بالاتری دارد؛ در نتیجه برای غلبه بر چنین مسائلی، انجام پژوهش و تحقیق در این راستا، می‌تواند راه‌گشا باشد؛ از این رو، در

پژوهش حاضر، برای غلبه بر مسائل ذکرشده، به بررسی تأثیر سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بر مسئولیت‌پذیری و نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان پرداخته شد.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش، نتایج به‌دست‌آمده نشان داد، آموزش سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر یکی از مؤلفه‌های مسئولیت، چون مسئولیت در برابر طبیعت، تأثیر معنی‌داری دارد. چنین نتیجه‌ای هم‌راستا با مبانی نظری نیست؛ چراکه در آموزه‌های اسلامی بر حفظ و نگهداری از طبیعت تأکید زیادی شده است؛ برای مثال، طبق پژوهش باقری (۱۳۸۷)، درست است که خداوند طبیعت را در خدمت انسان آفریده است، اما انسان‌ها در نحوه استفاده از طبیعت، مسئول هستند و نباید از طبیعت استفاده‌ی اضراری بشود. همچنین یافته فوق با نتیجه پژوهش ارباب‌سیر، بختیار نصرآبادی و رحمانی (۱۴۰۰)، همسو نیست؛ چراکه آنها در پژوهش خود اذعان داشتند، با تأسی به الگوی اسلامی و با ایجاد نگرش صحیح در فراگیران، درباره محیط زیست، می‌توان موجب رشد عواطف و احساسات انسانی در خصوص دیگر موجودات زنده در همسویی با فطرت الهی شد و با تقویت اراده، برای آبادانی محیط زیست و صیانت از آن، انسان‌هایی صالح و هماهنگ با نظام طبیعت، تربیت کرد.

البته شایان ذکر است که نتیجه پرسش اول بر بقیه مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، همچون مسئولیت در برابر خود، مسئولیت در برابر اجتماع و مسئولیت در برابر خداوند، تأثیر معنی‌داری داشت. در توضیح بیشتر، باید گفت که برگزاری یک دوره جهت آموزش سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، طبق برنامه ارائه‌شده در طول دوازده هفته، منجر به عمیق شدن ارتباط دانش‌آموزان با خداوند شد؛ به طوری که طبق نظر سنجی، دانش‌آموزان تمایل داشتند، در تصمیم‌گیری‌ها، به خدا توکل کنند یا در صورت بهبود وضعیت مالی‌شان، علاقه‌مند بودند که در اولین فرصت، به حج رفته و چیزی که خداوند منع کرده را ترک نمایند؛ هرچند منفعی برایشان داشته باشد و همچنین تمایل داشتند، طبق وظیفه، روزه گرفته و به حلال بودن غذا اهمیت زیادی قائل بودند و در پی عمل به آیات قرآن در زندگی خود باشند. اجرای این دوره آموزشی بر روی دانش‌آموزان گروه آزمایش همچنین منجر به ارتقای مسئولیت‌پذیری آنها در قبال اطرافیان و اجتماع شد؛ در واقع، بعد از دوره، به این عقیده و باور رسیدند که کمک به افراد فقیر وظیفه هر فردی است و اگر در جمعی نشسته باشیم،

برای تازه‌واردها باید جای نشستن بدهیم و اکثر اوقات باید متعهد به همسایگان بود و آزار و اذیتی برای‌شان ایجاد نکرد و در انجام وظایف، منافع دیگران را هم در نظر گرفته و مسئولیت گناه و اشتباهات در قبال اطرافیان را پذیرفت. افزون‌براین، بعد از اجرای این دوره بر روی گروه آزمایش، نگاه و باور آزمون‌شوندگان دربارهٔ مسئولیت و مراقبت از خود، تغییر یافت. به طوری که طبق نظرسنجی، بعد از اجرای دوره، آنها معتقد بودند که در مواقع مختلف، جهت مسئولیت و مراقبت از خود، باید سنجیده و به‌جا صحبت کنند یا در کارهای مهم، از چند نفر نظرخواهی کنند؛ بنابراین، می‌توان اذعان داشت که آموزش آموزه‌های اسلامی به دانش‌آموزان می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری آنها را ارتقاء بخشد و با رشد و ارتقاء مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، طبق آموزه‌های اسلام، کمالات بشر تحقق می‌یابد. برای مثال، طبق تحقیق سبحانی‌نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، هندسهٔ معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار ابعاد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی قابل تبیین است و عملیاتی ساختن هر یک از آنها، به‌نحوی، در زندگی به سبک و روش اسلامی، مؤثر است و حیات طیبه را برای انسان، در مراتب وسیع آن، تحقق می‌بخشد؛ بنابراین، یافته‌های پرسش اول با نتایج تحقیق رستمیان (۱۳۹۳) نیز همسو است. به طوری که ایشان در تحقیق خود اذعان داشت که انسان زمانی می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد که زمینه‌های آن را با دو اصل تقوا و ایمان فراهم نماید و از تفکر و تفقه و بصیرت بهره برد؛ البته مسئولیت‌پذیری انسان تنها در زمینهٔ تقوا ممکن است. اگر انسان از تقوای فطری خود، به‌خوبی، بهره‌مند شود، می‌تواند به تقوای دینی دست یابد؛ در این صورت، زمینهٔ انجام وظایف، به‌خوبی، برای او فراهم می‌شود. ایمان نیز نیرویی در انسان پدید می‌آورد که هنگام انجام وظایف، سستی به خرج ندهد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش نیز یافته‌ها نشان داد که اجرای برنامهٔ آموزش سیرهٔ پیامبر ﷺ و ائمهٔ اطهار^(علیهم‌السلام) در گروه آزمایش، بر روی نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان، تأثیر معنی‌داری دارد؛ در واقع، در زمینهٔ نگرش معنوی، بعد از اجرای برنامهٔ آموزشی بر روی دانش‌آموزان گروه آزمایش، به این باور و نگرش رسیدند که خداوند در جهان حاضر و نیایش با خداوند لذت‌بخش است و بعد از دعا و مناجات، حس آرامش و در همهٔ مواقع، در مواجهه با مشکلات، شاکر و در انجام کارهای شایسته، انتظار کسب پاداش از خداوند متعال را

داشته و همیشه احساس می‌کنند، خداوند ناظر بر اعمال‌شان است؛ یا با مشاهده جهان خلقت، متحیر و مهر و محبت خدا را نسبت به خود، چه مستقیم و چه به واسطه دیگران، احساس می‌کنند و زندگی خود را در مسیر خدمت‌گذاری به خدا صرف و درمواقع برخورد با مسائل و مشکلات، به معنا و حکمت‌شان توجه و در صورت احساس ناامیدی، خداوند متعال را از یاد نمی‌برند و رسیدن به سعادت و کمال را در سایه توجه به معنویات دانسته و معتقدند چیزی برای از دست دادن ندارند؛ چون خداوند مالک واقعی همه چیز است. همچنین بعد از اجرای دوره آموزش برای دانش‌آموزان گروه آزمایش، به این اعتقاد دست یافتند که در طول شبانه‌روز، باید لحظاتی را صرف توجه به خود با حضور خداوند کرده و اساساً هرچه در دنیا وجود دارد، نشانه‌ای از وجود و حضور خداوند دانسته و درک نمایند و در نهایت احساس‌شان این بود که ارتباط قوی با خداوند داشته و در مواجهه با مشکلات علاوه بر سعی و تلاش، باید زمانی را برای دعا و نیایش اختصاص و علی‌رغم همه بدی‌ها، اعتقاد به بهتر شدن دنیا و پایانی خوش و سرشار از معنویت داشتند. افزون بر این، در زمینه توانایی معنوی نیز بعد از اجرای برنامه آموزشی آموزه‌های اسلامی برای دانش‌آموزان گروه آزمایش، آنها به این باور و اعتقاد دست یافتند که حق دارند هرکاری را که در آن توانایی دارند، انجام داده و افکار و اعمال‌شان را کنترل و سعی در جهت بهبود و تکامل خود داشته و در مقابل تغییرات دنیا آسیب‌پذیر نباشند؛ چون به این باور دست یافتند که دنیا در حال تغییر است و آنها توانایی انعطاف‌پذیری، ایستادگی در برابر جمع و هم‌رأی نشدن با عامه مردم در صورت مخالفت با اصول اعتقادی و اساسی زندگی را دارند. همچنین به این باور رسیدند که از خدمت کردن به دیگران، بدون چشم‌داشت، لذت ببرند و در مقابل انسان بودن خود احساس وظیفه و مسئولیت کرده و با دیگران رابطه‌ای همراه با همدلی و محبت برقرار و به جستجو کردن و پرسیدن پرسش‌های بنیادی و اساسی زندگی و هستی علاقه‌مند باشند. یا توانایی بیان کردن اشتباهات‌شان در موقعیت‌های مختلف را داشته و به لحاظ معنوی، فردی تأثیرگذار بر انسان‌ها و محیط اطراف باشند. به علاوه، دانش‌آموزان گروه آزمایش در انتهای دوره آموزشی، به این باور دست یافتند که جدا از اعتقادات شخصی خود، در همه مذاهب الهی، جنبه‌ایی از حقیقت را ببینند و به دنبال درک مردم در غالب این الگوها باشند و معنا و تأثیر مراحل گذشته زندگی خود را در مرحله کنونی و آینده

زندگی‌شان درک کنند و با کسانی که به کمک و حمایت‌ش می‌روند، نوعی ارتباط روحی و معنوی برقرار و توانایی دوست داشتن و بخشش دیگران را جدا از جنس، نژاد و ملیت داشته باشند. یا به دنبال شناسایی و ایجاد تغییر در باورهای غلط بوده و براساس توانایی‌ها، پایداری‌ها و ویژگی‌های درونی انسانی خود، احساس امنیت کنند و به آداب و رسوم و تاریخ، به چشم یک منبع موثق برای تفکر، توجه کنند و زندگی‌شان بامعنا و همراه با احساس ارزشمندی و هدفمندی باشد و احساس کنند، در شادی و آرامش روانی اطرافیان سهیم هستند؛ بنابراین به‌طورکلی، آموزش تعالیم و آموزه‌های اسلامی به دانش‌آموزان گروه آزمایش، نگرش و توانایی‌های معنوی دانش‌آموزان را ارتقا بخشید و این دست‌یافت تا حدودی با نتایج حاصل از تحقیق مدرکی (۱۴۰۰)، همسو است. ایشان در تحقیق خود، به این نتیجه دست یافت که از آنجاکه معنویت غربی، مبانی فکری اصولی و صحیحی ندارند، می‌توان پی برد که معنویت مورد نیاز بشر، معنویت حاصل از آموزه‌های دین اسلام است و در جهت گسترش این معنویت، باید آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی صورت گیرد تا شرایط گرایش به دین و معنویت دینی فراهم گردد و دین‌فهمی، دین‌باوری و دین‌داری ارتقا یابد؛ چراکه معنویت اسلامی توانایی رقم زدن انقلابی درونی و اجتماعی را دارد و معنوبیتی است اصیل که هنر زندگی متعالی را تحت تعلیمات خود آموزش می‌دهد؛ در نتیجه با رشد و بهبود نگرش و توانایی معنوی دانش‌آموزان می‌توان شاهد آثار و پیامدهای مطلوب آن در زندگی آنها بود. برای مثال، طبق تحقیق حقیقی، حیدری و کاظمی (۱۳۹۱)، معنویت در محیط کار بر شادی تأثیر مستقیم می‌گذارد. یا طبق تحقیق رحمانیان، معین و اورکی (۱۳۹۶)، معنویت‌درمانی، نقش بسزایی در بهبود زندگی و سبک زندگی دارد. در تحقیق محمدپناه و نصری (۱۳۹۳)، اذعان شده است که باورهای دینی شاخصه اصلی تعالی معنوی، می‌تواند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه سلامت معنوی و روانی سازمانی هدایت کند و در نهایت، تعالی معنوی کارکنان می‌تواند در ابعاد سلامت فردی و اجتماعی آنان تأثیر بسزایی داشته باشد؛ در واقع تأثیرات و پیامدهای معنویت در زندگی افراد، بی‌شمار است که در اینجا تنها به مواردی اشاره شد و بنابر تأثیرات مثبت آن در زندگی افراد، باید با آموزش آموزه‌های اسلامی به دانش‌آموزان در مدارس، نگرش و توانایی معنویت آنها را ارتقاء بخشید.

پیشنهادات پژوهش

- براساس یافته‌های پژوهش و همچنین براساس تجارب به دست آمده در طول دوره و در جلسات آموزش با گروه آزمایش، پیشنهاد می‌شود:
- در محتوای دروس دینی و غیردینی، سبک زندگی بزرگان دینی را طوری به تصویر بکشند که دانش‌آموزان بتوانند خود را در چنان وضعیتی تصور کنند.
 - در آموزش سیره بزرگان دینی، پیشنهاد می‌شود، معلمان تنها در قالب سخنرانی عمل نکنند، بلکه سعی کنند ضمن معرفی بزرگان دینی، به بحث و گفتمان درباره اعمال و رفتار آنها و علل آن پرداخته و درحقیقت، آموزش به صورت استدلال و گفتمان صورت پذیرد.
 - در گزینش معلمان دینی، سعی شود از افرادی دعوت به همکاری شود که به آنچه آموزش می‌دهند باور قلبی و ایمان داشته تا در بُعد عملی نیز الگوی مناسبی برای فراگیران باشد.
 - درج داستان‌هایی از زندگی امامان علیهم‌السلام در متون درسی که در آن اوج مسئولیت‌پذیری به خدا، خود، اجتماع و محیط و چگونگی آن به تصویر کشیده شود.
 - درج داستان‌هایی از زندگی امامان علیهم‌السلام در متون درسی که در آن اوج معنویت و زندگانی معنوی و نحوه تحقق و آثار و پیامدهای مطلوب آن به تصویر کشیده شود.
 - در ارائه تکالیف به دانش‌آموزان، مطابق تجارب پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود تا فرصت کافی برای تک‌تک دانش‌آموزان فراهم شود تا آنها در قالب پروژه و تحقیق، ترغیب شوند که در زمینه زندگی بزرگان دینی تحقیق کرده و در کلاس، نتیجه پژوهش خود و همچنین قضاوت و استدلال خود را به کلاس ارائه دهند.
 - پیشنهاد می‌شود در محتوای آموزش دوره‌های مختلف تحصیلی حجم بیشتری از کتاب‌ها به آموزش سیره عملی و نظری پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته شود تا دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره متوسطه که با بحران بلوغ و مشکلات هویتی مواجه هستند، بتوانند با تمسک به این بزرگواران در راه کسب معنویت و تعامل مناسب با خالق خود، اجتماع، خود و محیط، موفق باشند.

- دعوت از والدین جهت شرکت در جلسات اولیاومربیان، به منظور هماهنگی بین مدرسه و خانه، برای تحقق اهداف آموزش و تفویض مسئولیت در مدرسه و خانه به دانش-آموزان.
- آموزش مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری به دانش‌آموزان، به صورت عملی و از طریق ارائه تکالیف هدفمند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- احمدی آخوومه، محمد (۱۳۹۱). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری چندبعدی، بر مبنای متون اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- احمدی آخوومه، محمد و سوسن سهامی و ژاله رفاهی و بابک شمشیری (۱۳۹۲). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه‌ی مسئولیت‌پذیری چندبعدی بر مبنای متون اسلامی»، فصلنامه علمی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، (۲) ۱۳، ۹۹-۱۱۱.
- احسانی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «سبک زندگی امام علی علیه السلام و خانواده در معیشت». قم: زائر آستانه مقدسه.
- ارباب، جواد و سید رضا حسینی و محمدجواد توکلی (۱۳۹۹). «تحلیل رویکردها و نشانه‌های معنویت در گفتمان اقتصادی با رویکرد اسلامی»، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۳۳) ۹، ۲۲۲-۱۹۷.
- ارباب سیر، منیژه و حسنعلی بختیار نصرآبادی و جهانبخش رحمانی (۱۴۰۰). «واکاوی تربیت زیست‌محیطی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی». فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۱۷) ۹، ۶۴-۳۳.
- ایراندوست، محمدحسین (۱۳۹۷). «چیستی معنویت و سیر معناپذیری آن در غرب»، فصلنامه فلسفه دین، (۲) ۱۵، ۵۲۷-۵۴۸.
- ایرنا (۱۳۹۸). «مسئولیت‌پذیری، کوله‌ای که نسل جدید به دوش نمی‌کشد»، ایرنا، لینک خبر: <https://irna.ir/xjvNcW>
- بابایی، رضا (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی معنویت»، حصون، (۱۶).
- باقری، خسرو (۱۳۷۴). «نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی». تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). «درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران»، جلد ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام /... مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی و دیگران ۱۰۵

بخشی، حسوین (۱۳۸۸). «بررسی میزان اثربخشی مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی، بحران هویت دانش‌آموزان دختر متوسطه شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

جامعی، زلیخا (۱۳۹۹). «بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان»، پژوهش‌نامه اورمزد، (۲) ۵۱، ۱۶۲-۱۷۸.

جعفری، رضا حبیب‌الله زارعی (۱۴۰۰). «تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه»، فصلنامه مدیریت نظامی، (۸۱) ۲۱، ۹۵-۱۳۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). «گستره دین». قم: اسراء.

حبیبی‌سی‌سرا، مرتضی (۱۳۹۸). «بررسی و نقد مولفه‌های معنویت پساتجددی از منظر معنویت اسلامی»، فصلنامه آیین حکمت، (۴۰) ۱۱، ۳۱-۵۶.

حسینی قمی، طاهره (۱۳۹۱). «مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان». مجله رشد آموزش. (۲) ۸، ۱۶-۱۹.

حقیقی، محمدعلی و فائزه حیدری و معصومه کاظمی (۱۳۹۱). «معنویت، شادی و محیط کار»، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، (۱۰) ۳، ۱۲۹-۱۵۰.

حمده، مصطفی و شهریار شهیدی، (۱۳۸۹). «اصول و مبانی بهداشت روانی»، چاپ چهارم. تهران: سمت.

حیدریه زاده، سمانه سادات (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان یزد»، پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، (۳۳) ۴، ۴۱-۵۶.

داداشی کلایی، فاطمه و حجت صفار حیدری و حکیمه سادات شریف‌زاده، (۱۳۹۷). «اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۴۱) ۲۶، ۱۵۵-۱۸۰.

داودی، محمد و سیدعلی حسینی‌زاده (۱۳۸۹). «سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)». تهران: سمت.

دودمان، پروانه (۱۳۹۷). «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر، سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴»، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، (۴) ۱۲، ۵۱-۶۰.

دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). «سبک زندگی پیامبر اعظم ﷺ». قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه).

رحمانیان، مهدیه و مهدیه معین صمدانی و محمد اورکی (۱۳۹۶). "تأثیر معنویت‌درمانی گروهی بر بهبود امید به زندگی و سبک زندگی بیماران مبتلا به سرطان سینه"، نشریه مشاوره کاربردی، ۷(۱)، ۱۱۴-۱۰۱.

رستمیان، محمدعلی (۱۳۹۳). "مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام"، پژوهشنامه حکمت اهل بیت علیهم‌السلام، ۱(۲)، ۵۰-۳۱.
رعیتی، علیرضا و نیلا علمی‌منش (۱۳۹۶). "بررسی عوامل مؤثر در جذب به نماز و مسجد در مدرسه، از دیدگاه دانش‌آموزان"، اولین همایش بین‌المللی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلام.

روزنامه آفتاب یزد (۱۳۹۹). "دانش‌آموزان بی‌مسئولیت، روزنامه آفتاب یزد"، لینک خبر: <https://b2n.ir/d47906>

ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۹۹). "بررسی عوامل اجتماعی دخیل در گرایش به عرفان‌های نوظهور"، بهداشت معنوی، لینک خبر: <https://b2n.ir/y19568>
سام آرام، عزت‌الله و جعفر هزار جریبی و محمد مهدی فداکار و محمدتقی کرمی و محمد مهدی شمسایی (۱۳۹۲). "سلامت معنوی؛ چارچوب، محدوده و مؤلفه‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلام"، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱-۲۶.

سبحانی نژاد، مهدی و حسن نجفی (۱۳۹۳). "تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی"، سراج منیر، ۵(۱۶)، ۱۵۱-۱۷۰.

سلطانی بابوکانی، مریم و محمدباقر رضاعلی (۱۳۹۱). "بررسی موانع و عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به نماز"، همایش منطقه‌ای نماز، از محراب تا معراج.

سند تحول بنیادین (۱۳۹۰). «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شریفی دوست، حمزه (۱۳۹۱). "سبک زندگی غربی، بستر گرایش به عرفان‌های نوظهور"، سایت گرداب، لینک خبر: <https://b2n.ir/n16440>

شفیعی، صابر و فرامرز علیدادی و صغری زاده صفری (۱۴۰۰). "بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان"، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۳(۶)، ۶۶-۷۴.

شهیدی، شهریار و سعیده فرج‌نیا (۱۳۹۱). "ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «سنجش نگرش معنوی»"، روان‌شناسی و دین، ۵(۳)، ۹۷-۱۱۵.

تأثیر آموزش سیره تربیتی معصومین علیهم السلام /... مهدی ابوالقاسمی نجف آبادی و دیگران ۱۰۷

شیخ قمی، مریم (۱۳۹۶). "رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث"، پژوهش‌های معنوی، آدرس اینترنتی: <https://b2n.ir/w10930>

صالحی متعهد، زهرا و هاجر باختری، و زهرا سادات سیدین (۱۳۹۹). "واکاوی مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی در کتب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه"، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۸(۱۵)، ۱۶۵-۱۸۹.

عسکری وزیری، علی و حسن زارعی متین (۱۳۹۱). "هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه‌های دینی"، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱(۳)، ۶۳-۹۰.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). "جایگاه معنویت در الهیات اسلامی"، سایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، لینک مطلب: <https://b2n.ir/z26554>

فقیهی، علی نقی (۱۳۹۸). "معنویت در اسلام در مقایسه با دیدگاه روانشناسی معاصر"، نشریه مطالعات معنوی، ۷(۲۵)، ۳۷-۶۴.

گودرزی، اکرم و نیکو دیالمه و زهرا احمدی زمانی (۱۳۹۸). "تبیین عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، براساس رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) با تأکید بر نقش مدرسه"، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۶۵-۹۸.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). «بحار الانوار». بیروت: موسسه الوفاء.

مجیدپورخویی، محمد و محسن ایمانی نایینی و علی محبی (۱۳۹۸). "تبیین اهداف تربیت اسلامی نوجوانان با رویکرد مسئولیت‌پذیری"، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷(۴۵)، ۱۹۶-۱۷۱.

محمدپناه، امیرحسین و لادن نصری (۱۳۹۳). "معنویت‌شناسی سازمانی و راهکارهای تعالی آن با تأکید بر آموزه‌های دینی"، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۱(۲۸)، ۵۱-۶۹.

محمدنژاد، حبیب و صدیقه بحیرایی و فائزه حیدری (۱۳۸۸). "مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام"، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۲)، ۹۶-۱۱۶.

مدرکی، فاطمه (۱۴۰۰). "نقش دین در معنویت، تطبیق دیدگاه اسلام و روانشناسی"، پژوهشنامه اورمزد، ۵۷(۲)، ۴-۲۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). «انسان و ایمان»، چاپ سی و هفتم. تهران: صدرا.

وست، ویلیام (۱۳۸۸). «روان‌درمانی و معنویت»، ترجمه شهریار شهیدی و سلطان‌علی شیرافکن. تهران: رشد.

- Everri, M., Mancini, T., & Fruggeri, L. (2015). Family functioning, parental monitoring and adolescent familiar responsibility in middle and late adolescence. *Journal of Child and Family Studies*, 24(10), 3058-3066.
- Fishman, E. J. (2014). With great control comes great responsibility: The relationship between perceived academic control, student responsibility, and self-regulation. *British Journal of Educational Psychology*, 84(4), 685-702.
- Larmar, S., & Lodge, J. (2014). Making sense of how I learn: Metacognitive capital and the first-year university student. *International Journal of the First Year in Higher Education*, 5(1), 93-105.
- Macaskill, A. & Denovan, A. (2013). Developing autonomous learning in first year university students using perspectives from positive psychology. *Studies in Higher Education*, 38(1), 124-142.
- McNeely CA, Nonnemaker JM, Blum RW. (2002). Promoting school connectedness: evidence from the National Longitudinal Study of Adolescent Health. *J Sch Health*. 72(4),138-46. doi: 10.1111/j.1746-1561.2002.tb06533.x. PMID: 12029810.
- Pong, H.-K. (2021). The cultivation of university students' spiritual wellbeing in holistic education: longitudinal mixed-methods study, *International Journal of Children's Spirituality*, 26(3), 99-132, DOI: 10.1080/1364436X.2021.1898344
- Pong, H.-K. (2017). The relationship between the spiritual well-being of university students in Hong Kong and their academic performance, *International Journal of Children's Spirituality*, 22(3-4), 329-351, DOI: 10.1080/1364436X.2017.1382453
- Romi, Shlomo., Lewis, Ramon., & J. Katz Yaacov. (2009). Student responsibility and classroom discipline in Australia, China, and Israel, Compare: *A Journal of Comparative and International Education*, 39(4), 439-453, DOI: 10.1080/03057920802315916
- Rodríguez-Gómez, S., López-Pérez, M. V., Garde-Sánchez, R., & Arco-Castro, L. (2022). Increasing the commitment of students toward corporate social responsibility through higher education instruction. In the *International Journal of Management Education*, 20(3), 100710, <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2022.100710>
- Soilemetzidis, I., Bennett, P., Buckley, A., Hillman, N., & Stoakes, G. (2014). *The HEPI-HEA Student Academic Experience Survey 2014*. Retrieved from <http://libconnect.ku.ac.ae/login?url=http://search.ebscohost.com/login.aspxdirect=true&db=eric&AN=ED561393&site=eds-ive&scope=site>
- Stupnisky, R. H., Renaud, R. D., Daniels, L. M., Haynes, T. L., & Perry, R. P. (2008). The interrelation of first-year college students' critical thinking disposition, perceived academic control, and academic achievement. *Research in Higher Education*, 49, 513-530.
- Torre Gibney, Daniela., Preston, Courtney., A. Drake, Timothy., Goldring, Ellen., & Cannata, Marisa. (2017). Bringing Student Responsibility to Life: Avenues to Personalizing High Schools for Student Success. *Journal of Education for Students Placed at Risk (JESPAR)*, 22(3), 129-145, DOI: 10.1080/10824669.2017.1337518
- Van der Vis-Sietsma, Y., de Man-van Ginkel, J. M., & van Leeuwen, R. R. (2019) The impact of a practice-based educational strategy on the development of

- spiritual competencies of nursing students. *Journal for the Study of Spirituality*, 9(1), 32-48, DOI: 10.1080/20440243.2019.1581370
- Van Rensburg, A. B.-R. J. (2020). Introducing the South African Spirituality Scale (SASS): measuring spirituality among medical students in a heterogeneous clinical environment, *Mental Health, Religion & Culture*, 23(3-4), 245-262, DOI: 10.1080/13674676.2020.1741529
- West, W. (2000). *Psychotherapy & spirituality: Crossing the line between therapy and religion*. Sage. London.
- Zohar, D., Marshal, I. (2000). *SQ-spiritual intelligence, the ultimate intelligence*, London: Bloombury.

ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در دوره ابتدایی^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

سحر کارگو خوش^۲

زهرا طالب^۳

زینب گلزاری^۴

DOI: 10.30497/esi.2024.245683.1737



چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی انجام شد. روش پژوهش ترکیبی از دو روش اکتشافی و متوالی بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در بخش کیفی ۱۱ تن از خبرگان دانشگاهی و مدیران برنامه‌ریزی درسی و در بخش کمی معاونان و مربیان پرورشی مناطق ۱۹ گانه شهر تهران به تعداد ۲۲۸۴ نفر بود. در بخش کیفی، نمونه‌گیری هدفمند و براساس اصل اشباع و در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۳۰ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای نمونه‌گیری شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، پرسشنامه بسته‌ای بود که با استناد به نتایج بخش کیفی تدوین شد. روایی و پایایی در بخش کیفی با بررسی قابلیت‌های اعتبار، انتقال، اعتماد و تصدیق و محاسبه شاخص‌های ثبات و تکرارپذیری نیز تأیید شد. در بخش کمی نیز روایی سازه و پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، به روش تحلیل مضمون با استناد به رویکرد آتراید- استرلینگ و در بخش کمی، تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزار لیزرل انجام شد. یافته‌های بخش کیفی نشان داد، الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی، ۳۵ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان‌دهنده شامل اهداف، منابع روایت‌گری، محورهای روایت‌گری، اجزاء بازی، طراحی و شخصی‌سازی است و یافته‌های بخش کمی نشان داد، برازش الگوی مذکور، مناسب است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بازی‌وارسازی ابزار مناسبی برای استفاده در تربیت دینی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی است و با استناد به مضامین شناسایی شده، می‌توان نسبت به طراحی یک بازی در این راستا اقدام نمود.

واژگان کلیدی: بازی‌وارسازی، تربیت دینی، دوره ابتدایی، یادگیری.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی» دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب است.

۲. دکتری برنامه‌ریزی درسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. saahaar_kargar@yahoo.com

۳. استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

z-taleb@azad.ac.ir

۴. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z_golzari@azad.ac.ir

بیان مسئله

رویکردها و تکنیک‌های یادگیری در پنج دهه اخیر با پیشرفت قابل ملاحظه‌ای همراه بوده است. نخستین تحولات ایجادشده در نظام آموزش و یادگیری، شامل استفاده از روش‌های مبتنی بر روان‌شناسی برای نهادینه‌سازی مفاهیم درسی در ذهن یادگیرندگان بود. در ادامه برای ایجاد کلاس‌های درس پویا از فناوری استفاده شد؛ سپس از فناوری برای انتقال مفاهیم درسی از راه دور استفاده شد و در نهایت، فناوری برای ایجاد محتوا به کار گرفته شد (Krittanawong et al, 2021). یکی از آخرین کاربردهای فناوری در حوزه آموزش، استفاده از بازی‌وارسازی^۱ است. امروزه بحث بازی به‌ویژه بازی‌های آموزشی، مورد توجه بسیاری از مدارس و مؤسسات آموزشی قرار گرفته است (Santos et al, 2022).

واژه بازی‌وارسازی برای اولین بار در سال ۲۰۰۸، پدیدار شد و از سال ۲۰۱۰ گسترش فزاینده‌ای پیدا کرد. بازی‌گونگی، بازی‌کاری، بازی‌پردازی و بازی‌سازی سایر معادل‌سازی‌های انجام‌شده برای این مفهوم هستند، اما با توجه به تعاریفی که از این واژه وجود دارد، بازی-وارسازی مناسب‌ترین معادل برای اصطلاح انگلیسی آن است که به معنای استفاده از نمادهای بازی به منظور پیشبرد اهداف در محیطی جدی است که در آن حرفی از بازی وجود ندارد. عناصر بازی شامل سطوح، امتیازها، نشان‌ها، تابلوهای رهبر، آواتارها، مأموریت‌ها، نمودارهای اجتماعی یا گواهی‌ها است. بسیاری از محققان، به استفاده از «مکانیک، زیبایی‌شناسی، تفکر بازی مبتنی بر بازی برای درگیر کردن افراد، ایجاد انگیزه در عمل، ترویج یادگیری و حل مشکلات» اشاره کرده‌اند (Dakroub et al, 2022). مفهوم بازی‌وارسازی برای افزایش درگیری دانش‌آموزان مطرح شد. این روش در ابتدا برای درگیرسازی مشتریان در حوزه کسب‌وکار معرفی شد، اما به سرعت وارد حوزه آموزش شد. بازی‌وارسازی به‌عنوان به‌کارگیری عناصر معمولی بازی (مانند امتیازدهی، رقابت با دیگران، قوانین بازی) در سایر زمینه‌ها تعریف می‌شود (Behl, 2023). اخیراً، بازی‌وارسازی با استفاده از پلتفرم‌ها یا برنامه‌های کاربردی برای بهره‌گیری از تجربیات مثبت بازی در راستای یک هدف جدی، مثل آموزش یا تغییر رفتار، در زمینه آموزش دانش‌آموزان به کار گرفته می‌شود (Van Gaalen, 2021).

1. Gamification.

یکی از حوزه‌های مغفول در کاربرد مزایای بازی‌وارسازی، حوزه تربیت دینی است. تربیت دینی به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که هدف همه آنها رشد و پرورش شناخت‌ها، باورها، صفات و رفتارهای بنیادین مطلوب اسلام در مرتبی است که پایه و اساس دیگر شناخت‌ها، باورها، صفات و رفتارهای دینی را تشکیل می‌دهند (داودی، ۱۴۰۲). مراد از تربیت دینی به‌طور اعم، این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به‌گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح‌شده در قرآن شریف و روایات، همگونی داشته باشد و نهایتاً آن‌گونه شود که بتوان او را مسلمان، به معنای واقعی کلمه، دانست. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود. تربیت دینی به‌طور اخص، این است که از میان همه ابعاد تربیتی، بیشتر به رشد معنوی و اعتقادی توجه می‌کند (اقدامی، شرفی، حسینی و سجادی، ۱۴۰۰). پس هدف از تربیت دینی فقط انتقال مباحث دینی به افراد نیست، بلکه تلاش می‌شود در مسیر انسان‌سازی برای تعالی در همه زمینه‌های جسمانی، عقلانی و روانی گام برداشته شود و در این راستا، بسترهای تربیتی نظیر مدرسه با تمامی کنشگران آن در فرایندی پویا و ارزش‌گذار نقش دارند (شاکری‌صفت، حاج حسینی و خدایاری فرد، ۱۴۰۲).

در کشورهای اسلامی مانند ایران، تربیت دینی از جایگاه مهمی در برنامه‌ریزی آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی برخوردار است. به دلیل بافت فرهنگی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه، تربیت دینی یکی از دروس مورد توجه متولیان آموزش و پرورش کشور است (اقدامی و دیگران، ۱۴۰۰). در این راستا، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام آموزشی کشور، چیستی و چگونگی تولید و عرضه محتوای آموزشی دینی و قرآن و برنامه‌ریزی برای انتقال صحیح محتوای یادشده به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی است؛ چراکه دوران ابتدایی مهم‌ترین مرحله در راستای شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان است. وانگهی، بنا بر نظر کارشناسان امر، این دوران بهترین زمان برای انس بیشتر دانش‌آموزان با متون دینی و قرآن کریم است (اشرفی سلطان احمدی، کیهان، ملکی و یاری، ۱۴۰۰).

علی‌رغم حجم گسترده و تلاش‌های بسیاری که با تکیه بر فناوری برای تربیت دینی نسل نوجوان انجام شده است، همچنان خلأ روشی جامع در این خصوص، احساس می‌شود. به نظر می‌رسد، بازی‌وارسازی بتواند به شکل مؤثری در آموزش و تربیت دینی مورد استفاده

قرار گیرد. آموزش‌های بازی‌وار بسیار سرگرم‌کننده، ساده، قابل فهم، قابل جابجایی، بدون محدودیت زمانی، بدون محدودیت مکانی و بدون محدودیت فردی است. استفاده از عناصر بازی در محیط‌های آموزشی، انگیزه افراد را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد و منجر به بهبود مشارکت و همکاری افراد می‌شود (Dichev et al, 2020). با وجود این، به دلیل وجود ضعف در مباحث نظری و فقدان یک الگوی جامع که در آن تمامی عناصر تخصصی مربوط به طراحی بازی‌وارسازی و نیز اهداف و روش‌های تربیت دینی لحاظ شده باشد، مانعی بزرگ در مسیر دستیابی به این ابزار توانمند (بازی‌وارسازی) در این زمینه است. شایان ذکر است در تربیت دینی، رویکردهای مختلفی وجود دارد و از آنجاکه تربیت دینی در نظام آموزش کشور جایگاه ویژه‌ای دارد، تبیین یک رویکرد مطلوب بسیار ضروری است. انواع رویکردهای مطرح‌شده در این زمینه، عبارتند از: رویکرد مبتنی بر عادت (پاپازاده و هاشمی، ۱۳۹۳)، رویکرد مبتنی بر عقل (معرفت) (Feinberg, 2003)، رویکرد مبتنی بر شهود (تجربه‌گرایی) (Monsma, 2003)، رویکرد زیبایی‌شناسانه (باقری، ۱۳۹۲)، رویکرد معنویت‌گرا (نظری، ۱۳۹۷)، رویکرد مکانیستی (اولسون و هرگنهان، ۱۴۰۱)، رویکرد فطرت‌گرا (تجاری‌مقدم، امینخندقی و سیدجواد قندیلی، ۱۳۹۹)، رویکرد ایمان‌گرا (پترسون، ۱۴۰۰)، رویکرد کمال‌گرا (فیاض و شرفی، ۱۳۹۹)، رویکرد عملی تبیینی انتقادی (حاج‌حسینی، ۱۳۹۳)، رویکرد نتیجه‌گرا (Darwall, 2003) و رویکرد تکلیف‌گرا (وظیفه‌گرا) (جوادی آملی، ۱۴۰۱).

مطالعات مرتبط نشان می‌دهند، رویکرد نتیجه‌گرا، رویکردی غالب در تربیت دینی مدارس کشور است که به دلیل تأکید صرف آن بر عینیت و ظواهر، مانع از کسب تجربیات سازنده یادگیری در زمینه تربیت دینی شده و انحراف جدی از اهداف والای آن را موجب شده است (موحدی محصل طوسی، مهرمحمدی، صادق‌زاده قمصری و نقی‌زاده ۱۳۹۲). اما در الگوهای موجود در متون اسلامی، رویکرد تکلیف‌گرا که بر انسان‌شناسی مبتنی بر اراده و اختیار انسان و نگاه وظیفه‌ای به انجام کارها استوار است (کشاورز، ۱۳۸۷؛ هزاوه‌ای و سلطانی بیرامی، ۱۳۹۴)، می‌تواند جهت استخراج استلزام‌های برنامه تربیت دینی در سیستم آموزشی، مورد استفاده قرار گیرد.

بر مبنای بررسی‌های صورت‌گرفته در الگوهای موجود در متون اسلامی، رویکرد تکلیف‌گرا که بر انسان‌شناسی مبتنی بر اراده و اختیار انسان و نگاه وظیفه‌ای به انجام کارها استوار است (کشاورز، ۱۳۸۷؛ هزاوه‌ای و سلطانی بیرامی، ۱۳۹۴) و یک رویکرد موردقبول در منابع اسلامی در جهت‌بخشی به رفتار و حیات انسان به‌شمار می‌رود، می‌تواند جهت استخراج استلزام‌های برنامه تربیت دینی در سیستم آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. تکلیف‌گرایی در دیدگاه اسلام حامل این پیام است: «تو عمل کن، خداوند نتیجه را فراهم می‌کند؛ خداوند بر عمل تو حاضر و ناظر است و اگر بخواهد، آن را به بار می‌نشانند.» به این ترتیب، نتیجه در دل تکلیف نهفته است و تربیت از طریق تکلیف‌گرایی می‌تواند زمینه‌های رشد مثبت و تحول کمالی‌متربی را فراهم ساخته و او را در مسیر قرب الهی و کمال بایسته یاری دهد؛ در واقع تربیت فرایندی است که به خداگونگی انسان و یافتن شایستگی عنوان خلیفه‌الهی آدمی منجر می‌شود (وقاری زمهریر، امین خندقی، سعیدی رضوانی و موحدی، ۱۳۹۵). به بیانی دیگر، تکلیف‌گرایی به معنای توجه به عمل و حرکت به سوی انجام اوامر خداوند (تکالیف) و کسب رضایت او در پرتو انجام تکالیف است. تعیین تکلیف برای انسان به جهت تبیین جایگاه و تکریم مقام انسانی او است. فریادی که از فطرت و هویت بشری هرکس برمی‌آید، استغاثه به تکلیف الهی است. با چنین حالتی، حکمت وجودی تکلیف که همان غایت اصلی خلقت انسان، یعنی آیینۀ تمام‌نمای حق و مخزن محبت خداوندگار شدن است، آشکار می‌شود. با این نگاه، تکلیف وصول به حق و نماد اعتلای آدمی است. کوشش صحیح فرد در مسیر عمل به تکلیف، همان حق است؛ خواه نتیجه حاصل بشود یا نشود. در تکلیف‌گرایی، مکلف موفقیت خود را در انجام تکلیف و برحق عمل کردن و حق بودن می‌داند و این مهم با انجام تکلیف به دست می‌آید (جوادی آملی، ۱۴۰۱).

مطالعه دین در زمینه بازی و بازی‌وارسازی، جالب است؛ زیرا در تاریخ جوامع انسانی در مقیاس بزرگ، هیچ دوره زمانی وجود ندارد که دین در آن حضور نداشته باشد (Harari, 2014).

نظریه‌پردازان مدت‌هاست که بازی را پارادایم‌های برای دین پیشنهاد کرده‌اند (Miller, 1970؛ Harskamp et al, 2006؛ Droogers, 2014؛ Fink, 2016).

(Vondey, 2018). بازی، به‌ویژه در زمینه آیین‌های مذهبی، بسیار مفهوم‌سازی شده است. اکنون با برجستگی روزافزون بازی برای سرگرمی، مشاهده می‌شود که در سطوح مختلف، بین سیستم‌های مذهبی و بازی‌های ویدیویی تعامل وجود دارد؛ مثلاً، مراسم تشییع جنازه مذهبی سازمان‌دهی شده در فضای دیجیتال بازی‌ها (Servais, 2015)، ارائه ایده‌های مذهبی در بازی‌های ویدیویی (De Wildt & Aupers, 2021) و سیستم‌های اعتقادی جدید الهام‌گرفته از بازی‌های ویدیویی که شبیه دین هستند (Alderton, 2014). برای طراحی الگوی بازی‌وارسازی، اولین قدم انتخاب یک چارچوب صحیح و قدرتمند است که تمامی عناصر مرتبط در این زمینه را دربرداشته باشند. مهمترین این مدل‌ها در جدول (۱) ذکر شده است.

جدول ۱. مهمترین چارچوب‌های طراحی بازی‌وارسازی لندسل و هگلوند^۱ (2016)

مدل	منبع	زمینه	مؤلفه‌ها/ اجزاء
Octalysis	چو ^۲ (۲۰۱۵)	طراحی بازی‌وارسازی	رانه‌های اصلی، چپ و راست مغز، کلاه سفید و سیاه
MDA	راحی ^۳ (۲۰۱۵)	طراحی بازی	مکانیک، دینامیک، زیبایی‌شناسی
MDE	رابسون و دیگران ^۴ (۲۰۱۵)	طراحی بازی‌وارسازی	مکانیک، دینامیک، احساسات
Marczewski	مارسزوسکی ^۵ (۲۰۱۵)	طراحی بازی‌وارسازی	روح آزاد، اجتماعی‌گرا، دستاوردگرا، بشردوست، مخرب، بازیکن
SGD	رفتوپولوس ^۶ (۲۰۱۴)	طراحی بازی‌وارسازی	کشف، چارچوب‌بندی مجدد، تجسم، خلق، ارزش‌ها/ اخلاقیات، انعکاس/ عمل، درک‌کردن/ ساختن

لیو و دیگران^۷ (2016) پس از استخراج عناصر با معانی و مفاهیم مشترک، سیستمی برای طراحی بازی‌وارسازی معرفی نمودند که شامل دو دسته کلی اشیاء بازی‌وارسازی و مکانیک

1. Landsell & Hägglund.
2. Chou YK.
3. Ruhi, Umar.
4. Robson et al.
5. Marczewski.
6. Raftopoulos.
7. Liu et al.

است. اشیاء بازی‌وارسازی بلوک‌های اساسی یک سیستم بازی‌وارسازی شده هستند که معمولاً شامل آیتم‌ها، شخصیت‌ها، اسکرپت‌ها، دارایی‌های بصری و غیره می‌شوند. مکانیک بازی-وارسازی به قوانینی اشاره دارد که بر تعامل بین کاربران و اشیاء بازی حاکم است.

در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است، بازی‌وارسازی و تربیت دینی به صورت جداگانه بررسی شده‌اند؛ در واقع، در مطالعات مذکور، الگوسازی بازی‌وارسازی در زمینه‌های دیگر آموزشی مطالعه شده است و یا اثربخشی آن بررسی شده است و در زمینه تربیت دینی نیز مطالعاتی درباره استفاده از رویکردهای مختلف و یا ضرورت آن صورت گرفته است؛ مثلاً، سهیلی، عالی محمودی و عارضی (۱۴۰۲) با مطالعه نقش بازی-وارسازی در یادگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان دریافتند که استفاده از بازی-وارسازی بر یادگیری مهارت‌های ارزشیابی اطلاعات، سازماندهی اطلاعات و تبادل و اشاعه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان ایزد تأثیر معناداری دارد. ایزدی و ذوالفقاری (۱۴۰۲) نیز دریافتند که استفاده از بازی‌وارسازی بر میزان یادگیری درس علوم تجربی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی نسبت به آموزش در روش سنتی، تأثیر معنی‌داری داشته است. حسینی (۱۴۰۲) در نتایج مطالعه خود تأکید نمود که تدریس به روش بازی-وارسازی بر کیفیت تدریس معلمان (پیشرفت یادگیری، میزان شرکت در بحث و کیفیت بازخورد همسالان) تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. نتایج پژوهش برادران ماجلان (۱۴۰۱) نیز نشان داد که استفاده از بازی‌وارسازی بر باورهای خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی نسبت به آموزش در روش سنتی تأثیر معنی‌داری داشته است. فلاح تفتی، همتی، فروتنی و حکیمی (۱۴۰۱) در همین رابطه در تحقیق خود که به بررسی تأثیر بازی-وارسازی بر آموزش و یادگیری درس دانش‌آموزان پرداخت، تأکید کرده است، ایجاد محیطی شاد و جذاب که دانش‌آموزان را در امر یادگیری دخیل کند، نه تنها باعث می‌شود که یادگیری در سطوح عمیق شناختی صورت گیرد، بلکه سبب ایجاد انگیزه و خلاقیت در افراد می‌شود؛ به‌طورمشابه، امینیان (۱۴۰۰) و شکیبانیا، ولوی، صفایی مقدم و باقری (۱۴۰۰) تصریح نمودند که بازی‌وارسازی در آموزش، مؤثر بوده و موجب افزایش انگیزه فراگیران و نیز یادگیری در ایشان می‌شود. در نزدیکترین تحقیق به موضوع پژوهش حاضر، رضاداد، صالحی و موسوی (۱۴۰۰) در تحلیل محتوای انواع بازی و بازی‌وارسازی در

کتاب‌های درسی قرآن و دینی دوره ابتدایی و محتوای رسمی این دروس در اپلیکیشن شاد خاطرنشان ساخته است که کتاب‌های هدیه‌های آسمان، به جهت داشتن مؤلفه‌های بازی در مقایسه با کتاب‌های قرآن، توجه بیشتری به مؤلفه‌های بازی داشته است. نتایج بررسی و مقایسه محتوای رسمی اپلیکیشن شاد در دروس قرآن و هدیه‌های آسمان نیز بیانگر این است که محتوای رسمی شاد در درس هدیه‌های آسمان، توجه بیشتری به مؤلفه‌های بازی داشته است. همچنین در این دروس به مؤلفه‌های گیمیفیکیشن توجهی نشده است و در این زمینه به‌طور کلی، محتوای آموزشی بسیار ضعیف عمل کرده است. اشرفی و دیگران (۱۴۰۰) به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی پرداختند که مشتمل بر عناصر ده‌گانه مبتنی بر رویکرد آکر است. اقدامی و دیگران (۱۴۰۰) نیز در تبیین الگوی رویکرد معنوی به تربیت دینی در دوره دوم کودکی تأکید نمودند که اصول استنتاجی از مبانی معرفت‌شناختی بر مفاهیمی چون: الف) توجه و اهتمام به تربیت قوای حسی و خیالی کودک، ب) نمادپردازی مفاهیم دینی در قالب‌های جذاب و متنوع هنری، ج) توجه دادن کودک به معرفت‌های انفسی و حضوری د) توجه به خودکنترلی کودک برای بسترسازی فرقان استوار است. در طراحی الگوی برنامه درسی تربیت دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه نیز تأکید نمودند که اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی برنامه درسی تربیت دینی و اخلاقی باید با توجه به رویکرد جامع قرآنی تعیین شوند. کالاک^۱ (2023) در تعیین عوامل مؤثر بر پذیرش مناسب بازی‌وارسازی در مطالعات دینی مسیحیت در زمینه اقتصاد در حال توسعه دریافت که ویژگی‌های وظیفه و فناوری، آموزه‌های اقتصادی، سازمانی و فردی مسیحیت، به‌طور قابل توجهی، بر پذیرش و استفاده از برنامه‌های بازی‌سازی شده کتاب مقدس در زمینه کشور در حال توسعه تأثیر می‌گذارد. ماهاردیکها و دیگران^۲ (2023) اقدام به ساخت بازی آموزشی تعلیمات دینی اسلامی قابل اجرا بر روی سیستم اندروید برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی نمودند که ارزیابی اثربخشی آن نشان داد استفاده از بازی‌وارسازی هجی حروف در ارتقای توانایی خواندن دانش‌آموزان مؤثر است. لاتو و دیگران^۳ (2023) شباهت دین و بازی‌های فراگیر

-
1. Kolog, Emmanuel.
 2. Mahardikha, Sekhar et al.
 3. Laato Samuli e al.

را با مطالعه‌ای در بین کارکنان کلیسا و گیمرها شامل (۱) وجود قاعده، (۲) انعطاف‌پذیری و بازسازی، (۳) نمادگرایی، (۴) واقعیت گسترده و (۵) ساختار تغییرپذیر می‌دانند. در این مطالعه، آمده است که بیش از ۴۲٪ پاسخگویان معتقدند اگرچه مذهب و بازی‌های فراگیر شباهت‌های عملکردی دارند، اما از دیدگاه محتوایی فاصله زیادی دارند. بیدل^۱ (2022) در مطالعه‌ای انسان‌شناختی، چارچوب رایج در پژوهش‌های موجود درباره «بازی برای تجربه دینی» را دوباره پیکربندی می‌کند و به جای «مذهب برای تجربه بازی» مفهوم «بازی‌سازی مذهبی» را پیشنهاد می‌کند تا تخیل مجدد، بازاریابی و عملکرد دین را در تجسم مجدد آن به تصویر بکشد. آریستانا و دیگران^۲ (2021) در نتایج مطالعه خود تأکید کردند که بازی‌وارسازی، روشی مطلوب برای آموزش و تربیت دینی در ایالت بالی است. یافته‌های انور و دیگران^۳ (2018) هم نشان داد که آموزش و تربیت دینی چه به صورت رسمی و چه غیررسمی تأثیرات زیادی بر شخصیت دانش‌آموزان دارد.

براساس نکات مطرح‌شده، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی با رویکرد تکلیف‌گرا در مقاطع ابتدایی در سال ۱۴۰۲ و در مدارس ابتدایی مناطق ۱۹گانه شهر تهران انجام شد.

پرسش‌های پژوهش

۱. الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی، چگونه است؟
۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی (از دیدگاه خبرگان) کدامند؟
۳. برازش (اعتبار) الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی (گروه نمونه) چگونه است؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از منظر فلسفه پژوهش، تفسیری است؛ از لحاظ منطق اجرا ترکیبی و با راهبرد استقرایی و از بعد هدف کاربردی است؛ چراکه هدف اصلی این پژوهش شناسایی الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی است که به ایجاد دانشی عملی در زمینه تربیت دینی منجر می‌شود؛ علاوه‌براین، پژوهش حاضر از منظر جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی

1. Beadle, J. J.
2. Aristana, M. D. et al.
3. Anwar, C. et al.

است؛ چون دربردارنده توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده مرتبط با موضوع پژوهش و در فرایند آن است؛ همچنین، رویکرد مورد استفاده در پژوهش حاضر، ترکیبی (کیفی و کمی) است و در بعد کمی توصیفی از نوع پیمایشی مقطعی است؛ زیرا به دنبال کشف ماهیت شرایط موجود، رابطه میان رویدادها و چگونگی وضعیت موجود هستیم و هدف اصلی توصیف و تبیین و کشف درخصوص یک زمینه مشخص در یک دوره زمانی خاص است. در این پژوهش، ابتدا ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق مشتمل بر مفاهیم بازی‌وارسازی و تربیت دینی به صورت جامع و کامل و با تکیه بر کتب و مقالات علمی-پژوهشی معتبر مطالعه شد و پس از ایجاد درک شفاف از هدف پژوهش، اقدام به انجام مصاحبه به منظور بهره‌مندی از نظرات خبرگان (کلیه مدیران آموزشی و اساتید دانشگاه در حوزه برنامه‌ریزی درسی با سابقه بیش از ۱۰ سال) گردید. انتخاب نمونه در بخش کیفی هدفمند بود. پس از درک اشباع نظری (مصاحبه یازدهم)، فرایند مصاحبه پایان یافت و اقدام به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها براساس روش تحلیل مضمون با رویکرد آتراید و استرلینگ شد. این رویکرد شامل سه مرحله و شش گام است که عبارتند از: ۱) تجزیه و توصیف متن (آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجو و شناسایی مضامین)، ۲) تشریح و تفسیر متن (ترسیم شبکه مضامین و تحلیل شبکه مضامین) و ۳) ترکیب و ادغام متن (تدوین گزارش). در پایان این فرایند، الگوی مفهومی پژوهش ظاهر شد که پس از اعتباریابی بخش کیفی، پرسشنامه‌ای براساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های موجود در الگو، تدوین گردید که در بین حجم نمونه مربوط به بخش کمی و به روش طبقه‌بندی تصادفی توزیع شد. جامعه آماری بخش کمی، ۲۲۸۴ از معاونین و مربیان پرورشی مناطق ۱۹ گانه شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بودند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۰ تن از ایشان انتخاب شدند. داده‌های این مرحله به منظور سنجش برازش مدل نهایی پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزار لیزرل^۱ تجزیه و تحلیل شد. چهار معیار ارزیابی برای تحقیقات کیفی وجود دارد که عبارتند از: قابلیت اعتبار، قابلیت

۱. لیزرل، محصول نرم‌افزاری است که به منظور برآورد و آزمون مدل‌های معادلات ساختاری طراحی و به بازار عرضه شده است. این نرم‌افزار با استفاده از همبستگی و کوواریانس اندازه‌گیری شده، می‌تواند مقادیر بارهای عاملی، واریانس‌ها و خطاهای متغیرهای مکنون را برآورد یا استنباط کند (Viera, 2011).

انتقال، قابلیت اعتماد و قابلیت تصدیق؛ برای اعتبارپذیری، حفظ آزادی عمل در فرایند انجام مصاحبه، انتخاب افراد خبره در زمینه تربیت دینی برای انجام مصاحبه و رعایت اصول اخلاقی؛ برای انتقال‌پذیری، استفاده از مشاوره کارشناس تحلیل مطالعات کیفی؛ برای تصدیق‌پذیری، مکتوب نمودن نظرات مصاحبه‌کنندگان برای پرهیز از جهت‌گیری و برای اعتماد‌پذیری، تدوین نقشه راه برای هدایت جریان مصاحبه جهت جلوگیری از هرگونه پراکنده‌گویی. پس از اتمام مصاحبه‌ها، دو شاخص کنترل کیفیت پایایی محاسبه گردید. بدین منظور از میان کل مصاحبه‌ها، چند مورد به صورت تصادفی انتخاب و دو فرد مختلف هرکدام از آنها را دوباره در یک دوره زمانی کوتاه و مشخص (ده روزه) کدگذاری کردند. مقادیر شاخص ثبات ۰.۸۱ و شاخص تکرارپذیری ۰.۹ نشان از کیفیت مطلوب یافته‌های بخش کیفی داشتند. شایان ذکر است، از آنجاکه شاخص‌های روایی محتوایی (CVR= 0.62) و (CVI= 0.79) و ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۴ گزارش گردید، روایی و پایایی پرسشنامه بخش کمی نیز تأیید شد. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان بخش کیفی و کمی به شرح جدول (۲) و (۳) است.

جدول ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان بخش کیفی

متغیر	جنسیت	شغل	سن		تحصیلات		سابقه کاری		گروه‌بندی
			بیش از ۴۵ سال	کمتر از ۳۵ سال	کارشناسی	کارشناسی ارشد	بیش از ۱۵ سال	کمتر از ۵ سال	
تعداد	۲۱۴	۱۱۶	۲۴۴	۸۶	۱۹۲	۹۷	۱۱۳	۳۸	
درصد فراوانی	۶۵٪	۳۵٪	۷۴٪	۲۶٪	۵۸٪	۳۰٪	۳۴٪	۱۲٪	

جدول ۳. مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخگویان بخش کمی

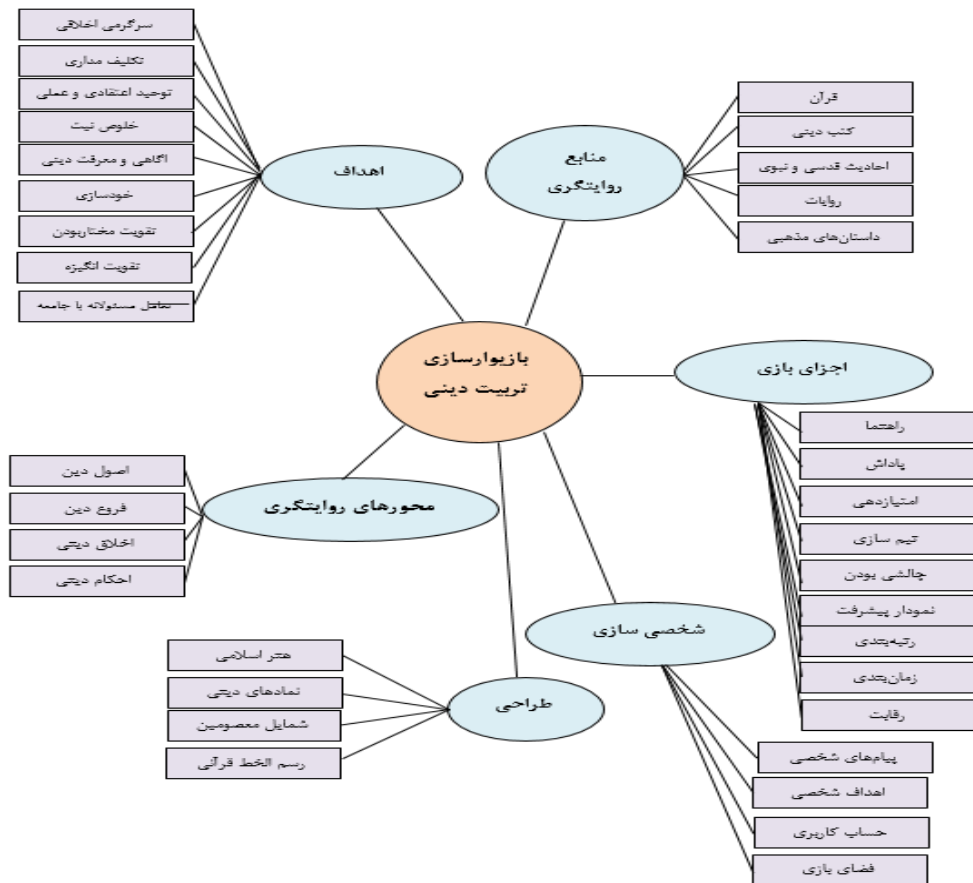
متغیر	جنسیت	سن	تحصیلات		سابقه کاری	گروه‌بندی
			بیش از ۴۵ سال	کارشناسی دکتری		
تعداد	۲	۲	۸	۹	۵	
	۹	۱	۲	۲	۲۰	

یافته‌های پژوهش

پس از مطالعه چندین باره متن مصاحبه‌ها و آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه داده‌ها انجام شد.

سپس با ایجاد فهرستی از کدهای اولیه در مجموعه داده‌ها، کدهای مختلف در قالب مضامین سازمان‌دهنده مرتب شدند. در مرحله نهایی، دسته‌بندی، بایگانی و حذف موارد تکراری صورت گرفت (نتایج این بخش در جدول ۳ آمده است) و شبکه مضامین پژوهش براساس یافته‌ها ترسیم شد. در این مرحله با مرور پرسش‌های پژوهش، پاسخ آنها ذکر می‌شود.

پرسش اول: الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی چگونه است؟
 الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی شامل شبکه مضامین است که در نمودار (۱) نمایش داده شده است؛ براین اساس، الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی شامل یک مضمون فراگیر، شش مضمون سازمان‌دهنده و ۳۵ مضمون پایه است.



نمودار ۱. شبکه مضامین پژوهش

پرسش دوم: مؤلفه‌ها و شاخص‌های بازی‌وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی (از دیدگاه خبرگان) کدامند؟

مؤلفه‌های بازی‌وارسازی تربیت دینی شامل مضامین سازمان‌دهنده و شاخص‌های بازی‌وارسازی تربیت دینی شامل مضامین پایه است که در جدول (۴) به تفکیک آمده است.

جدول ۴. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر (مفهوم)	مضمون سازمان‌دهنده (مؤلفه)	مضامین پایه (شاخص)
	اهداف	سرگرمی اخلاقی، شناخت و عمل به وظیفه، توحید اعتقادی و عملی، خلوص نیت، آگاهی و معرفت، تقویت مختار بودن، خودسازی، تقویت انگیزه، تعامل مسئولانه با جامعه
بازی‌وارسازی تربیت دینی	محورهای روایتگری	اصول دین، فروع دین، اخلاق دینی، احکام وضعی دینی
	منابع روایتگری	قرآن، کتب دینی، احادیث قدسی و نبوی، روایات، داستان‌های مذهبی
	اجزای بازی	راهنما، پاداش، امتیازدهی، تیم‌سازی، چالشی‌بودن، نمودار پیشرفت، رتبه‌بندی، زمان‌بندی، رقابت
	شخصی‌سازی	حساب کاربری، فضای بازی، اهداف شخصی، پیام-های شخصی
	طراحی	هنر اسلامی، نمادهای دینی، شمایل معصومین، رسم‌الخط قرآنی

براین اساس، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی بازی‌وارسازی عبارتند از:

۱. مؤلفه «اهداف» شامل نه شاخص سرگرمی اخلاقی، شناخت و عمل به وظیفه، توحید اعتقادی و عملی، خلوص نیت، آگاهی و معرفت دینی، خودسازی، تقویت مختار بودن، تقویت انگیزه، تعامل مسئولانه با جامعه است. این مؤلفه و شاخص‌های آن بر نتایج بازی-وارسازی تربیت دینی تأکید می‌کند؛ درواقع، این مؤلفه تأکید می‌کند که به‌کارگیری بازی-وارسازی تربیت دینی می‌باید منجر به پیامدهای نه‌گانه مذکور شود. از منظر تربیت دینی و اخلاقی که بسیار درهم تنیده‌اند، در هر فعالیت، از جمله بازی که با هدف سرگرمی صورت

گیرد، می‌باید شاخص‌های اخلاقی رعایت شود. مهمترین کارکرد یک بازی برای تربیت دینی باید شناساندن دین و فرایض آن باشد؛ به نحوی که افراد برای انجام وظایف دینی تلاش کنند؛ همچنین، هدف غایی تربیت دینی باور به وحدانیت خداوند است که در بازی‌وارسازی تربیت دینی نیز باید به آن توجه شود؛ علاوه بر این، تربیت دینی باید منجر به بهبود شناخت یک فرد از خود شود که این امر در بازی‌وارسازی تربیت دینی نیز محقق شود؛ همچنین لازم است، انجام بازی انگیزه فرد را بهبود دهد؛ به طوری که وی به صورت داوطلبانه در جهت انجام وظایف دینی و کسب رضایت خدا گام بردارد و در نهایت، از آنجاکه در تمامی دستورالعمل‌های دین اسلام بر توجه به اجتماع تأکید ویژه‌ای شده است، بازی‌وارسازی تربیت دینی باید به بهبود تعامل فرد با جامعه منجر شود.

۲. مؤلفه «محورهای روایتگری» شامل چهار شاخص اصول دین، فروع دین، اخلاق دینی، احکام وضعی دینی است. آنچه که در خصوص تربیت دینی باید به مرتبی آموزش داده - شود، مشتمل بر چهار مورد مذکور است؛ اصول دین مشتمل بر توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت، فروع دین مشتمل بر اعمال ده‌گانه‌ای است که مسلمانان شیعه باید به انجام برسانند؛ شامل نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، توکی و تبری؛ اخلاق دینی عبارت است از: ارزش‌های رفتاری و حدود ارزشمندی افعال که با وحی و منابع دینی شناخته می‌شود و در نهایت، احکام وضعی عبارت است از: حکم وضعی که مستقیماً به افعال مکلفین تعلیق نمی‌گیرد. اصولین متأخر هرچه را در تعبیرات اصولی، فقهی و شرعی حکم بگویند و جزو احکام خمسۀ تکلیفیه نباشد، حکم وضعی می‌نامند؛ از قبیل شرطیت، مانعیت، علیت، علامت، رخصت، عزیمت، زوجیت، ملکیت، حجیت، ولایت و غیره.

۳. مؤلفه «منابع روایتگری» شامل پنج شاخص قرآن، کتب دینی، احادیث قدسی و نبوی، روایات و داستان‌های مذهبی است. تمامی بازی‌ها بر محور یک داستان استوارند؛ بهترین منابع برای دستیابی به زمینه و داستان اصلی بازی در بازی‌وارسازی تربیت دینی، استفاده از منابع دینی است. قرآن کریم، احادیث قدسی (که از طرف پروردگار هستند) و احادیث نبوی (که قول رسول مکرم اسلام است)، روایات که از سوی مراجع نامشخصی نقل می‌شوند و تمامی داستان‌های مذهبی که در فرهنگ اسلامی وجود دارند، بهترین منابع هستند.

۴. مؤلفه «اجزای بازی» شامل نه شاخصِ راهنما، پاداش، امتیازدهی، تیم‌سازی، چالشی‌بودن، نمودار پیشرفت، رتبه‌بندی، زمان‌بندی و رقابت است. در طراحی بازی‌وارسازی باید به اجزا توجه شود. منظور از راهنما وجود یک دستورالعمل یا فردی است که طریقه انجام بازی را شرح می‌دهد. بازیکنان پس از انجام موفقیت‌آمیز بازی، پاداش دریافت می‌کنند. لازم است که سیستمی برای ثبت و نمایش امتیازات وجود داشته باشد تا روند بازی برای بازیکنان یا سایرین مشخص شود. امکان بازی گروهی در قالب تیم‌سازی فراهم می‌شود و نمودار پیشرفت نشان‌دهنده وضعیت تغییرات رفتاری بازیکن و میزان یادگیری وی از آغاز تاکنون است؛ همچنین رتبه‌بندی وضعیت بازیکن را در مقایسه با دیگران نمایش می‌دهد. برای هر مرحله از بازی می‌باید مدت‌زمانی مجازی وجود داشته باشد که خارج از آن، اجرای بازی دیگر مقدور و یا مهم نباشد؛ این مسئله، زمان‌بندی را دربرمی‌گیرد؛ علاوه‌براین، در تمامی بازی‌ها آنچه که منجر به انگیزه بیشتر می‌شود، وجود رقابت و چالشی‌بودن بازی است که باید در طراحی بازی‌وارسازی تربیت دینی به آن توجه شود.

۵. مؤلفه «شخصی‌سازی» شامل چهار شاخص حساب کاربری، فضای بازی، پیام‌های شخصی و اهداف شخصی است. در هر بازی، بازیکنان باید بتوانند با حساب کاربری خود وارد بازی شوند تا بازی را ادامه دهند یا به مرحله دیگری از بازی، براساس هدف شخصی خود، مراجعه کنند. بازیکن باید بتواند برخی از عناصر و ویژگی‌های فضای بازی، مثل رنگ و طرح را انتخاب کند تا فضای بازی شخصی داشته باشد و درنهایت، سیستم بازی براساس پیام‌های شخصی‌سازی شده با بازیکن تعامل داشته باشد؛ مثلاً، راهنمایی، اخطار، اعلان شکست یا پیروزی با نام کاربری بازیکن شخصی‌سازی شود.

۶. مؤلفه «طراحی» شامل چهار شاخص هنر اسلامی، نمادهای دینی، شمایل معصومین، رسم‌الخط قرآنی است. نکته مهم در طراحی بازی‌وارسازی تربیت دینی، این است که علاوه بر اجزای بازی، کارکردها و منابع مرتبط، باید به ظاهر و جزئیات عناصر و اجزایی که در تصویرسازی بازی‌وارسازی استفاده می‌شود، دقت نمود. تمامی این عناصر باید تداعی‌کننده فضای معنوی و اسلامی باشند. در این زمینه کاربرد هنرهای اسلامی، مثل تذهیب، شمایل معصومین و رسم‌الخط قرآنی، بسیار اهمیت دارد.

پس از پایان بخش کیفی پژوهش، پرسشنامه‌ای براساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های موجود در الگوی به‌دست‌آمده، تنظیم و بین حجم نمونه بخش کمی توزیع گردید تا به پرسش فرعی دوم پژوهش پاسخ داده شود.

پرسش سوم: برازش (اعتبار) الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی (گروه نمونه)

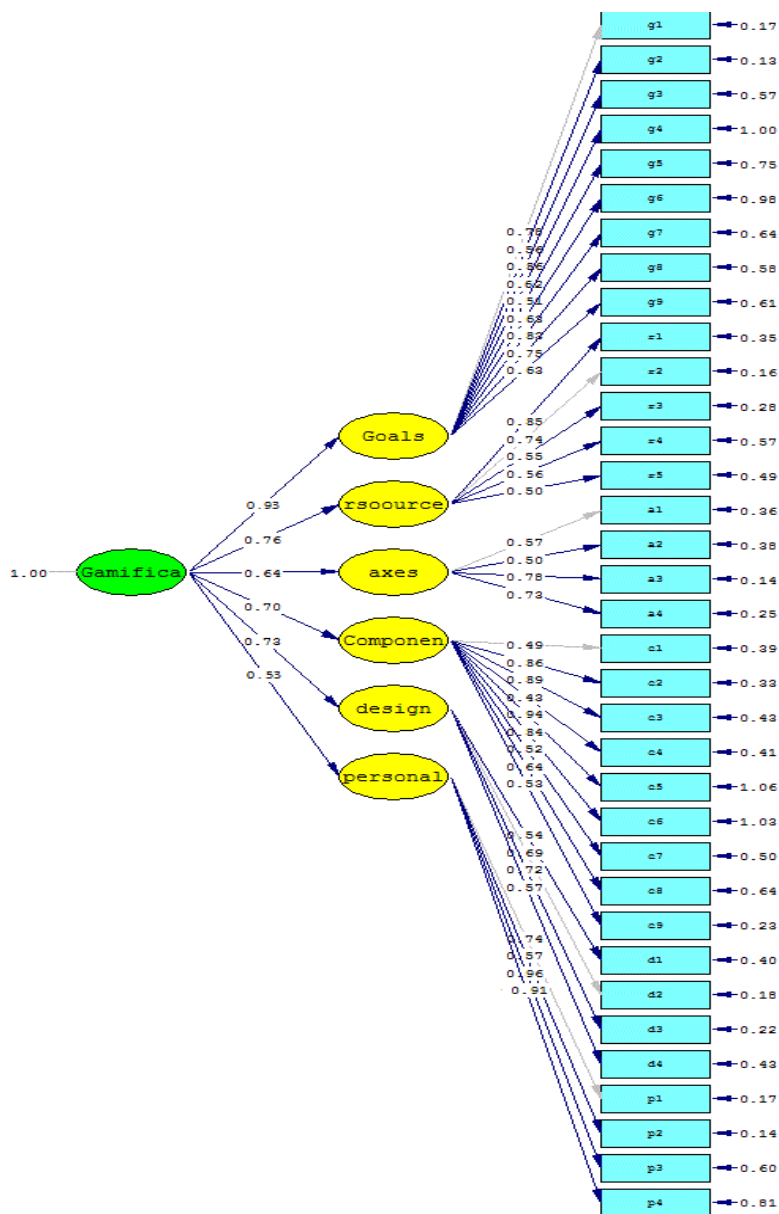
چگونه است؟

برای سنجش اعتبارسنجی مدل حاصل‌شده، از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم در قالب معادلات ساختاری استفاده شد. زمانی که یک سازه بزرگ از چند متغیر پنهان تشکیل شده باشد، از این روش استفاده می‌شود که در آن، علاوه بر بررسی رابطه متغیرهای مشاهده‌پذیر با متغیرهای پنهان، رابطه متغیرهای پنهان با سازه اصلی خود نیز بررسی می‌شود. با توجه به نمودار (۱)، الگوی بازی‌وارسازی (مضمون فراگیر) شامل شش مؤلفه (مضمون سازمان-دهنده) و ۳۵ شاخص (مضمون پایه) است؛ بنابراین، برای بررسی برازش این الگو از تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد که در آن سازه بزرگ که الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی بود، خود از شش متغیر پنهان، یعنی اهداف، منابع روایتگری، محورهای روایتگری، اجزای بازی، طراحی و شخصی‌سازی، تشکیل شده بود و هرکدام به وسیله مضامین پایه تبیین شده بودند. پیش شرط استفاده از معادلات ساختاری نرمال بودن توزیع داده است که بدین منظور، از آزمون کولوگروف اسمیرینوف استفاده شد. در این آزمون، اگر سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب این آزمون بزرگتر از ۰.۰۵ باشد توزیع نرمال است و در غیر این صورت توزیع غیرنرمال است. نتایج درجدول (۵) آمده است.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرینوف

مؤلفه	تعداد	آماره آزمون	مقدار معنی داری Sig	وضعیت
بازی‌وارسازی تربیت دینی	۳۳۰	۰.۰۸۱	۰.۰۵۷	نرمال

از آنجا که مقدار معناداری (Sig آزمون) از مقدار ۰.۰۵ بزرگتر است، توزیع داده‌ها برای بازی‌وارسازی تربیت دینی نرمال است و می‌توان برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده نمود.



Chi-Square=1690.20, df=550, P-value=0.00000, RMSEA=0.079

شکل ۱. مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی مرتبه دوم) الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی در حالت تخمین استاندارد

باتوجه به شکل (۱) و از آنجا که بار عاملی تمام متغیرهای مشاهده شده (شاخص‌ها) بزرگتر از ۰.۳ است، رابطه مطلوبی بین شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برقرار است؛ همچنین، بار عاملی بین مؤلفه‌ها با سازه اصلی نیز بزرگتر از ۰.۳ است؛ علاوه بر این، باتوجه به شکل (۲)، مقادیر معناداری بین متغیرهای مشاهده پذیر و مؤلفه‌های مربوطه و به همین ترتیب، مقادیر معناداری بین مؤلفه‌ها و سازه اصلی خارج از بازه ± 1.96 است؛ بنابراین، متغیرهای مشاهده شده می‌تواند متغیرهای پنهان و متغیرهای پنهان سازه اصلی را به خوبی تبیین کند. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی نیز به شرح جدول (۶) است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش برای مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی

نام شاخص	مقدار استاندارد	مقدار گزارش شده	مناسب یا نامناسب بودن
کای دو	-	۱۶۹۰.۲۰	مناسب
Df	-	۵۵۰	مناسب
کای دو بهنجار	۵-۱	۳.۰۷	مناسب
RMSEA	<۰/۰۸	۰.۰۷۹	مناسب
CFI	>۰/۹	۰.۹۳	مناسب
RFI	>۰/۹	۰.۹۲	مناسب
GFI	>۰/۹	۰.۹۴	مناسب
IFI	>۰/۹	۰.۹۳	مناسب
AGFI	>۰/۹	۰.۹۱	مناسب

از آنجا که شاخص‌های برازش در محدوده مجاز هستند، می‌توان نتیجه گرفت، الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

در الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی که در پژوهش حاضر حاصل شد، اجزای بازی شامل راهنما، پاداش، امتیازدهی، تیم‌سازی، چالشی‌بودن، نمودار پیشرفت، رتبه‌بندی، زمان‌بندی و رقابت با تمرکز بر ویژگی‌ها و عناصر دینی طراحی می‌شوند. در تبیین شاخص‌های (مضامین پایه) این مؤلفه می‌توان اذعان نمود که در تربیت دینی، وجود یک راهنما و الگوی عملی لازم است. ذات اقدس الهی نیز بر این امر تأکید داشته است؛ به طوری که در

آیه ۴۵ سوره احزاب آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (ای پیامبر ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی)». از این آیه چنین مستفاد می‌شود که پیامبر^(ص) راهنما است؛ همچنین، اهمیت پاداش در مسائل دینی بسیار زیاد است. آیات بسیار زیادی وجود دارد که در باب اهمیت پاداش پس از موفقیت در کار نیک، آورده شده‌اند. خداوند در آیه ۱۶۰ سوره انعام می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (هرکس (کار) نیکی آورد، پس برایش ده برابر مثل آن (پاداش) است)». ارزشیابی وسیله‌ای مناسب برای اصلاح هدف‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های تدریس است. در یک بازی آموزشی هم باید وسیله‌ای برای ارزشیابی وجود داشته باشد که این وسیله همان سیستم امتیازدهی است و علاوه بر این که مشخص می‌کند که یک فرد تا چه حد موفق عمل کرده‌است، نشان می‌دهد در کدام موارد ضعیف است و نیاز به راهنمایی و تلاش بیشتر دارد. در تبیین شاخص «تیم‌سازی»، می‌توان گفت، در آموزه‌های دینی همواره بر فعالیت کار گروهی و جمعی برای رسیدن به نتیجه مطلوب و بهتر، تأکید زیادی شده و کارهای جمعی در هر زمینه‌ای، چه مسائل اقتصادی و چه مسائل معنوی و علمی، مورد تأکید قرار گرفته است. آیات و احادیث فراوانی در زمینه تشویق به کار گروهی و اهمیت آن وجود دارد. صریح‌ترین دستور قرآن در این باب، بخشی از آیه دوم سوره مائده است که می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (همواره در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کنید)». و اما مهم‌ترین اصل در استقبال از بازی‌های آموزشی این است که بازی از یکنواختی و کسالت‌باری محیط‌های یاددهی- یادگیری می‌کاهد و جوی شاد و زنده را شکل می‌دهد. بازی باید چنان مهیج و جالب باشد که به تفکر و جست‌وجو نیاز داشته باشد و نتوان به راحتی به پاسخ دست یافت؛ بنابراین، بازی باید چالشی باشد. در فرایند آموزش و تربیت، ارزیابی مربی کمک می‌کند که از میزان یادگیری متربی آگاه شود. ابزار سنجش این ارزیابی، نمودار پیشرفت است که با استناد به آن می‌توان ارزیابی را عملی ساخت. همچنین با استفاده از رتبه‌بندی، مشخص می‌شود وضعیت هربازیکن (دانش‌آموز) نسبت به سایرین چگونه بوده است. شاخص «زمان‌بندی» به این مسئله اشاره دارد که برای هروظیفه‌ای در بازی، زمان مشخصی وجود دارد که این مفهوم در تکالیف دینی هم وجود دارد؛ مثلاً، برای نماز یا روزه وقت

مشخصی وجود دارد. در تبیین شاخص «رقابت» می‌توان گفت، رقابت و تلاش برای بهتر یا بهترین بودن، میلی فطری و یکی از مهمترین محرک‌ها برای حرکت و پیشرفت در انسان است. در تمام متون علمی و دینی بر رقابت سالم تأکید شده است. در قرآن کریم نیز با کلماتی مثل «سارعوا»، «سابقوا» و «فاستبقوا» به مفهوم «رقابت سالم» اشاره شده است. در آیه ۴۸ سوره مائده، آمده است: «فاستبقوا الخیرات (در کارهای خیر و نیک از هم سبقت بگیرید)». یا در آیه ۲۱ سوره مبارکه حدید آمده است: «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (به سوی آموزش پروردگارتان و بهشتی که عرضش به قدر پهنای آسمان و زمین است و برای اهل ایمان به خدا و پیامبرانش مهیا گردیده، از یکدیگر پیشی بگیرید)». «منابع روایتگری» شامل چهار شاخص قرآن، کتب دینی، احادیث قدسی و نبوی، روایات و داستان‌های مذهبی است. زبان قصه یا داستان یکی از مناسب‌ترین روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستانند و از آنجاکه برای هربازی به یک قصه نیاز است، می‌توان این قصه‌ها را با استناد به منابع مذکور روایت نمود. در اهمیت این روش و بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی نیز این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام‌های دینی، مورد توجه قرار گرفته است. «محورهای روایتگری» شامل چهار شاخص اصول دین، فروع دین، اخلاق دینی و احکام وضعی دین است. در بازی‌وارسازی تربیت دینی، مسائلی که محور بازی است، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه در واقع، همین مسائل آموزش داده می‌شوند. محتوای دین اسلام به سه بخش تقسیم می‌شود: اعتقادات، اخلاق و احکام (مشمول بر فروع دین و احکام وضعی). مؤلفه «شخصی‌سازی» شامل چهار شاخص حساب کاربری، فضای بازی، پیام‌های شخصی و اهداف شخصی است. تفاوت‌های فردی از اصول پذیرفته‌شده در روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است و به این معنا است که اگرچه همه انسان‌ها با یکدیگر شباهت‌هایی دارند، اما در بسیاری امور متفاوتند. همین امر موجب می‌شود که هرانسانی، موجود مستقل و فردی خاص باشد. توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش، یکی از اصولی است که معلم باید با آن آشنا باشد و آموزش خود را با آن همگام سازد؛ زیرا اهمیت دادن

به تفاوت‌های فردی در آموزش، اثربخشی آموزشی را بیمه می‌کند. شاخص‌های چهارگانه این مضمون در راستای تفاوت‌های فردی برای اثربخشی بیشتر آموزش هستند. در تبیین مؤلفه «طراحی» که شامل چهار شاخص هنر اسلامی، نمادهای دینی، شمایل معصومین و رسم‌الخط قرآنی است، می‌توان گفت، در طراحی بازی‌وارسازی باید تمام جزئیات بازی رنگ و بوی معنوی داشته باشد و ذهن بازیکن را به سمت دین هدایت کند. استفاده از نمادها در بسیاری از منابع دینی، از جمله قرآن، مؤکداً استفاده شده است. خداوند در آیه ۳۵ سوره نور می‌فرماید: «اللّٰهُ نور السموات و الارض»؛ یعنی خداوند نور آسمان‌ها و زمین است و استفاده از «نور» در بازی‌وارسازی می‌تواند به معنی رضایت خداوند از انجام آن مرحله (که در بردارنده یک تکلیف دینی است) باشد؛ همچنین، شمایل معصومین می‌تواند با نماد راهنما در بازی‌وارسازی، استفاده شود یا رسم‌الخط قرآنی می‌تواند برای پیام‌های ارسالی از سمت سیستم به بازیکنان استفاده شود. در نهایت، بازی‌وارسازی تربیت دینی با اجزاء، شخصی‌سازی، طراحی، محورها و منابع روایتگری باید با هدف‌های نه‌گانه‌ای باشد که عبارتند از: توحید اعتقادی و عملی؛ چراکه در نگرش اسلامی، برای انسان، چه در اعتقادات و چه در اعمال مقصدی، جز خدا شناخته نمی‌شود. خداوند در آیات ۱۱۵ و ۱۱۶ سوره مبارکه مؤمنون می‌فرماید: «فَحَسْبُكُمْ اٰنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبۡدًا وَّ اَنْتُمْ اِلَیۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ. فَتَعَالٰی اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیۡمِ (آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به‌سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است. معبودی جز او نیست و او پروردگار عرش کریم است)». علاوه‌براین، خلوص نیت در تربیت دینی حائز اهمیت فراوان است^۱ و لازم است که این خلوص در عمل به تکالیف، با اختیار باشد. پس بازی‌وارسازی تربیت دینی با هدف تقویت اختیار صورت می‌گیرد^۲ و در این راستا، شناخت و عمل به وظیفه (در بازی‌وارسازی تربیت دینی، هدف اصلی باید آموزش اصول و قواعد و وظایف دینی و شرعی یک مسلمان به کودک باشد) باید آگاهانه

۱. آیه ۱۴ سوره زمر آمده است: «قُلِ اللّٰهُ اَعۡبَدُ مُخۡلَصًا لَّهٗ دِیۡنِیْ؛ بگو من خدا را می‌پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می‌گردانم.

۲. آیه ۲۵۶ سوره بقره: «لَا اِکۡرَاهَ فِی الدِّیۡنِ»؛ براساس این آیه، هیچ اجباری نباید در پذیرش دین باشد و انسان‌ها راساس انگیزه شخصی خود و کاملاً آزادانه به سمت دین گرایش پیدا کنند.

باشد؛ بنابراین، تربیت دینی باید به افزایش آگاهی منجر شود و هدف هر بازی باید در همین راستا باشد.^۱ با استناد به قرآن در سایه این افزایش آگاهی، دستیابی به خودسازی مد نظر تربیت دینی است.^۲ یکی دیگر از اهداف مهم تربیت دینی، مشارکت بیشتر فرد در جامعه و گسترش ارتباطات جمعی است. همیاری اجتماعی، همدردی و ایثار، همراهی، مدارا و نرمی، احسان، حلم و بردباری، عفو و گذشت، خیرخواهی و راهنمایی، هم‌نشینی، هم‌سخنی، پیروی و فرمان‌پذیری مفاهیمی هستند که در دین مبین اسلام و در باب روابط فرد با اجتماع مطرح شده‌اند. در بازی‌وارسازی تربیت دینی نیز تعامل مسئولانه با جامعه لحاظ می‌شود؛ چراکه روح کار گروهی در مفهوم بازی نیز وجود دارد و بازی باید سرگرمی اخلاقی باشد چراکه، در زمینه تربیت دینی، سرگرمی باید با رعایت موازین اخلاقی باشد و این «باید» ایجابی و الزامی است؛ بدان معنا که بازی به‌عنوان یک سرگرمی نه‌تنها باید مروج عقاید توحیدی باشد، بلکه رعایت این عقاید در خود بازی هم الزامی است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های ایزدی و ذوالفقاری (۱۴۰۲)، فلاح تفتی و دیگران (۱۴۰۱)، شکیبانی و دیگران (۱۴۰۰)، رجبی‌زاده، دانشمند و سلطانی (۱۳۹۸) که در آنها بر نقش پررنگ بازی‌های آموزشی بر یادگیری تأکید شده است، همخوانی دارد؛ چراکه یکی از شاخص‌های مؤلفه «اهداف» در پژوهش حاضر نیز «آگاهی» است که در پرتو یادگیری حاصل می‌شود. یافته‌های مطالعه قدیری (۱۳۹۳) نیز تأکید نموده است که بازی به رشد همه‌جانبه انسان، به‌ویژه رشد اجتماعی کودک، منجر می‌شود و شخصیت وی تقویت می‌شود که یکی دیگر از شاخص‌های مؤلفه «اهداف» خودسازی است؛ بنابراین، این نتایج با هم یکسانند. بهشتی و منطقی (۱۳۹۰) در نتایج پژوهش خود، تأکید نموده‌اند که بازی باید بر مبنای مضامین اخلاقی باشد تا حس مسئولیت‌پذیری و همکاری در کودکان، تقویت شود و تمایل آنها برای شرکت در امور جمعی افزایش یابد که در پژوهش حاضر نیز

۱. آیه ۱۰۸ سوره یوسف: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». در این آیه، خداوند از انسان‌ها می‌خواهد، براساس بصیرت و آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند و شیوه دعوت پیامبر نیز براساس آگاهی است.

۲. آیه ۱۰۵ سوره مانده می‌فرماید: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید)».

شاخص «سرگرمی اخلاقی»، «تعامل مسئولانه با جامعه» در مؤلفه «اهداف» و شاخص «تیم‌سازی» در مؤلفه «اجزای بازی» وجود دارند؛ همچنین، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات مهاردینخا و دیگران (2023)، رینکون فلورز و دیگران^۱ (2022) و هانستی و دیگران^۲ (2022) یکسان است؛ چراکه در همه پژوهش‌های مذکور بر تأثیر آموزش مبتنی بر بازی بر یادگیری و افزایش آگاهی تأکید شده است که در پژوهش حاضر یکی از شاخص‌های مؤلفه «اهداف» است.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، در راستای دستیابی بهتر به اهداف «مؤلفه اول الگو» پیشنهاد شد، اصول اخلاقی زیربنایی برای ایجاد بازی‌وارسازی مفرح و سالم از طریق مشورت با کارشناسان علوم تربیتی تدوین شود؛ از کارشناسان آموزشی برای تدوین محتوای آموزش، براساس مسئولیت‌ها و تکالیف دینی استفاده گردد؛ مبانی دین در متن بازی، براساس نظرات علمای دینی لحاظ شود؛ آزادی عمل و قدرت اختیار برای کسب تجربه در انتخاب در شرایط مختلف ارائه گردد؛ دانش‌آموزان برای تقویت اعتمادبه‌نفس و درنهایت، همدمی برای افزایش مشارکت اجتماعی و کار گروهی تشویق شوند. در راستای بهبود «مؤلفه منابع روایتگری»، فهرستی دقیق از منابع و مطالب مرتبط با دین و تربیت دینی براساس مطالعه عمیق و دقیق منابع دینی تنظیم‌شود؛ از کارشناسان دینی و کتب تحلیلی دینی نیز برای آشنایی عمیق با محتوای دینی استفاده شود. در راستای «مؤلفه محورهای روایتگری»، با علمای دینی جهت بهره‌مندی از دانش تخصصی ایشان در زمینه اصول و فروع دین همکاری شود؛ توضیح المسائل علما، جهت آشنایی بیشتر با فرائض دینی، مطالعه شود و درک اصول و فروع دین با همکاری علمای دینی ساده‌سازی گردد. در راستای توسعه «مؤلفه اجزای بازی»، معیارهای صحیح برای ارزیابی عملکرد تعیین شوند؛ الگوی مناسب و دینی برای ارائه خط‌مشی بازی تعیین شود؛ پاداش دقیق برای انجام موفقیت‌آمیز مراحل مختلف بازی لحاظ گردد؛ بازی‌های گروهی برای تشویق مشارکت اجتماعی بیشتر طراحی شود و زمان‌بندی دقیق انجام مراحل بازی و چالش‌های هیجان‌انگیز با استناد به نظرات کارشناسان دینی و مشاوران تربیتی نیز صورت گیرد. در راستای «مؤلفه

1. Rincón Flores, Elvira G. et al.
2. Honesti, L., Aini, Q. et al.

طراحی)، ضمن آشنایی با کاربردهای دقیق هنر اسلامی در بازی‌وارسازی و یا پتانسیل این هنرها در این مسیر، با کارشناسان هنرهای اسلامی در رشته‌های مختلف جهت بهره‌گیری از هنر اسلامی در طراحی اجزای بازی مشورت شود و از علمای دینی در طراحی اجزای بازی نظرسنجی گردد. در راستای «مؤلفه شخصی‌سازی»، از مشاوران تربیتی و کارشناسان دینی درخصوص فضا‌سازی شخصی در بازی‌وارسازی و آگاهی از حدّ مطلوب این فضا نظرسنجی شود؛ حد دستیابی به فضای شخصی در اجرای آزمایشی بازی‌وارسازی ارزیابی گردد و به ساختار فرهنگی نمادین نگرش‌های دانش‌آموزان، جهت ایجاد فضای شخصی خاص ایشان، توجه شود.

مهمترین محدودیت پژوهش حاضر عدم امکان تعمیم نتایج به سایر زمینه‌ها است؛ چراکه این مدل براساس خبرگان و مربیان و معلمان پرورشی برای مقطع ابتدایی، تبیین شده است. بدین لحاظ پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی با محوریت کشورهای موفق در حوزه بازی‌وارسازی آموزشی و به‌ویژه بازی‌وارسازی تربیت دینی به‌منظور اصلاح و به‌روزرسانی مدل نهایی پژوهش صورت گیرد و الگوی تدوین‌شده به‌صورت دوره‌ای (مثلاً هر پنج سال یکبار)، به‌منظور به‌روزرسانی آن، بازنگری شود.

منابع

- اشرفی سلطان احمدی، زینب؛ جواد کیهان؛ صادق ملکی آوارسین؛ جهانگیر یاری (۱۴۰۰). "طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش دبستانی". مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶(۱)، ۷-۳۰.
- اقدامی، یداله؛ محمدرضا شرفی؛ افضل‌السادات حسینی؛ نرگس سجادیه (۱۴۰۰). "تبیین الگوی رویکرد معنوی به تربیت دینی در دوره دوم کودکی (مبتنی بر معرفت‌شناسی از منظر علامه طباطبایی)". فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۶(۳۷)، ۵۳-۸۰.
- امینیان نصرآبادی، حدیث (۱۴۰۰). "بررسی تاثیر گیمیفیکیشن در آموزش دوره ابتدایی"، اولین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران.
- اولسون، متیو و بی. آر هرگنهان (۱۴۰۱). «مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری»، ترجمه علی اکبر سیف. تهران: نشر دوران.

ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی.../ سحر کارگر خوش و دیگران ۱۳۵

ایزدی، نوید و حسین ذوالفقاری (۱۴۰۲)، "بررسی تأثیر بازی‌وارسازی (گیمیفیکیشن) بر یادگیری درس علوم تجربی"، پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی.

باقری، خسرو (۱۳۹۲). «الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران»، چاپ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

شکیبانیا، فریدون، ولوی، پروانه، صفایی مقدم، مسعود، و باقری، خسرو. (۱۴۰۰). "همه روان انگراری" تامس نیگل به عنوان مبنایی برای رویکرد «عصب-تربیت». پژوهش نامه مبنای تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان‌شناسی مشهد)، ۱۱(۱)، ۶۷-۸۵.

برادران ماجلان، هاجر (۱۴۰۱). "تأثیر بازی‌وارسازی (گیمیفیکیشن) بر باورهای خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ناحیه یک استان البرز». مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۸، ۹۳-۱۰۴.

بهشتی، سعید و یگانه منطقی (۱۳۹۰). "بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین(ع)". فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷(۳).

پاپازاده، مریم و سیدجلال هاشمی (۱۳۹۳). "تقلید، چالشی پیش پا یا فرصتی پیش روی تربیت دینی و اخلاقی: رویکردی تأویلی"، فلسفه‌ی تربیت دینی و تربیت اخلاقی.

پترسون، مایکل تاد (۱۴۰۰). «عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین». ترجمه ابراهیم سلطانی و آرش نراقی. تهران: نشر طرح نو.

تجاری مقدم، هاجر؛ مقصود امین‌خندقی؛ سیدجواد قنذیلی (۱۳۹۹). "تبیین عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی فطرت‌گرای توحیدی در تربیت دینی متربیبان"، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳(۳۰)، ۱۳۸-۱۵۴.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱). «حق و تکلیف در اسلام». تهران: نشر اسرا.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). «شریعت در آینه معرفت». تهران: نشر اسرا.

حاج حسینی، منصوره (۱۳۹۳). "تبیین انگاره‌های متکثر در پرورش تفکر انتقادی و الزامات عملی ناظر بر آن"، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۰(۴).

حسینی، سیده آمنه (۱۴۰۲). "اثر بخشی تدریس به روش بازی‌وارسازی بر کیفیت تدریس معلمان مقطع ابتدایی شهرستان اهواز"، ماهنامه پایانشهر، ۵(۴۹).

داودی، محمد (۱۴۰۲). «فلسفه تربیت دینی». تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- رجبی زاده، مرضیه؛ بدرالسادات دانشمند؛ اصغر سلطانی (۱۳۹۸). "ارائه الگوی برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر یادگیری هیجانی- اجتماعی در دوره متوسطه از دیدگاه معلمان". آموزش و ارزشیابی آموزش و ارزشیابی، (۱۲) ۴۵-۱۲.
- رشیدی، شیرین (۱۳۹۸). "مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان"، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۱۳) ۷، ۲۱-۵.
- رضاداد، عالی؛ منیره صالحی؛ مهسا موسوی، (۱۴۰۰). "تحلیل محتوای انواع بازی و بازی- وارسازی (گیمیفیکیشن) در کتاب‌های درسی قرآن و دینی دوره ابتدایی و محتوای رسمی این دروس در اپلیکیشن شاد". مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، (۳) ۶، ۷-۳۶.
- سهیلی، فرامرز؛ محسن عالی محمودی؛ سوزان عارضی (۱۴۰۲). "نقش بازی وارسازی در یادگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان"، (۱) ۱.
- شاکری صفت، فاطمه؛ منصوره حاج حسینی؛ محمد خدایاری فرد (۱۴۰۲). "همایندی ادراک دانش‌آموزان درباره نقش متوازن خانواده و مدرسه در تربیت دینی: پژوهشی پدیدارشناختی"، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۲۰) ۱۱، ۵-۳۳.
- عبدالحسینی، احمد؛ عزت‌اله نادری؛ مریم سیف نراقی (۱۳۹۴). "طراحی الگوی برنامه درسی تربیت دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، براساس رویکرد ترکیبی عقل و ایمان از منظر قرآن کریم"، پژوهش‌های اخلاقی، ۲، ۱۰۱-۱۱۹.
- فلاح تفتی، سمیه؛ فاطمه همتی؛ فهیمه فروتنی؛ جلیله السادات حکیمی (۱۴۰۱). "تأثیر بازی- وارسازی (گیمیفیکیشن) بر آموزش و یادگیری درس دانش‌آموزان"، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری سال ششم، (۸۵)، ۸۶-۱۰۲.
- فیاض، ایراندخت و شرفی، حسین (۱۳۹۹). "کمال‌گرایی دینی و نسبت تساهل با آن در تربیت دینی"، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (دوره جدید) (۴۶) ۲۸، ۱۲۵-۱۴۴.
- قدیری، زینب (۱۳۹۳). "نقش بازی در تربیت دینی و سلامت جسم و روان از دیدگاه اسلام"، اولین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی معنویت و سلامت.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷). "شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی". تربیت اسلامی، (۳) ۶، ۹۳-۱۲۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). «تعلیم و تربیت در اسلام». تهران: صدرا.
- موحدی محصل طوسی، مرضیه؛ محمود مهر محمدی؛ علیرضا صادق‌زاده قمصری و حسن نقی‌زاده (۱۳۹۲). "نقد طبقه‌بندی‌های موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه‌بندی مفهومی جدید (مقاله علمی وزارت علوم)"، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، (۱) ۳.

ارائه الگوی بازی‌وارسازی تربیت دینی.../ سحر کارگر خوش و دیگران ۱۳۷

نظری، غلامرضا (۱۳۹۷). "جایگاه معنویت و معنویت‌گرایی در نظام تربیتی اسلام"، معارف اسلامی و علوم تربیتی، (۸)، ۳۹-۷۰.

نوبخت، زهرا (۱۳۹۲). "تربیت دینی در عصر نوگرایی"، همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی، تهران.

وقاری زمهریر، زهرا؛ مقصود امین خندقی؛ محمود سعیدی رضوانی و مرضیه موحدی محصل طوسی (۱۳۹۵). "تبیین برنامه‌دستی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا"، پژوهش‌نامه

مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان‌شناسی مشهد)، (۶۲)، ۸۲-۱۰۶.

هزاوه‌ای، سیدمرتضی و سکینه سلطانی بیرامی (۱۳۹۴). "بررسی جایگاه اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مطالعات انقلاب اسلامی، (۴۲)، ۸۱-۹۸.

Alderton Zoe. (2014). 'Snapewives' and 'Snapeism': A Fiction-Based Religion within the Harry Potter Fandom. *Religions* 5, 1 (2014), 219-267.

Anwar, C., Saregar, A., Hasanah, U., & Widayanti, W. (2018). The effectiveness of islamic religious education in the universities: The effects on the students' characters in the era of industry 4.0. *Tadris: Jurnal Keguruan Dan Ilmu Tarbiyah*, 3(1), 77-87.

Aristana, M. D. W., & Ardiana, D. P. Y. (2021, March). Gamification design for high school student with unstable internet connection during covid-19 pandemic. *In Journal of Physics: Conference Series*, 1810 (1), p. 012057. IOP Publishing

Beadle, J. J. (2022). Of Horror Games and Temples: Religious Gamification in Contemporary Taiwan. *British Journal of Chinese Studies*, 12(2), 11-45. <https://doi.org/10.51661/bjocs.v12i2.189>.

Behl, A., Pereira, V., Jayawardena, N., Nigam, A. and Mangla, S. (2023), Gamification as an innovation: a tool to improve organizational marketing performance and sustainability of international firms, *International Marketing Review*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IMR-05-2022-0113>

Botelho, Michael & O'Donnell, D. (2002). Learning: Assessment of the use of problem-orientated, small-group discussion for learning of a fixed prosthodontic, simulation laboratory course. *British dental journal*. 191, 630-6. 10.1038/sj.bdj.4801253a.

Dakroub, Allie & Weinberger, Jarrett & Levine, Diane. (2022). *Gamification for the Win in Internal Medicine Residency: A Longitudinal, Innovative, Team-Based, Gamified Approach to Internal Medicine Board-Review*. *Cureus*. 14, 10.7759/cureus.22822.

Darwall, Stephen L. (ed.) (2003). *Consequentialism*. Malden, MA: Blackwell.

De Wildt Lars and Aupers Stef. (2021). Marketable Religion: How Game Company Ubisoft Commodified Religion for a Global Audience. *Journal Of Consumer Culture*, online first, online first (2021), 1-1.

Dichev, C., Dicheva, D., & Irwin, K. (2020). Gamifying learning for learners. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*, 17(1), 1-14.

- Droogers, André (2014). *Religion at Play: A Manifesto*, Cambridge: The Lutterworth Press.
- Feinberg, W (2003). *Critical Reflection and Religious Education: How Deep?* Illinois University Press.
- Fink, Eugen (2016). *Play as Symbol of the World: And Other Writings*, Bloomington: Indiana University Press.
- Harari Yuval Noah. (2014). *Sapiens: A brief history of humankind*. Random House, New York, USA
- Honesti, L., Aini, Q., Setiawan, M. I., Santoso, N. P. L., & Prihastiwi, W. Y. (2022). Smart Contract-based Gamification Scheme for College in Higher Education. *APTISI Transactions on Management (ATM)*, 6(2), 102-111.
- Kolog, Emmanuel. (2023). *Fit and Viable Determinants of Gamification in Christian Religious Studies in Developing Economy context*.
- Krittanawong, C., Rogers, A.J., Johnson, K.W. et al. (2021) Integration of novel monitoring devices with machine learning technology for scalable cardiovascular management. *Nat Rev Cardiol* 18, 75–91. <https://doi.org/10.1038/s41569-020-00445-9>.
- Laato Samuli, Rauti Sampsa, and Hamari Juho. (2023). *Resemblance of religion and pervasive games: A study among church employees and gamers*. In Proceedings of the 2023 CHI Conference on Human Factors in Computing Systems (CHI '23), April 23–28, 2023, Hamburg, Germany. ACM, New York, NY, USA.
- Landsell, J., & Hägglund, E. (2016). *Towards a gamification framework: Limitations and opportunities when gamifying business processes*, Faculty of social sciences, Department of informatics, Umeå University.
- Liu, De & Santhanam, Radhika & Webster, Jane. (2016). *Toward Meaningful Engagement: A Framework for Design and Research of Gamified Information Systems*. *MIS Quarterly*. Forthcoming. 10.25300/MISQ/2017/41.4.01.
- Lucassen G, Jansen S. (2014) Gamification in Consumer Marketing-Future or Fallacy? *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 148,194-202.
- Mahardikha, Sekhar & Yusuf, Munawir & Musdad, Akhmad. (2023). Development of Learning Media Based on Gamification of Hijayyah Letters in Elementary Schools. *JTP - Jurnal Teknologi Pendidikan*. 25, 29-41. 10.21009/jtp.v25i1.34554.
- Miller, David (1970). *Gods and Games: Toward a Theology of Play*, New York: World.
- Monsma, W (2003). *Faith and Rationality*. Minnesota University Press.
- Ornstein Allan C., Hunkins Francis P. (2009). *Curriculum: Foundations, Principles, and Issues*, Pearson.
- Rincón Flores, Elvira G. & Mena, Juanjo & Lopez, Eunice. (2022). Gamification as a Teaching Method to Improve Performance and Motivation in Tertiary Education during COVID-19: A Research Study from Mexico. *Education Sciences*. 12. 49. 10.3390/educsci12010049.
- Santos, A. C. G., Oliveira, W., Altmeyer, M., Hamari, J., & Isotani, S. (2022). Psychometric investigation of the gamification Hexad user types scale in Brazilian Portuguese. *Scientific reports*, 12(1), 1-11.

- Servais Olivier. (2015). Funerals in the 'World of Warcraft': religion, polemic, and styles of play in a videogame universe. *Social Compass*, 62, 3 (2015), 362–378.
- Van Gaalen, A. E., Brouwer, J., Schönrock-Adema, J., Bouwkamp-Timmer, T., Jaarsma, A. D. C., & Georgiadis, J. R. (2021). Gamification of health professions education: a systematic review. *Advances in Health Sciences Education*, 26(2), 683-711.
- Van Harskamp, Anton, Miranda Klaver, Johan Roeland, and Peter Versteeg (eds.) (2006). *Playful Religion: Challenges for the Study of Religion*, Netherlands: Eburon Delft.
- Vondey, Wolfgang (2018). "Religion as Play: Pentecostalism as a Theological Type", *Religions*, 9(3), 80-96.

مطلوبیت‌های نظام راهنمایی و مشاوره نهاد آموزش و پرورش در افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

مرتضی کرمی^۱

سعید اکبری^۲

DOI: 10.30497/esi.2024.245464.1703



چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از مهم‌ترین سیاست‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حرکت پیش روی انقلاب اسلامی است که نظام تعلیم و تربیت در تحقق افق ترسیم‌شده آن، نقش مهم و اساسی دارد؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های مطلوب نظام راهنمایی و مشاوره آموزش و پرورش در افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود. پژوهش حاضر با هدف توسعه‌ای، پژوهشی کیفی و توصیفی از نوع تحلیلی- استنباطی است. روش گردآوری داده‌ها، مطالعات اسنادی و ابزار پژوهش، فیش‌برداری بود. نمونه مورد مطالعه برای احصاء شاخص‌ها، تمام‌خوانی متن سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود. برای احصاء شاخص‌های توصیفی- تفسیری از دیدگاه ۴ متخصص راهنمایی و مشاوره تحصیلی که سابقه فعالیت در آموزش و پرورش داشتند، استفاده شد و در حوزه سیاست‌های جهت‌دهنده از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مصداق‌یابی گردید. محققان برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوا استفاده کردند. در این پژوهش، براساس خوانش دقیق و کامل متن بیانیه گام دوم، احصاء و کدگذاری داده‌ها انجام شد. در مرحله اول، مؤلفه‌ها، احصاء و در مرحله دوم، طبقه‌بندی مؤلفه‌ها و دستیابی به مقوله‌های اصلی صورت گرفت. در مرحله اول ۳۳ مؤلفه شناسایی شد که در دو طبقه شاخص‌های مرتبط با نظام راهنمایی و مشاوره و بایسته‌ها و سیاست‌های جهت‌دهنده نظام راهنمایی و مشاوره قرار گرفتند. در مرحله دوم، نظام راهنمایی و مشاوره حائز شش مقوله اصلی پرورش‌دهنده، کمک‌کننده، شناساگر (آینده‌سازی)، معنویت‌محور، تمهیدگر و ارائه‌دهنده خدمات تخصصی شد و بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به نظام راهنمایی و مشاوره در قالب پنج مقوله اصلی تأمین‌کننده و تضمین‌کننده، تعمیق‌بخش و نهادینه‌ساز، جامعه‌پرداز، مروج و گفت‌مان‌ساز و تبدیل‌کننده طبقه‌بندی شدند. نتایج پژوهش حاضر در حوزه تدوین الگوهای مورد نیاز آموزش و پرورش در جهت پاسخگویی به نیازهای روز کشور و حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در حوزه راهنمایی و مشاوره، می‌تواند مورد استفاده متخصصان و متولیان این بخش از خدمات باشد.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نظام راهنمایی و مشاوره، سیاست‌گذاری تربیتی، نهاد آموزش و پرورش.

۱. استادیار گروه مشاوره و بهداشت روان، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

karamimorteza315@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی (د)، تهران، ایران. s.akbari1370@gmail.com

بیان مسئله

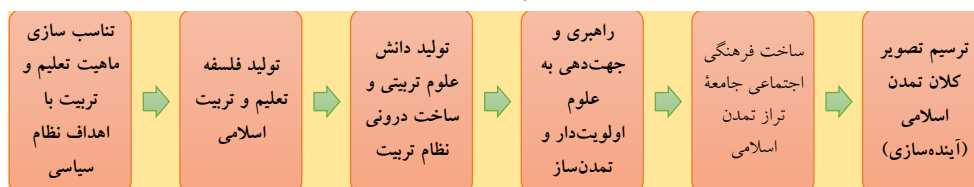
نظام تعلیم و تربیت در هر کشوری، یکی از مهم ترین نظام های حاکمیتی محسوب شده و دوام و بقا نظام های سیاسی از منظر بنیادین، در گرو کارآمدی نظام تعلیم و تربیت آن کشور است؛ به عبارت دیگر، تربیت یافتگان هر نظام سیاسی، رکن اصلی تداوم حکومت خواهند بود. امام خمینی (قدس سره) در رابطه با اهمیت این موضوع می فرماید: «ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم؛ لکن از شر تربیت یافتگان شرق و غرب، به این زودی، نجات نخواهیم یافت. این ها برپادارندگان ابرقدرت ها هستند» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۴۴۶). یا در فراز دیگری ایشان می فرمایند: «همه می دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده های مردم، در دست طبقه تحصیل کرده است و هدف بزرگ استعمار نو به دست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه های اخیر، هرچه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است. وابستگی به شرق و غرب توسط غرب زدگان و شرق زدگان و به اصطلاح روشن فکران که از دانشگاه ها برخاسته اند، ولی چارچوب فکری شان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است، به فرهنگ، دین و کشورمان صدمه های بیشمار زده اند؛ چراکه این افراد برای تکمیل وابستگی به شرق و غرب و اخیراً امریکا، هرکاری که توانسته اند به نفع آنان انجام دهند دادند... بنابراین مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور است که باید از آن احتراز کرد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳)؛ بنابراین یکی از عوامل مهم، تأثیرگذار و تعیین کننده های بنیادین در جهت دهی و راهبری نظام تعلیم و تربیت، حاکمیت سیاسی آن کشور بوده و دوام و بقا و نیل به اهداف و آرمان های بنیادی آن حاکمیت از مجرای تعلیم و تربیت کارآمد و متناسب با ارزش های آن نظام سیاسی اتفاق خواهد افتاد.

در رابطه با اهمیت گزاره تبیین شده فوق الذکر، امام خامنه ای (مدظله العالی) می فرماید: «آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه های ما و فلسفه ما نیست؛ این یک امر واضحی است؛ این هم جزء مسلمات است، منتها به آن توجه نمی کنیم. از روزی که نظامی به نام نظام آموزش و پرورش در این کشور به وجود آمد (از آغاز کار)، بنای کار بر آن فلسفه ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم. دو عیب بزرگ وجود داشت.

یک عیب از جنبه اعتقادی و ایمانی، یک عیب از جنبه سیاسی و مدیریتی کشور» (بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۸۶/۵/۳). پس فلسفه بنیادی نظام سیاسی حاکم، ارزش‌های خلق‌شده و ترویج‌شده حاکمیت و اهداف و چشم‌اندازهای ترسیم‌شده آن نقش کلیدی و حیاتی در جهت‌گیری، راهبری و سیاست‌گذاری نظام تعلیم و تربیت دارد. از سوی دیگر، مطالعه کارکردهای نظام تعلیم و تربیت نیز بر چنین رابطه و تأثیر و تأثری صحه می‌گذارد. برای مثال، بسط مشارکت سازنده و نقش‌آفرینی عموم آحاد مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی مورد انتظار در نظام اجتماعی- سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی یکی از کارکردهای مشترک نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۳۴۰). پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام تعلیم و تربیت کشور نقش اصلی و اساسی در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی دارد.

صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در آستانه ورود انقلاب به دهه پنجم عمر خود و ترسیم الزامات حرکت پیش‌روی انقلاب اسلامی در جهت رسیدن به آرمان بزرگ انقلاب اسلامی که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی^(ارواحنا فداه) است، نقش نظام تعلیم و تربیت را بیش از پیش، مورد تأکید قرار می‌دهد. چراکه هم در الزامات تحقق تمدن اسلامی و هم در هدف تحقق تمدن نوین اسلامی با کارکردها و فلسفه نظام تعلیم و تربیت ارتباط درهم‌تنیده وجود دارد. برای مثال، امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر) دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). حال آن‌که هردوی این الزامات جزو کارکردهای اصلی نظام تعلیم و تربیت کشور است. در بیاناتی شفاف و دقیق‌تر ایشان می‌فرماید: «آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند، دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند... تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایران سربلند فردا است؛ پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است» (بیانات

در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) یا در دیدار با نخبگان علمی جوان می‌فرمایند: «[راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ ... چنین نسلی لازم داریم» (دیدار با نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸). از سوی دیگر، در هدف بنیادی تمدن نوین اسلامی نیز نظام تعلیم و تربیت نقش سازنده‌ای دارد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ص ۷ و ۲۴ و ۲۷). امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «تمدن اسلامی کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰، ص ۱۳۹)، تربیت به - معنای «فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» تعریف شده است. ظهور و بروز عینی نظام معیار اسلامی در همه وجوه اجتماعی جامعه و پیاده شدن مراتبی از حیات طیبه امری است که خود می‌تواند الهام‌دهنده و تأثیرگذار بر سایر ملت‌ها باشد. اینکه نظام تعلیم و تربیت کشور ما بتواند چنین کارکرد خطیری را به نحو مطلوب و مؤثر انجام دهد، لازم است تا در قالب فرآیند زیر، هویت خود را در زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی بازسازی نماید:



نمودار ۱. عمل کلی نظام تعلیم و تربیت در حرکت تمدنی انقلاب اسلامی

بر اساس مدل فرآیندی فوق‌الذکر، عمل کلی نظام تعلیم و تربیت در حرکت تمدنی انقلاب اسلامی، آینده‌سازی بر مبنای شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از طریق ساخت اجتماعی قوی جامعه ایران (جامعه‌پردازی) و ایفای نقش حلقه میانی کارآمد برای این منظور است. همچنان که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «متنها این [مورد] آخری که مسئله راهکارهای عملی

باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به‌پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این نه به عهده رهبری است نه به عهده دولت است نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم» (دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). برای تحقق عمل کلی فوق نیز لازم است چهار راهبرد اصلی که به‌صورت سلسله‌وار به‌هم پیوستگی دارند، اجرا گردد. اول، تناسب‌سازی نظام تعلیم و تربیت با بیانیه گام دوم انقلاب که شامل اصلاح ساختار-سازمان، به‌کارگیری منابع انسانی جوان مؤمن انقلابی، شبکه‌سازی منابع، تولید اسناد و دستورالعمل‌های اجرایی و غیره است. دوم، تولید فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و از این طریق، کمک به تولید علوم تربیتی بومی در حالت خاص و تولید علوم انسانی-اسلامی به‌صورت عام، اقدام راهبردی سوم است؛ به‌عبارت‌دیگر، لازمه تولید دانش علوم تربیتی بومی، ایجاد فلسفه تربیتی تمدن‌ساز برای نظام تعلیم و تربیت کشور است و درنهایت، راهبری و جهت‌دهی به علوم و دانش‌های اولویت‌دار و مورد نیاز تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این زمینه، وجدانی (۱۳۹۸) عنوان می‌کند که تولید فکر اسلامی منجر به ایجاد فلسفه تربیتی مناسب و همسو با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی شده و این فلسفه می‌تواند از دو حوزه سخت‌افزار تمدن اسلامی و نرم‌افزار ایجاد تمدن نوین اسلامی پشتیبانی نماید. براساس یافته‌های وی، فلسفه تربیتی همسو و مناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بنا بر چهار عنصر اقدامات زمینه‌ساز، اهداف تربیت، رویکرد تربیتی و تشخیص ابعاد تربیت، می‌تواند در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین باشد.

محمدی پویا و ترکاشوند (۱۳۹۹)، با بررسی مؤلفه‌ها و عناصر تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری (حفظه‌الله‌تعالی) ضمن شناسایی معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ، باعنوان مؤلفه‌های سازنده تمدن نوین اسلامی، نقش نظام تعلیم و تربیت را نقش زمینه‌ساز دانسته و آن را به نقل از باقری (۱۳۸۴)، به‌صورت «نوعی تربیت که اهداف و برنامه‌های آن باید با کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی و معنوی جامعه مشخص شود و مراحل اجرایی آن

قدم به قدم پیش رود تا برای تربیت شونده‌گان سودمند باشد، تعریف می‌کنند و تأکید می‌کنند که تربیت زمینه‌ساز با مجموعه اقداماتی که نشئت گرفته از اسناد تحولی و بالادستی نظام آموزشی کشور است، شرایط را برای تحقق مؤلفه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی در فراگیران، مهیا می‌سازد. با این حال، به نظر می‌رسد که نقش زمینه‌سازی برای تربیت در محقق ساختن تمدن نوین اسلامی، نقشی حداقلی برای نظام تعلیم و تربیت (با ویژگی‌هایی که اعم از کارکردها و فرآیندها برای آن ذکر شد و نیز ویژگی‌هایی که امام خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی) برای حلقه‌های میانی بیان کردند) باشد. از سوی دیگر، سمسار، سمسار و کریمی (۱۳۹۴)، به مطالعه ویژگی‌های حرکتی تمدن نوین اسلامی و اثر این ویژگی‌ها بر جریان تمدن‌سازی پرداخته‌اند. در این مطالعه، آرمان‌گرایی، پابندی به اصول، روحیه اصلاح‌گری، مردمی بودن، نوگرایی، انعطاف‌پذیری، خرد جمعی، تأثیر و تأثر جهانی و درنهایت، جایگاه رهبری، از جمله ویژگی‌های حرکتی تمدن نوین اسلامی شناسایی شد که هر کدام به ترتیب با ایجاد «حرکت رو به مقصود»، «حرکت در حریم حدود»، روان‌کنندگی حرکت»، «درون‌زایی حرکت»، «روندگی همه‌جانبه حرکت»، «انعطاف‌پذیری حرکت»، «جهت‌گیری برآیندی حرکت»، «پیوستگی حرکت» و «حرکت هدایت‌شونده» بر جریان تمدن‌سازی اثرگذار هستند. از نظر این محققان، درون‌زایی، روندگی، جهت‌گیری برآیندی، پیوستگی، انعطاف‌پذیری و اصلاح‌گری موجب تضمین سیال بودن جریان تمدن‌سازی و روبه مقصود بودن و تقید به حدود موجب تضمین تداوم جریان در بلندمدت و هدایت‌شوندگی نیز موجب تضمین رسیدن به مقصود می‌شوند. براساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین استنباط کرد که نظام تعلیم و تربیت کشور باید هم در ماهیت و هم در کارکرد، همجنس و همسرخ با ویژگی‌های حرکتی تمدن نوین اسلامی باشد. فرآیندی که از آن تحت عنوان تربیت تمدن‌ساز می‌توان نام برد. نبی‌زاده (۱۳۹۶)، ص ۹۹، در همین ارتباط، بیان می‌کند که جهت‌دستیابی به تمدن اسلامی، راهی جز عبور از علوم انسانی موجود و حرکت به سمت علوم انسانی- اسلامی وجود ندارد؛ یعنی ماهیت حوزه‌دانشی علوم انسانی به‌طور اعم و تعلیم و تربیت به‌طور اخص، باید هم‌جهت و هم‌جنس با افق تمدنی باشد که تحت ولایت رهبری جامعه، قصد دستیابی به آن را داریم. در این زمینه، عرسان کیلانی (۱۳۸۹، ص ۱۰۹) نیز معتقد است، فلسفه تربیتی اسلامی، باید فلسفه‌ای

تمدن‌زا و اصلاح‌طلب و جهانی باشد، به‌گونه‌ای که مسیر اصلاح و سازندگی ابناء بشر و رساندن ایشان به تعالی را فراهم سازد.

براساس مباحث فوق، برای ایجاد حرکت اجتماعی که منجر به ساخت درونی تمدنی بنا بر ارزش‌های اسلام باشد، لاجرم باید به نظامات تربیتی اعم از سخت‌افزاری (نهادی و ساختاری) و نرم‌افزاری (فلسفه و ایدئولوژی حاکم) توجه ویژه داشت. در سند مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران شامل شش زیرنظام اصلی راهبری و مدیریت تربیتی، برنامه درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، تأمین و تخصیص منابع مالی، تأمین فضا، تجهیزات و فن‌آوری و درنهایت پژوهش و ارزشیابی است. در سند فوق‌الذکر (۱۳۹۰، ص ۳۸۴)، راهنمایی و مشاوره، یکی از عوامل مؤثر در کیفیت زیرنظام برنامه درسی، تعیین و تبیین شده است. در تشریح اصول راهنمایی و مشاوره، خصیصه‌هایی نظیر موارد زیر باعنوان مطلوبیت‌های آن بیان شده است. الف) فرآیند یاددهی و یادگیری باید با نگاه مشاوره و راهنمایی سازمان یابد؛ ب) تنوع هویت ویژه متریبان (علائق، استعدادها و نیازهای فردی و اجتماعی)، انعطاف فزاینده در برنامه‌های درسی در مراحل تربیت را طلب نماید؛ ج) در راهنمایی و مشاوره باید هویت ویژه متریبان و تنوع فرهنگ‌ها، به‌ویژه نظام معیار اسلامی، مورد توجه قرار گیرد؛ د) انواع راهنمایی و مشاوره، شامل تحصیلی، تربیتی (سازشی) و شغلی باید در کانون توجه نظام تربیت رسمی و عمومی قرار گیرد؛ ه) تسهیل فرآیند دستیابی متریبان به مرتبه‌ای از حیات طیبه. باین‌حال، توجه به موضوع راهنمایی و مشاوره در مدارس و کلیت نظام تعلیم و تربیت در این سند بالادستی به‌شدت ضعیف و تقلیل‌گرایانه بوده و نیازمند بررسی و تبیین مجدد باعنوان خرده‌نظامی مستقل در دو حوزه راهنمایی و مشاوره برای دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت است. همچنان که تمسکی (۱۳۹۹)، مدل‌های راهنمایی را از الگوهای مشاوره در تبیین کشف مدل‌ها و الگوهای متناسب با اقتضائات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تفکیک کرده، بیان می‌دارد که «علم، ایمان و عمل شایسته»، «بینش و بصیرت»، «راهیابی به حقایق نهان»، «راهگشایی»، «داوری» و «راهنمایی معنوی» مدل‌های راهنمایی مناسب برای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستند. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰، ص ۳۶، ۳۷، ۵۱ و ۵۶)، افزایش سلامت روحی و جسمی متریبان در تمام سطوح، توانمندسازی

خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زاد، مشاوره دینی و اخلاقی و توجه به شرایط روحی متربیان، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره مبتنی بر مبانی اسلامی، جزو اهداف و کارکردهای خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره هستند که در قالب ۴ راهکار عملیاتی بیان شده‌اند.

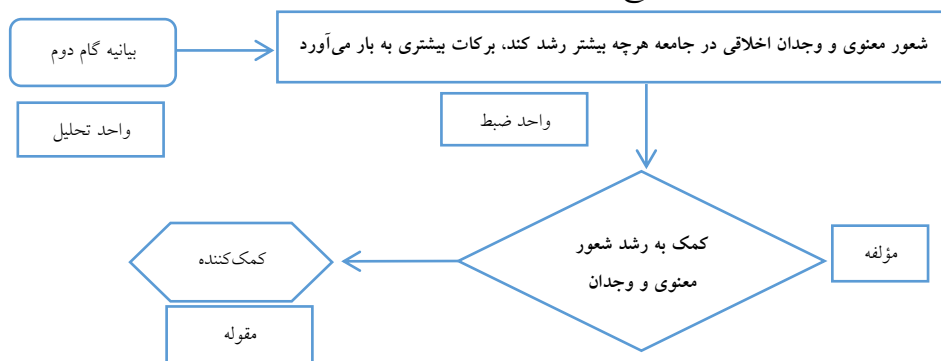
در سند نظام جامع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش (۱۴۰۰، ص ۲، ۵ و ۷)، این نظام به عنوان مجموعه‌ای از همه عناصر منظم، یکپارچه و تأثیرگذار برای ارتقاء کمی و کیفی فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره که براساس کارکردی هماهنگ و منطبق بر الگوهای مشاوره مبتنی بر فرهنگ اسلامی- ایرانی به توسعه و بهبود ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در تمامی سطوح و دوره‌های تحصیلی می‌پردازد، تعریف شده است و دارای جهت‌گیری فطرت‌گرایی توحیدی، رشدی، جامع، یکپارچه‌نگر و سیستمی است. از جمله ویژگی‌های نظام جامع راهنمایی و مشاوره آموزش و پرورش، می‌توان به ابتدای آن بر مبانی و ارزش‌های تربیت دینی و بومی، یافته‌های علمی و پژوهشی با تأکید بر فرهنگی اسلامی- ایرانی در ارائه خدمات به متربیان، توجه به نیازها و توانمندی‌های رشدی و جنسیتی مخاطبان، استفاده از ظرفیت مشاوران متخصص، توجه به خدمات مشاورتی، مشارکت‌جویی درون و برون‌سازمانی، بهره‌مندی از مشارکت بخش خصوصی اشاره کرد. با این حال، تدقیق در نظام جامع راهنمایی و مشاوره آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در رابطه با جامعه‌پردازی و حرکت تمدنی نظام تعلیم و تربیت کشور، خلاءهای جدی وجود داشته و در چشم‌انداز، رسالت و مأموریت خویش، به صورت تقلیل‌گرایانه، اثرات درون‌سیستمی را مورد تأکید قرار داده و در رابطه با تعاملات و اثرات برون‌سیستمی غفلت کرده است. برای مثال، تعاملاتی که نظام راهنمایی و مشاوره آموزش و پرورش می‌تواند با نظام سلامت و بهداشت کشور داشته باشد، در سند مذکور مورد بحث قرار نگرفته است؛ همچنین نقش و جایگاه این نظام در افق تمدنی انقلاب اسلامی، صرفاً به ابتدای آن بر سند فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و نحوه چنین ابتدایی مورد تبیین قرار نگرفته است؛ البته، با دقت در الگوهای راهنمایی و مشاوره موجود نیز این استنباط را می‌توان داشت که هر کدام از این الگوها، در راستای پاسخ به یک نیاز و یا مورد تأکید قرار دادن یک مؤلفه مهم در ارتباط با آموزش و پرورش و حول شخص‌متربی شکل گرفته‌اند و می‌توانند زمینه یک حرکت اختصاصی در جهت دادن به فعالیت‌های آموزش و پرورش و در جامعه‌پردازی نسل آینده

ایفای نقش بیشتری داشته باشند. مثلاً الگوی پارسونی، بیشتر بر راهنمایی شغلی و حرکت فرد در مسیر توانایی‌ها و امکانات خویش تأکید می‌ورزد و الگوی مشابه با آموزش و پرورش ضمن یکی فرض کردن فعالیت‌های راهنمایی با آموزش و پرورش بر کلیت زندگی فرد و توفیق متربی در این حوزه تأکید دارد یا الگوهای مبتنی بر رشد و راهنمایی با عنوان بازسازی اجتماعی فعالیت‌های راهنمایی را فراتر از عمل صرف آموزش‌های تخصصی در مدارس دانسته و بر آماده‌سازی متربیان برای وجوه مختلف رشد و زندگی خویش و تعاملات اجتماعی و ارزش‌های جامعه تأکید می‌کنند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۳۶). با دقت به مفاهیم و گزاره‌های کلیدی و تأکیدی الگوهای راهنمایی، متوجه می‌شویم که یک الگوی مطلوب از فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس، باید حائز ویژگی‌ها و خصائصی باشد که به صورت توأمان و هم‌آیندی، متضمن دستیابی به مطلوبیت‌های فردی متربیان، مطلوبیت‌های نهادی آموزش و پرورش و مطلوبیت‌های اجتماعی جامعه باشد؛ از این رو، توجه به مطالب فوق نشان می‌دهد که نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجاری و خاستگاه‌های تأثیرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی، اعم از وجوه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در زیرنظام‌های خودش، نیازمند بازسازی و ساخت درونی مجدد از حیث واجد خصائص مرتبط با تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی و نه جامعه‌پذیری است. با توجه به این موضوع، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی مطلوبیت‌های خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره نظام آموزش و پرورش در قالب شاخص‌های سازوار و هم‌سنگ (نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران) در افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است؛ به عبارت دیگر، مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره مدرسه برای تحقق تمدن نوین اسلامی خود باید حائز چه ویژگی‌ها و خصائصی باشد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای، از نظر رویکرد و نوع داده‌ها، کیفی و از نظر نوع و ماهیت پژوهش، توصیفی از نوع تحلیلی- استنباطی است. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه اسنادی است. ابزار پژوهش فیش‌برداری بود. نمونه مورد مطالعه برای احصاء شاخص‌های مطلوب نظام مورد مطالعه، تمام‌خوانی متن سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی صادرشده امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۲ است. برای احصاء شاخص‌های توصیفی- تفسیری

نیز از دیدگاه و نظرات ۴ نفر از متخصصان راهنمایی و مشاوره تحصیلی که سابقه کار و فعالیت در آموزش و پرورش داشتند، استفاده شد. پژوهشگر برای لحاظ کردن شاخص‌هایی نظیر اعتبار و پایایی یافته‌های کیفی و نیز عدم پراکندگی دیدگاه تفسیری متخصصان، از راهبرد تشکیل گروه کانونی استفاده کرد. برای تحلیل داده‌های به دست آمده از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این پژوهش، داده‌ها براساس خوانش دقیق و کامل متن بیانیه گام دوم احصاء شد. فرآیند کار به این صورت بود که ابتدا متن بیانیه خوانده شد؛ سپس هر بخش که مفهوم مرتبطی قابل استنباط بود، با عنوان واحد ضبط مشخص و علامت‌دار می‌شد. مؤلفه‌های استخراج شده از نظر همپوشانی، القای یک معنای متفاوت و مستقل، ارتباط با موضوع تحقیق، داشتن و قرار گرفتن در یک طبقه هم‌معنا مورد تحلیل قرار گرفته و در قالب مقوله‌های اصلی، طبقه‌بندی شدند. سپس تلاش شد تا براساس تأکیدیاتی که در بیانیه گام دوم انقلاب وجود داشت، روابط بین مقوله‌ها در قالب یک مدل و حول یک دال مرکزی تبیین شود. در مرحله بعد، به منظور شناسایی شاخص‌های توصیفی-تفسیری، گروه کانونی متشکل از چهار نفر از خبرگان مشاوره در مدارس، مؤلفه‌ها در جلسات مشترک، ارائه گردیدند و تلاش بر این بود تا شاخص‌های توصیف‌کننده و یا تفسیرکننده مؤلفه‌ها با بحث جمعی اعضاء شناسایی شوند. براین اساس، تحلیل محتوای به کاررفته در پژوهش حاضر، حائز چهار مرحله شد که عبارت بود از: الف) مشخص کردن واحدهای ضبط که مؤلفه‌ها از آن‌ها استنباط شده بودند؛ ب) استنباط مؤلفه‌ها؛ ج) طبقه‌بندی مؤلفه‌ها و شکل دادن به مقولات؛ د) شناسایی شاخص‌های توصیفی-تفسیری که همان‌گونه از عنوان مشخص است، بتوانند توصیف‌کننده و تفسیرکننده مؤلفه‌های استخراج شده باشند.



نمودار ۲. نحوه تحلیل داده‌ها

مرحله آخر نیاز به نظر تخصصی خبرگان مشاوره در آموزش و پرورش بود که با تشکیل گروه کانونی و دعوت از آنها برای حضور همزمان و بهرمندی از ایجاد مباحثه جمعی، صورت گرفت. مشخصات این افراد در جدول زیر آمده است. یک شاخص مهم در گزینش افراد نمونه، آگاهی و آشنایی آنها با اسناد بالادستی آموزش و پرورش کشور بود.

جدول ۱. شاخص‌های خبرگی اعضای گروه کانونی

ردیف	سنوات خدمتی	مقطع / رشته تحصیلی	فعالیت تخصصی
۱	۲۰ سال سابقه	کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی	تجربه انجام پروژه تحقیقاتی؛ تالیف کتاب؛
۲	۱۷ سال سابقه	دکتری مشاوره	تجربه انجام پروژه تحقیقاتی؛ چاپ مقاله؛ ترجمه کتاب؛
۳	۳۱ سال سابقه	کارشناسی مشاوره و راهنمایی	تجربه سندنویسی و فعالیت ستادی مرتبط؛
۴	۱۹ سال سابقه	کارشناسی مشاوره و راهنمایی	تجربه فعالیت ستادی؛ سندنویسی؛ اقدام- پژوهی

یافته‌های تحقیق

براساس انجام تحلیل محتوا در تمام متن بیانیه گام دوم مبتنی بر تفکر استقرائی و استنباط مؤلفه‌های مرتبط با نظام راهنمایی و مشاوره، ۲۶ مؤلفه شناسایی شدند. نتایج این تحلیل را می‌توان در جداول شماره ۱، مشاهده کرد.

جدول ۲. مؤلفه‌های مطلوب خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره در افق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	مؤلفه‌ها	شاخص‌های توصیفی- تفسیری (شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط شده)
همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را (ظرفیت‌های طبیعی و انسانی) فعال کنند.	پرورش انگیزه متریان	بالا بردن انگیزه تحصیلی، تعیین دورنمای مقاطع آموزشی متناسب با استعداد متریان، بالا بردن انگیزه حرفه‌ای، ارائه الگوهای حرفه‌گزینی و خلاقیت و نوآوری کارآفرینانه متریان و عناصر مرتبط با آنان (والدین و ...).

شاخص‌های توصیفی- تفسیری (شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط‌شده)	مؤلفه‌ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
<p>راهنمایی و هدایت متریان به مقاطع بالاتر تحصیلی از طریق ایجاد شوق به آینده برای فرآیند شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌های فردی؛ تأکید بر وجوه مثبت‌اندیشی متریان و عوامل اصلی مداخله‌گر در فرآیند تربیت (معلم، والدین و ...); تبیین صحیح نیازمندی‌های آینده میهن به استعدادهای خدادادی ایشان.</p>	<p>کمک به پرورش امید و تفکر مثبت متریان</p>	<p>اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. شما جوانان باید... در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید... این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.</p>
<p>ارج نهادن به کنجکاوی‌ها، پرسش‌گری‌ها و ایده‌های جدید و ناب متریان؛ آماده‌سازی و تمهید شرایط ارتقاء تحصیلی متریان قابل و شایسته به سطوح بالاتر علمی؛ خدمات راهنمایی و مشاوره ویژه مدارس استعدادهای درخشان و تیزهوشان برای افزایش سازگاری و رشد متناسب با استعداد متریان؛ تقویت و توسعه انگیزه متریان برای مشارکت در المپیادها و مسابقات علمی.</p>	<p>پرورش نسل پژوهنده و دوستدار دانش</p>	<p>دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود.</p>
<p>پرورش توان و روحیه مسئولیت‌پذیری از طریق ایجاد فعالیت‌های تیمی- جمعی؛ تعریف و تفویض مسئولیت‌های تربیتی به خود متریان؛ کمک به متریان در ایفای نقش‌های چندگانه و کسب موفقیت‌های پرورشی.</p>	<p>پرورش مسئولیت‌پذیری نسل آینده</p>	<p>ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.</p>

شاخص‌های توصیفی - تفسیری (شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط‌شده)	مؤلفه‌ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
معرفی و ترویج الگوها و اسوه‌های علمی مؤثر در رشد علمی کشور؛ معرفی شخصیت‌های علمی برجسته فارغ‌التحصیل شده از مدرسه؛ گرامی‌داشت رتبه‌های برتر علمی، گرامی‌داشت استعدادهای برتر تحصیلی و علمی.	کمک به تربیت علمی و تخصصی	سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید.
شناخت دقیق نیازمندی‌های آینده کشور در بهره‌مندی از رشته‌های علمی و تحصیلی؛ هدایت تحصیلی متریان به رشته‌های تحصیلی و علمی مورد نیاز آینده کشور؛ انجام درست و صحیح وظیفه توزیعی در راهنمایی و هدایت تحصیلی.	شناسایی حوزه‌های علمی اقتدارآفرین و تمدن‌ساز	ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم.
استعدادیابی تحصیلی و شغلی متریان؛ اقتناع و مجاب‌سازی خانواده متریان در زمینه رشد و شکوفایی استعدادها؛ کشف‌شده متریان؛ رغبت‌سنجی و علاقه‌مندسازی متریان در حوزه کارراه تحصیلی و شغلی، راهنمایی و هدایت تحصیلی مبتنی بر سنجش استعدادهای پایه (انواع هوش، توانایی‌های شناختی دیگر، شخصیت و...)	استعدادیابی متریان در جریان رستاخیز علمی	بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده
ارتباط دادن و اتصال نیاز کشور به اندیشمند و دانشمند به نیاز فردی متریان برای کسب دانش؛ تعریف و اعتباربخشی به وجهه عنوان دانشمند جوان؛ مشاوره به خانواده در زمینه تقویت روحیه دانش‌دوستی متریان.	ایجاد علاقه‌مندی به کسب دانش در متریان	ما به سوء استفاده از دانش، مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود، اصرار می‌ورزیم.

شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه (شاخص‌های توصیفی - تفسیری استنباط شده)	مؤلفه‌ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
<p>کمک به متریان در زمینه تبدیل شناخت و آگاهی (دانش) به رفتار؛ تسهیل و تمهید شرایط اصلاح رفتار؛ تسهیل و تمهید شرایط ایجاد رفتار؛ پالایش رفتار از رذایل اخلاقی؛ پایش رفتار اخلاقی؛ تمرکز و تمهید نشر و ترویج اصول معنویت در رفتار و شخصیت متریان؛ راهنمایی و مشاوره مبتنی بر ارزش‌های معنوی به متریان؛ استفاده از گزاره‌های معنوی حاصل از شناخت سنت‌های الهی در زندگی تحصیلی و علمی متریان؛ ارج نهادن و ارزش‌گذاری به شاخص‌های تربیت معنوی متریان.</p>	<p>تمرکز بر وجوه شخصیتی و رفتاری تربیت</p>	<p>حکومت‌ها نمی‌توانند آن را (اخلاق و معنویت) با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند.</p>
<p>راهنمایی و مشاوره به مثابه کمک به رشد مهارت تصمیم‌گیری اخلاقی متریان؛ تمهید ظهور و بروز رفتارها و منش معنوی متریان در سایه تربیت همه-جانبه؛ تقویت و تعمیق وجدان‌مندی متریان در افعال شخصی و اجتماعی‌شان؛ ارتقای توان و قابلیت هوش معنوی متریان در فرآیند تربیت معنوی؛ توجه و تمرکز بر رشد و توسعه ویژگی‌های اخلاقی متریان در ارتباطات بینافردی؛</p>	<p>کمک به رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی متریان</p>	<p>شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد.</p>
<p>رویکرد بودن راهنمایی و مشاوره ارزش‌گرا و فضیلت‌گرا در راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی متریان؛ انجام مشاوره تربیتی در جهت پالایش رذایل اخلاقی و تمهید ارزش‌های معنوی و اخلاقی در متریان.</p>	<p>کمک به تعلیم و تربیت ارزش‌گرا و فضیلت‌گرا</p>	<p>معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.</p>

شاخص‌های توصیفی - تفسیری (شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط‌شده)	مؤلفه‌ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
کمک نظام راهنمایی و مشاوره به افزایش اعتمادبه‌نفس متربیان و افزایش اعتمادبه‌نفس ملی جامعه؛ ایجاد شرایط و زمینه کسب موفقیت‌های علمی، تحصیلی و شخصی در جهت رشد و تقویت اعتمادبه‌نفس متربیان؛	بالا بردن اعتمادبه- نفس متربیان	اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است.
تشخیص و رفع انگاره‌های فرهنگی غلط در متربیان؛ اعتباربخشی به طرح‌واره‌های درست معنوی متربیان؛ ارزش‌زدایی و بی‌اعتبارسازی از معنویت‌های نوظهور و غلط؛ تشخیص و کمک به رفع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی متربیان؛ کمک به رشد و تقویت توان خانواده متربیان در مواجهه با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فرزندان.	معنویت‌محوری رویکردهای مشاوره و راهنمایی	دستگاه‌های مسئول حکومتی در- این‌باره (ستیز معقولانه با کانون‌های ضدمعنویت و اخلاق) وظایفی سنگین بر عهده دارند... و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حاکمیتی نیست. در دوره پیش رو باید در این‌باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.
جهت‌گیری راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی مشاوران مدارس از عناصر و شاخص‌های اصلی تربیت معنوی؛ کمک به تعمیق تربیت معنوی در عناصر و ارکان تربیتی مدرسه؛ جامع‌سازی پرونده تحصیلی متربیان از طریق در نظر گرفتن رشد تحصیلی، تربیتی، سلامت جسمی و روانی...	تربیت معنوی متربیان	معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.
ارج‌گذاری به هرگونه نوآوری متربیان؛ ترویج خلاقیت متربیان در زمینه اشتغال و تأسیس کسب و کار جزئی و محلی؛ کمک به متربیان برای تبدیل ایده و خلاقیت به روش درآمدی پایدار؛ آماده‌سازی متربیان مستعد و خلاق برای رشد و توسعه توانمندی‌های خویش؛ شناسایی متربیان خلاق و نوآور و راهنمایی تحصیلی و شغلی مناسب آنان.	پرورش خلاقیت و نوآوری	مولد شدن و دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور، بخش‌های مهم این راه‌حل‌های برون‌رفت از مشکلات است.

شاخص های توصیفی- تفسیری (شاخص های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط شده)	مؤلفه ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
آگاه سازی متریبان از چالش های حوزه اشتغال و کسب و کار؛ آگاه سازی متریبان از وضعیت آینده مشاغل و نیازمندی های جدید؛ تأکید بر حرفه یابی و حرفه آموزی موقت و نهایی متریبان.	تمرکز بر مهارت حرفه گزینی متریبان	نتیجه این ها (چالش های درونی اقتصادی ایران) مشکلات زندگی مردم از قبیل بی کاری جوان ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.
تلاش در جهت ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به همه متریبان، به ویژه متریبان در معرض آسیب؛ در- دسترس بودن خدمات راهنمایی و مشاوره برای همه متریبان در تمام نقاط جغرافیایی کشور، علی الخصوص نقاط محروم؛ ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به خانواده ها؛	تمرکز بر عدالت توزیعی در خدمات مشاوره و راهنمایی	عدالت در صدر هدف های اولیه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است... ولی به- صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده همه، به ویژه حاکمان و قدرتمندان، است.
شناسایی متریبان و خانواده های نیازمند حمایت و ارائه خدمات مددکاری اجتماعی به آنان؛ توانمندسازی روان شناختی خانواده ها و متریبان آسیب دیده از آسیب های اجتماعی؛ شناسایی متریبان با نیازهای خاص و ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره؛	مداخله، حمایت و توانمندسازی روان شناختی	غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست.
کمک به تعمیق ارزش های معنوی- اخلاقی در فرآیند تربیت متریبان؛ سازوار ساختن رویکردهای راهنمایی و مشاوره با ارزش های معنوی و اخلاقی؛ تعریف و تعیین شاخص های معنوی- اخلاقی نظام تعلیم و تربیت و محور قرار دادن ارزیابی معنوی- اخلاقی متریبان؛ تلاش و ممارست در تهیه پرونده تربیتی متریبان با تأکید بر ارزیابی شاخص های معنوی- اخلاقی در کنار سایر محورهای ارزیابی؛ هماهنگ سازی و تعامل سازنده با مربیان و معلمان و کادر مدرسه در جهت هم افزایی و اثربخشی اجرای رویکردهای تربیت معنوی- اخلاقی در	تربیت اخلاقی	همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و در این باره، از خداوند کمک بخواهند. مبارزه با فساد نیازمند انسان هایی با ایمان و جهادگر و منبع الطبع با دستانی پاک و دل هایی نورانی است. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظامها

شاخص‌های توصیفی - تفسیری (شاخص‌های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط‌شده)	مؤلفه‌ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
مدرسه؛		است و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است.
آشنا ساختن متریان با مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی؛ افزایش توان و مهارت متریان برای حضور مؤثر در اجتماع و ظهور و بروز استعدادها و قابلیت‌های فردی؛ افزایش توان و مهارت متریان برای اعلام نظر شخصی و دفاع از حقوق خود بدون اینکه به حقوق دیگران تعدی کنند.	مهارت ابزار وجود و عمل آگاهانه	آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است.
تلاش در جهت تغییر رویکرد نظام تعلیم و تربیت از حافظه‌محوری به تفکر محوری؛ ارج نهادن و تقویت ارائه نقد و نظر متریان؛ آشنا کردن متریان با انواع تفکر و روش‌های حلّ مسأله؛ کمک به ارتقاء و شکوفاسازی توانایی‌های شناختی متریان.	پرورش مهارت تفکر و اندیشه	آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است.
افزایش آگاهی و شناخت متریان از مهارت‌های تصمیم‌گیری و انتخاب (تحصیلی، شغلی، ازدواج و خانواده و...)؛ تقویت روحیه مسئولیت اجتماعی متریان در تصمیم‌گیری‌های برهه‌های زندگی تحصیلی؛ افزایش توان و مهارت متریان در مدیریت تعارض.	مهارت تصمیم‌گیری	آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است.
تمهید شرایط و زمینه بروز رفتارهای اقتدارگرایانه متریان در دفاع از حقوق مظلوم؛ کمک به تقویت روحیه ریسک‌پذیری در متریان؛ پاداش و تقویت اسوه‌های شجاعت در نسل نوجوان و جوان.	تمهید شجاعت و حکمت در تربیت متریان	اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید.
محترم شمردن نفس وجودی و شخصیت متریان؛ افزایش تمایلات خودارزش‌مندی متریان؛ افزایش آگاهی و دانش متریان از ارزش‌های شخصی و	پرورش عزت نفس متریان	صحنه جهانی امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند؛ ... گسترش

شاخص های توصیفی - تفسیری (شاخص های اعضای گروه کانونی در تفسیر مؤلفه استنباط شده)	مؤلفه ها	فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
وجودی خویش؛ افزایش بینش متریان از مقوله های عزت مندی خویش؛ کمک به افزایش روحیه استکبارستیزی و دشمن ستیزی متریان.		حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم.
کمک به تبیین آسیب های ناشی از ترویج و توسعه سبک زندگی غربی در نهاد خانواده؛ تقویت روحیه وطن دوستی و درونی سازی ارزش های فرهنگ بومی؛ کمک به کاهش آسیب های روانی متریان؛ آگاه سازی و افزایش دانش و بینش متریان از مؤلفه های سبک زندگی اسلامی.	مواجهه قوی با الگوی سبک زندگی غربی	مقابله با سبک زندگی غربی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد.
توجه و تمرکز به مؤلفه های تعیین کننده سبک زندگی اسلامی در مشاوره های فردی، خانوادگی تربیتی؛ کمک به ایمن سازی نهاد خانواده و متریان از آسیب های فرهنگی، اجتماعی و دینی و اخلاقی رواج سبک زندگی غربی؛ کمک به افزایش توان و مهارت مدیریت فن آوری های جدید حوزه رسانه و فضای مجازی والدین؛ ارزش زادایی از الگوهای سبک زندگی غربی.	توجه به ارزش های فرهنگی زیست بوم کشور در ساخت سبک زندگی	تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است.

بر اساس جدول فوق، نظام راهنمایی و مشاوره در افق تحقق تمدن نوین اسلامی حائز ۲۶ مؤلفه است که می توان آن ها را در ۶ مقوله پرورش دهنده انگیزه متریان، امید و تفکر مثبت متریان، نسل پژوهنده و دوستدار دانش، مسئولیت پذیری، عزت نفس متریان، بالا بردن اعتماد به نفس متریان، خلاقیت و نوآوری، مهارت تفکر و اندیشه؛ کمک کننده به تربیت علمی و تخصصی، رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی متریان، تعلیم و تربیت ارزش گرا و فضیلت گرا؛ شناساگر در حوزه های علمی اقتدار آفرین و تمدن ساز، استعدادیابی متریان؛ معنویت محوری در رویکردهای مشاوره و راهنمایی، تربیت معنوی متریان، تربیت اخلاقی؛ تمهیدگر شجاعت و

حکمت در تربیت متریان، علاقه‌مندی به کسب دانش در متریان، مواجهه قوی با الگوی سبک زندگی غربی، توجه به ارزش‌های فرهنگی زیست‌بوم کشور در ساخت سبک زندگی؛ ارائه‌دهنده خدمات تخصصی تمرکز بر مهارت حرفه‌گزینی متریان، تمرکز بر وجوه شخصیتی و رفتاری تربیت، تمرکز بر عدالت توزیعی در خدمات مشاوره و راهنمایی، حمایت و توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت ابزار وجود و عمل آگاهانه، مهارت تصمیم‌گیری؛ دسته‌بندی کرد.

جدول ۳. طبقه‌بندی مؤلفه‌های نظام راهنمایی و مشاوره مبتنی بر افق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

ردیف	مقوله	مؤلفه‌های استنباط‌شده از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۱	پرورش‌دهنده	انگیزه متریان، امید و تفکر مثبت متریان، نسل‌پژوهنده و دوستدار دانش، مسئولیت‌پذیری، عزت نفس متریان، بالا بردن اعتمادبه‌نفس متریان، خلاقیت و نوآوری، مهارت تفکر و اندیشه
۲	کمک‌کننده	تربیت علمی و تخصصی، رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی متریان، تعلیم و تربیت ارزش‌گرا و فضیلت‌گرا
۳	شناساگر (آینده‌سازی)	حوزه‌های علمی اقتدارآفرین و تمدن‌ساز، استعدادیابی متریان
۴	معنویت‌محور	رویکردهای مشاوره و راهنمایی، تربیت معنوی متریان، تربیت اخلاقی
۵	تمهیدگر	شجاعت و حکمت در تربیت متریان، علاقه‌مندی به کسب دانش در متریان، مواجهه قوی با الگوی سبک زندگی غربی، توجه به ارزش‌های فرهنگی زیست‌بوم کشور در ساخت سبک زندگی
۶	ارائه‌دهنده خدمات تخصصی	تمرکز بر مهارت حرفه‌گزینی متریان، تمرکز بر وجوه شخصیتی و رفتاری تربیت، تمرکز بر عدالت توزیعی در خدمات مشاوره و راهنمایی، مداخله، حمایت و توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت ابزار وجود و عمل آگاهانه، مهارت تصمیم‌گیری

بخشی از یافته‌ها که ارتباط مستقیمی در شناسایی شاخص‌های مطلوب نظام راهنمایی و مشاوره در سازمان آموزش و پرورش نداشتند، ولی متناسب با سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با عنوان ملزومات نهادی سازمان آموزش و پرورش ارزیابی شدند، تحت عنوان بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به نظام راهنمایی و مشاوره کدگذاری شدند که نتیجه این فرآیند نیز در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به نظام راهنمایی و مشاوره

فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	مؤلفه‌ها	شاخص‌های توصیفی - تفسیری
سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور و قابل مقایسه نبودن دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با ادوار گذشته؛ عدالت باید در کشور مانند گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست؛ عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که متعالی و بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است.	استقرار عدالت آموزشی	بهره‌مندی دانش‌آموزان از سهم مناسب خود در همه نقات کشور، به‌ویژه مناطق دوردست و کم‌برخوردار، صداوسیما در مقام یک نهاد اطلاع‌رسان در پر کردن خلأ ناشی از نبود امکان استفاده از آموزش نقش ایفا کند، تفاوت قائل نشدن بین دانش‌آموزان مناطق برخوردار و محروم یا کم‌برخوردار از امکانات آموزشی، بالا بردن کیفیت مدارس دولتی از لحاظ آموزشی و تربیتی. اما تبعیض در توزیع منابع عمومی... که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است.
ستیز به شیوه معقولانه با کانون‌ها و مراکزی که برضد معنویت و اخلاق در جامعه، تبلیغات منفی می‌کنند؛ از شاخص‌های تربیت معنوی و اخلاقی می‌توان به صف نوبت اساتید و دانشجویان مرد و زن برای مراسم اعتکاف، اردوهای جهادی، بسیج سازندگی و... اشاره کرد؛ معنویت به‌معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است؛ عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد؛	اولویت بودن تربیت جهادی، معنوی و اخلاقی	پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و رهایی از تعلقات مادی - منطقی و صحیح برای حرکت به سوی خدای یگانه، بار آوردن متربی بر اساس خصوصیات که اسلام برای انسان معتبر شمرده است، مثل متدین، دین‌باور، متخلق به اخلاق اسلامی و...، التزام به اصول و ارزش - های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری - های نوین، آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمزگردانی آنها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و هنر.
روشنگری میان عموم مردم در بیان و تبیین موضوعاتی چون جنایات غرب به‌ویژه آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها؛ دشمنان انقلاب با انگیزهای قوی، تحریف و	ترویج فرهنگ نخبه‌پروری و فرهیختگی	نخبگان و برجستگان مایلند یک میدان وسیعی باشد که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر در آن بتازند، یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز می‌شود؛

فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	مؤلفه‌ها	شاخص‌های توصیفی - تفسیری
دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند؛ رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید؛		یعنی مرئی‌گری. ریشه و پایه یکدیگر در آموزش و پرورش است، بنیاد ملی نخبگان باید نسبت به دانشگاه یک نگاه ستادی داشته باشد از آن طرف هم در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتماً بایستی در مجموعه کارهای دانشجویی وجود داشته باشد.
انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده...، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.	نهادینه شدن نظریه نظام انقلابی در کل بدنه تعلیم و تربیت	عدم فروکاست و عقب‌نشینی از شعائر انقلاب اسلامی و تلاش در جهت سازواری و تطور دائمی نظام تعلیم و تربیت کشور با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی از طریق غنی‌سازی فرهنگ سازمانی و سرمایه انسانی تعلیم و تربیت.
ما به سوءاستفاده از دانش، مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود، اصرار می‌ورزیم.	ساخت اجتماعی ملت دوست‌دار علم و دانش	جهت دادن و سوق دادن افراد جامعه به سمت مطالعه و دانش با برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی، به اشتراک‌گذاری علم و دانش و سهمین شدن افراد در آن، قرار دادن کتاب و مجلات در اماکن عمومی.
سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب شهیدانی، از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده است و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود، پیش رفته است.	گفتمان‌سازی جهاد علمی	پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌کند؛ اَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است، تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی، ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام
مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می-توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها، مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با	آموزش و- پرورش، حلقه میانی.	شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گرو تربیت افراد شایسته است که در دستگاه آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا می‌کنند. نقش آموزش و پرورش در رفتار

فرازهای متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	مؤلفه‌ها	شاخص‌های توصیفی-تفسیری
		و تکوین شخصیت دانش‌آموزان، بسیار با-اهمیت معرفی شده است.

براساس نتایج جدول شماره ۴، بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره، باید حائز مؤلفه‌هایی نظیر تأمین‌کننده و تضمین‌کننده عدالت آموزشی، اولویت بودن تربیت جهادی، اخلاقی و معنوی؛ تعمیق‌بخش و نهادینه‌ساز فرهنگ فرهیختگی و نخبه‌پروری، نظریه نظام انقلابی؛ جامعه‌پرداز ملت دوستدار دانش و علم؛ مروج و گفتمان‌ساز جهاد علمی؛ تبدیل‌کننده نهاد تعلیم و تربیت از مصداقی مانند مدرسه به یک حلقهٔ میانی اثرگذار و فعال بین حاکمیت و ملت؛ تبدیل شود؛ به عبارت دیگر، تأمین‌کنندگی و تضمین‌کنندگی، عمق‌بخشی و نهادینه‌سازی، جامعه‌پردازی، ترویج و توسعه‌دهندگی و نهایتاً تبدیل‌کنندگی پنج مقولهٔ مهم و اساسی است که سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور را برای تحقق افق تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، شکل می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های مطلوب نظام راهنمایی و مشاوره سازمان آموزش و پرورش در افق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود. بیانیه گام دوم انقلاب، چشم اندازی تمدنی است که ظرفیتی فکری و نرم‌افزاری را در جهان اسلام ترسیم می‌کند. سند راهبردی بیانیه گام دوم را می‌توان طلیعهٔ چشم‌اندازسازی از گفتمان متعالی انقلاب اسلامی برای آیندهٔ انقلاب و کشور و همچنین سرآغاز عملی شدن آرمان‌های اصیل انقلاب، پس از طی مراحل چون شکل‌گیری انقلاب، تأسیس نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعهٔ اسلامی و تمدن نوین اسلامی دانست. این پژوهش با محور قرار دادن سند بیانیه گام دوم انقلاب، با عنوان سند بالادستی و تعیین‌کننده، تلاش کرد تا ویژگی‌های نظام راهنمایی و مشاوره را احصاء، طبقه‌بندی و مدل‌سازی نماید. در این پژوهش، براساس روش تحلیلی-استنباطی تمام متن بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار گرفت. مجموعاً ۳۲ مؤلفه استخراج شد که ۲۶ مؤلفه مربوط به خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره شامل پرورش انگیزهٔ متریان، امید و تفکر مثبت متریان، نسل پژوهنده و دوستدار دانش، مسئولیت‌پذیری، عزت نفس متریان، بالابردن

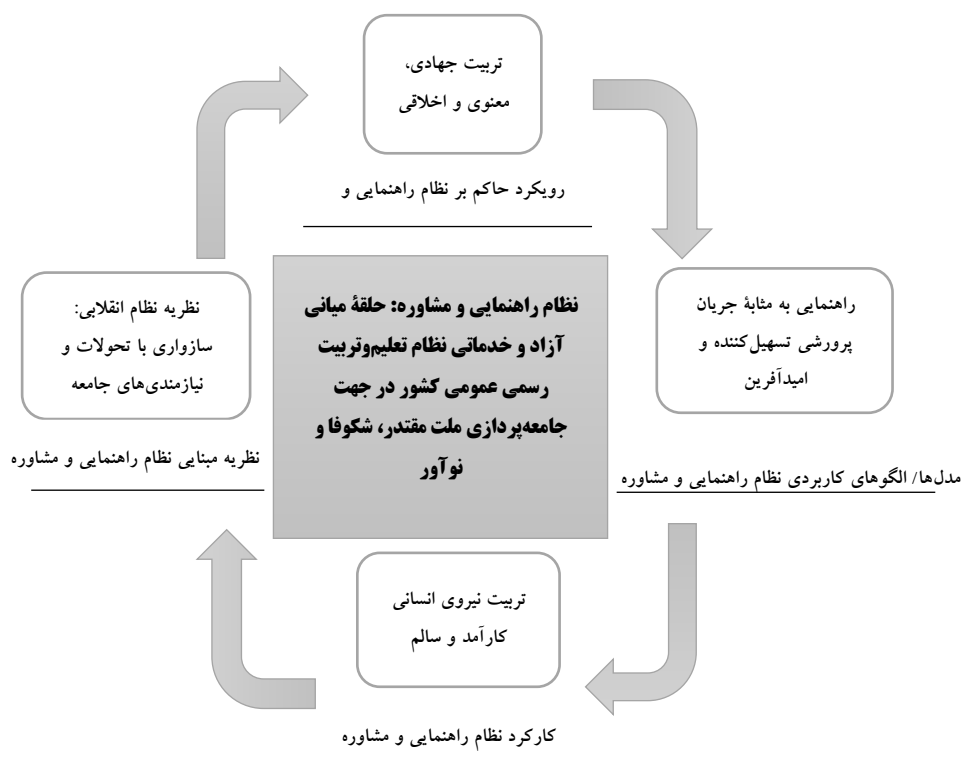
اعتماد به نفس متریان، خلاقیت و نوآوری، مهارت تفکر و اندیشه؛ کمک به تربیت علمی و تخصصی، رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی متریان، تعلیم و تربیت ارزش‌گرا و فضیلت‌گرا؛ شناسایی حوزه‌های علمی اقتدارآفرین و تمدن‌ساز، استعدادیابی متریان؛ معنویت‌محوری رویکردهای مشاوره و راهنمایی، تربیت معنوی متریان، تربیت اخلاقی؛ تمرکز بر مهارت حرفه‌گزینی متریان، تمرکز بر وجوه شخصیتی و رفتاری تربیت، تمرکز بر عدالت توزیعی در خدمات مشاوره و راهنمایی، حمایت و توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت ابزار وجود و عمل آگاهانه، مهارت تصمیم‌گیری؛ تمهید شجاعت و حکمت در تربیت متریان، علاقه‌مندی به کسب دانش در متریان، مواجهه قوی با الگوی سبک زندگی غربی، توجه به ارزش‌های فرهنگی زیست‌بوم کشور در ساخت سبک زندگی و در ۷ مؤلفه مربوط به بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده خردنظام راهنمایی و مشاوره شامل عدالت آموزشی، اولویت بودن تربیت جهادی، اخلاقی و معنوی؛ فرهنگ فرهیختگی و نخبه‌پروری، نظریه نظام انقلابی؛ ملت دوستدار دانش و علم؛ جهاد علمی؛ تبدیل نهاد تعلیم و تربیت به یک حلقه میانی بین حاکمیت و ملت؛ شناسایی شدند و برای هرکدام از این خصیصه‌ها، شاخص‌های توصیفی- تفسیری برگرفته از نظرات و دیدگاه‌های متخصصان (خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره) و بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده خردنظام راهنمایی و مشاوره)، تعیین شد. ۲۶ مؤلفه راهنمایی و مشاوره در مرتبه دوم تحلیل در قالب ۶ مقوله کلی پرورش‌دهنده، کمک‌کننده، شناساگر (آینده‌سازی)، معنویت‌محور، تمهیدگر و ارائه‌دهنده خدمات تخصصی و ۷ مؤلفه بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به نظام راهنمایی و مشاوره در قالب ۵ مقوله کلی تأمین‌کننده و تضمین‌کننده، تعمیق‌بخش و نهادینه‌ساز، جامعه‌پرداز، مروج و گفتمان‌ساز، تبدیل‌کننده طبقه‌بندی شدند.

ماهیت، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهبران آن (امام خمینی^(ره)) و امام خامنه‌ای (حفظه‌الله‌تعالی) و روح حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبین سیر حرکت تمدنی کشور به سوی تأسیس تمدن نوین اسلامی است و این موضوع، سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی ایران در همه حوزه‌های حکمرانی، امری مشخص و روشن است؛ بنابراین لازم است تا ماهیت و فرآیند نظام کلان سیاسی- اجتماعی کشور و به پیروی از آن زیرنظام‌های

حکمرانی و خرده‌نظام‌های وابسته با آن‌ها در خصائص و ویژگی‌های خود حائز و واجد شرایطی باشند که با سیر حرکت تمدنی انقلاب اسلامی هم‌خوان و هم‌سنخ باشند؛ به عبارت دیگر، تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند و مستلزم هماهنگ‌سازی‌ها، تناسب‌سازی‌ها و تأسیس فرآیندهای جدید بر اساس خصوصیات است که بتواند بنا بر جهت‌گیری تمدنی عمل نماید. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر از سنخ و جنس ویژگی‌ها و خصوصیات است که هم‌راستا با موضوع ایجاد یک حلقه واسط برای تمدن‌سازی است و به دلیل بدیع بودن کار نمی‌توان یافته‌ها را در تراز مقایسه با پژوهش‌های پیشین قرار داد. با این حال، نتایج این پژوهش هم‌افزا و هم‌سنخ با یافته‌های سمسار و دیگران (۱۳۹۴) و محمدی پویا و ترکشوند (۱۳۹۹) و همسو با مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰) و نیز نظام جامع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش (۱۴۰۰) است. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر انعکاسی از نیازها و شرایط جامعه حال حاضر ایران و نیل به پیشرفت در همه جنبه‌ها است؛ از این رو، موضوع شناسایی حوزه‌های دانشی اقتدارآفرین و هدایت تحصیلی متریبان مبتنی بر آن و یا جامعه‌پردازی ملت دوستدار علم و دانش و به دنبال آن نهادینه‌سازی فرهنگ فرهیختگی در تمامی سطوح و اقشار جامعه، تکلیف مهمی برای مشاوران و روان‌شناسان ایجاد می‌کند. مشاوران و روان‌شناسان مدرسه باید در پرورش نسل آینده، موضوع امیدآفرینی و مسئولیت‌پذیری درباره آینده کشور را مورد توجه قرار دهند و برنامه‌های متناسب را برای این منظور طرح‌ریزی نمایند.

مبتنی بر مؤلفه‌ها و مقولات استنباط شده، می‌توان چنین تبیین کرد که راهنمایی و مشاوره با عنوان خرده‌نظام مهم در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور در افق تمدنی انقلاب اسلامی، «یک جریان پرورشی، کمکی و معنویت‌افزا بوده که با شناسایی حوزه‌های علمی اقتدارآفرین و تمدن‌ساز از یک سو و شناخت استعداد‌های متریبان از سوی دیگر، در تلاش است تا با هدایت تحصیلی متوازن و متناسب متریبان، تحقق آینده تمدنی انقلاب اسلامی را تسهیل کرده و با ارائه خدمات تخصصی، زمینه رشد و شکوفایی استعداد‌های فطری متریبان و ساخت سبک زندگی معطوف به فرهنگ بومی آنان را تمهید نماید.» تعریف بیان‌شده مبتنی بر خصائصی است که بر ساخت درونی (ماهیت و چیستی‌شناسی) راهنمایی و مشاوره تمرکز دارد. با در نظر گرفتن تأکیداتی که امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

داشته‌اند، نظیر عمل جهادی، محور بودن ارزش‌های معنوی و اخلاقی، امیدآفرینی، نظریه نظام انقلابی، تربیت نیروی انسانی کارآمد و جامعه‌پردازی، می‌توان ساخت بیرونی راهنمایی و مشاوره را نیز (که بر نقش، جایگاه و کارکرد این خرده‌نظام تأکید دارد) مطابق با آنچه که در شکل شماره ۱ آمده است، تصویرسازی کرد:



شکل ۲. مطلوبیت نظام راهنمایی و مشاوره در افق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مطابق شکل فوق، نظام راهنمایی و مشاوره در تناسب و تناظر با مفاهیم تأکیدی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که ارتباط کلی و نه خاص با راهنمایی و مشاوره دارد، «حلقه‌ای واسط و میانی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور با جامعه شناخته می‌شود که در کارکرد خود خدمات‌محور و دارای آزادی عمل (ارتباط با متریان، خانواده‌ها، انجمن اولیا و مربیان، مراکز حمایتی و مددکاری اجتماعی، خیرین، ...) بوده و تلاشش در جهت ساخت گونه‌ای اجتماعی (جامعه‌پردازی) از ملت ایران با ویژگی‌هایی نظیر مقتدر،

شکوفای و نوآور است.» این نظام، براساس شاخص‌های مربوط به خصیصه‌های ساخت درونی خود با تحولات و نیازمندی‌های جامعه در افق تحقیقی تمدن نوین اسلامی سازوار شده و دارای کارکرد خواهد بود. از سوی دیگر، براساس اولی بودن تربیت جهادی، معنوی و اخلاقی در نظام تربیتی، این موضوع رویکردی حاکم در برنامه‌ها و فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره در نظر گرفته می‌شود که باید در تمام شئون مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به تعاملات و ارتباطات جدی و مؤثر، این خرده‌نظام با عوامل مؤثر بر تربیت متربیان (نظیر خانواده‌ها، انجمن‌ها، معلمان و عوامل اجرایی مدرسه و...)، تسهیل‌گری و امیدآفرینی، دو خصیصه اصلی راهنمایی و مشاوره در افق تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود که تضمین‌کننده تربیت نیروی انسانی کارآمد است. علاوه بر این، خصیصه‌های دیگری نیز براساس سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، شناسایی شدند که بنا بر نظرات گروه کانونی، تحت عنوان بایسته‌ها و سیاست‌های کلان و جهت‌دهنده به خرده‌نظام راهنمایی و مشاوره قرار گرفتند. که در جدول شماره ۴، نتایج آن گزارش شده است که برای تعیین شاخص‌های توصیفی-تفسیری آن به سخنان و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مراجعه شد. در پژوهش حاضر، به منظور کاربردی‌سازی نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تبیین مؤلفه‌های استنباط‌شده در عرصه عمل آموزش و پرورش، تلاش شد تا با تشکیل گروه کانونی از خبرگان حوزه راهنمایی و مشاوره برای هریک از مؤلفه‌ها، به‌دستی اعضای گروه کانونی، شاخص‌سازی به‌صورت توصیفی-تفسیری صورت گیرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، انطباق بین مؤلفه‌ها و مقوله‌های استخراج در این پژوهش با اسناد بالادستی نظام رسمی تعلیم و تربیت عمومی کشور، مورد مطالعه علمی قرار گیرد.

منابع

- تمسکی، محمدرضا (۱۳۹۹). "مدل‌های نظام راهنمایی مورد نیاز تحول بنیادین آموزش و پرورش". *نشریه علمی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۳-۱۷۲.
- سمسار، حامد و محمدصادق سمسار و صدیقه کریمی (۱۳۹۴). "مدل‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی به کمک شبکه‌سازی اجتماعی". *نشریه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۳(۲)، ۱۹-۶۲.

مطلوبیت‌های نظام راهنمایی و مشاوره نهاد آموزش ... / مرتضی کرمی و سعید اکبری ۱۶۷

شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شورای عالی آموزش و پرورش؛ وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران». تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شورای عالی آموزش و پرورش؛ وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). «سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران». تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۴۰۰). «نظام جامع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش».

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۹۹). «مقدمات راهنمایی و مشاوره». تهران: رشد.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای.

دلاور، علی (۱۳۸۸). «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی». تهران: رشد.

عربان کیلانی، ماجد (۱۳۸۹). «فلسفه تربیت اسلامی». ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی. تهران: سمت.

عصاره‌نژاد دزفولی، سینا و میثم فرخی (۱۳۹۹). «دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی، برگرفته از قول و سیره رضوی»، (۲۹)، ۸، ۱۹۳-۲۱۶.

مدور، معصومه؛ محسن فرمهبینی فراهانی و سعید بهشتی (۱۳۹۹). «بانی تربیت اخلاقی در نظریه انسان‌شناسی شهید مطهری^(ره)». نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۴۸)، ۲۸، ۳۰-۵.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره) (۱۳۸۹). «صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی^(ره) جلد ۱۵ و ۱۷». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).

محمدی پویا، فرامرز و سینا ترکاشوند (۱۳۹۹). «تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری». نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۴۶)، ۲۸، ۱۲۴-۱۰۳.

نبی‌زاده، محمد (۱۳۹۶). «تربیت تمدن‌ساز». تهران: نهضت پویا.

Abstracts

Benefits of the Guidance and Counseling Systems of the Education System based On the Civilization Horizon of the Statement of the Second step of the Islamic Revolution

Morteza Karami¹

Saeed Akbari²

Abstract

The statement of the second step of the Islamic Revolution is one of the most important policies and measures of Ayatollah Khamenei in moving forward with the Islamic Revolution, and the education system plays an important and essential role in realizing its horizon. Therefore, the aim of the current research was to identify the desirable indicators of the educational guidance and counseling system in the civilizational horizon of the declaration of the second step of the Islamic Revolution. The current research is a qualitative and descriptive research of an analytical and inferential type with the purpose of development. The method of data collection was documentary studies and the research tool was surveying. The studied example for calculating the indicators was reading the entire text of the second step statement document of the Islamic Revolution. For the calculation of descriptive-interpretive indicators, the point of view of 4 educational guidance and counseling specialists who had a history of working in education was used, and in the field of directional policies, Ayatollah Khamenei's statements were exemplified. The researchers used the content analysis method to analyze the data. In this research, based on the accurate and complete reading of the text of the statement of the second step, the data were counted and coded. In the first stage, the components were counted and in the second stage, the components were classified and the main categories were obtained. In the first stage, 33 components were identified, which were placed in two categories of indicators related to the guidance and counseling system and the requirements and guiding policies of the guidance and counseling system. In the second stage, the guidance and counseling system has six main categories of nurturer, helper, identifier (future-making), spirituality-oriented, preparer and provider of specialized services, and the requirements and policies of the guidance and counseling system in the form of five main categories of provider and They were classified as guaranteeing, deepening and institutionalizing, socializing, promoting and transforming discourse. The results of the present research in the field of developing the required models of education in order to respond to the needs of the country and the civilizational movement of the Islamic Revolution in the field of guidance and counseling, can be used by specialists and trustees of this sector of services.

Keywords: statement of the second step of the Islamic revolution, guidance and counseling system, educational policy, education and training system.

1. Assistant Professor of the Department of Counselling and Mental Health, University of Imam Hossein, Tehran, Iran (Corresponding Author). karamimorteza315@gmail.com

2. PhD student in Higher Educational Management, Tehran, Iran.

s.akbari1370@gmail.com

Presenting a Model of Gamification of Religious Education in Elementary School

Sahar Kargarkhosh¹
Zahra Taleb²
Zeinab Golzari³

Abstract

The current research was conducted with the aim of presenting a model of gamification of religious education in elementary school. The research method was a combination of two exploratory and sequential methods. The participants in this research in the qualitative part were 11 university experts and curriculum managers, and in the quantitative part, there were 2,284 assistants and educators of the 19 districts of Tehran. In the qualitative part, targeted sampling and based on the principle of saturation, and in the quantitative part using Cochran's formula, a sample size of 330 people was sampled by stratified random method. The data collection tool in the qualitative part was a semi-structured interview, and in the quantitative part, a closed questionnaire was developed based on the results of the qualitative part. Validity and reliability in the qualitative part were confirmed by checking the validity, transferability, trust and confirmation and calculating the stability and repeatability indices. In the quantitative part, construct validity and reliability were checked by calculating Cronbach's alpha. Data analysis was done in the qualitative part by thematic analysis based on Atride-Sterling approach and in the quantitative part, the first and second order factor analysis was done using structural equation modeling in the form of Lisrel software. The findings of the qualitative part showed that the gamification model of religious education has 35 basic themes and 6 organizing themes, including goals, sources of narration, axes of narration, game components, design and personalization. The few sections showed that the fit of the mentioned model is suitable. The results of the research show that gamification is a suitable tool to be used in the religious education of elementary school students, and based on the identified themes, it is possible to design a game in this direction.

Keywords: gamification, religious education, learning, elementary school.

-
1. Ph.D student of Curriculum Planning, Islamic Azad University, South Tehran branch, Tehran, Iran. saahaar_kargar@yahoo.com
 2. Assistant Professor of the Department of Curriculum Planning, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author). z-taleb@azad.ac.ir
 3. Assistant Professor of the Department of educational management, Islamic Azad University, South Tehran branch, Tehran, Iran. z_golzari@azad.ac.ir

The Effect of Educational Conduct of the Infallibles (AS) on the Responsibility and Attitude and Spiritual Ability of Students

Mahdi Abolghasemi¹
Kamal Nosrati Heshi²
Oomekolsoom Mirali Rostami³

Abstract

The aim of the study was to investigate the effect of educational conduct of the Prophet (PBUH) and the Imams (AS) on the responsibility and attitude and spiritual ability of high school male students. This research was conducted in a quasi-experimental method with two experimental and two control groups. The study population included all male high school students in Najafabad in the academic year 2022-2023 and four schools and one class from each school were selected by multi-stage cluster sampling method and 48 people in two experimental groups and 51 people in two control groups participated. To collect data, a multidimensional responsibility questionnaire based on Islamic texts and a spiritual outlook and spiritual ability questionnaire were used. The validity of these questionnaires was reviewed by subject experts and the reliability of the questionnaires was also reviewed and confirmed through Cronbach's alpha. Descriptive statistics and analysis of covariance were used to analyze the data. The findings showed that teaching the educational conduct of the Prophet and the Imams does not have a significant effect on one of the components of responsibility, such as responsibility towards nature. But it has a significant impact on the rest of the components of responsibility, such as responsibility to himself (meditation), society and God. Also, the implementation of the program in the experimental group had a significant effect on the spiritual outlook and spiritual ability of the students.

Keywords: the educational conduct of the Prophet (PBUH) and the Imams (AS), responsibility, spiritual outlook and spiritual ability, secondary high school students.

1. Assistant Professor of the Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O. BOX 14665-889, Tehran, Iran (Corresponding Author).

mah.abolghasemi@gmail.com

2. Assistant Professor of the Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O. BOX 14665-889, Tehran, Iran.

kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

3. MA in Educational planning, Farhangian University, P.O. BOX 14665-889, Tehran, Iran.

rostomekolsoomami@gmail.com

Model of Creating Positive Attitude to the Faithful Lifestyle in the Students of Lower Secondary Education

Ashraf Hamidi¹

Shadi Nafisi²

Mohsen Ehteshaminia³

Abstract

Providing a model of creating positive attitude to the faithful lifestyle in the students of Lower Secondary Education, was the overall goal of this research. The research is considered to be exploratory and applied in terms of purpose and qualitative in terms of data collection and the space prevailing over it, which was conducted based on the systematic approach of Strauss and Corbin in the grounded theory method. In the field of documentary studies, possible and available researches, studies, articles and related books, have been used purposefully. From among the experienced persons and experts in the field of education and training, a number by purposive, theoretical and snowball sampling were identified and selected. They based on the theoretical saturation point as the informant have participated in the research. A semi-structured and in-depth interview was used as a data collection tool. The interviews were analyzed during three stages of open, axial and selective coding. The required implicational conceptualization was done. As a result, 406 key sentences, 30 minor categories, 40 sub-major categories (dimensions) and 20 major categories were obtained and the model was presented. This research showed that if Person's attitude towards religion and faithful lifestyle is formed in a suitable way during the sensitive period of adolescence, in later age periods the probability of choosing this type of lifestyle and the level of adherence to it will be high. For this purpose, educational partners should be aligned and synergistic with Education Ministry in planning and activities in the process of religious education.

Keywords: change of attitude, creation of attitude, faithful lifestyle, lifestyle.

1. Ph.D student in Quran and Hadith, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. hamidi2018a@yahoo.com

2. Associate professor of the Department of Quran and Hadith, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author). shadinafisi@ut.ac.ir

3. Assistant professor of the Department of Quran and Hadith, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. m.ehteshaminia@yahoo.com

The Validation of the Conceptual Scale of Hayat Tayyaba based on Islamic Texts

Rahmatallah Marzoghi¹
Farzane Deimehkar Haghighi²

Abstract

The purpose of this research is to validate the conceptual scale of Hayat Tayyaba based on Islamic sources. The research approach was quantitative and the method used was descriptive-survey. The statistical population of the research consisted of all the faculty members of theology, education and Islamic education, doctoral students of theology and Islamic education, primary school and high school teachers of education department. 317 people were selected using simple random sampling method. The instrument used was a researcher-made questionnaire based on theoretical studies and research background and with a Likert scale. For its validity and reliability, content validity and Cronbach's alpha were used and analyzed by confirmatory factor analysis. Based on the results of the quantitative part, the conceptual scale of Hayat Tayyaba was confirmed by the research sample, and the results of the confirmatory factor analysis showed the significance of all the components of the conceptual scale.

Keywords: validation, Hayyat Tayyaba, Islamic texts, conceptual model.

1. Professor of the Department of Educational Administration and planning, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author). rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

2. Ph.D. in Curriculum, Shiraz University, Shiraz, Iran.

farzanedeimehkarhaghighi@gmail.com

Explanation of the Ways of Moral Education based on Mulla Sadra's Interpretations

Sara Tusian Khalil Abad¹

Saeed Beheshti²

Seyed Sadruddin Shariati³

Abolfazl Ghaffari⁴

Abstract

This article explain how to educate morally basaed on the interpretations of Molla sadra. The research was done with the method of comparative and inductive content analysis. The principles and methods of moral education are classified into two categories, negative and positive, referring to the two main stages of evacuation and discharge in transcendental moral education. Based on this, five principles and seven methods have been extracted in the negative part, and eight principles and six methods have been extracted in the positive part. The principles of the negative part are: The principles of the negative part are: refining the appearance, taking care of the actions, refining the soul, avoiding the love of the world and taking care of mental thoughts. The principles of the positive part also include: rationality, thinking, care in the path of acquiring knowledge, repetition, creating good properties, adjusting physical and emotional powers, paying attention to the difference in sizes and being selective in socializing. The negative methods are: austerity, asceticism, charity, avoiding bad company, answering doubts, avoiding inappropriate habits, and avoiding excesses. Positive methods also include: obeying Sharia, acting according to knowledge, proof, warning, creating good habits and being situational.

Keywords: principle & method, moral education, interpretation works of Mullasadra, transcendent philosophy.

1. Ph.D in philosophy of education, University of Allameh Tabatabaie, Tehran, Iran (Corresponding Author). saratusian@yahoo.com

2. Professor of the Department of Philosophy of Education, University of Allameh Tabatabaie, Tehran, Iran. beheshti@atu.ac.ir

3. Associate Professor of the Department of Philosophy of Education, University of Allameh Tabatabaie, Tehran, Iran. shariati@atu.ac.ir

4. Associate Professor of the Department of Philosophy of Education, University of Ferdowsi Mashhad, Mashhad, Iran. ghaffari@um.ac.ir

Contents

- ❖ **Explanation of the Ways of Moral Education based on Mulla Sadra's Interpretations..... 5-35**
Sara Tusian Khalil Abad
Saeed Beheshti
Seyed Sadruddin Shariati
Abolfazl Ghaffari
- ❖ **The Validation of the Conceptual Scale of Hayat Tayyaba based on Islamic Texts 37-50**
Rahmatallah Marzooghi
Farzane Deimehkar Haghghi
- ❖ **Model of Creating Positive Attitude to the Faithful Lifestyle in the Students of Lower Secondary Education 51-80**
Ashraf Hamidi
Shadi Nafisi
Mohsen Ehteshaminia
- ❖ **The Effect of Educational Conduct of the Infallibles (AS) on the Responsibility and Attitude and Spiritual Ability of Students 81-109**
Mahdi Abolghasemi
Kamal Nosrati Heshi
Oomekolsoom Mirali Rostami
- ❖ **Presenting a Model of Gamification of Religious Education in Elementary School 111- 139**
Sahar Kargarkhosh
Zahra Taleb
Zeinab Golzari
- ❖ **Benefits of the Guidance and Counseling Systems of the Education System based On the Civilization Horizon of the Statement of the Second step of the Islamic Revolution .. 141-167**
Morteza Karami
Saeed Akbari

Biannual Journal

Islamic Perspective on Educational Science

Vol. 11 / Fall 2023/ No. 22

Director-in-change: Imam Sadiq (P.) University, Girls' College

Managing Director: Dr. Nikoo Diyalameh

Editor-in-chief: Dr. Saeed Beheshti

Associate Editor: Dr. Nayyere Rahmani

Editorial Board:

Khadijeh Abolmaali, Professor of Educational Psychology, Azad University.

Jamileh Alam Al – Hoda, Associate Professor of Training and Educational Philosophy, Shahid Beheshti University.

Seyyed Hamid Reza Alavi, Professor of Training and Educational Philosophy, Shahid Bahonar University of Kerman.

Faezeh Azimzadeh Ardebili, Associate Professor of Quran and Hadith Science, Imam Sadiq University.

HasanAli Bakhtiar Nasr Abadi, Professor of Training and Educational Psychology, University of Isfahan.

Nikoo Diyalameh, Associate Professor of Theology and Islamic Sciences, Imam Sadiq(P.) University.

Masome Esmaeli, Professor of Psychology, Allameh Tabataba'i University.

Rahmatolah Marzooghi, Professor of Curriculum Studies, Shiraz University.

Zohre Moossazadeh, Associate Professor of Developmental Psychology and Educational Development, Imam Sadiq(P.) University.

Abbas Mossalae Pour, Associate Professor of Quran and Hadith Science, Imam Sadiq(P.) University.

AhmadReza Nasr Esfahani, Professor of Curriculum Studies, University of Isfahan.

Abdorrahim Nave Ebrahim, Professor of Education Management, Kharazmi University.

Manijeh Shahani Eylaghi, Professor Clinical Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz.

Contributing Advisors:

Amene Ahmadi, Arezo Asfa, Asghar Eftekhari, Mohsen Eimaninaeeni, Hasan Bashir, Mahin Chenari, Zohre Hajiha, Monir Haghkhah, Nikoo Diyalameh, Zeinab Rabbany, Shirin Rashidi, Seyyed Ahmad Rahnamaee, Mohamadsadegh Shojaei, Mohammadreza Shamshiri, Zahra Salehi Motaahed, Marzie Aali, Seyyed Hamidreza Alavi, Abolghasem Isamorad, Azam Ghiasisani, Alinaghi Faghihi, Neda Karimian, Sosan Keshavarz, Akram Ghodarzi, Tahere Mohseni, Marzie Mohases, Maryamsadat Mohaghegh, Zahra Mahmoodkelayeh, Sirous Mahmoodi, Khadije Moradi, Parasto Mesbahijamshid, Abbas Mosallaepoor, Zohreh Mousavikashi, Zohre Moosazadeh, Mohammadali Nadi, Mahmood Nowzari, Fatemeh Vojdani.

Executive Manager: Tahere Kiae

Editor: Elahe Vahidi

Editor English Translation: Dr. Samira Heidari

Email: esi@isu.ac.ir

Site: <https://esi.isu.ac.ir>

www: <https://isuw.ac.ir>

In The Name of God

**Quarterly Journal
Islamic Perspective on Educational
Science**

Women's Collage of the University of Imam Sadiq

Volume 11 / Fall 2023 / NO. 22

Address: Women's Collage of the University of Imam Sadiq, Shahid
Taherkhani, St. Farahzadi Boulevard. Shahrak Qudes,
Tehran, Islamic Republic of Iran

P.O. Box: 14655-111

Fax: 22065437 **Tel.:** 22094901-4

Email: esi@isu.ac.ir

<https://esi.isu.ac.ir>
[www. https://isuw.ac.ir](https://isuw.ac.ir)

Quarterly Journal

Islamic Perspective on Educational Science

Women's Collage of the University of Imam Sadiq/ Vol.11/ Fall 2023

No. 22

- **Explanation of the Ways of Moral Education based on Mulla Sadra's Interpretations** 5
Sara Tusian Khalil Abad, Saeed Beheshti, Seyed Sadruddin Shariati, Abolfazl Ghaffari

- **The Validation of the Conceptual Scale of Hayat Tayyaba based on Islamic Texts** 37
Rahmatallah Marzooghi, Farzane Deimehkar Haghighi

- **Model of Creating Positive Attitude to the Faithful Lifestyle in the Students of Lower Secondary Education** 51
Ashraf Hamidi, Shadi Nafisi, Mohsen Ehteshaminia

- **The Effect of Educational Conduct of the Infallibles (AS) on the Responsibility and Attitude and Spiritual Ability of Students** 81
Mahdi Abolghasemi, Kamal Nosrati Heshi, Oomekolsoom Mirali Rostami

- **Presenting a Model of Gamification of Religious Education in Elementary School**111
Sahar Kargarkhosh, Zahra Taleb, Zeinab Golzari

- **Benefits of the Guidance and Counseling Systems of the Education System based On the Civilization Horizon of the Statement of the Second step of the Islamic Revolution**141
Morteza Karami, Saeed Akbari